تحلیل حقوقی تعطیلی دسته‌جمعی اصناف وابسته به گروه‌های غیررسمی از منظر قوانین صنفی و امنیتی ایران

عنوان مقاله: تحلیل حقوقی تعطیلی دسته‌جمعی اصناف وابسته به گروه‌های غیررسمی از منظر قوانین صنفی و امنیتی ایران

چکیده: در این مقاله به بررسی ابعاد حقوقی تعطیلی مغازه‌ها و واحدهای صنفی توسط اعضای یک گروه یا اقلیت غیررسمی که پیش‌تر از سوی مراجع رسمی مانند دادستانی جمهوری اسلامی ایران غیرقانونی اعلام شده، می‌پردازیم. مقاله با تکیه بر مواد آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۸ قانون نظام صنفی، مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و همچنین رویه عملی نهادهایی چون پلیس اماکن، به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا تعطیلی زیر ۱۵ روز توسط چنین گروهی نیز می‌تواند دارای بار امنیتی باشد.

مقدمه: تعطیلی مغازه توسط افراد صنفی در نگاه اول موضوعی صرفاً صنفی و اقتصادی به شمار می‌رود، به‌ویژه اگر در بازه قانونی "کمتر از ۱۵ روز" باشد که طبق آیین‌نامه‌های مربوطه، نیازمند مجوز رسمی از اتحادیه نیست. اما این موضوع زمانی پیچیده می‌شود که تعطیلی‌ها ماهیت گروهی پیدا کند و آن گروه توسط مراجع قضایی قبلاً غیرقانونی و حتی ضد امنیتی اعلام شده باشد. آیا چنین اقدام ظاهراً صنفی می‌تواند ماهیت سیاسی یا امنیتی بیابد؟

۱. چارچوب قانونی تعطیلی موقت اصناف بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۸ قانون نظام صنفی:

تعطیلی مغازه تا سقف ۱۵ روز در سال، نیازی به اخذ مجوز ندارد.

اما تعطیلی بیش از ۱۵ روز مستلزم کسب موافقت کتبی از اتحادیه صنفی مربوطه است.

با این حال، تبصره‌هایی نیز در این آیین‌نامه وجود دارد که به احتمال اخلال در عرضه خدمات و کالا اشاره دارد، حتی در تعطیلی‌های کوتاه‌مدت. همچنین رفتارهای جمعی که منجر به اختلال در نظم بازار شود، قابل پیگرد از سوی اتحادیه یا نهادهای بالادستی است.

۲. ملاک غیرقانونی بودن تشکل‌ها از نظر دادستانی و آثار آن در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۸۷ برخی از تشکیلات مذهبی، سیاسی یا اجتماعی توسط دادستانی کل کشور، غیرقانونی اعلام شده‌اند. مطابق با مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی:

تشکیل هرگونه گروه یا جمعیتی با هدف برهم زدن امنیت کشور جرم است.

عضویت در چنین گروه‌هایی نیز جرم تلقی می‌شود.

بنابراین هر نوع فعالیت علنی و دسته‌جمعی از سوی اعضای چنین گروه‌هایی می‌تواند در چارچوب فعالیت مجرمانه بررسی شود، حتی اگر در ظاهر شکل صنفی، فرهنگی یا مذهبی داشته باشد.

۳. آیا تعطیلی دسته‌جمعی می‌تواند مصداق اقدام امنیتی باشد؟ بر اساس اظهارات رسمی پلیس اماکن در رسانه‌ها (سرهنگ خلیل هلالی – ۱۳۹۷):

"بازار تهران تعطیل نیست و پلیس با صنوفی که برای اخلال مغازه‌های خود را تعطیل کرده‌اند، بر اساس حکم

قضایی برخورد می‌کند... اگر فردی به منظور اخلال در نظام اقتصادی یک روز نیز مغازه خود را تعطیل کند، مرتکب جرم شده است.”

اگر تعطیلی مغازه‌ها توسط اعضای گروهی باشد که:

به صورت گسترده و هماهنگ انجام شود،

به بهانه‌ای مشترک یا تقویمی خاص متعلق به آن گروه انجام شود،

یا با هدف اعتراض، فشار اجتماعی یا نمادسازی سیاسی صورت گیرد،

می‌تواند از سوی نهادهای امنیتی یا قضایی به عنوان اقدام علیه امنیت اقتصادی و عمومی کشور تلقی شود، حتی اگر زیر ۱۵ روز باشد.

۴. تحلیل وضعیت اقلیت‌های غیررسمی در چنین مواردی طبق قانون اساسی ایران، اقلیت‌های دینی شناخته‌شده شامل زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان و اهل سنت هستند. اقلیت‌هایی که در قانون اساسی رسمیت ندارند، از حمایت‌های خاص برخوردار نیستند. بنابراین، اقدام هماهنگ این گروه‌ها—even اگر به صورت صنفی و محدود باشد—در صورت داشتن نشانه‌های هویت‌بخشی تشکیلاتی یا عقیدتی ممکن است به عنوان فعالیت تبلیغی غیرقانونی یا امنیتی تلقی شود.

همچنین، باید توجه داشت که تشخیص “ماهیت امنیتی” یک اقدام، در بسیاری موارد بر اساس نظر کارشناسی نهادهای امنیتی (وزارت اطلاعات، پلیس امنیت، سازمان اطلاعات سپاه) صورت می‌گیرد و لزوماً به تصمیم قاضی ختم نمی‌شود؛ بلکه ممکن است حتی بدون صدور حکم رسمی، اعمال محدودیت یا تهدیدهای غیرمستقیم صورت گیرد.

۵. نتیجه‌گیری: در نتیجه، اگرچه قانون صنفی اجازه تعطیلی تا ۱۵ روز را بدون مجوز می‌دهد، اما در شرایط خاصی که این اقدام توسط اعضای گروهی انجام شود که:

از سوی نظام قضایی قبلاً غیرقانونی اعلام شده‌اند، و

فعالیت‌شان حالت نمادین، اعتراضی یا سازمان‌یافته داشته باشد،

این تعطیلی می‌تواند واجد جنبه‌های امنیتی تلقی شده و تحت پیگرد قرار گیرد. به‌ویژه در صورتی که همزمانی، هماهنگی یا اعلام فراخوان داخلی از سوی تشکیلات مربوط وجود داشته باشد.

پیشنهاد عملی: افرادی که خواهان استفاده از حق تعطیلی صنفی هستند باید حتماً:

از انگیزه‌ها و نشانه‌های گروهی پرهیز کنند.

به شکل فردی و با دلایل شخصی (مانند بیماری، سفر، نیاز خانوادگی) اقدام نمایند.

در صورت لزوم، به اتحادیه مربوط اطلاع دهند تا از سوءتفاهم جلوگیری شود.

این ملاحظات می‌تواند از تداخل صنفی با مسائل امنیتی جلوگیری کرده و مسیر قانونی را برای فعالیت اقتصادی محفوظ نگه دارد.

افزودنی‌های درخواستی به متن مقاله اضافه شد، بدون حذف هیچ بخشی. اگر تمایل دارید، می‌توانم منابع حقوقی یا قضایی بیشتری مانند آرای دیوان عدالت اداری یا نظرات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه را نیز به بخش‌های مرتبط اضافه کنم. آیا این مورد را هم برایتان تهیه کنم؟

منبع: https://www.hassanershad.com/12796

تحلیل روایت‌های کشتار بهائیان از ازلیان در ابتدای دعوت بهاء الله – دکتر مقداد نبوی

با تشکر از دکتر مقداد نبوی که اجازه دادند این مطالب را در اختیار عزیزان قرار دهم

پیوست شماره‌ی ۴

تحلیل روایت‌های کشتار بهائیان از ازلیان در ابتدای دعوت بهاء الله

مقدمه

با آشکارشدن دعوت رجعت حسینی و من‌یظهره‌اللهی میرزا حسینعلی بهاء الله، گروهی از بزرگان بابیان او را برنتافته و به مخالفت با او روی آوردند. در این میان، برخی از ایشان کشته شده و از صحنه‌ی کارگزار ازلی ـ بهائی کنار گذاشته شدند. ازلیان آن قتل‌ها را به پای بهائیان گذاشته و دستور آنها را نیز از سوی بهاء الله دانسته‌اند. برخی از آن قتل‌ها از سوی بهائیان پذیرفته شده، اما دخالت بهاء الله در آنها همواره مورد انکار بهائیان بوده است. از آن روی که در کتاب تنبیه النائمین نیز از برخی از آن قتل‌ها سخن به میان آمده و بهاء الله آشکارا عامل‌شان خوانده شده، این پیوست در چاپ فعلی آن کتاب گنجانده شد تا نگاهی تحلیلی به روایات دو گروه داشته و تا جای ممکن بتواند به نتیجه‌گیری نزدیک شود.

مخالفان ازلی برجستهی میرزا حسینعلی بهاء الله

ادعای ازلیان ـ که میزان درستی آن باید سنجیده شود ـ آن است که نخستین پیروان بهاء الله اغلب از بابیان برجسته نبودند و بیشتر در میان طبقه‌ی ناآگاه آن طایفه جای داشتند. بهعنوان نمونه، میرزا محمّدحسین متولیباشی قمی ـ که از مخالفان مهم بهاء الله بود و در ادامه شناسانده شده ـ در نوشتهای پیروان بهاء الله را جمعی «خیاطباشی» و «دلاکباشی» و «رنگرزباشی» و «نجارباشی» نامیده و نوشته: «کم أذکر لکم من المؤمنین بباشیباشی؟» (چه تعداد از این مؤمنان [به میرزا حسینعلی] را برای شما با ویژگی «باشیباشی» یاد کنم؟)[۱] بدیعه مرآتی نوری نیز ـ که نوهی برادر بهاء الله بود ـ تعدادی از بزرگان ازلی را یاد کرده و سپس به بهائیان طعن زده و نوشته که در برابر این بزرگان، «باشیها مانند دلاکباشی و سقاباشی و صابونچی» به بهاء الله پیوستند.[۲] در میان بابیان برجستهای که به مخالفت جدی با بهاء الله پرداختند، این کسان را میتوان نام برد:

حاج سیّد محمّد اصفهانی (د. ۱۲۸۸ ق.)

این شخص در میان برجستهترین بابیان در زمان رهبری صبح ازل جای داشت[۳] و به روایت بهائیان، «اولین پناه ازلیّه» بود.[۴] وی ـ که از طرف صبح ازل شهید بیان در بغداد و کربلا قرار داده شده بود[۵] ـ پش از بروز دعوت جدید بهاء الله بهشدت به وی بدبین بود[۶] و پس از آشکارشدن دعوتش نیز در جرگهی مخالفان بزرگ او

قرار گرفت. این مخالفت تا آنجا بود که بهاء الله در آثار خود مدعی شد که وی سبب‌ساز مخالفت صبح ازل بوده است.[۷] روایت ازلیان و از جمله فراهم‌آورندگان کتاب تنبیه النائمین[۸] آن است که بهاء الله پیش از آشکارکردن دعوت خود ـ چون هنوز پایه‌های کار را محکم نکرده بود ـ تا جایی که میتوانست او را محترم می‌داشت اما پس از محکم‌کردن پایه‌های دعوت خویش، ناراحتی درونی خود را از او آشکار کرد.[۹] حاج سیّد محمّد اصفهانی در آثار رهبران بهائی با عنوان‌هایی چون «سامری»،[۱۰] «خبیث»،[۱۱] «لئیم»[۱۲] و ... یاد شده و جایگاهش در «أسفل الجحیم» دانسته شده است.[۱۳] او رساله‌ای نیز در رد دعوت بهاء الله نگاشت.[۱۴]

میرزا محمّدهادی قزوینی

این شخص به‌روایت بهائیان از هجده‌نفر پیروان نخستین باب (حروف حی) بود[۱۵] و در زمان اقامت مخفی صبح ازل در بغداد از سوی او در میان شهداء بیان قرار داده شد[۱۶] و سرپرستی بابیان قزوین را به‌عهده گرفت. به روایت ازلیان و از جمله فراهم‌آورندگان کتاب تنبیه النائمین،[۱۷] بهاء الله پیش از محکم‌کردن پایه‌های کار خویش، همواره احترام قزوینی را در نظر داشت[۱۸] اما او چون از تکاپوهای مخفی بهاء الله تا اندازه‌ای آگاه شده بود، به وی بدبین بود و گاه اعتراض خویش را نشان می‌داد.[۱۹] با این حال، بهاء الله وقتی دعوت خویش را آشکار کرد و با مخالفت قزوینی روبرو شد، با القاب سختی یادش کرد.[۲۰]

ملا محمّدجعفر نراقی (د. ۱۲۸۶ ق.)

این شخص نیز ـ که پدر شیخ محمّدمهدی شریف کاشانی (از فراهم‌آورندگان تنبیه النائمین) است ـ یکی از برجسته‌ترین بابیان در زمان اقامت مخفی صبح ازل در بغداد بود و از سوی او، به‌عنوان شهید بیان در کاشان برگزیده شده بود.[۲۱] نراقی از همان سال‌های نخستین اقامت صبح ازل در بغداد به بهاء الله بدبین شده و به او معترض بود. بهاء الله نیز تا جایی که میتوانست احترام وی را نگاه میداشت تا با مخالفتش روبه‌رو نشود.[۲۲] پس از آشکارشدن دعوت بهاء الله، نراقی با تمام توان به مخالفت با او پرداخت و کتابی با نام تذکره الغافلین در رد دعوت او نگاشت.[۲۳] بهاء الله نیز او را ـ چون لنگی محسوسی داشت ـ «اعرج» نامید.[۲۴] ازلیان کتاب نراقی را یکی از مهمترین آثار نگاشته‌شده‌ی خود در برابر بهاء الله یاد کرده‌اند.[۲۵]

میرزا محمّدحسین متولیباشی قمی

این شخص ـ که پیش از این یاد شد ـ یکی از بزرگان بابیان بود که به‌روایت یکی از هم‌کیشانش مورد توجه باب قرار داشت.[۲۶] متولی‌باشی قمی از همان زمان تکاپوهای مخفی بهاء الله برای زمینه‌چینی دعوت جدیدش در زمره‌ی مخالفان او بود[۲۷] و این مخالفت را پس از آشکارشدن دعوت جدید نیز پی‌گرفت. میرزا موسی (برادر بهاء الله) نامه‌ای به وی نگاشت و به تعالیم بهاء الله دعوتش کرد. از او پاسخی به این نامه باقی مانده[۲۸] که ازلیان آن را در شمار آثار اشخاص وفادار به صبح ازل در رد دعوت بهاء الله یاد کرده‌اند.[۲۹]

ملا رجبعلی قهیر (د. ۱۲۸۶ ق.)

به روایت ازلیان، این شخص یکی از بابیان مورد توجه باب بود.[۳۰] گذشته از آن، برادر همسر دوم او نیز به شمار می‌آمد.[۳۱] همچنین، در زمان اقامت مخفی صبح ازل در بغداد در میان شهداء بیان قرار داده شد.[۳۲] او پس از آشکارشدن دعوت جدید بهاء الله، نخستین کسی بود که کتابی در رد وی نگاشت.[۳۳] نسخه‌ای از آن کتاب ـ که به‌خط میرزا مصطفی کاتب (از فراهم‌آورندگان کتاب تنبیه النائمین) است ـ از سوی ادوارد براون «کتاب ملا رجبعلی قهیر» نام گرفته و در مجموعه‌ی اسناد او نگهداری می‌شود.[۳۴]

ملا علی محمّد سراج (د. ۱۲۸۴ ق.)

این شخص نیز برادر همسر دوم باب بود و سپس از سوی صبح ازل در میان شهداء بیان قرار داده شد.[۳۵] او نیز پس از آشکارشدن دعوت بهاء الله رساله‌ای در ردش نگاشت.[۳۶] مکتوبی طولانی از بهاء الله در پاسخ پرسش‌های وی نیز در دست است.[۳۷]

عزیه خانم نوری (د. ۱۳۲۲ ق.)

درباره‌ی عزیه‌خانم ـ که خواهر صبح ازل و بهاء الله بود و از مخالفان مهم بهاء الله به‌شمار می‌آمد ـ در بخش «دیباچه‌ای بر تنبیه النائمین» به‌تفصیل گفت‌وگو شده است.

حاج میرزا هادی دولت آبادی (د. ۱۳۲۶ ق.)

این شخص در نسل پس از بابیان یادشده در بالا، بیش از همه مورد توجه صبح ازل قرار داشت و باید پس از درگذشت صبح ازل ریاست بابیان را در دست می‌گرفت، اما پیش از صبح ازل درگذشت.[۳۸] یکی از آثار دولت‌آبادی کتابی با نام فصل الکلام است[۳۹] که نسخه‌ی اصلش را برای بهاء الله فرستاد.[۴۰] او در این کتاب بر آن است تا تنها با بهره‌گیری از کتاب بیان فارسی (اثر مشهور باب) نشان دهد بهاء الله موعود باب و صاحب دین پس از آیین او نمی‌تواند باشد. دولت‌آبادی یکی از بابیانی بود که مورد غضب و نفرت زیاد بهاء الله قرار داشت و از سوی او با عنوان‌هایی چون «غافل»، «گِلپار»، «جوهر ضلال» و ... یاد میشد.[۴۱]

گذشته از کسان یادشده، ازلیانی چون حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (د. ۱۳۲۰ ق.)، میرزا مصطفی کاتب (د. ۱۳۳۹ ق.)، حاج میرزا احمد کرمانی (د. ۱۳۱۴ ق.)، میرزا آقاخان کرمانی (د. ۱۳۱۴ ق.)، شیخ احمد روحی (د. ۱۳۱۴ ق.)، شیخ مهدی بحرالعلوم کرمانی (د. ۱۳۳۶ ق.)، عبدالخالق سه‌دهی اصفهانی و ... نیز در سال‌های بعد آثاری در رد بهاء الله نگاشتند.

حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (از شهداء بیان) در کتاب تحریر العقلاء به نقد تفصیلی بهاء الله پرداخته است.[۴۲] میرزا مصطفی کاتب دو رساله در این زمینه نگاشته است.[۴۳] از حاج میرزا احمد کرمانی ـ چنان که گذشت ـ دو نوشته‌ی ردیه در پایان کتاب تنبیه النائمین جای داده شده است.[۴۴] میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی در کتاب هشت بهشت با ادبیاتی سخت به نقد بهاء الله پرداخته‌اند.[۴۵] عبدالخالق سه‌دهی اصفهانی وصیت‌نامه‌ی خود را

به نقدی طولانی بر بهاء الله مبدل کرده است.[۴۶] سیّد مهدی سرلتی هم ـ که پس از حاج میرزا هادی دولت‌آبادی بزرگ ازلیان اصفهان بود ـ مانند سه‌دهی است.[۴۷]

روایت ازلیان از کشته شدن برخی بزرگان بابی توسط بهائیان
فهرست کشته‌شدگان ازلی به روایت ازلیان

در منابع ازلی از کشته‌شدن جمعی از پیروان صبح ازل توسط بهائیان سخن گفته شده است. ازلیانی چون ملا محمّدجعفر نراقی (از بزرگ‌ترین شهداء بیان)،[۴۸] عزیه‌خانم (خواهر بهاء الله)،[۴۹] فاطمه‌خانم (همسر دوم باب)،[۵۰] حاج میرزا هادی دولت‌آبادی،[۵۱] میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی[۵۲] دستورهای کشتن را از جانب بهاء الله دانسته‌اند.

دولت‌آبادی فهرستی از بابیان کشته‌شده توسط بهائیان را بدین قرار آورده است: آقا ابوالقاسم کاشانی، میرزا محمّدرضا اصفهانی، ملا رجبعلی قهیر، ملا علیمحمّد سراج، حاج میرزا احمد کاشانی، میرزا بزرگ کرمانشاهی، سیّد اسماعیل زواره‌ای، سیّد علی عرب، حاج سیّد محمّد اصفهانی و آقاجان کجکلاه. وی سپس، ناصر عرب و محمّد مصطفی بغدادی را کشنده‌ی برخی از کسان یادشده دانسته و نوشته که آندو با دستور بهاء الله به آن قتلها دست زدند.[۵۳] روایت ازلیان آن است که برخی بهائیان میخواستند ملا محمّدجعفر نراقی (از شهداء بیان و مخالف سرسخت بهاء الله) و نیز پسرش، شیخ محمّدمهدی شریف کاشانی (بعدها: از فراهم‌آورندگان کتاب تنبیه النائمین) را بکشند اما موفق نشدند.[۵۴]

ردیه‌نویسی: سبب کشته‌شدن ردیه‌نویسان ازلی (به روایت ازلیان)

در میان نامبردگان بالا، حاج سیّد محمّد اصفهانی، ملا رجبعلی قهیر، ملا علیمحمّد سراج و ملا محمّدجعفر نراقی بابیان برجسته‌ای بودند که به مقاومت جدی با بهاء الله پرداختند و رساله‌هایی در رد دعوت او نگاشتند. ازلیان کشته‌شدن سراج (۱۲۸۴ ق.) و قهیر (۱۲۸۶ ق.) را بهسبب نگاشتن آن رساله‌ها یاد کرده و نوشته‌اند که سراج اندکی پس از نگاشتن رساله‌ی خود کشته شد.[۵۵] ایشان همچنین، ناصر عرب را ـ که در ادامه یاد شده ـ کشنده‌ی قهیر در کربلا یاد کرده و شخصی با نام عبدالکریم را کشنده‌ی سراج در بغداد گفته‌اند.[۵۶] همانگونه که در ادامه آمده، اصل ارتکاب به قتل اشخاص توسط این‌دو مورد تأیید بهائیان نیز هست. به روایت ایشان، ناصر عرب قاتل حاج میرزا احمد کاشانی و عبدالکریم ـ به‌احتمال ـ از قاتلان حاج سیّد محمّد اصفهانی بود.

ملا محمّدجعفر نراقی کتاب تذکره الغافلین را به‌سال ۱۲۸۴ ق. نگاشت[۵۷] با این حال، روایت ازلیان آن است که پیش از آشکاری دعوت بهاء الله که نراقی در بغداد زمزمه‌های آن را میشنید و به ردش میپرداخت، برخی اتباع بهاء الله به کشتن او روی آوردند ولی بهاء الله جلوگیری کرد و با این حال، نراقی و شریف کاشانی تا زمان خروج بهاء الله از بغداد (پایان سال ۱۲۷۹ ق.) از اتباع او نگران بودند.[۵۸]

روایت ازلیان از سبب کشته‌شدن دیگر مخالفان ازلی بهاء الله

به روایت حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، آقا ابوالقاسم کاشانی کسی بود که صبح ازل را از تکاپوهای مخفیانه‌ی بهاء الله بر ضدش آگاه کرد و در پی این آگاهی، صبح ازل به طرد بهاء الله روی آورد و او به کردستان رفت.[۵۹] میرزا محمّدرضا اصفهانی دایی حاج سیّد محمّد اصفهانی (از شهداء بیان) بود[۶۰] و در میان مخالفان بهاء الله از زمان پیش از دعوتش جای داشت.[۶۱] همسر دوم باب، کشته‌شدن او را به‌سبب دشمنی بهاء الله با حاج سیّد محمّد (خواهرزاده‌اش) یاد کرده و او را نخستین بابی کشته‌شده در بغداد به‌دست اتباع بهاء الله دانسته است.[۶۲] آن‌گونه که دولت‌آبادی نوشته، حاج میرزا احمد کاشانی پس از آشکارشدن دعوت جدید، در بغداد گروهی را از پیروی بهاء الله برگرداند و به‌همین دلیل کشته شد.[۶۳] میرزا بزرگ کرمانشاهی نیز از مخالفان بهاء الله از زمان پیش از دعوتش بود.[۶۴] دولت‌آبادی قتل او را به‌سبب بدگویی‌اش از بهاء الله یاد کرده است.[۶۵] او همچنین، مدعی است سیّد اسماعیل زواره‌ای را اتباع بهاء الله کشتند و بعد چنان وانمود کردند که او ـ چون نتوانسته بود عظمت امر بهاء الله را تحمل کند ـ خودکشی کرد.[۶۶] آقاجان کجکلاه نیز ـ همان‌گونه که خواهد آمد ـ از همراهان حاج سیّد محمّد اصفهانی بود که به‌سال ۱۲۸۸ ق. در عکا کشته شد.

روایت بهائیان از کشته شدن بابیان توسط اتباع بهاء الله

کشته‌شدن برخی از این کسان، گذشته از آثار ازلیان، در مکتوبات بهائیان نیز آمده است. ایشان بدین قرارند:

حاج سیّد محمّد اصفهانی و سه ازلی دیگر

زمانی که بهاء الله در ادرنه دعوت خود را به‌طور کامل آشکار کرد (اواخر سال ۱۲۸۳ ق.)،[۶۷] حاج سیّد محمّد اصفهانی ـ که پیشتر به‌عنوان یکی از شهداء بیان یاد شد ـ اصلی‌ترین مددکار صبح ازل بود.[۶۸] حدود دوسال بعد، هنگام تبعید بهاء الله و گروهی از پیروانش به عکا، با دستور حکومت عثمانی، او و سه‌تن از ازلیان (آقاجان‌بیگ کج‌کلاه، میرزا رضاقلی و برادرش، میرزا نصرالله تفرشی) نیز با ایشان همراه شدند. روایت ازلیان آن است که یکی از آن چهارنفر (میرزا نصرالله) پیش از حرکت به عکا به‌دستور بهاء الله مسموم و کشته شد.[۶۹] ایشان برآنند که در عکا گروهی از بهائیان و از جمله عباس افندی با دستور بهاء الله به منزل سه‌نفر دیگر رفته و همه را کشتند.[۷۰] ادعای ازلیان آن است که یکی از همسران صبح ازل (بدرجهان‌خانم) ـ که خواهر آن دو برادر تفرشی بود ـ در زمان کشتن ایشان حضور داشته و قتل حاج سیّد محمّد اصفهانی توسط عباس افندی را گزارش کرده است.[۷۱] (بهائیان به حضور بدرجهان‌خانم در آن زمان در عکا گواهی داده‌اند.)[۷۲] همسر دوم باب ـ که به‌دستور صبح ازل در بغداد به ازدواج حاج سیّد محمّد درآمده بود ـ مدعی است که دشمنی بهاء الله با حاج سیّد محمّد به‌سبب ناکامی‌اش در ازدواج با وی آغاز شد.[۷۳]

بهائیان کشته‌شدن این سه‌نفر به‌دست پیروان بهاء الله را پذیرفته‌اند با این تفاوت که عباس افندی را در میان ایشان یاد نکرده و نیز آن را برخلاف نظر بهاء الله دانسته‌اند. روایت ایشان آن است که چون حاج سیّد محمّد و همراهانش به آزار بهائیان عکا می‌پرداختند، صبر گروهی از بهائیان تمام شد و به کشتن ایشان اقدام کردند. به‌روایت اسدالله فاضل مازندرانی (نویسنده‌ی برجسته‌ی بهائی)، آن ازلیان ـ که در دشمنی با بهاء الله هیچ وسیله‌ای را فروگذار نکرده بودند ـ به‌سال ۱۲۸۸ ق. در عکا «به قهر الهی دچار و به‌دست هفت‌تن [از بهائیان] بدین اسامی: محمّدعلی

سلمانی اصفهانی، عبدالکریم خرّاط اصفهانی، آقا احمد کاشی و دو پسرش، حسن و حسین و نیز آقا حسین آشچی کاشی و محمّدجعفر یزدی هلاک شدند.»[۷۴] (پیش از این گذشت که به ادعای ازلیان، عبدالکریم ـ که به‌احتمال همین شخص است ـ در گذشته ملا علیمحمّد سراج را کشته بود.)

سیّد مهدی دهجی ـ که در زمان حیات بهاء الله از بزرگان بهائیان بود ـ نوشته که آن ازلیان دروغها و جسارتهایی از قول بهاء الله نسبت به رسولان الهی منتشر میکردند. برخی بهائیان به کشتن آنها مصمم شدند اما بهاء الله ایشان را مانع شد. با این حال، گروهی از ایشان به دستور بهاء الله عمل نکرده و آنان را کشتند.[۷۵] پس از کشته‌شدن ایشان، حکومت عکا گذشته از آن هفت‌نفر، اغلب اتباع بهاء الله را دستگیر کرد. بهاء الله و عباس افندی نیز سه‌شب را در زندان سر کردند[۷۶] اما مدتی بعد همگی آزاد شدند و در نتیجه، «هر خار و خسی در عکا از جلوی پای احباء برچیده و موانع و عوائق حاضره مرتفع گردید.»[۷۷]

حاج میرزا احمد کاشانی

حاج میرزا احمد کاشانی برادر یکی از بابیان معروف بهنام حاج میرزا جانی کاشانی ـ که برخی او را نویسنده‌ی نخستین تاریخ بابی (نقطه الکاف) میدانند[۷۸]ـ بود.[۷۹] بهائیان او را از مخالفان بهاء الله از زمان پیش از آشکاری دعوت جدید یاد کرده‌اند.[۸۰] به روایت ازلیان، زمانی که بهاء الله در ادرنه دعوت جدید خود را به‌طور کامل آشکار کرد، حاج میرزا احمد از سوی صبح ازل مأمور شد تا به بغداد بازگشته و بابیان را از گرویدن به بهاء الله مانع شود.[۸۱] پیش از این گذشت که وی توانست برخی را از پیروی بهاء الله بازگرداند. در میان ازلیان، شیخ محمّدمهدی شریف کاشانی (بعدها: از فراهم‌آورندگان کتاب تنبیه النائمین) ـ که اندک‌زمانی پیش از کشته‌شدن حاج میرزا احمد همراه او بود ـ چگونگی قتلش را به‌تفصیل نوشته و قاتل او را یکی از پیروان بهاء الله به‌نام ناصر عرب یاد کرده است. او نوشته که ناصر پیش از آن نیز چندتن را کشته بود.[۸۲] (دانسته شد که ازلیان مدعی بودند که ناصر عرب ملا رجبعلی قهیر را نیز کشت.) فاضل مازندرانی همین روایت را به‌اختصار آورده و از کشته‌شدن حاج میرزا احمد با گلوله‌ی «ناصر، جوان شجاع بغدادی» سخن گفته است. البته، وی کار کسانی چون ناصر را خودسرانه و بدون اذن بهاء الله یاد کرده است.[۸۳]

سیّد علی عرب

سیّد علی عرب از مدعیانی بود که پس از مرگ باب خود را صاحب مقام میدانست. به نظر میرسد که وی در زمان دعوت جدید بهاء الله در میان طرفداران صبح ازل جای داشته است. این از آن روست که به نوشته‌ی بهائیان، او آن زمان در تبریز «ادعای مقام ولایت و درجات معنویه و تصرفات باطنیه و کرامات و خوارق عادات و عمل اکسیر و قوه‌ی تسخیر ارواح نموده، جمعی را بفریفت» اما «ترویج بابیت و توهین بهائیت» میکرد. سه‌تن از مبلغان بهائی با او روبه‌رو شده و پس از بحث و گفتگو، از او خواستند تا به مباهله با ایشان تن در دهد. او نیز پذیرفت و آن مباهله صورت گرفت. به روایت بهائیان، «در نیمه‌شب دوم مباهله، سیّد در خانه‌اش ... در بستر خویش به دست انتقام مخنوق و هلاک شد.» دوستداران او آن سه بهائی را قاتل دانسته و به حکومت تبریز شکایت بردند. این

جریان در نهایت به کشتهشدن آن سه بهائی انجامید. یکی از آن سهتن میرزا مصطفی نراقی بود[۸۴] که در میان نخستین داعیان بهاء الله جای داشت.[۸۵]

با این حال، یکی از بهائیان برجسته، چگونگی قتل عرب را اینگونه نوشته: «در بین صحبت، نسبت به جمال مبارک، سیّد علی عرب بد می‌گوید؛ این سه‌نفر [از جمله میرزا مصطفی نراقی] پا شده، شال او را باز می‌کنند، به گردنش انداخته، خفه کرده، می‌روند.»[۸۶] مدتی پس از کشته‌شدن «میرزا مصطفی شهید نراقی»، میرزا آقاجان کاشانی (خادم الله: کاتب وحی بهاء الله) به‌دستور بهاء الله با همسر وی ازدواج کرد.[۸۷]

ازلیان، سیّد علی عرب را از نخستین پیروان باب یاد کرده و نوشتهاند که بهدست «بلاعمه» (بهائیان) کشته شد.[۸۸] ایشان همچنین، میرزا مصطفی نراقی و یکی دیگر از بهائیان را قاتل او دانسته‌اند.[۸۹] به روایت ایشان، پس از کشته‌شدن عرب، صبح ازل برایش زیارتنامهای نوشت و مقامش را بسیار ستود.[۹۰]

ارتکاب به خشونت و قتل توسط اتباع بهاء الله در بغداد، و واکنش او

در کتاب تنبیه النائمین دربارهی به‌تنگ‌آمدن «قاطبه‌ی اهالیِ» بغداد و «کلیه‌ی ولات دولت روم» از «شرارت و جهالت» برخی اتباع بهاء الله ـ که «غولان آدمکش» و «خون‌خواران انسان‌کش» یاد شده‌اند ـ سخن به میان آمده است.[۹۱] همچنین، به‌مناسبت یادکرد قتل‌های برخی اتباع بهاء الله و منسوب‌کردن آن قتل‌ها به او، گفته شده که آن مریدان «بعضی را روز روشن در میان بازار حراج با خنجر و قمه پاره‌پاره کردند.»[۹۲] ردپای درستی این دعوی را نیز در آثار بهائیان می‌توان یافت. در روایت ایشان، نمونه‌هایی از توهین و درشتی برخی اتباع بهاء الله در بغداد نسبت به دیگران و حتی کشتن ایشان، به‌سال‌های پیش از آشکاری دعوت جدید او، آمده است:

نمونه‌ی نخست آن است که یکی از «مشایخ اکراد شیعه» ـ که «عارف» اما «متعصب» بود و مورد وثوق و اطمینان کردها قرار داشت ـ «در غایت بغض و عناد به سب و لعن و دشنام و تحریک اراذل» بر ضد بابیان می‌پرداخت. او یکبار شخصی را برانگیخت تا هنگام عبور بهاء الله از مکانی عمومی به او توهین کند. بهاء الله نیز به یکی از بابیان دستور داد تا به تنبیه او بپردازد. آن بابی هم وی را «ضرب و تأدیب کامل کرد.»

خبر این واکنش به گوش آن کرد صاحبنفوذ رسید. او شخص بابی ضارب را نزد عموم عتاب کرد اما ضارب به او نیز حمله کرد و «بهنوع اکمل ضرب و تنبیه نمود.» او هم داد و فریاد کنان ـ در حالی که از جسارت بابیان و جرأت پیدا کردن ایشان سخن می‌گفت ـ نزد بهاء الله رفت. بهاء الله به او گفت که افرادی را میفرستد تا واقعه را بسنجند و سپس خود به تنبیه مقصر خواهد پرداخت.

شخص مضروب که از تصمیم استقلالی بهاء الله در تنبیه و عدم مراجعهی او به کنسول‌گری ایران ناراحت شده و آن را علامتی بر جسارت او میدانست، به کنسول‌گری رفت و شکایت کرد. از طرف کنسول‌گری کسی به خانهی بهاء الله آمد و موضوع را از چندتن از بابیان پرسید. ایشان نیز به او گفتند: «اگر متجاسرین ترک سوء ادب و بدگویی ننمایند، در سر جسر ـ که محل عبور عامه است ـ به جزایشان خواهند رسید تا موجب تنبیه دیگران شود!»

کنسولگری شخص صاحبنفوذ و نیز ضارب را دستگیر و زندانی کرد، اما بهاء الله ایشان را رها ساخت.[۹۳] این رویداد ذیل واقعات سال ۱۲۷۳ ق. (دهسال پیش از آشکاری کامل دعوت بهاء الله) ثبت شده و «آغاز هیجان و فتن در بغداد» نام گرفته است.[۹۴]

نمونهی دوم، ناصر عرب است که در روایات ازلیان و بهائیان بهعنوان کشندهی حاج میرزا احمد کاشانی یاد شده و در روایات ازلیان کشندهی ملا رجبعلی قهیر و بسیاری دیگر از مقتولان ازلی نیز گفته شده است. پیش از این گذشت که شریف کاشانی در شرح چگونگی کشتهشدن حاج میرزا احمد نوشته بود که ناصر عرب پیش از آن نیز کسانی را کشته بود. نمودی از درستی سخن او را در روایت بهائیان میتوان دید. گفتار ایشان آن است که یکی از نزدیکان برجستهی بهاء الله به «ناصر (جوان دلیر عرب)» دستور داد تا یکی از خدمتکاران بهاء الله را ـ که زمانی میخواست او را بکشد ـ از بغداد بیرون کند. ناصر در بازار او و یکی از همراهانش را یافت و «بهشدّت غیرت» یکی از آن دو را شمشیر زد و دیگری را با طپانچه کشت! پس از آن، به منزلی نزدیک خانهی بهاء الله رفت و شمشیرش را شست و سپس به طبقهی بالای آن خانه رفت و «به تناول خرما و صرف قلیان» مشغول شد. بهاء الله هم به مؤاخذهی ناصر نپرداخت. این رویداد، ذیل واقعات سال ۱۲۷۴ ق. (نهسال پیش از آشکاری کامل دعوت بهاء الله) آورده شده است.[۹۵]

نمونهی سوم، ضرب یکی از شیخیان با قمه توسط یکی از اتباع بهاء الله است. آن شخص شیخی که پیشتر مورد تبلیغ ضارب قرار گرفته بود، نزد عموم به بیادبی و بیاحترامی میپرداخت. البته باید گفت که بهاء الله به مؤاخذهی ضارب پرداخت. این رویداد ذیل واقعات سال ۱۲۷۵ ق. (هشتسال پیش از آشکاری کامل دعوت بهاء الله) آورده شده است.[۹۶]

نمونهی چهارم آن است که یکی از بابیان به یکی از زائران کربلا «سخنان نامناسبی» گفت. بهاء الله از کار او ناراحت شد و دستور داد تا بابیان پراکنده شوند. لذا گروهی از ایشان بغداد را ترک کردند. این رویداد ذیل واقعات سال ۱۲۷۵ ق. (هشتسال پیش از آشکاری کامل دعوت بهاء الله) آورده شده است.[۹۷]

نمونهی پنجم آن است که کنسولگری ایران در بغداد یکی از کاسبان بابی را به جرم ناسزاگویی به خریدارش ـ که شاهزادهخانمی ایرانی بود ـ دستگیر کرد. بهاء الله به بابیان دستور داد تا دکانهای خود را بازنکنند. سپس به کنسول ایران پیغام داد که اگر او را آزاد نکند، آنچه بر سرش آید خود سبب شده است!

کنسول چنان وحشت کرد که از بغداد به کاظمین رفت و اختیار را به شخصی دیگر داد و او نیز بابی زندانی را آزاد کرد. پس از این واقعه، کنسول به تهران نوشت که کار بابیان به جایی رسیده که یک مجرم را نمیتواند نگاه دارد. بعد از آن بود که حکم عزلش از تهران رسید. این رویداد ضمن واقعات سال ۱۲۷۹ ق. (سال آغاز آشکار اما محدود دعوت جدید بهاء الله و چهارسال پیش از آشکاری کامل دعوت او) آورده شده است.[۹۸]

بنابراین، دانسته میشود که ارتکاب به خشونت و حتی قتل و کشتن در میان اتباع بهاء الله از همان زمان اقامت در بغداد دیده میشده و گاه با حمایت او نیز همراه بوده است.

دخالت بهاء الله در کشتن بزرگان بابی

شرحی که فاضل مازندرانی از کشته‌شدن حاج سیّد محمّد اصفهانی و دو ازلی دیگر عکا آورده، چنین می‌نمایاند که پس از دچارشدن «آن سه‌نفر مُعرض» به «قهر و عذاب الهی»، بهاء الله گفت: «اعمال آنها به مقامی رسیده بود که هوا و تراب آنها را به امر رب الارباب اخذ نمود و دست انتقام حق آنها را هلاک کرد.»[۹۹] بهاء الله همچنین، در لوحی خطاب به سیّد مهدی دهجی چنین گفت:

... إنا نهینا الکل عن سفک الدماء. بذلک یشهد کل الألواح و کنت من العالِمین. قد بلغت الشقاوه إلی مقام نطق بغتةً قلم الأعلی بأعلی النداء بین الأرض و السماء بعد الذی سدّت علی وجهه أبواب اللقاء: «قد طالت الأعناق بالنفاق! بیّن أسیاف انتقامک یا مهلک العالمین!» فلما نزلت الآیات، اضطرب الأشیاء؛ لذا اخترنا زمام القهر بسلطان من عندنا و لکن رشح ما رشح و ظهر ما ظهر؛ قل لک الحمد یا من قبضه قدرتک زمام العالمین!

جمیع ناس را از این‌گونه امورات نهی نمودیم. بهقسمی نار شقاوت مشتعل که وارد شد آنچه وارد شد. در سنین معدودات، آن نفوس خبیثه را تحت رداء حفظ محفوظ داشتیم و معذلک، آرام نگرفته و در هر یوم ناری و فتنهای ظاهر. امر به مقامی رسید که از کل عزلت گرفته و ابواب معاشرت را سد نمودیم. قد أخذتهم زبانیه القهر و جعلهم عبره للعالمین. مارحم الرحمن تراب قبورهم! و این امر بغتةً واقع شده، اگر تفصیل را استماع نمائید، شهادت میدهید که دست قدرت حق اخذ نموده، دخلی به احدی نداشته و ندارد ....[۱۰۰]

بهاء الله در بخش عربی گفتار بالا بر آن است که دستور او عدم خونریزی است اما شقاوت آن ازلیان به‌اندازه‌ای بود که «قلم اعلی» پس از آن که هرگونه ملاقات با خود را ممنوع کرده بود، ناگهان با ندایی بلند بانگ برآورد که «نفاق به بالاترین درجه‌ی خود رسیده است؛ پس ای نابودکننده‌ی جهانیان! شمشیر انتقام خود را آشکار کن!» با این ندا بود که بهاء الله «زمام قهر» را با «سلطانی که نزد او بود» به دست گرفت ولی ظاهر شد آنچه ظاهر شد.

وی در قسمت فارسی گفتار خود، مضمون بخش عربی را تکرار کرده اما از ممنوع‌کردن ملاقات با خود و نه قلم اعلی سخن گفته است. سپس نوشته که آتش قهر آن کسان را فرا گرفت و عبرتی بر جهانیان قرارشان داد. در پایان نیز گفته که «دست قدرت حق» آنان را کشت نه کسی دیگر!

بهاء الله بعدها در گفتاری خطاب به صبح ازل چنین آورد که خداوند از حاج سیّد محمّد اصفهانی انتقام گرفت و او را کشت.[۱۰۱] عباس افندی (عبدالبهاء) درباره‌ی یکی دیگر از آن ازلیان کشته‌شده در عکا گفته که او جمعی را برانگیخته بود تا بهاء الله را بکشند اما هنگامی که «به غایت درجه‌ی جسارت رسیدند، خدا آنها را با ششتن به قتل آورد.»[۱۰۲]

گفتار نخست بهاء الله ـ که دارای دو بخش عربی و فارسی است ـ برای تحلیل این بخش کارگشاست. او در هردو بخش از نادرستی خونریزی سخن گفته و همچنین، افزایش بسیار زیاد نفاق آن ازلیان را یاد کرده است. در بخش عربی از عزلت «قلم اعلی» و در بخش فارسی از عزلت خود سخن گفته است. در بخش عربی از ندای بلند «قلم

اعلی» برای نابودی ایشان یاد کرده و نوشته که خود «زمام قهر» را برگزید ولی ظاهر شد آنچه ظاهر شد؛ و در بخش فارسی نیز از فروزش آتش قهر بر ایشان و کشتهشدنشان به «دست قدرت حق» سخن گفته نه کس دیگر!

باید دانست که در ادبیات بهاء الله و پیروانش «قلم اعلی» به گفتارها و نوشتههای او ـ که وحی آسمانی است ـ گفته میشود. بهعنوان نمونه، بهاء الله در یکی از آثار خود نوشته: «لعمر الله، اگر معدودی به آنچه حق اراده نموده عمل مینمودند، هر آینه انوار آثار قلم اعلی عالم را احاطه مینمود.»[۱۰۳] در ادامه نیز خداوند را چنین خطاب کرده: «إلهی إلهی! أیّد عبادک علی الرجوع إلیک و المشاهده فی آثار قلمک الأعلی بعینک.»[۱۰۴] همچنین، پیغامهای انذاری خود به حاج میرزا هادی دولتآبادی را «نصایح قلم اعلی» خوانده است: «هادی دولتآبادی را به نصایح مشفقانه و مواعظ حکیمانه نصیحت نمودیم که شاید از شمال وهم به یمین یقین توجه کند و از موهوم به شطر قیّوم اقبال نماید و به انوار حضرت معلوم فائز شود؛ نصایح قلم اعلی در صخرهی صمّا اثر ننمود و ثمری ظاهر نه.»[۱۰۵] بهائیان نیز مجموعهای از آثار بهاء الله را تحت عنوان کلی «آثار قلم اعلی» به چاپ رساندند. پیش از این نیز دیده شد که به روایت ایشان، لوح بهاء الله در پاسخ به ملا علیمحمّد سراج «از قلم اعلی نازل گشت.»[۱۰۶]

با این ترتیب، باید گفت که بهاء الله از دستور خود برای کشتن این کسان سخن گفته اما به نهی از قتل نیز پرداخته و نخواسته آشکار بنویسد. بر همین اساس است که سخنان دیگر او و نیز گفتار پسرش، عباس افندی (عبدالبهاء)، دربارهی کشتهشدن آن ازلیان بهدست خداوند نیز بر همین مسیر باید معنی شود.

در این میان، به سخن نویسندگان بهائی نیز باید توجه داشت. پیش از این گذشت که فاضل مازندرانی در شرح قتل ازلیان عکا نوشت که ایشان «به قهر الهی دچار» و بهدست چندتن از بهائیان کشته شدند.[۱۰۷] وی در بیان قتل حاج میرزا احمد کاشانی، هرچند از عدم دخالت بهاء الله سخن گفته، اما قاتل را «جوان شجاع» یاد کرده است.[۱۰۸]با توجه به آنچه از گفتار بهاء الله آمد، سخن این نویسندهی برجستهی بهائی نیز باید بر همان مسیر معنی شود.

در این میان، باید دانست که بهاء الله در سالهای بعد نیز به آن دستور خود یا مانند آن ـ که از «قلم اعلی نازل شد» ـ پرداخته اما «ظاهرش» را «مخالف امر جدید» دانسته است:

اگرچه در اول ایام از قلم اعلی نازل شد آنچه که ظاهرش مخالف امر جدید الهی است، از جمله امثال این فقرات نازل: «قد طالت الأعناق بالنفاق! أین أسیاف قدرتک یا قهّار العالمین؟»، و لکن مقصود از آن نزاع و فساد نبوده، بلکه مقصود اظهار مراتب ظلم ظالمین بوده و شقاوت مشرکین تا کل بدانند که ظلم فراعنهی ارض به مقامی رسیده که از قلم اعلی امثال این آیه نازل!

و حال، وصیت مینمائیم عباد الله را که از بعد ببعضی بیانات تمسک ننمایند و سبب ضر عباد نشوند! نصرت در این ظهور اعظم منحصر است به حکمت و بیان جند الله. اعمال طیبهی طاهره و اخلاق مقدسه مرضیه بوده و هست

و سردار این جنود تقوی الله. مکرر این بیان در صحف و کتب و الواح نازل: خذوا یا قوم ما أُمرتم به من لدی الله المهیمن القیّوم! إنّه یأمرکم بما یحفظکم و ینفعکم إنه هو الفضال الکریم.[۱۰۹]

نتیجه گیری

میرزا حسینعلی بهاء الله بهمدت دهسال در بغداد نقش واسطه میان بابیان و رهبر مخفیشدهشان، میرزا یحیی صبح ازل، را بر عهده داشت. وی در تمام این مدت به تکاپوهای مخفیانهای برای نشر دعوت جدید خود بهعنوان موعود باب و صاحب دین بعد از آیین او میپرداخت اما در ظاهر مطیع تام و تمام صبح ازل بود. پس از آن که او دعوت جدید خویش را آشکار کرد، برخی از بزرگان بابی به مخالفت پرداختند. در این میان، بعضی از ایشان توسط هواداران بهاء الله کشته شدند. به روایت ازلیان و بهائیان، آزار مخالفان و حتی کشتن ایشان در میان اتباع بهاء الله سابقه داشت. در این میان، طرفداران صبح ازل قتل مخالفان بهاء الله را بهدستور او دانستهاند اما بهائیان در آثار خود با این موضوع مخالفند. در گام نخست، با توجه به نقلهایی که هم ازلیان و هم بهائیان دربارهی کشتهشدن برخی از بزرگان ازلی آوردهاند، با احتمالی قریب به یقین باید پذیرفت که قتل دیگر بزرگان ازلی مخالف بهاء الله ـ که تنها توسط ازلیان گزارش شده ـ نیز کار بهائیان بوده است. در گام دوم، با تحلیل گفتار بهاء الله ـ که در واقع تنها فاصلهای بسیار اندک از صراحت و آشکارگویی دارد ـ باید پذیرفت که او بهواقع به کشتن ازلیان عکا دستور داده بود. بر همین اساس است که احتمال کشتهشدن دیگر ازلیان بهدستور او نیز قابل طرح است.

[۱]. میرزا محمّدحسین متولیباشی قمی، جواب جناب متولیباشی قمی به آمیرزا موسی، ص ۷.

[۲]. بدیعه مرآتی نوری، وقایع راستین تاکر نور، ص ۵۸.

[۳]. ملا محمدجعفر نراقی، تذکره الغافلین، ص ۲۴.

[۴]. [نویسندهای ناشناخته]، تاریخ امر، ص ۱۱۵.

[۵]. نک.: پیش از این، دیباچهای بر تنبیه النائمین، بخش «شناختی از عزیهخانم نوری»، ص ؟؟، پ ؟؟.

[۶]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۴، ص ۱۸۱.

[۷]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۱، ص ۱۵۱.

[۸]. نک.: پیش از این، جزء ثانی کتاب تنبیه النائمین، بخشهای «زمزمهی دوبارهی جناب میرزای ابوی در دعوت جدید»، ص ؟؟ و «خطاب جناب میرزای ابوی به حاج سیّد محمّد اصفهانی [(شهید بیان در بغداد و کربلا)]»، ص ؟؟.

[۹]. میرزا مصطفی کاتب، جواب لوح جناب عباس افندی، نسخهی مجموعهی ویلیام میلر، صص ۴۸ و ۴۹.

[۱۰]. گفتار میرزا حسینعلی بهاء الله مندرج در: اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۴، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

[۱۱]. گفتار میرزا حسینعلی بهاء الله مندرج در: عبدالحمید اشراق خاوری، مائده‌ی آسمانی، ج ۸، ص ۱۵۰.

[۱۲]. شوقی ربانی، توقیعات مبارکه (لوح قرن احباء شرق)، ص ۶۱.

[۱۳]. گفتار میرزا حسینعلی بهاء الله مندرج در: عبدالحمید اشراق خاوری، مائده‌ی آسمانی، ج ۸، ص ۱۵۰.

[۱۴]. نسخه‌ای از این رساله با شماره‌ی ۲۴۲ در مجموعه‌ی ویلیام میلر در کتابخانه‌ی دانشگاه پرینستون نگهداری می‌شود.

[۱۵]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۳، صص ۳۰۴ تا ۳۰۶.

[۱۶]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۵، صص ۲۵۱ و ۳۱۲.

[۱۷]. نک.: پیش از این، جزء ثانی کتاب تنبیه النائمین، بخش‌های «زمزمه‌ی دوباره‌ی جناب میرزای ابوی در دعوت جدید»، ص ؟؟؛ «نتیجه‌گیری از گفتارهای جناب میرزای ابوی در بزرگداشت مقام صبح ازل»، ص ؟؟ و «عریضه‌ی عبودیت جناب میرزای ابوی به صبح ازل»، ص ؟؟.

[۱۸]. حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، فصل الکلام، ص ۴۸.

[۱۹]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۵، صص ۲۵۱ و ۳۱۲.

[۲۰]. پیشین ج ۵، ص ۲۵۲.

[۲۱]. سیّد مهدی دهجی، رساله، ص ۶۱.

[۲۲]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۵، صص ۳۱۲ تا ۳۴۴.

[۲۳]. نسخه‌ای از این کتاب ـ که در این پژوهش نیز مورد استناد قرار گرفته ـ با شماره‌ی F.63(9) در مجموعه‌ی ادوارد براون در کتابخانه‌ی دانشگاه کیمبریج نگهداری می‌شود.

[۲۴]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۱، ص ۱۵۰.

[۲۵]. [ناصر دولت‌آبادی]، مقدمه‌ی نسخه‌ی چاپی تنبیه النائمین، ص ۳.

[۲۶]. ملا محمّدجعفر نراقی، تذکره الغافلین، ص ۲۴.

[۲۷]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۴، ص ۱۸۱.

[۲۸]. نسخه‌ای از این نوشته ـ که در پژوهش حاضر نیز مورد استناد قرار گرفته ـ ضمن کتابچه‌ی F.25 در مجموعه‌ی ادوارد براون در کتابخانه‌ی دانشگاه کیمبریج نگهداری میشود.

[۲۹]. [ناصر دولت‌آبادی]، مقدمه‌ی نسخه‌ی چاپی تنبیه النائمین، ص ۴.

[۳۰]. ملا محمّدجعفر نراقی، تذکره الغافلین، ص ۲۴.

[۳۱]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۴، ص ۷.

[۳۲]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۴، ص ۱۵۴.

[۳۳]. میرزا ابوالفضل گلپایگانی و سیّد مهدی گلپایگانی، کشف الغطاء عن حیل الأعداء، ص ۲۶۶.

[۳۴]. نسخه‌ای خطی از این رساله با شماره‌ی F.24(9) در مجموعه‌ی ادوارد براون در کتابخانه‌ی دانشگاه کیمبریج نگهداری میشود.

[۳۵]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۴، ص ۱۵۴.

[۳۶]. نسخه‌ای عکسی از این رساله با خط محمّدصادق ابراهیمی (از شهداء بیان) در دست است و در این پژوهش با عنوان کتاب سراج مورد استفاده قرار گرفته است.

[۳۷]. این رساله با شماره‌ی ۷۶ در میان نسخه‌های چاپ عکسی آرشیو ملی بهائی ایران (INBA) قرار داده شده است. معرفی این رساله چنین است: «علی‌محمّد معروف به سراج‌الذاکرین ـ که برادر حرم ثانی حضرت نقطه‌ی اولی جل ذکره الأعلی بود ـ عریضه‌ای به ساحت اقدس جمال قدم ـ جل جلاله ـ معروض داشته و این لوح در جواب اسئله‌ی او از قلم اعلی نازل گشته است.»

[۳۸]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، بخش نخست، ج ۸، ص ۵۰۶.

[۳۹]. محمّد قزوینی، یادداشتهای قزوینی، ج ۸، صص ۲۵۹ و ۲۶۰. ناصر دولت‌آبادی نیز در اصل مقدمه‌ی نسخه‌ی چاپی تنبیه النائمین و نه صورت چاپ‌شده‌اش از نگاشته‌شدن این کتاب توسط جد خود، حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، سخن گفته است. (نک.: پس از این، بخش «تصاویر و اسناد»، سند شماره‌ی ۵۹)

[۴۰]. [ناصر دولت‌آبادی]، مقدمه‌ی نسخه‌ی چاپی تنبیه النائمین، ص ۴.

[۴۱]. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، نک.: سیّد مقداد نبوی رضوی، دولت‌آبادی، هادی.

[۴۲]. نک.: سیّد مقداد نبوی رضوی، رویکرد اعتقادی حاج شیخ هادی نجم‌آبادی در پاسخ به بهائیان.

[۴۳]. نک.: پیش از این، دیباچه‌ای بر تنبیه النائمین، بخش «شناختی از میرزا مصطفی کاتب»، ص ؟؟.

[۴۴]. نک.: پیشین، بخش «آثار حاج میرزا احمد کرمانی در رد دعوت بهاء الله».

[۴۵]. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، هشت بهشت، صص ۳۱۲ تا ۳۳۰.

[۴۶]. نسخه‌ای از این رساله با شماره‌ی ۲۳۰ در مجموعه‌ی ویلیام میلر در کتابخانه‌ی دانشگاه پرینستون نگهداری می‌شود.

[۴۷]. نک.: سیّد مهدی سرلتی، وصیتنامه، بیشتر صفحات.

[۴۸]. ملا محمّدجعفر نراقی، گلزار قدسی، صص ۱۲ تا ۱۹: بخش «تبری‌نامه از میرزا حسینعلی بهاء من کلام شهباز ازل جعفر ۳۵۳».

[۴۹]. نک.: پیش از این، جزء ثانی کتاب تنبیه النائمین، بخش‌های «نمونه‌هایی از سلوک جناب میرزای ابوی در بی‌دینی»، ص ؟؟ و «ایمان مستودع جناب میرزای ابوی»، ص ؟؟. لازم به یادآوری است که در بخش دوم یادشده، دستور بهاء الله بر قتل مخالفان توسط شیخ مهدی بحرالعلوم کرمانی به رساله‌ی عمّه افزوده شده است.

[۵۰]. رونوشت از زندگینامه‌ی خودنوشت فاطمه‌خانم، مندرج در: میرزا مصطفی کاتب، جواب لوح جناب عباس افندی، نسخه‌ی مجموعه‌ی ویلیام میلر، صص ۵۸ و ۵۹.

[۵۱]. حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، فصل الکلام، ص ۶۵.

[۵۲]. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، هشت بهشت، ص ۳۰۴.

[۵۳]. حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، فصل الکلام، صص ۶۵ تا ۶۸.

[۵۴]. شیخ محمّدمهدی شریف کاشانی، تاریخ جعفری، صص ۵۲ و ۵۴.

[۵۵]. [ناصر دولت‌آبادی]، مقدمه‌ی نسخه‌ی چاپی تنبیه النائمین، صص ۲ و ۳.

[۵۶]. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، هشت بهشت، ص ۳۰۸.

[۵۷]. ملا محمّدجعفر نراقی، تذکره الغافلین، ص ۷۶.

[۵۸]. شیخ محمدمهدی شریف کاشانی، تاریخ جعفری، صص ۴۸ تا ۵۰.

[۵۹]. حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، فصل الکلام، ص ۶۶.

[۶۰]. پیشین، ص ۶۶.

[۶۱]. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، هشت بهشت، ص ۳۰۴.

[۶۲]. رونوشت از زندگینامهی خودنوشت فاطمهخانم، مندرج در: میرزا مصطفی کاتب، جواب لوح جناب عباس افندی، نسخهی مجموعهی ویلیام میلر، ص ۵۸.

[۶۳]. حاج میرزا هادی دولتآبادی، فصل الکلام، ص ۶۷.

[۶۴]. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، هشت بهشت، ص ۳۰۴.

[۶۵]. حاج میرزا هادی دولتآبادی، فصل الکلام، ص ۶۷.

[۶۶]. پیشین، ص ۶۷. روایت بهائیان دربارهی خودکشی سیّد اسماعیل زوارهای (بهسال ۱۲۷۵ ق.) آن است که «از مشاهدهی احوال و آثار مبارکه، حالت عشق و جذبه به او دست داد» و عاقبت «به کنار دجله، عقب تکیهی بکتاش رفته، در آن موقع که مردم ذهاب و ایاب میکردند، روی به بیت ابهی نشسته، حلقوم خویش را با تیغ برید و خون در داخل دجله ریخت ...» (نک.: اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۴، صص ۱۹۱ و ۱۹۲)

[۶۷]. سیّد مهدی دهجی، رساله، ص ۳۶.

[۶۸]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۵، ص ۵.

[۶۹]. او، میرزا نصرالله تفرشی (برادر همسر صبح ازل) بود. (نک.: میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، هشت بهشت، ص ۳۰۶)

[۷۰]. حاج میرزا هادی دولتآبادی، فصل الکلام، صص ۶۷ و ۶۸.

[۷۱]. آن زن، بدرجهانخانم بود. (حاشیه بر ترجمهی تاریخ باب از زبان روسی، ص ۱۱۷) او بعدها مادر همسران میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی شد. (نک.: عطیه روحی، شجرهنامهی نوادگان صبح ازل)

[۷۲]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۵، ص ۲۰۷.

[۷۳]. رونوشت از زندگینامهی خودنوشت فاطمهخانم، مندرج در: میرزا مصطفی کاتب، جواب لوح جناب عباس افندی، نسخهی مجموعهی ویلیام میلر، ص ۵۸. به روایت بهائیان، این زن از ازلیان بود و مورد نفرت بهاء الله قرار داشت (اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۳، صص ۲۳۴ و ۲۳۵) و در شمار حامیان بزرگ صبح ازل بهشمار میرفت. (اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۵، ص ۴۹۵)

[۷۴]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۵، ص ۱۶۳.

[۷۵]. سیّد مهدی دهجی، رساله، صص ۲۸۶ و ۲۸۷.

[۷۶]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۵، صص ۱۶۳ تا ۱۶۷.

[۷۷]. پیشین، ج ۵، صص ۲۰۴، ۲۰۶ و ۲۰۷.

[۷۸]. بهعنوان نمونه، نک.: حاجی میرزا جانی کاشانی، نقطه الکاف، مقدمهی ادوارد براون، صص یب تا یو.

[۷۹]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار خصوصی، ج ۵، ص ۱۰۶.

[۸۰]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۴، ص ۱۸۱.

[۸۱]. شیخ محمّدمهدی شریف کاشانی، تاریخ جعفری، ص ۶۱.

[۸۲]. پیشین، ص ۶۱.

[۸۳]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۵، ص ۹.

[۸۴]. پیشین، ج ۵، صص ۱۰ تا ۱۶.

[۸۵]. عباس افندی در رسالهای که دربارهی پیشگامان آیین بهائی نگاشته، میرزا مصطفی را «از جملهی نفوس طیبهی طاهره» و «از قدمای احباء الله» یاد کرده و خلاصهای از کوششهای او در رواج تعالیم بهاء الله را آورده است. ([عباس عبدالبهاء]، تذکره الوفاء فی ترجمه حیاه قدماء الأحباء، صص ۲۲۷ تا ۲۳۰)

[۸۶]. میرزا حیدرعلی اسکویی، تاریخ نفوس مهمهای که در آذربایجان در یوم ظهور پیدا شدهاند، ص ۳۱.

[۸۷]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۶، ص ۶۵۰.

[۸۸]. میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، هشت بهشت، ص ۳۰۸.

[۸۹]. پیشین، ص ۲۸۲.

[۹۰]. حاج میرزا هادی دولتآبادی، فصل الکلام، ص ۶۷.

[۹۱]. نک.: پیش از این، جزء ثانی کتاب تنبیه النائمین، بخش «راحتی جناب میرزای ابوی در بغداد و آزار مردم از جانب اتباع ایشان»، ص ؟؟.

[۹۲]. نک.: پیشین، بخش «بابیان کشتهشده بهدستور جناب میرزای ابوی»، ص ؟؟.

[۹۳]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۴، صص ۱۷۴ تا ۱۷۶.

[۹۴]. پیشین، ص ۱۷۴.

[۹۵]. پیشین، صص ۱۷۷ تا ۱۸۰.

[۹۶]. پیشین، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

[۹۷]. پیشین، ص ۱۹۵.

[۹۸]. پیشین، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.

[۹۹]. پیشین، ج ۵، ص ۱۶۴، پاورقی.

[۱۰۰]. پیشین، ج ۵، ص ۱۶۸.

[۱۰۱]. پیشین، ج ۱، ص ۱۵۱.

[۱۰۲]. اسدالله فاضل مازندرانی، اسرار الآثار، ج ۴، صص ۱۷ و ۱۸.

[۱۰۳]. میرزا حسینعلی بهاء الله، اقتدارات، ص ۱۱.

[۱۰۴]. پیشین، ص ۱۲.

[۱۰۵]. میرزا حسینعلی بهاء الله، اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۷.

[۱۰۶]. نک.: همین پیوست، ص ؟؟، پ ؟؟.

[۱۰۷]. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۵، ص ۱۶۳.

[۱۰۸]. پیشین، ج ۵، ص ۹.

[۱۰۹]. میرزا حسینعلی بهاء الله، اشراقات و چند لوح دیگر، صص ۱۵ و ۱۶.

تحلیل سخنان ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ امام خمینی در مسجد اعظم قم پیرامون اسرائیل و بهائیت

حرکت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲؛ واکنشی به نفوذ ساختاری تشکیلات بهایی و پروژه‌ی جهاد کبیر جهانی شوقی (۱)

نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی (ره) تنها یک خیزش سیاسی در برابر استبداد داخلی نبود، بلکه پاسخی عمیق به دهه‌ها نفوذ تدریجی، هدفمند و فراملی یک ساختار ایدئولوژیک-سازمانی بود که از میانه قرن نوزدهم، تحت پوشش آئینی جدید، در مسیر براندازی نظم سیاسی کشورهای منطقه به‌ویژه ایران گام برداشته بود: تشکیلات جهانی بهائی.

ریشه‌های تاریخی تشکیلات بهائی و هدف نهایی آن

تشکیلات بهائی از زمان اعلام موجودیت رسمی در ۱۸۶۳ توسط میرزا حسینعلی نوری (ملقب به بهاءالله) به‌صورت جداشده از بابیان، با یک ساختار منسجم تبلیغاتی، مالی، و تشکیلاتی وارد عرصه اجتماعی و سیاسی شد. پایه‌های این سازمان، اما، از زمان فعالیت باب در ۱۸۴۴ میلادی گذاشته شده بود. به‌رغم ظاهر مذهبی، متون داخلی و اسناد رسمی این تشکیلات از اهدافی چون تشکیل حکومت جهانی بهایی، الغای نظام‌های ملی و دینی سنتی و سیطره ساختاری بر نهادهای بین‌المللی حکایت دارند.

یکی از شاخص‌ترین نمونه‌ها، توقیع شماره ۱۱۰ از کتاب «توقیعات مبارکه» جلد ۵، صفحه ۱۱۱ به بعد است. این توقیع که از سوی شوقی افندی، رهبر وقت تشکیلات بهائی، به محفل ملی ایران ابلاغ شده، به‌صراحت وظیفه‌ی این نهاد را چنین ترسیم می‌کند:

»

باید طبق پروتکل هفت‌گانه، به مرحله سیطره رمزی شریعت بهایی رسید و با ابزار توسعه اجتماعی و تربیتی، روند تملک تدریجی ارکان قدرت در ممالک محل سکونت پیروان آغاز شود تا زمینه برای تجلی دولت عدل الهی فراهم گردد.»

(توقیعات مبارکه، ج ۵، ص ۱۱۲)

این سند، نقشه‌ای تحت عنوان "جهاد اکبر الهی" یا "نقشهٔ کبیر ۱۳۳۲–۱۳۴۲ شمسی" را توجیه می‌کند؛ نقشه‌ای که از سوی شوقی و بیت‌العدل جهانی برای پیاده‌سازی ساختارهای تسخیر نرم و فرهنگی در کشورهای هدف، به‌ویژه ایران، طراحی شده بود. در این پروژه، هدف نهایی «تغییر ساخت قدرت» در کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، بود.

ارتباط با تأسیس اسرائیل و سازمان‌های بین‌المللی

پس از تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸، تشکیلات بهائی با بهره‌گیری از میزبانی مرکز خود در حیفا، روابط تشکیلاتی و سیاسی نزدیکی با ساختارهای قدرت جدید در منطقه و نهادهای بین‌المللی برقرار کرد. این رابطه بعدها

به نفوذ بهاییان در سازمان ملل، یونسکو، و سایر نهادها انجامید.
این مسیر در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی، با نفوذ تدریجی این تشکیلات در ساختارهای نظامی، امنیتی، اقتصادی و حتی فرهنگی ایران همراه شد؛ چیزی که امام خمینی (ره) در سخنرانی تاریخی خود در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ در مسجد اعظم قم، به‌روشنی و صراحت به آن اشاره کرد:
سخن امام خمینی (ره) – ۱۸ شهریور ۱۳۴۳:
«
...عمال اسرائیل در ایران - هر جا انگشت می‌گذاری می‌بینی که یکی از اینهاست؛ مراکز حساس؛ مراکز خطرناک... اینها حکومت را از خودشان می‌دانند... در کتاب‌هایشان نوشته‌اند: حکومت مال ماست؛ باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم؛ حکومت عدل. همین‌هایی که یک همچو سوءنیت‌هایی را دارند، از دربار گرفته تا آن آخر مملکت، از این اشخاص آنجا موجودند.»
(صحیفه امام، جلد ۱، ص ۳۷۸)
نتیجه‌گیری
تحرک انقلابی امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲، اگرچه به‌ظاهر واکنشی به تصویب لایحه کاپیتولاسیون و استبداد داخلی بود، اما در بطن خود، پاسخی به روند خزنده نفوذ تشکیلات بهائی و برنامه‌ریزی چند دهساله آن برای براندازی نظم دینی-ملی ایران بود. این تشکیلات، با بهره‌گیری از بسترهای فراملی و حمایت ساختارهای استعماری، پروژه‌ای با ابعاد عقیدتی، تشکیلاتی، فرهنگی و اقتصادی را در ایران آغاز کرده بود.
با نگاهی علمی و مستند، می‌توان گفت که هشدارهای امام در دهه ۴۰ شمسی، مبتنی بر تحلیل عمیق از شبکه نفوذی بوده است که سابقه‌ی آن به قرن ۱۹ و نقشه‌های تدوین‌شده‌ای چون جهاد کبیر بازمی‌گردد.
📚 منابع:

شوقی افندی، توقیعات مبارکه، ج۵، ص۱۱۱ به بعد
صحیفه امام، ج۱، ص۳۷۸

حرکت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲؛ واکنشی به نفوذ ساختاری تشکیلات بهایی و پروژه‌ی جهاد کبیر جهانی شوقی (۲)

📝 «عمال اسرائیل در مراکز حساس ایران»؛ تحلیل راهبردی پیام امام خمینی در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ درباره نفوذ تشکیلات بهائی و رژیم صهیونیستی
چکیده:

در سخنرانی مهم امام خمینی (ره) در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ در مسجد اعظم قم، جمله‌ای کلیدی بیان شد که عمق آن تا امروز نیز مورد تحلیل نخبگان و اندیشمندان است:
«عمال اسرائیل در مراکز حساس ایران‌اند...»
این سخن، نه فقط هشدار به رژیم وقت، بلکه رمزگشایی از شبکه نفوذ اسرائیل از طریق تشکیلات بهائی در ارکان قدرت ایران بود. این مقاله با تمرکز بر این پیام امام و تطبیق آن با اسناد تاریخی و محتوای داخلی تشکیلات بهائی،

به بررسی ابعاد این هشدار می‌پردازد.

۱. پیام امام؛ فراتر از یک سخنرانی سیاسی

«...هر جا انگشت می‌گذاری، یکی از اینهاست؛ مراکز حساس، مراکز خطرناک...»
امام خمینی با زبانی روشن، از حضور شبکه‌ای ناشناس برای عامه مردم، اما شناخته‌شده برای خواص، سخن می‌گوید. او در دهه ۴۰ شمسی، از نفوذ خزنده‌ای خبر می‌دهد که از میان پست‌های کلیدی و «مراکز حساس» سر بر آورده و تاج سلطنت را تهدید می‌کند، اما خطر آن برای حاکمیت ملی ایران بسیار فراتر از شخص شاه بود.

۲. تشکیلات بهایی؛ ابزار نرم نفوذ اسرائیل

امام ضمن اشاره به تشکیلات بهائی با عباراتی چون

:

«همین‌هایی که یک همچو سوءنیت‌هایی دارند...»
و اشاره به ترور نافرجام ناصرالدین شاه، مخاطب آگاه را مستقیم به‌سوی جریانی می‌برد که سابقه‌ای روشن در اقدامات سازمان‌یافته، مخفی و ایدئولوژیک دارد. در آن زمان، اگرچه عنوان رسمی «بهائی» هنوز تثبیت نشده بود، اما میرزا حسینعلی نوری (معروف به بهاءالله) به‌عنوان رهبر پشت‌پرده و مغز متفکر جریان بابی، در غیاب سید علی‌محمد باب که در زندان به‌سر می‌برد، هدایت فکری و تشکیلاتی این جریان را برعهده داشت.
این اقدام ـ که با هدف حذف فیزیکی پادشاه و قبضه قدرت صورت گرفت ـ تنها یک حادثه تروریستی نبود، بلکه بخشی از یک حرکت هدفمند برای تغییر ساختار قدرت ملی و عبور از حاکمیت وقت به نفع یک نظم جایگزین با الگوی فراملی بود؛ الگویی که بعدها در قالب تشکیلات منسجم‌تر بهایی دنبال شد و در مسیر نفوذ در نهادهای حاکمیتی، فرهنگی و اقتصادی کشور ادامه یافت.
اگه بخوای، می‌تونیم همین قسمت رو به‌عنوان یکی از بندهای اصلی مقاله دوم یا سوم توسعه بدیم:

- مثلاً «پشت‌پرده ترور ناصرالدین شاه و نقش میرزا حسینعلی نوری»

یا

- «تکامل تدریجی یک پروژه تشکیلاتی از ترور تا نفوذ»

.

در این زمان، تشکیلات بهایی پس از تأسیس اسرائیل در ۱۳۲۷، با تثبیت بیت‌العدل جهانی در حیفا، به یکی از بازوهای نفوذ صهیونیسم در ایران تبدیل شده بود. بسیاری از فعالان رده‌بالای بهایی، یهودی‌تبار بوده و مأموریت داشتند که با بهره‌گیری از ساختارهای آموزشی، مالی و امنیتی، نهادهای تصمیم‌ساز ایران را تسخیر کنند.

۳. اسناد داخلی بهائیت و همخوانی کامل با سخنان امام

در توقیع شماره ۱۱۰ شوقی افندی (رئیس تشکیلات جهانی بهائی تا ۱۹۵۷)، به محفل ملی ایران دستور داده می‌شود

که:

«مطابق پروتکل هفت‌گانه، باید به مرحله سیطره زمنیه شریعت بهایی رسید و بستر لازم برای تحقق سلطنت عدل

الهی فراهم گردد.»
(توقیعات مبارکه، ج ۵، ص ۱۱۱

قسمت ۳ :

امام در همان سخنرانی، بدون ذکر این سند، دقیقاً همین هدف را افشا می کند:
«در کتاب‌هایشان نوشته‌اند: حکومت مال ماست؛ باید سلطنت جدیدی به‌وجود بیاوریم.»
تطبیق این دو عبارت، نشان می‌دهد که امام نه از روی شنیده‌ها، بلکه بر اساس مطالعه و شناخت دقیق اسناد تشکیلاتی دشمن سخن می‌گفت.
۴. مصداق‌سازی عینی امام: ترور شاه، قبضه حکومت، ساختار تشکیلاتی
امام با ذکر حادثه تاریخی ترور نافرجام ناصرالدین شاه توسط اعضای بابی (جد تشکیلات بهائی)، پیام می‌دهد که:
این پروژه تازه نیست، ریشه‌دار و تاریخی‌ست.
هدف از ابتدا، براندازی حکومت‌ها و جایگزینی آن با حکومت عدل مورد نظر بهائیان بوده است.
این برنامه از سوی عوامل اسرائیل پی‌گیری می‌شود و در قامت اصلاح‌طلبی یا توسعه‌گرایی پنهان شده است.
۵. نفوذ در مراکز حساس؛ از نظر امام یعنی چه؟
«مراکز حساس، مراکز خطرناک برای تاج این آقا...»
امام از نفوذی سخن می‌گوید که نظام سلطنتی را تهدید می‌کند، اما از دیدگاه او، اصل تهدید، ملت، دین و استقلال ایران است. منظور او از مراکز حساس، شامل موارد زیر بود:
ارتش و ساواک
اقتصاد و بانک مرکزی
آموزش و فرهنگ
رسانه و تبلیغات
نهادهای تصمیم‌ساز و مشورتی دولت
این دقیقاً همان حوزه‌هایی است که بهائیان یهودی‌تبار با حمایت اسرائیل، مأمور به نفوذ در آن شده بودند.
۶. چرا پیام امام امروز همچنان زنده است؟
امروز هم برخی می‌پرسند: «ما با اسرائیل چه کار داریم؟»
پاسخ امام در ۱۳۴۳ داده شده بود:
«اینها عمال اسرائیل‌اند، هر جا انگشت می‌گذاری یکی از اینهاست...»
نه به خاطر یک جنگ سیاسی، بلکه به دلیل اینکه پروژه‌ی نفوذ اسرائیل از ابتدا در پوشش‌های داخلی مانند تشکیلات بهائی طراحی شده بود؛ و این پروژه امروز نیز از مسیر سازمان‌های حقوق بشری، رسانه‌ای، آموزشی و بین‌المللی با همان الگو، دنبال می‌شود.
نتیجه‌گیری: پیام امام، رمزگشایی از یک پروژه‌ی خاموش بود
سخنرانی امام در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ نه یک هشدار مقطعی، بلکه بیانیه‌ای استراتژیک است درباره خطری که

ملت ایران را تهدید می‌کند. پیام کلیدی
آن این است:
اگر دشمن را نشناسی، از مراکز حساس، بدون هیچ‌کودتایی، کشورت را از دست خواهی داد.

قسمت ۴

📝 از ترور نافرجام ناصرالدین شاه تا پروژه نفوذ: بررسی نقش میرزا حسینعلی نوری در هدایت تشکیلات بابی پیش از ظهور رسمی بهائیت

چکیده:

حادثه ترور نافرجام ناصرالدین شاه در شمیران (نیاوران)، نقطه‌ای کلیدی در تاریخ سیاسی ایران است که فراتر از یک اقدام فردی یا هیجانی، نخستین تلاش سازمان‌یافته برای تغییر ساختار حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شود. این اقدام از سوی اعضای فعال جریان بابی صورت گرفت؛ جریانی که در آن زمان به‌رغم غیبت فیزیکی سید علی‌محمد باب (در حبس)، توسط میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) در پشت صحنه رهبری می‌شد. این مقاله بر آن است تا با اتکا به منابع تاریخی و بیانات امام خمینی، این حادثه را نه صرفاً به‌عنوان یک واقعه تروریستی، بلکه به‌عنوان آغاز پروژه نفوذ تشکیلاتی با ماهیت سیاسی-ایدئولوژیک بررسی کند.

۱. روایت امام خمینی از توطئه نیاوران

«در شمیران توطئه کردند ناصرالدین شاه را بکشند... و یک عده هم در تهران بودند که حکومت را قبضه کنند...»

(امام خمینی، مسجد اعظم، ۱۸ شهریور ۱۳۴۳)

امام با ذکر دقیق محل و هدف عملیات، آن را در چارچوب یک طرح برای تسخیر قدرت مرکزی تحلیل می‌کند. مهم‌تر از خود ترور، برنامه‌ای بود که پس از موفقیت احتمالی آن در نظر گرفته شده بود: قبضه کامل حکومت توسط اعضای تشکیلات بابی.

۲. غیبت باب؛ ظهور رهبری پنهان بهاءالله

در زمان وقوع این حادثه (دهه ۱۲۲۰ شمسی)، باب در زندان قلعه چهریق تحت کنترل حکومت بود و امکان هدایت مستقیم جریان را نداشت. اما نقش فعالانه و محرک میرزا حسینعلی نوری در تنظیم مواضع، بسیج عناصر افراطی و هدایت اقدامات تشکیلاتی، توسط بسیاری از منابع به‌صورت مستقیم یا ضمنی ثبت شده است.

بهاءالله در همان دوران، به‌عنوان چهره‌ای محوری در حلقه‌های مخفی بابیان تهران و نواحی اطراف شناخته می‌شد. او با استفاده از فضای خلأ قدرت در جریان، توانست عملاً رهبری بابیان افراطی را در دست بگیرد و پایه‌های سازمانی برای فاز بعدی را فراهم کند؛ فازی که بعدها با اعلام «ظهور مستقل» او در بغداد و سپس ادعای شریعت جدید، به ظهور تشکیلات بهائی انجامید.

۳. حادثه ترور ناصرالدین شاه؛ نخستین نمونه از پروژه «براندازی جایگزین»

هدف ترور: حذف رأس حاکمیت مشروع وقت و باز کردن فضا برای قبضه ساختار قدرت

ابزار: شبکه‌ای از عناصر تعلیم‌دیده و باورمند به رسالت سیاسی-مذهبی خود

ویژگی‌ها:

عملیات همزمان در شمیران و مرکز شهر تهران

پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی از سوی بابیان شورشی

درگیری بین دو جناح بابی: بهاءالله، عامل اصلی جریان در تهران، پس از شکست ترور، انگشت اتهام را به‌سوی میرزا یحیی صبح ازل گرفت و بالعکس؛ ازل نیز بهاءالله را مسئول معرفی کرد. این اتهام‌زنی متقابل نه تنها نشانی از انکار اصل ترور ندارد، بلکه اثباتی است بر سازمان‌یافتگی آن در درون تشکیلات بابی.

۴. پیامدهای بلندمدت؛ آغاز مسیر نفوذ نرم

پس از ناکامی در ترور و برخورد امنیتی با بابیان، جریان برای مدتی به زیرزمین رفت. اما پس از عفو و آزادی بهاءالله در دوران ناصرالدین شاه، وی مسیر تازه‌ای را آغاز کرد: نفوذ آرام، پیوسته و خزنده در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و بعدها اقتصادی و حتی امنیتی ایران.

همین روند است که امام خمینی در ۱۳۴۳ به آن هشدار می‌دهد و ریشه‌اش را در همان حادثه می‌بیند:

«اینها حکومت را از خودشان می‌دانند... نوشته‌اند که حکومت مال ماست.»

۵. نتیجه‌گیری: یک الگو، با تغییر تاکتیک

ترور نافرجام ناصرالدین شاه را باید آغاز پروژه‌ای راهبردی برای جایگزینی ساختار حاکمیت در ایران دانست؛ پروژه‌ای که در گام نخست با خشونت و در گام‌های بعدی با تشکیلات منظم، نفوذ در قدرت، سازمان‌های جهانی، و تلاش برای مشروعیت‌سازی بین‌المللی دنبال شد.

نقش میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) در این میان، از یک رهبر فرقه‌ای فراتر رفته و به طراح پشت‌پرده ساختار نفوذ در ایران بدل می‌شود؛ همان ساختاری که دهه‌ها بعد، با عنوان تشکیلات بهائی در کنار رژیم صهیونیستی، مسیر مداخله و اعمال نفوذ در ارکان کشور را در پیش گرفت.

قسمت ۵

«در کتاب‌هایشان نوشته‌اند: حکومت مال ماست؛ باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم؛ یک حکومت عدل.»

ادعای «سلطنت عدل» و پروژه‌ی حاکمیت جایگزین: از آموزه‌های بابی تا مهندسی قدرت در بهائیت

چکیده:

با استناد به سخنان تاریخی امام خمینی در مسجد اعظم قم (۱۳۴۳)، که به‌وضوح از طرح «سلطنت عدل» در متون و مقالات جریان بهایی یاد می‌کند، می‌توان به وضوح رد پای یک پروژه‌ی تمام‌عیار برای ایجاد حاکمیت جایگزین در ایران را پی‌گیری کرد. این مقاله با تحلیل مفهوم سلطنت عدل در متون بابی و بهائی، نشان می‌دهد که چگونه این گفتمان ظاهراً آرمان‌گرا، در واقع نقشه‌ای عملی برای نفوذ، بی‌ثبات‌سازی و نهایتاً جایگزینی ساختار رسمی قدرت در ایران بوده است.

۱. نقل مستقیم از امام خمینی: کلید تحلیل گفتمان قدرت در تشکیلات بهائی

«در کتابهایشان نوشته‌اند، در مقالاتشان نوشته‌اند: حکومت مال ماست؛ باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم؛ یک حکومت عدل.»

این بخش از سخنان امام در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳، نه‌تنها بیان‌گر یک نگرانی امنیتی است، بلکه یک تشخیص دقیق

از ماهیت سیاسی، تمام‌خواه و استراتژیک تشکیلات بهایی در ایران است. برخلاف ادعای صرفاً "دینی بودن"، این جریان از آغاز به‌دنبال تسلط ساختاری و تغییر نظام حکومتی در ایران بوده است.

۲. از ادعای نیابت تا طراحی سلطنت جهانی

سید علی‌محمد باب از ابتدا خود را مظهر دین جدید و نایب امام زمان معرفی کرد؛ اما در بطن این ادعا، نوعی تجسم دنیوی از رهبری مطلقه دیده می‌شد.

با ظهور بهاءالله، این ادعا به‌سمت یک ساختار حاکمیتی جهانی تغییر کرد؛ وی در الواح و توقیعات خود، از نظم نوین جهانی بهائی و پادشاهی عدل الهی سخن می‌گوید که اساساً مفهومی حکومتی است، نه عرفانی.

در توقیع ۱۱۰ بدیع (۱۹۵۳م)، شوقی افندی به صراحت از مرحله‌ی "جهاد اکبر الهی" با هدف تثبیت نظم جهانی بهایی در تمامی کشورها، از جمله ایران سخن می‌گوید. در اینجا، هدف نه صرفاً تبلیغ دین، بلکه استقرار نوعی حکومت جایگزین بر مبنای شریعت بهایی است.

۳. سلطنت عدل = حاکمیت تشکیلاتی؟

اصطلاح «سلطنت عدل» که در منابع بهایی تکرار می‌شود، در اصل معادل‌سازی با ساختار حکومت جهانی بیت‌العدل است. یعنی:

حکومت جهانی به رهبری بیت‌العدل و تحت آموزه‌های بهایی

از میان بردن "حکومت‌های مادی، ظالمانه، و ملی‌گرا"

ایجاد ساختارهای هماهنگ جهانی با تمرکز دینی/فراملی

در همین چارچوب، ایران به‌عنوان مانع سنتی در برابر این نظم جهانی، در اولویت براندازی قرار می‌گیرد.

۴. نگاهی به اسناد رسمی تشکیلات بهائی

در کتاب «ابعاد نظم نوین جهانی» (مورد تأیید بیت‌العدل)، تأکید بر جایگزینی ساختارهای ملی با نظم بهایی جهانی وجود دارد. این کتاب در دهه ۱۳۷۰ شمسی توسط نازیلا قانع و دیگر وابستگان به بیت‌العدل تدوین و ترویج شد.

محفل‌های ملی بهایی موظف‌اند با اجرای نقشه‌های چندساله، به تثبیت فرهنگی، آموزشی و تشکیلاتی بهایی در کشورها کمک کنند. این فعالیت‌ها عملاً نوعی مهندسی حاکمیت جایگزین فرهنگی/مدنی هستند.

۵. پیامدهای امنیتی: نفوذ از درون، نه حمله از بیرون

ادعای سلطنت عدل در قالب گفتمان بهائی، فقط یک «هدف غایی» نیست، بلکه به شکل نقشه‌ای عملیاتی درآمده که در ایران شامل موارد زیر می‌شود:

نفوذ در نهادهای آموزشی، امنیتی، اقتصادی (به‌خصوص در دوران پهلوی)

توسعه مؤسسات به‌ظاهر آموزشی (مانند مؤسسه روحی)

استفاده از گزارشگری بین‌المللی برای ایجاد فشار حقوق‌بشری بر دولت‌ها

جذب چهره‌های دانشگاهی، رسانه‌ای و کارآفرین به‌صورت غیررسمی

۶. نتیجه‌گیری: سلطنت عدل به‌مثابه پروژه تسلط ساختاری

با نگاهی دقیق به سخنان امام خمینی در ۱۳۴۳ و تطبیق آن با مستندات موجود در منابع بهایی، به روشنی درمی‌یابیم که اصطلاح «سلطنت عدل» نه یک ایده آل مذهبی، بلکه بیانی پوشیده از یک پروژه براندازی نرم در

ساختار ملی ایران بوده است.

این سلطنت عدل، حاکمیتی بر اساس مفاهیم مذهبی خاص، با ساختار مدیریتی بسته، متمرکز و فراملی است که نه‌تنها با استقلال ملی و امنیت حاکمیت در تضاد است، بلکه در عمل بر زوال هویت سیاسی ایران مستقل دلالت دارد.

قسمت ۶

📝 مفهوم شهروندی در برابر ساختار تشکیلاتی بهائیت: دو منطق متضاد در درون یک سرزمین

چکیده:

در ادامه بررسی هشدار امام خمینی در سال ۱۳۴۳ درباره نفوذ عمیق جریان‌هایی با اهداف سلطنت جایگزین در ایران، این مقاله نشان می‌دهد که تشکیلات بهائی با ساختار سلسله‌مراتبی، غیرپاسخ‌گو و برون‌مرزی خود، در تضاد کامل با منطق شهروندی، حاکمیت ملی و مشارکت مردمی در ایران مدرن قرار دارد. در این نوشتار، تلاش می‌کنیم از زاویه‌ای حقوقی-اجتماعی، به این تعارض بنیادین بپردازیم.

۱. از امام خمینی تا ساختار تشکیلاتی بهایی

امام خمینی در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ به‌صراحت به مخاطبان حوزوی و مردمی هشدار می‌دهد:

«...این‌ها حکومت را از خودشان می‌دانند. در کتاب‌هایشان نوشته‌اند: حکومت مال ماست؛ باید ما یک سلطنت جدیدی به وجود بیاوریم...»

در این بیان، کدهایی وجود دارد که به مفهوم سلب صلاحیت از حکومت ملی و تلاش برای ایجاد یک قدرت تشکیلاتی بسته و جایگزین اشاره دارد؛ قدرتی که در چارچوب «نظم اداری بهائی» تعریف شده است، نه اصول مردم‌سالاری یا حق حاکمیت عمومی.

۲. نظام شهروندی در ایران مدرن: حق، مشارکت، نظارت

در منطق جمهوری‌خواهی و ملت‌مداری، شهروند:

در سرنوشت خود مشارکت دارد (انتخابات، شورا، مجلس)

از نهادهای حاکم پاسخ می‌طلبد (نظارت عمومی، آزادی بیان)

هویت ملی‌اش را بر مبنای زبان، تاریخ، فرهنگ، قانون اساسی تعریف می‌کند

در این چارچوب، حاکمیت محصول اراده‌ی ملی است، نه یک سلسله مراتب الهی از بیرون مرزها.

۳. ساختار تشکیلاتی بهائی: مرکزیت بیت‌العدل و حذف اراده ملی

ساختار رسمی جامعه بهائی جهانی مبتنی بر:

رهبری مرکزی در «بیت‌العدل اعظم» (واقع در حیفا، اسرائیل)

شوراهای منطقه‌ای، محلی و ملی تابع بیت‌العدل

ممنوعیت کامل دموکراسی حزبی، نقد درون‌سازمانی یا تغییر قوانین الهی

تعیین پروژه‌های فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای از مرکز

در چنین ساختاری:

اصل شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت آزاد شهروندان وجود ندارد

تصمیم‌گیری‌ها بدون در نظر گرفتن اراده اکثریت بومی اتخاذ می‌شود
مفاهیمی مثل شور ولی نه رأی آزاد و فردی جای مشارکت واقعی را می‌گیرند
۴. نمونه‌های تعارض: از روشن‌کوه تا دیپلماسی رسانه‌ای
نقشه‌هایی که از سوی بیت‌العدل به محفل ملی ایران ابلاغ می‌شود (مثل نقشه ۹ ساله، یا نقشه کل‌نگر توسعه‌ای)، در بسیاری از موارد با قانون‌گذاری و الزامات سرزمینی ایران تعارض دارند:
نمونه روشن‌کوه مازندران: تصرف منابع طبیعی بدون مجوز قانونی به‌نام توسعه
نقش تشکیلات در آموزش غیرمجاز از طریق مؤسسه روحی
تولید و توزیع رسانه و گزارش‌های بین‌المللی برای بی‌ثبات‌سازی فضای داخلی
در همه این موارد، عملکرد تشکیلات بهایی تابع ساختار داخل ایران نیست، بلکه تابع مرکزیت فراملی بیت‌العدل است.
۵. پیامد اجتماعی: شکاف امنیتی، فرهنگی و حقوقی
تعارض بین ساختار تشکیلاتی بهائی و نظام ملی ایران نه صرفاً مذهبی یا تاریخی است، بلکه:
چالشی برای حاکمیت قانون و اصل وحدت سرزمینی است
باعث ایجاد شکاف‌های مصنوعی بین مردم و حاکمیت ملی می‌شود
به ایجاد اقلیت تشکیلاتی با مأموریت فراملی می‌انجامد، نه یک جامعه فرهنگی بومی
۶. نتیجه‌گیری: دو منطق در تضاد
در یک سو، شهروند ایرانی قرار دارد که در چارچوب قانون اساسی، فرهنگ بومی و مشارکت ملی زندگی می‌کند؛ و در سوی دیگر، عضو تشکیلات بهایی که تابع رهبری جهانی است، از شرکت در سیاست داخلی منع شده، اما هم‌زمان مأمور اجرای نقشه‌های بین‌المللی است.
این تضاد، نه یک مشکل عقیدتی، بلکه یک چالش واقعی برای امنیت ملی، تمامیت سرزمینی و ساختار اجتماعی ایران معاصر است.

قسمت ۷

📝 «جهاد اکبر الهی» در اندیشه شوقی افندی: پروژه‌ای برای تغییر ساختار سیاسی ایران
چکیده:
اصطلاح «جهاد اکبر الهی» در ادبیات شوقی افندی، تنها یک تعبیر معنوی یا اخلاقی نیست؛ بلکه بازتاب یک برنامه‌ریزی گسترده برای تغییر تدریجی ساختار قدرت و نظم سیاسی در کشورهایی چون ایران است. این مقاله با تکیه بر همین مفهوم و با در نظر گرفتن هشدار صریح امام خمینی (۱۸ شهریور ۱۳۴۳) در خصوص نفوذ تدریجی جریان‌های متصل به اسرائیل در نهادهای حساس کشور، تلاش دارد نشان دهد که چگونه تشکیلات بهایی با الهام از نظریات شوقی، یک فرآیند آرام اما هدفمند برای قدرت‌گیری اجتماعی-سیاسی را طراحی کرده است.
۱. مفهوم «جهاد اکبر» در گفتار شوقی
در نگاه شوقی، «جهاد اکبر الهی» مفهومی استراتژیک است. او باور داشت که احبای الهی باید در هر سرزمین،

به‌ویژه در کشورهای با اکثریت مسلمان، به‌تدریج مقدمات نظم بدیع را فراهم کنند. این نظم، به‌زعم وی، ساختاری دینی-سیاسی است که روزی باید جایگزین نظم موجود شود.
این نگاه، زمینه‌ساز شکل‌گیری نقشه‌های چندساله جهانی، پروژه‌های توسعه اجتماعی و تربیت نیروهای وفادار به تشکیلات بهایی شد.
۲. ویژگی‌های پروژه «جهاد اکبر»
بر خلاف تعبیر سنتی از جهاد، در اندیشه شوقی، این پروژه یک برنامه نرم‌افزاری چندلایه است:
حوزه هدف نهایی ابزارفکری تضعیف گفتمان دینی-ملی موجودبازتفسیر مفاهیم و تاریخ با رویکرد بهایی فرهنگی جایگزینی هویت دینی-ملی با هویت جهانی بهایی هنر، آموزش، کودک‌محوری اجتماعی شکل‌دهی به بدنه اجتماعی وفادار به نظم بهایی مؤسسات محلی و جهانی، تربیت تشکیلاتی سیاسی زمینه‌سازی برای نظم جایگزین نفوذ در نهادهای مدنی، استفاده از پوشش حقوق بشر
۳. از ماموریت معنوی تا مأموریت حکومتی
تشکیلات بهایی با استفاده از ادبیات دینی خاص خود، به اهداف خود قداست می‌بخشد. مأموریت افراد، تنها فعالیت فرهنگی یا عقیدتی نیست، بلکه حرکتی مقدس برای ایجاد حکومتی جدید و نهایی است؛ حکومتی با شریعت و سیطره زمینی مخصوص به خود. برخلاف ادعای برخی از فعالان بهایی در فضای عمومی، باور به ایجاد یک نظم سیاسی جهانی و جایگزین‌شدن با دولت‌های ملی، کاملاً جزئی از جهان‌بینی شوقی و بیت‌العدل است.
۴. پیوستگی تاریخی: از ترور ناصرالدین شاه تا نفوذ در عصر پهلوی
همان‌گونه که امام خمینی در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ اشاره می‌کند، برخی جریانات که سابقه توطئه و فعالیت‌های سازمان‌یافته برای قبضه حکومت در دوره‌های پیشین داشته‌اند، در دوره پهلوی دوم نیز در نهادهای حساس نفوذ کرده بودند. اگر آن ترور نافرجام در نیاوران را با طرح‌های تشکیلاتی شوقی در قرن ۱۴ شمسی در کنار هم قرار دهیم، تصویر واضحی از یک جریان با حافظه تاریخی و برنامه‌ریزی بلندمدت پدیدار می‌شود؛ جریانی که هدفش صرفاً بقاء یا تبلیغ دین نیست، بلکه ساختن نظمی جایگزین است که در آن، حکومت از آنِ خودشان باشد.
۵. چرا این پروژه امنیتی است؟
با توجه به موارد فوق، می‌توان گفت که:
هدف این پروژه، صرفاً نجات فرد یا هدایت اخلاقی نیست؛ بلکه مهندسی تغییر اجتماعی-سیاسی است
سازمان‌یافته و دارای سطوح اجرایی و نظارتی جهانی است
با پوشش معنوی، فعالیت‌های سیاسی انجام می‌دهد
عاملان این حرکت، خود را درگیر یک «جهاد مقدس» می‌دانند، نه یک فعالیت داوطلبانه مدنی ساده
۶. نتیجه‌گیری:
«جهاد اکبر الهی» در سنت شوقی افندی، نشان‌دهنده‌ی یک نگرش خاص به قدرت، جامعه و دین است. نگرشی که در آن، مرز دین و سیاست، عرفان و استراتژی، معنویت و تسلط دنیوی از میان برداشته می‌شود. تشکیلات بهایی بر اساس این نگرش، در حال تربیت نیروهایی است که روزی نه فقط مبلغان دینی، بلکه مدیران نظم جهانی جدید باشند.

قسمت۸

▧ از تهدید آئینی تا تهدید ملی: امام خمینی و درک راهبردی از پروژه بهائیت در ایران

در میانه قرن بیستم، در حالی‌که عمده روحانیون و جریان‌های دینیِ سنتی، بهائیت را در قالب یک «انحراف مذهبی» یا حداکثر «بدعت دینی» تحلیل می‌کردند، امام خمینی درک متفاوت، عمیق‌تر و ساختارشکنانه‌تری نسبت به این جریان داشت. بهائیت از نگاه امام، تنها یک مذهب ساختگی یا بدعت‌آمیز نبود، بلکه بخشی از یک پروژه فراملی برای تضعیف بنیادهای ملی، حاکمیتی و فرهنگی ایران بود — پروژه‌ای که نه‌فقط در قامت یک آیین، بلکه با سازوکارهای تشکیلاتی، پیوندهای خارجی، اهداف سیاسی و نفوذ نهادینه‌شده ظهور کرده بود.

۱. درک سنتی: بهائیت، انحرافی در حاشیه دین

در دهه‌های پیش از انقلاب، اغلب علمای حوزه و روحانیون سنتی، نگاهشان به بهائیت معطوف به مفاهیم مذهبی و الهیاتی بود:

انکار ختم نبوت

ساخت آیینی موازی با اسلام

تخریب باورهای توحیدی

بدعت در اصول و فروع دین

تحلیل‌ها در این سطح باقی می‌ماندند و بیش از آن‌که به ساختار و عملکرد سازمانی این جریان بپردازند، به مباحث فقهی یا الهیاتی درباره مشروعیت آن محدود می‌شدند.

۲. اما نگاه امام خمینی چه بود؟

امام خمینی، برخلاف تحلیل‌های محدود فوق، از همان دهه ۱۳۲۰ و به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به ماهیت تشکیلاتی و مأموریت‌مدار جریان بهائیت پی برده بود. او، با درک پیوندهای خارجی این جریان، نقش بهائیت را در شبکه نفوذ استعماری غرب، به‌ویژه انگلیس و پس از آن اسرائیل، تحلیل می‌کرد.

این نگاه در سخنرانی ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ قم به وضوح دیده می‌شود؛ جایی که می‌گوید:

«اینها – عمال اسرائیل – در مراکز حساس هستند... همین‌هایی که یک همچو سوءنظرهایی دارند... از دربار تا آن آخر مملکت، از این اشخاص آنجا موجودند... حکومت را مال خودشان می‌دانند، نوشته‌اند، گفته‌اند...»

این سخن، نه تحلیل فقهی است و نه بحث دینی، بلکه هشداری امنیتی – ساختاری نسبت به خطر نفوذ در عمق حاکمیت ایران است.

۳. بهائیت از نگاه امام: ساختاری فراملی، با مأموریت درون‌کشوری

امام به‌خوبی می‌دانست که بهائیت تشکیلاتی غیرقابل قیاس با دیگر فرق دینی است. این تشکیلات:

دارای سلسله‌مراتب جهانی (بیت‌العدل در حیفای اسرائیل)

دارای نهادهای ملی و محلی در کشورهای مختلف

دارای برنامه‌های مشخص اقتصادی، آموزشی و رسانه‌ای

و مهم‌تر از همه: دارای نقشه توسعه اجتماعی و ادغام ساختاری در کشورها است

او تشکیلات بهائی را یک جریان مذهبی صرف نمی‌دانست، بلکه آن را شبیه به شبکه‌ای ایدئولوژیک با کارویژه

سیاسی – امنیتی در بدنه ایران تحلیل می‌کرد.

🧷 ۴. تشخیص به موقع امام، پیش از بروز فاجعه

امام خمینی در دهه ۴۰ شمسی، با توجه به عملکرد نظام پهلوی و نفوذ پیوسته بهائیان در ارتش، دربار، سازمان امنیت (ساواک)، نظام بانکی، آموزش و حتی قوه قضائیه، به این نتیجه رسید که سکوت در برابر این ساختار یعنی تسلیم تدریجی ساختار ملی ایران به جریانی بی‌ریشه، وابسته و فراملی.

در حالی‌که برخی نخبگان، بهائیت را با چشم «اقلیت مذهبی بی‌آزار» یا «جریان فرهنگی مستقل» می‌نگریستند، امام آن را به‌مثابه ماشینی هدفمند برای بی‌ریشه‌سازی ایران از درون می‌دید.

💣 ۵. تفاوت تحلیل امام با جریان سنتی دینی

موضوع تحلیل سنتی مذهبی تحلیل راهبردی امام خمینی نوع تهدیدانحراف در عقاید دینی تهدید سازمان‌یافته علیه تمامیت کشور راهکار برخوردمناظره، پاسخ‌های فقهی افشای نفوذ، حذف از نهادهای حساس نگاه به تشکیلات فرقه مذهبی منزوی تشکیلات فراملی نفوذی و خطرناک جایگاه در کشوراقلیت مذهبی ستون پنجم استعمار و صهیونیسم

📌 ۶. امام خمینی و «ملیت به جای مذهب»

برخلاف تصور عوام که می‌پنداشتند مخالفت امام با بهائیت بر پایه تعصب مذهبی است، واقعیت این است که امام خمینی بر پایه حفظ استقلال و امنیت ملی ایران هشدار می‌داد. سخنان او مملو از واژگانی چون:

«مراکز حساس»

«قبضه کردن مملکت»

«سلطنت جدید»

«حکومت از آنِ ماست»

همه این‌ها نشانه‌هایی از تشخیص یک تهدید برای کلیت ایران بود، نه صرفاً فقط برای دیانت اسلامی.

🛑 ۷. نتیجه‌گیری: وقتی تهدید مذهبی، تهدید ملی می‌شود

تاریخ نشان داد که نگرانی‌های امام نه تخیل بود و نه تعصب؛ بلکه تشخیص زودهنگام یک خطر ناپیدا بود که دیگران نمی‌دیدند یا ساده‌انگارانه با آن برخورد می‌کردند. او، برخلاف تحلیل‌های فقهی محدود، نقشه‌ای ژئوپلیتیک را در پشت ساختار مذهبیِ ظاهراً صلح‌طلب تشخیص داد و هشدارهایش، مبنای بسیاری از افشاگری‌های بعدی در ساختار انقلاب شد.

قسمت ۹ پایان

🟢 پس بگذار نسل امروز بداند: ما شروع نکردیم. آن‌ها حمله کردند. ما دفاع کردیم. و هنوز ادامه دارد...

RI 💧 ما شروع نکردیم؛ این اسرائیل بود که جنگ را به خانه ما آورد

نگاهی به هشدار تاریخی امام خمینی در سال ۱۳۴۳ و ریشه تقابل ایران و اسرائیل

در حافظه عمومی بسیاری از نسل‌ها این‌طور القا شده که تقابل ایران با اسرائیل، مسئله‌ای‌ست مربوط به بعد از انقلاب ۱۳۵۷؛ گویی تا پیش از آن، ما با اسرائیل در صلح یا بی‌تفاوتی بودیم و پس از انقلاب، ناگهان سیاست

رسمی کشور تغییر کرد. اما تاریخ، این روایت را به‌شدت رد می‌کند.

👈 واقعیت این است که اسرائیل از همان بدو تأسیس خود در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷ شمسی)، نه‌تنها موجودیتی غاصب برای فلسطینیان بود، بلکه با فاصله‌ای اندک، پروژه‌های فعال نفوذ و دخالت در ایران را آغاز کرد — درست در قلب ساختار امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ما.

🕯 سند تاریخی: سخنان امام خمینی در ۱۸ شهریور ۱۳۴۳

در سخنرانی مهمی که امام خمینی در مسجد اعظم قم و در برابر طلاب و مردم ایراد کرد، به وضوح هشدار داد:

«عمال اسرائیل در مراکز حساس ایران حضور دارند... اینها حکومت را از آنِ خود می‌دانند... از دربار تا انتهای کشور، این افراد نفوذ کرده‌اند.»

او به ترور نافرجام ناصرالدین شاه نیز اشاره کرد و این سابقه را بخشی از تاریخ نفوذ «تشکیلاتی با گرایش سلطه‌طلبانه» دانست که ریشه‌اش به شبکه‌هایی می‌رسید که بعدها تحت پرچم اسرائیل منسجم شدند.

📌 این سخنرانی، مربوط به ۱۳۴۳ است؛ یعنی ۱۴ سال پیش از انقلاب و تنها دوازده سال بعد از نقشه رسمی توسعه اسرائیل در منطقه و همکاری امنیتی‌اش با رژیم پهلوی.

🕸 ابزار نفوذ: شبکه‌های پنهان، نه ارتش‌های آشکار

اسرائیل، بر خلاف ارتش‌هایی که با توپ و تانک می‌آیند، با ابزارهای نرمی چون تشکیلات بهایی، مأموران نفوذی، شبکه‌های مالی، و نهادهای فرهنگی وارد شد. از همان دهه ۱۳۳۰، حضور عناصر وابسته به اسرائیل در ارتش، ساواک، شرکت‌های کلیدی اقتصادی، بانک‌ها و حتی آموزش و پرورش، شکل گرفت.

در این میان، تشکیلات بهایی یکی از درگاه‌های اصلی این نفوذ بود. اما مسئله اصلی نه دین، بلکه ساختار تشکیلاتی فراملی و پیوند سازمانی آن با تل‌آویو بود. آنچه امام خمینی تشخیص داد، یک انحراف اعتقادی صرف نبود، بلکه دخالت مستقیم یک دولت بیگانه در قلب منافع ملی ما بود.

📢 ما جنگ‌طلب نبودیم؛ دفاع کردیم

آنان که امروز می‌پرسند چرا ایران با اسرائیل مشکل دارد، باید این پرسش را برگردانند:

چرا اسرائیل از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ بی‌وقفه در امور ایران دخالت کرد؟

ما آغازگر نبرد نبودیم. ما حتی تا سال‌ها از واکنش صریح به این دخالت‌ها پرهیز کردیم. اما اسرائیل، از همان ابتدا ما را نه به‌عنوان یک ملت مستقل، بلکه به‌عنوان مزرعه‌ای برای نفوذ و بهره‌کشی نگاه کرد.

امام خمینی با شجاعت، پیش از همه این را دید و فریاد زد.

امروز، آن هشدار تاریخی باید دوباره خوانده شود.

🛡 نتیجه‌گیری: دشمنی از جنس دفاع ملی

مشکل ما با اسرائیل، نه ایدئولوژیک است و نه احساساتی.

نه به‌خاطر مذهب، که به‌خاطر میهن.

نه به‌خاطر دین، که به‌خاطر امنیت ملی.

وقتی امام گفت «مراکز حساس ایران در قبضه اسرائیل است»،

نه از سر تعصب، بلکه از سر شناخت خطر سخن گفت.

🟢 پس بگذار نسل امروز بداند: ما شروع نکردیم. آن‌ها حمله کردند. ما دفاع کردیم. و هنوز ادامه دارد...

منبع: https://www.hassanershad.com/13129

تحلیل مفهومی و اسنادی "کلاسترینگ" یا تقسیم جغرافیایی جهان -بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت العدل الف: اشغال خاک

✇ معرفی مجموعه مقالات – بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

بخش دوم: اشغال خاک در قالب "اجتماع‌سازی" و مهندسی نفوذ اجتماعی

مطالب حاضر بخشی از سلسله‌تحقیقات ساخت‌یافته پیرامون بررسی اسناد و شواهد امنیتی-فرهنگی مرتبط با سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل است. در این بخش، تمرکز ویژه‌ای بر پیام رسمی بیت‌العدل مورخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ صورت گرفته است؛ پیامی که به‌عنوان نقشه راه و دستورالعمل راهبردی این نهاد برای یک بازه ۲۵ ساله عمل می‌کند و از حیث تحلیلی، واجد اهمیت ژرف و لایه‌مند در حوزه مطالعات امنیت اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی است.

▧ عنوان کلیدی این پروژه در پیام مذکور، عبارت است از:

«پروژه جهانی ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ ساخت شبکه نفوذ در پوشش اجتماع‌سازی»

که به‌روشنی بر ابعاد راهبردی و چندلایه این نقشه حکایت دارد.

در بخش نخست این مجموعه که پیش‌تر با استناد به ۱۱۴ سند رسمی منتشر شده (و البته در حال تکمیل)، در دو مقاله زیر منتشر شد:

🔗 مقاله اول (https://www.hassanershad.com/12905)

🔗 مقاله دوم (https://www.hassanershad.com/13091)

به‌طور مستند اثبات شد که بیت‌العدل نه‌تنها یک ساختار صرفاً معنوی و تبلیغی نیست، بلکه با نهادسازی، برنامه‌ریزی بلندمدت، سازمان‌دهی منابع انسانی، و تولید گفتمان‌های نرم فرهنگی، به دنبال ایجاد نوعی نظام سیاسی فراملی و اقتدارگرای نرم در سطح دولت-ملت‌هاست.

در این مرحله، تمرکز از فاز نظری به فاز عملیاتی منتقل شده است؛ یعنی بررسی این‌که چگونه آن اهداف بلندپروازانه در قالب ساختارها، آموزش‌ها، نهادهای پوششی و سیاست‌های محلی-منطقه‌ای پیاده‌سازی می‌شود و چه تبعاتی برای امنیت اجتماعی، استقلال فرهنگی، و هویت ملی در جوامع مختلف به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه دارد.

از آنجا که جامعه هدف این پروژه عظیم، غالباً از ابعاد پنهان آن بی‌اطلاع است، مستندسازی این روندها و تحلیل گام‌به‌گام آن برای پژوهشگران، فعالان حوزه فرهنگ و امنیت، و نیز اندیشمندان علوم انسانی ضروری به نظر می‌رسد.

✎ مجموعه حاضر، با رویکردی نقدپایه، مستند و تطبیقی، تلاش دارد به‌صورتی عالمانه و فارغ از هیجان، به کالبدشکافی این پروژه پرداخته و با تمرکز بر ابعاد عملیاتی پروژه اجتماع‌سازی، به روشن‌سازی نسبت آن با سیاست‌های فراملی، مهندسی فرهنگی، و برنامه‌ریزی کلان نفوذ بپردازد.

مقاله ۶۲

🌍 بررسی استراتژی‌های میدانی بیت‌العدل در مسیر سلطه جهانی

🔎 تحلیل مفهومی و اسنادی "کلاسترینگ" یا تقسیم جغرافیایی جهان در چارچوب پروژه نفوذ و مهندسی حاکمیتی

با استناد به ده‌ها سند رسمی و راهبردی که پیش‌تر در دو مقاله‌ی زیر به‌صورت مستند ارائه شده است، قطعی بودن هدف نهایی بیت‌العدل یعنی تسلط بر حکومت‌ها و ایجاد یک نظم جهانی اقتدارمحور به‌وضوح قابل اثبات است:

🔗 مقالات اول (https://www.hassanershad.com/12905)

🔗 مقالات دوم (https://www.hassanershad.com/13091)

اکنون در ادامه آن پژوهش‌ها، مجموعه مقالات حاضر به بررسی یکی از ابزارهای کلیدی و استراتژیک بیت‌العدل در مسیر تحقق این هدف اختصاص دارد:

«استراتژی کلاسترینگ یا تقسیم جغرافیایی جهان به محدوده‌های عملیاتی»

📌 کلاسترینگ (Clustering) در ادبیات راهبردی بیت‌العدل، به معنای تقسیم‌بندی سازمان‌یافته کل جوامع انسانی به «محدوده‌های جغرافیایی هدفمند» است که هر یک به‌صورت مستقل و ساخت‌یافته، تحت برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و معنوی ویژه، مدیریت و جهت‌دهی می‌شوند.

این ساختار نه‌فقط ابزار سازمانی، بلکه به‌روشنی یک مکانیزم کنترل و سلطه نرم بر بسترهای محلی در مقیاس جهانی است.

چرا کلاسترینگ برای بیت‌العدل حیاتی است؟

ساختاردهی به نفوذ: پیش از سال ۲۰۲۱، کل جهان به ۱۷هزار کلاستر تقسیم شده بود و پس از آن این رقم به ۲۲هزار محدوده جغرافیایی افزایش یافت. این تقسیم‌بندی گسترده، امکان اعمال سیاست‌های بومی‌شده را فراهم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نفوذ فرهنگی و سیاسی، بدون جلب توجه گسترده و در پوشش «خدمت اجتماعی» صورت می‌پذیرد.

ایجاد نهادهای محلی شبه‌حاکمیتی: هر کلاستر دارای ساختار خاص خود در قالب نهادها، مشاورین، هسته‌های آموزش، و شبکه‌های داوطلبی است که شبیه به «حکمرانی موازی» در سطح خرد عمل می‌کند.

انعطاف‌پذیری بالا و فرار از نظارت حکومتی: تقسیم غیررسمی و غیردولتی جغرافیای انسانی به‌جای تبعیت از مرزهای ملی، امکان می‌دهد که این نهاد با ساختارهای رسمی در تعارض نیفتد، اما در عمل، تسلط فرهنگی-اجتماعی مستقلی را اعمال کند.

مهندسی افکار و جامعه‌پذیری ایدئولوژیک: کلاسترها بستر اصلی پیاده‌سازی پیام‌ها و سیاست‌های بیت‌العدل هستند و از این طریق، افراد به‌طور سیستماتیک وارد فرآیند آموزش، تطهیر فرهنگی و وفادارسازی ایدئولوژیک می‌شوند.

شبیه‌سازی مدل‌های حکومتی آینده: بیت‌العدل با بهره‌گیری از تجربه اجرایی در کلاسترها، عملاً الگویی آزمایشی از نظم جهانی موردنظر خود را در مقیاس‌های کوچک تمرین و پیاده‌سازی می‌کند.

✍ در این مجموعه، هر مقاله به تحلیل یکی از اسناد کلیدی در خصوص «محدوده‌های جغرافیایی» می‌پردازد.

در هر تحلیل، ضمن بررسی مفهومی متن پیام، به ابعاد امنیتی، فرهنگی، سیاسی و ساختاری آن اشاره می‌شود تا مخاطب بتواند نقش پنهان اما راهبردی کلاسترینگ در مهندسی سلطه جهانی توسط بیت‌العدل را به‌روشنی درک کند.

☑️ در ادامه، مقالات به‌صورت گام‌به‌گام منتشر می‌شوند و هر کدام با تمرکز بر یک سند خاص، به کالبدشکافی دقیق پروژه کلاسترینگ و پیامدهای احتمالی آن می‌پردازند.

مقاله ۶۳

✳️ کلاستربندی جغرافیایی؛ زیربنای نوین در مهندسی اجتماعی و مدیریت کلان داده

✍️ حسن ارشاد

🌐 درباره نویسنده (https://www.hassanershad.com/about-me)

مقدمه

در عصر مدیریت هوشمند منابع انسانی، فرهنگی و اطلاعاتی، یکی از پیشرفته‌ترین روش‌های سازمان‌دهی داده‌ها و تسلط بر فرآیندهای پیچیده اجتماعی، بهره‌گیری از مدل کلاستربندی جغرافیایی (Territorial Clustering) است. این روش، با تقسیم کل سطح جغرافیایی یک کشور یا جهان به «واحدهای عملیاتی قابل مدیریت»، امکان اجرای برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی را با دقت بالا، انعطاف‌پذیری موضعی و تحلیل‌پذیری ساختاریافته فراهم می‌سازد.

تعریف کلاستر جغرافیایی

کلاستر (Cluster) در این چارچوب، به یک محدوده مشخص جغرافیایی با ویژگی‌های مشترک انسانی یا زیرساختی گفته می‌شود که می‌تواند شامل یک محله، شهرک، یا چند روستا در نزدیکی هم باشد. مرزهای کلاستر، نه براساس تقسیمات سیاسی رسمی، بلکه بر مبنای الگوهای رفتاری، فرهنگی، ارتباطی یا جمعیتی ترسیم می‌شوند.

اهداف کاربردی کلاستربندی

📌 مدیریت داده‌ها در مقیاس خرد و کلان

کلاسترها به مثابه واحدهای سنجش‌پذیر و بومی‌شده، به استخراج، تحلیل و تطبیق داده‌های میدانی کمک می‌کنند.

📌 طراحی مداخلات اجتماعی هدفمند

سیاست‌گذاران می‌توانند برنامه‌های آموزشی، فرهنگی یا سلامت‌محور را به‌گونه‌ای طراحی کنند که متناسب با ظرفیت و ویژگی‌های هر کلاستر باشد.

📌 افزایش مشارکت و کاهش اصطکاک اجتماعی

درک مسائل هر کلاستر به صورت اختصاصی، امکان جلب مشارکت مردمی و کاهش مقاومت‌های فرهنگی را فراهم می‌سازد.

📌 ردیابی تحولات اجتماعی با دقت بالا

از طریق ثبت تغییرات در هر کلاستر، می‌توان روندهای رفتاری یا اجتماعی را با سرعت و صحت بیشتری رصد و تحلیل کرد.

مزایای راهبردی سیستم کلاستر

◇ تمرکزگرایی منعطف: با وجود راهبرد واحد، امکان اجرای سناریوهای متنوع بومی وجود دارد.

◇ قابلیت مقایسه و تطبیق: داده‌ها و رفتارها بین کلاسترها قابل مقایسه‌اند، و این امر به پالایش الگوهای موفق و شکست‌خورده کمک می‌کند.

◇ شبکه‌سازی ساختارمند: کلاسترها به‌راحتی می‌توانند در سطوح منطقه‌ای یا ملی به هم متصل شده و شبکه‌های میدانی قدرتمندی ایجاد کنند.

◇ پایش پیوسته و تصمیم‌سازی سریع: به‌دلیل تجمیع داده‌های محلی در یک ساختار تعریف‌شده، امکان واکنش سریع به تحولات وجود دارد.

موارد کاربرد

☑ در حوزه بهداشت عمومی: طراحی واکسیناسیون منطقه‌ای و پایش شیوع بیماری.

☑ در مهندسی فرهنگی: ترویج ارزش‌ها یا مقابله با آسیب‌های اجتماعی در نواحی خاص.

☑ در امنیت اجتماعی: شناسایی کانون‌های تنش یا آسیب در ساختار جمعیتی.

☑ در اقتصاد و توسعه محلی: تخصیص هدفمند منابع براساس نیازسنجی‌های واقعی هر کلاستر.

سلطه جهانی و قدرت نرم از طریق کلاستربندی سرزمینی

▨ اگر قدرت یا نهادی بین‌المللی بخواهد بر جهان مسلط شود — چه با ابزار فرهنگی، چه اجتماعی یا حتی دینی — سیستم کلاسترینگ یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای تحقق این هدف است.

تقسیم جهان به هزاران واحد جغرافیایی قابل کنترل و مانیتورینگ، این امکان را فراهم می‌سازد که پروژه‌های کلان و اهداف درازمدت با سرعت و دقت بالا در سطوح محلی پیاده‌سازی شوند.

این ساختار، به‌طور هوشمندانه‌ای ارتباط بین سطوح کلان راهبردی و میدان خرد اجتماعی را برقرار می‌کند و به صاحبان طرح، دسترسی مستقیم به ذهن‌ها، رفتارها و شبکه‌های اجتماعی مردم می‌دهد.

به‌بیان روشن‌تر:

«کسی که شبکه کلاسترهای جهان را طراحی و کنترل کند، می‌تواند جریان‌های فرهنگی، فکری، سیاسی و حتی مقاومت‌های اجتماعی را مدیریت کند — و این یعنی سلطه‌ای نرم اما عمیق.»

جمع‌بندی

کلاستربندی جغرافیایی، صرفاً یک تقسیم‌بندی فنی نیست؛ بلکه یک معماری شناختی-عملیاتی برای فهم و مدیریت جوامع انسانی در مقیاس بالاست. با تعریف دقیق «واحدهای مداخله‌پذیر»، امکان طراحی مداخلات هدفمند، تجمیع اطلاعات معنادار، و شکل‌دهی فرآیندهای مشارکتی یا کنترلی فراهم می‌گردد.

در عصر حکمرانی داده‌محور، کلاسترینگ سرزمینی نه‌تنها ابزار تکنیکی، بلکه زیرساختی برای ساخت آینده جوامع است — و در صورت بهره‌برداری در پروژه‌های سلطه جهانی، به ابزار بی‌رقیب در مهندسی جوامع بدل خواهد شد.

مقاله ۶۴

نقشه جهانی تشکیلات بهائیت؛ سلطه از طریق کلاسترینگ داده‌محور

مقدمه: پروژه حکومت جهانی از مسیر جامعه‌سازی نرم

تشکیلات جهانی بهائیت که ریشه فرماندهی آن در سرزمین اشغالی فلسطین (حیفا، اسرائیل) و مقر مرکزی‌اش «بیت‌العدل اعظم» مستقر در کوه کرمل است، سال‌هاست بی‌سر و صدا و با ظاهری مدنی، مشغول اجرای یک طرح پیچیده و داده‌محور با هدف نهایی «حکومت جهانی» است.

بر اساس پیام‌های رسمی این تشکیلات، از جمله پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ و پیام رضوان ۲۰۲۲، هدف این شبکه نه صرفاً گسترش عقیدتی، بلکه تسلط بر ساختارهای اجتماعی، جغرافیایی و داده‌ای تمام جهان از طریق فناوری سازمانی به‌نام کلاسترینگ است. این ابزار، اکنون در حال تبدیل شدن به یک تهدید بی‌سابقه برای حاکمیت ملی کشورها، نظم فرهنگی جوامع و امنیت اطلاعات است.

بخش اول: هدف نهایی ـ ساختار جهانی حکومت واحد

در آموزه‌های بنیادین بهائی و اسناد منتشره توسط بیت‌العدل، رسیدن به «نظم جهانی جدید» (New World Order) به‌صراحت به‌عنوان هدف نهایی ذکر شده است. اما این حکومت جهانی نه از مسیر آشوب یا انقلاب، بلکه از مسیر ظاهری «خدمت اجتماعی، توسعه فرهنگی و تحکیم جامعه» به‌پیش برده می‌شود. این نقشه همان چیزی است که در ادبیات رسمی بهائی، از آن با اصطلاحاتی چون نقشه پنج‌ساله، نه‌ساله یا برنامه رشد مرحله‌ای یاد می‌شود.

بخش دوم: تکنولوژی کلاسترینگ – ابزار استراتژیک برای نفوذ جغرافیایی

کلاسترینگ (Clustering) در ادبیات سازمانی بهائیت، به‌معنای تقسیم‌بندی جغرافیای کشورها به واحدهای کوچکتر قابل مدیریت است؛ این مفهوم که در پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ رسماً معرفی شده، به مجموعه‌ای به‌نام "مجموعه جوامع همجوار" (Clusters) اطلاق می‌شود.

تا سال ۲۰۰۳، حدود ۱۷ هزار کلاستر تعریف شده بود.

در پیام رضوان ۲۰۲۲، این عدد به بیش از ۲۲ هزار کلاستر افزایش یافته است.

هر کلاستر مانند یک واحد شبه‌اداری، اطلاعات ساختار جمعیت، ظرفیت تبلیغ، نقاط ضعف و فرصت اجتماعی را به مرکز جهانی منتقل می‌کند.

کلاسترینگ بهائیت صرفاً یک ابزار جغرافیایی نیست، بلکه سیستماتیک‌ترین مدل نفوذ نرم و اشغال اجتماعی در تاریخ مدرن است.

بخش سوم: مرکز فرماندهی داده‌ها؛ بیت‌العدل اعظم در اسرائیل

در تمام پیام‌های بیت‌العدل، روند تدوین، کنترل و پایش نقشه‌های رشد از سراسر جهان، به بیت‌العدل در حیفا گزارش می‌شود. این یعنی یک سامانه اطلاعاتی عظیم جهانی، که بر مبنای کلاسترها کار می‌کند، در اختیار نهادی دینی با ساختار بسته، فاقد شفافیت، و در یک سرزمین اشغالی قرار دارد.

این داده‌ها شامل موارد زیر است:

تعداد جلسات و فعالیت‌ها (کمی)

عمق نفوذ فرهنگی و دینی (کیفی)

وضعیت روانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هر کلاستر

میزان موفقیت در جذب، ارتباطگیری، آموزش، و پرورش نیرو
واکنش محیطی و مقاومت‌های اجتماعی یا دولتی
در واقع، بیت‌العدل به‌مثابه یک اتاق جنگ اطلاعاتی، با دقت میلی‌متری، میزان نفوذ خود را در هر منطقه جهان مدیریت می‌کند.
بخش چهارم: تبعات امنیتی و ژئوپلیتیکی شبکه داده‌ای بهائی
کنترل ۲۲ هزار کلاستر جغرافیایی توسط یک مرکز غیرپاسخگو در اسرائیل، پیامدهای خطرناکی دارد:
۱. نفوذ ساختاری در نهادهای محلی:
شبکه بهائی در هر کلاستر به دنبال شناسایی و جذب معلم، پزشک، امام جماعت، فعال فرهنگی، سمن‌دار، و حتی مأمور امنیتی یا نظامی است تا با روش‌های نرم، تأثیرگذاری را از درون شروع کند.
۲. اشغال تدریجی فرهنگی:
فعالیت‌هایی چون کلاس کودکان، جلسات دعا، آموزش خانواده و «مباحثه در باب حقیقت»، ابزارهایی برای مهندسی افکار عمومی در هر کلاستر هستند. در واقع این شبکه، زبان و فرهنگ را از درون تغییر می‌دهد تا هویت ملی از بین برود.
۳. ردیابی دولت‌ها و ظرفیت‌های مقاومت ملی:
در پیام‌ها بارها از "ارزیابی توان کلاسترها"، "قابلیت گذار به مرحله بالاتر" و "شناسایی نقاط برتر برای تسریع رشد" سخن گفته شده است. این دقیقاً همان چیزی است که در اصطلاحات امنیتی، نقشه‌برداری میدان (Mapping the Field) خوانده می‌شود.
۴. هم‌راستایی با ساختارهای اطلاعاتی اسرائیل:
با توجه به مکان بیت‌العدل و ممنوعیت رسمی ارتباط مستقیم آن با کشورهای اسلامی، این شبکه، عملاً به یکی از بزرگ‌ترین منابع غیررسمی اطلاعات اجتماعی ـ امنیتی از داخل کشورهای هدف برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است.

بخش پنجم: آیا این فقط یک دین است؟ یا ساختار امنیتی فراملیتی؟
تشکیلات بهائی، با شبکه‌ای از نهادهای سلسله‌مراتبی شامل:
بیت‌العدل اعظم
محافل روحانی ملی، منطقه‌ای و محلی
مشاورین و هیئات معاونت
موسسات آموزشی و کارآموزی
مراکز جمع‌آوری داده و تحلیل
عملکردی فراتر از یک دین دارد. این ساختار عملاً یک سازمان جهانی چندلایه با قدرت اطلاعاتی، فرهنگی، تربیتی و هدف‌گذاری شده برای تصرف جوامع از درون است.
نتیجه‌گیری: هشدار جدی برای حاکمیت‌ها
تحلیل دقیق مستندات رسمی بیت‌العدل نشان می‌دهد که:

کلاسترینگ یک ابزار ساده سازمان‌دهی نیست، بلکه طراحی راهبردی برای تسلط اطلاعاتی ـ فرهنگی بر کشورهاست.

مرکز داده‌های جهانی بهائی در حیفا، با تسلط لحظه‌به‌لحظه بر تغییرات نرم اجتماعی، در عمل مانند یک سازمان اطلاعاتی عمل می‌کند.

هر فعال، خانواده، همکار یا دانش‌آموز مرتبط با این تشکیلات، بخشی از داده‌های زنده این شبکه جهانی است.

🟣 ضروری است نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و فرهنگی کشورها، مسئله‌ی نفوذ کلاسترینگ بهائی را نه به عنوان پدیده مذهبی، بلکه به‌عنوان تهدید تمام‌عیار برای حاکمیت ملی، هویت فرهنگی، و استقلال اجتماعی ارزیابی و راهکار مقابله‌ای طراحی کنند.

مقاله ۶۵

کلاسترینگ جهانی بهائیت؛ اعتراف رسمی بیت‌العدل به تشکیل ۱۷,۰۰۰ واحد برای نفوذ سیستماتیک در جوامع

آغاز پروژه جهانی اشغال فرهنگی و اجتماعی با ابزار کلاسترینگ از سال ۲۰۰۱

🔍 مقدمه: پرده‌برداری از یک طرح جهانی خزنده

در یکی از مهم‌ترین پیام‌های صادرشده توسط بیت‌العدل اعظم ـ نهاد رهبری عالی بهائیان مستقر در اسرائیل ـ به تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳، برای نخستین‌بار به‌صراحت از تشکیل ۱۷,۰۰۰ کلاستر (مجموعه جوامع همجوار) در سراسر جهان پرده برداشته می‌شود.

این پیام، بدون پرده‌پوشی، اعتراف می‌کند که از آغاز قرن ۲۱ میلادی (سال ۲۰۰۱)، یک فرآیند دقیق، منسجم و مبتنی بر داده در حال پیاده‌سازی است که هدف آن تقسیم جغرافیایی جوامع بشری به نواحی قابل مدیریت، نظارت، و هدایت اجتماعی – فرهنگی از طریق یک شبکه جهانی می‌باشد.

بخش اول: کلاسترینگ بهائی چیست؟ پروژه‌ای مذهبی یا سازوکار اطلاعاتی جهانی؟

در این پیام آمده است:

«محافل روحانی ملی... توانستند مناطق تحت اشراف خود را به نواحی کوچکتری که دارای جوامع امری نزدیک به یکدیگرند تقسیم کنند که مجموعه‌های جوامع همجوار (کلاستر) نامیده می‌شوند.»

در ظاهر، این تقسیم‌بندی جغرافیایی فقط برای مدیریت بهتر جامعه بهائی انجام شده؛ اما در واقع این کلاسترها همان سلول‌های زنده پروژه نفوذ اجتماعی، تحلیل میدانی، داده‌برداری انسانی و اشغال تدریجی فرهنگ‌ها و هویت‌ها هستند.

📍 کلیدواژه: بدون جامعه همجوار (کلاستر) دیگر نقشه‌ها اجرا نمی‌شود.

این جمله پیام به‌روشنی هشدار می‌دهد که هیچ پروژه‌ای بدون کلاستر ممکن نیست. این یعنی ستون فقرات عملیات جهانی بهائیت، همین سیستم کلاسترینگ است.

🌐 بخش دوم: ابعاد جهانی سیستم ـ اعتراف رسمی به تقسیم کره زمین به ۱۷۰۰۰ کلاستر فعال

«...تا کنون در سراسر جهان... قریب هفده هزار مجموعه جوامع همجوار تشکیل شده است.»

🟣 این عدد تکان‌دهنده است. تشکیل ۱۷,۰۰۰ کلاستر در بیش از ۲۰۰ کشور و منطقه جهان، معادل است با:

۱۷,۰۰۰ نقطه ورودی اطلاعاتی و انسانی برای بیت‌العدل

۱۷,۰۰۰ پایگاه تحلیل رفتار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محلی

۱۷,۰۰۰ واحد نفوذ نرم در ساختارهای حاکمیتی و مدنی کشورها

این کلاسترها با الگویی مشابه اما متناسب با بافت محلی، تمامی جمعیت‌های کوچک تا کلانشهرها را پوشش می‌دهند. مثلاً:

در هند: ۱۵۸۰ کلاستر تشکیل شده

در سنگاپور: کل کشور تبدیل به یک کلاستر شده

در کلان‌شهرها، این کلاسترها ریزتر و تخصصی‌تر عمل می‌کنند تا کنترل دقیق‌تر انجام شود. این یعنی:

نقشه‌برداری کامل فرهنگی-اجتماعی شهروندان در قالب نرم، از طریق جلسات، برنامه‌های کودک، آموزش خانواده و حتی جلسات دعا.

📊 بخش سوم: کلاسترینگ داده‌محور ـ پروژه‌ای برای تجزیه فرهنگی و تحلیل اجتماعی کشورها

از محتوای پیام ۲۰۰۳ این‌گونه برداشت می‌شود که:

کلاسترها بر اساس معیارهای جغرافیایی و اجتماعی تعریف شده‌اند

اطلاعات مربوط به هر کلاستر به مرکز جهانی ارسال می‌شود

این داده‌ها صرفاً برای «اداره بهائیان» نیست، بلکه برای «نقشه‌برداری اجتماعی کشورها» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هر کلاستر در واقع یک ایستگاه اطلاعاتی زنده است که:

تعداد مؤمنین

نوع فعالیت‌ها

واکنش جامعه میزبان

ظرفیت جذب نیرو

وضعیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منطقه

را در پلتفرم واحد داده‌محور بیت‌العدل در اسرائیل ثبت و به‌روز می‌کند.

این یعنی:

🟢 بزرگ‌ترین بانک زنده اطلاعات غیردولتی درباره جوامع انسانی جهان، اکنون در اختیار نهادی مذهبی-سیاسی در سرزمین اشغالی است.

بخش چهارم: پیامدهای امنیتی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی سیستم کلاسترینگ بهائیت

۱. نفوذ اطلاعاتی ـ فرهنگی به درون ملت‌ها:

با استفاده از جلسات کودک، آموزش نوجوان، مشاوره والدین، حلقه‌های گفتگو و کلاس‌های دعا، داده‌های رفتاری و نگرشی افراد استخراج می‌شود.

۲. نفوذ ساختاری به جوامع مدنی و نهادهای محلی:

کلاسترها بستر تماس با معلمان، پزشکان، فعالان سمن، شوراهای محلی، انجمن‌های فرهنگی و دانشگاهیان هستند.

اطلاعات به‌روز و ناحیه‌ای برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای:
با تجمیع این داده‌ها در حیفا، عملاً بیت‌العدل به یک ستاد فرماندهی داده‌محور جهانی تبدیل شده که در ابعاد سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی قدرت تحلیل عملیاتی دارد.
نتیجه‌گیری: اعتراف رسمی به آغاز «اشغال نرم» از سال ۲۰۰۱
برای نخستین‌بار در این پیام رسمی، بیت‌العدل به‌طور صریح و شفاف اعتراف می‌کند که پروژه کلاسترینگ جهانی از سال ۲۰۰۱ آغاز شده و تا سال ۲۰۰۳، در بیش از ۱۷ هزار منطقه اجرایی شده است.
این پروژه نه یک برنامه تبلیغ دینی، بلکه یک نقشه برای تجزیه ساختار اجتماعی کشورها و مدیریت رفتار ملت‌ها در سطح خرد است.
سیستم جهانی کلاسترینگ، بستر اجرای حکومت جهانی بهائیت است که ستون آن اطلاعات بومی ـ منطقه‌ای است.
ادامه این روند، به‌معنای واگذاری کنترل بخشی از جغرافیای داده‌ای، اجتماعی و فرهنگی کشورها به یک مرکز خارجی و غیرپاسخگو است.

مقاله ۶۶

⛔ هشدار
گزارش‌های پارلمانی و نهادهای امنیتی
نشریات پژوهشی و حقوقی
کمیسیون‌های فرهنگی و سیاست‌گذاری ملی
🔐 گزارش تحلیلی – امنیتی
سیستم کلاسترینگ جهانی در تشکیلات بهائیت: تهدیدی سازمان‌یافته علیه حاکمیت داده، انسجام اجتماعی و امنیت ملی
🖋 مقدمه:
بر اساس پیام رسمی مورخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ صادره از بیت‌العدل اعظم، نهاد رهبری عالی تشکیلات بهائی مستقر در حیفا (اسرائیل)، مشخص شده که از سال ۲۰۰۱ میلادی طرحی بین‌المللی، منسجم، داده‌محور و گام‌به‌گام با هدف «تقسیم جغرافیایی کامل جهان به کلاسترها (مجموعه‌های جوامع همجوار)» آغاز شده و تا آن سال، بیش از ۱۷,۰۰۰ کلاستر در جهان تشکیل شده‌اند.
این گزارش، اقدام فوق را با نگاهی حقوقی، امنیتی و ساختاری، مورد ارزیابی قرار داده و آن را در چارچوب مفاهیم اشغال نرم، تحلیل ژئوپلتیک داده‌ها و تهدیدات سایبری اجتماعی بررسی می‌کند.
🔍 بخش اول: اعتراف رسمی به ایجاد شبکه جهانی کلاستر از سال ۲۰۰۱
در این پیام آمده است:
«تا کنون در سراسر جهان... قریب ۱۷ هزار مجموعه جوامع همجوار تشکیل شده است... مناطقی که دارای جوامع امری نزدیک به یکدیگرند... تقسیم‌بندی صرفاً جغرافیایی و اجتماعی بوده است...»
📌 این جمله، دارای سه نکته مهم حقوقی و امنیتی است:

اعتراف رسمی به اجرای طرح جهانی از سال ۲۰۰۱
استفاده از الگوی علمی کلاسترینگ در سطح جهانی و ناحیه‌ای
اهداف غیرصرف دینی، و مشخصاً استفاده از داده‌های جغرافیایی ـ اجتماعی برای برنامه‌ریزی آینده‌نگر

📊 بخش دوم: ماهیت واقعی کلاسترهای بهائی – زیرساخت داده‌برداری از ملت‌ها

در ادبیات فنی، کلاسترینگ (Clustering) نوعی تقسیم هوشمند جامعه به خوشه‌های قابل تحلیل و کنترل بر اساس داده‌های کمی، کیفی، جمعیت‌شناسی، فرهنگی و رفتاری است.

بر اساس پیام‌های بیت‌العدل:

هر کلاستر به‌مثابه یک ایستگاه جمع‌آوری و تحلیل داده طراحی شده است.

اطلاعات لحظه‌ای کلاسترها به مرکز فرماندهی در حیفا ارسال می‌شود.

برنامه‌های آموزشی، جلسات دعا، آموزش کودکان و نوجوانان، حلقات بحث خانوادگی، همه ابزارهای نفوذ نرم برای دسترسی به لایه‌های عمیق جامعه میزبان هستند.

📌 یادآوری: طبق همین اسناد رسمی، از سال ۲۰۲۱ این تعداد به بیش از ۲۲,۰۰۰ کلاستر افزایش یافته است.

⚠️ بخش سوم: پیامدهای امنیتی و تهدیدات چندلایه

۱. تهدید حاکمیت داده ملی:

تشکیلات بهائیت با زیرساخت متمرکز داده در اسرائیل، به اطلاعاتی دست می‌یابد که از سطح دولت‌ها فراتر می‌رود: شناخت روابط خانوادگی، شکاف‌های اجتماعی، باورهای محلی، پتانسیل مخالفت، ظرفیت جذب جوانان، و...

۲. امکان سو استفاده در عملیات سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی:

با این حجم از داده‌ها، امکان طراحی جنگ شناختی، نفوذ در باورها، تخریب انسجام اجتماعی، و حتی مهندسی بحران وجود دارد.

الگوهای کلاسترینگ مشابه الگوهای سازمان‌های اطلاعاتی در تعریف «سلول‌های نفوذ منطقه‌ای» است.

۳. ایجاد خاک اطلاعاتی جایگزین در کشورها:

با وجود کلاسترهای بهائی، ساختارهایی موازی برای تحلیل داده‌های مردمی شکل می‌گیرد که کاملاً خارج از نظارت دولت‌ها و وابسته به یک مرکز خارجی است.

🛡 پیشنهادات:

شناسایی کلاسترهای رسمی و غیررسمی در کشور و رصد فعالیت‌های مرتبط
تدوین قانون برای کنترل و نظارت بر جمع‌آوری داده‌های فرهنگی-اجتماعی توسط نهادهای فراملی مذهبی
تسری طبقه‌بندی امنیتی به نهادهایی که از سیستم‌های کلاسترینگ در مناطق حساس استفاده می‌کنند
آگاه‌سازی عمومی درباره تکنیک‌های نفوذ نرم در قالب برنامه‌های کودک، خانواده، کلاس دعا و حلقات رشد

📌 جمع‌بندی:

تشکیلات بهائی با بهره‌گیری از ساختارهای علمی ـ اطلاعاتی از جمله کلاسترینگ جغرافیایی و فرهنگی، اقدام به سازماندهی یک شبکه جهانی داده‌محور نموده که عملاً در حال تشکیل خاک اطلاعاتی جایگزین در درون کشورها

است.

🟢 اعتراف بیت‌العدل به راه‌اندازی رسمی ۱۷,۰۰۰ کلاستر در جهان تا سال ۲۰۰۳، سندی بی‌سابقه و هشداردهنده برای سیاست‌گذاران فرهنگی، امنیتی و سایبری است.

مقاله ۶۷

⬤ گزارش تکمیلی – امنیت داده و کنترل خاک فرهنگی

پروژه ۲۵ ساله بیت‌العدل: تثبیت کلاسترینگ داده‌محور در سراسر جهان با هدف نفوذ ژئوپلتیک

📍 مقدمه: از ۱۷,۰۰۰ کلاستر تا بیش از ۲۲,۰۰۰ نقطه کنترل داده

در ادامه مسیر آغاز شده در سال ۲۰۰۱ که طی آن بیت‌العدل اقدام به تقسیم رسمی جهان به مناطق کلاسترینگ‌شده موسوم به "مجموعه‌های جوامع همجوار" نمود، حال در پیام رسمی رضوان ۲۰۲۲، این نهاد به شکل بی‌پرده و بی‌سابقه‌ای بر تعمیق، گسترش و هوشمندتر شدن این شبکه جهانی در ۲۵ سال آینده تأکید کرده است.

«...تعداد کل محدوده‌های جغرافیایی به بیش از ۲۲,۰۰۰ افزایش یافته... از این میان ۱۴,۰۰۰ دارای برنامه رشد، ۱۱,۰۰۰ با رشد فشرده، و حداقل ۵,۰۰۰ در سطح "نماد سوم" خواهند بود...»

این جملات را باید بزرگ‌ترین اعتراف تاریخ معاصر تشکیلات بهائی به یک پروژه داده‌محور چندلایه جهانی برای کنترل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ژئوپلتیک درون کشورها دانست.

🎯 بخش اول: تثبیت زیرساخت جهانی تجمیع داده‌ها تا سال ۲۰۳۱

در پیام مزبور، بیت‌العدل صراحتاً می‌گوید:

«بر اساس پیش‌بینی‌ها، تا پایان نقشه جدید (۲۰۳۱)... هزاران محدوده جغرافیایی باید به سطوح رشد پیشرفته برسند...»

📌 این عبارات معادل است با:

نقشه‌برداری جهانی بر اساس جمعیت، فرهنگ، بافت مذهبی، شرایط سیاسی، و حتی پویش‌های محلی

برنامه‌ریزی داده‌محور برای هر نقطه جغرافیایی با ابزارهای توسعه‌ای نرم همچون جلسات دعا، آموزش کودکان، حلقه‌های رشد، ارتباطات خانوادگی و...

استفاده از این داده‌ها برای تحلیل ریسک، قابلیت جذب، عمق نفوذ، چالش‌های منطقه‌ای و فرصت‌های سلطه فرهنگی

📡 بخش دوم: تهدید مضاعف بر حاکمیت داده و امنیت داخلی

۱. مراکز داده و فرماندهی مرکزی در حیفا (اسرائیل):

تمامی داده‌ها از هزاران کلاستر منطقه‌ای به یک مرکز جهانی هدایت می‌شوند، با ساختار سلسله‌مراتبی که تا پایین‌ترین سطوح شهری و روستایی امتداد دارد.

۲. قابلیت تحلیل داده‌های بومی بهتر از دولت‌ها:

بیت‌العدل با این پروژه، نقشه‌های فرهنگی، اعتقادی، روانی و اجتماعی بومی کشورها را با دقت میلی‌متری ترسیم می‌کند، که عملاً آن را به ابزاری قدرتمند برای کنترل نرم در درازمدت تبدیل می‌کند.

۳. اختلال در انسجام ملی و امنیت فرهنگی:
از آن‌جا که کلاسترها مبتنی بر جمع‌آوری داده از پایین به بالا (از خانه، مدرسه، کودک، همسایه) هستند، دولت‌ها هیچ قدرت کنترلی بر فرایند تولید داده ندارند؛ و این، مقدمه‌ای برای شکل‌گیری یک خاک فرهنگی موازی با ساختار رسمی کشورها است.

⚔️ بخش سوم: مدل کلاسترینگ بیت‌العدل ≠ جامعه‌سازی مذهبی | ⛔ این پروژه داده‌محور برای چیست؟

🔍 چرا باید بیت‌العدل از داده‌های خانوادگی، تربیتی، فرهنگی و گفت‌وگوهای خانگی در بیش از ۲۲,۰۰۰ نقطه جهان استفاده کند؟

اگر این صرفاً پروژه‌ای معنوی بود، چرا چنین سیستم هوشمند و مرکز داده جهانی نیاز است؟

☑️ پاسخ روشن است:

این یک پروژه مذهبی نیست، بلکه "زیرساخت نفوذ داده‌محور برای حکمرانی پنهان" است.

⛳ چشم‌انداز ۲۵ ساله: «امنیت جهانی» یا «اشغال اطلاعاتی ملل»؟

طبق اسناد رسمی بیت‌العدل، تا سال ۲۰۳۱، جهان باید دارای:

بیش از ۱۴,۰۰۰ کلاستر با برنامه رشد دقیق

بیش از ۱۱,۰۰۰ کلاستر با نظارت رشد فشرده

و حداقل ۵,۰۰۰ نقطه با اشراف و تسلط کامل اطلاعاتی و فرایندی باشد.

📌 به بیان ساده

هر کشوری که دارای جمعیت بهائی باشد، دارای یک یا چند کلاستر جاسازی‌شده اطلاعاتی نیز هست

.

🔐 نتیجه‌گیری امنیتی:

👁 این پروژه از سال ۲۰۰۱ آغاز شده، در ۲۰۲۲ مجدداً تأیید و گسترش یافته و تا سال ۲۰۳۱ دارای برنامه عملیاتی کاملاً روشن است.

📍 در این پروژه:

هیچ‌کس از داده‌برداری مستثنی نیست: از کودک، والدین، معلم، همسایه، خویشاوند تا کارفرما

مخالفان طرد تشکیلاتی می‌شوند: پس اطاعت، اجباری و سازمانی است نه داوطلبانه

داده‌ها در اسرائیل متمرکز می‌شود: یک مرکز فراملی داده، خارج از حاکمیت کشورهای میزبان

💧 هشدار نهایی:

📢 پروژه ۲۵ ساله بیت‌العدل، دقیق‌ترین، گسترده‌ترین، و متمرکزترین شبکه تحلیل فرهنگی جهان را پدید می‌آورد.

اگر دولت‌ها و جوامع از اکنون وارد عمل نشوند، طی یک دهه آینده:

دیگر نه «فرهنگ بومی» و نه «سیاست ملی» از کنترل در امان خواهند بود.

خاک اطلاعاتی رسمی کشورها به خاک فرهنگی تحت کنترل بیت‌العدل واگذار خواهد شد.

🚨 تحلیل امنیتی و ژئوپلتیکی از نقشه جهانی پروژه‌های توسعه‌ای بهائیت در ایران و جهان

مبتنی بر سند رسمی منتشرشده توسط جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل

منبع اصلی: https://bahai-library.com/osed_betterment_world

📎 تیتر اصلی:

«پروژه اشغال نرم سرزمین: ایران در رأس ۴ پایگاه توسعه‌ای برتر جهان در تشکیلات بهائی»

🧩 مقدمه:

تشکیلات جهانی بهائیت تحت عنوان «Office of Social and Economic Development (OSED)» در حیفا (اسرائیل) از سال ۱۹۸۳ به‌صورت رسمی وارد حوزه توسعه پایدار شده است. اما نقطه عطف تحول‌آفرین آن، سال ۲۰۰۱ میلادی است؛ سالی که بر مبنای پیام بیت‌العدل، الگوی "کلاسترینگ داده‌محور" به اجرا درآمد. از آن پس، جامعه جهانی بهائی شروع به طراحی دقیق‌ترین نقشه جغرافیایی – اجتماعی دنیا کرد.

🧠 داده‌های افشاشده از سند رسمی:

۱. تعداد پروژه‌های توسعه‌ای در جهان تا سال ۲۰۲۲:

بیش از ۱۰۰,۰۰۰ پروژه کوتاه‌مدت (Activities of Fixed Duration)

بیش از ۱,۳۰۰ پروژه پایدار (Sustained Projects)

صدها سازمان با عنوان Bahá’í-inspired Organizations

۲. نقشه طبقه‌بندی‌شده جهانی – رنگی:

سبز روشن: کشورهای دارای کمتر از ۱۰۰ پروژه

سبز متوسط: ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ پروژه

سبز پررنگ (بسیار تیره): بالای ۱۰۰۰ پروژه – و فقط ۴ کشور در جهان به این سطح رسیده‌اند

🚨 و یکی از این ۴ کشور، به طور رسمی، ایران است.

🖊 معنای استراتژیک این داده‌ها:

IR جایگاه ایران در نقشه:

در حالی که فعالیت رسمی بهائیت در ایران غیرقانونی است و هیچ تشکیلات رسمی به‌صورت علنی اجازه فعالیت ندارد، اما این سند نشان می‌دهد که:

بیش از ۱۰۰۰ پروژه‌ی توسعه‌ای پایدار در ایران فعال است

هیچ لیستی از موقعیت مکانی، اسامی پروژه‌ها یا عاملین این پروژه‌ها اعلام نشده است

یعنی یک شبکه زیرزمینی و گسترده با برنامه داده‌محور فعال است که از چشم سیستم رسمی پنهان مانده

🕷 تحلیل امنیتی – داده‌محوری و کلاسترینگ:

چرا این خطرناک است؟

طبق پیام‌های رسمی بیت‌العدل (از جمله پیام ۲۰۰۳ و ۲۰۲۲)، تمام پروژه‌ها به صورت ساختارمند و داده‌محور در قالب «کلاستر» اجرا می‌شوند. ویژگی‌های این سیستم:

مدیریت محلی با اتصال مرکزی در اسرائیل (بیت‌العدل)
کنترل لحظه‌ای داده‌ها از وضعیت فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی و واکنشی مردم در هر کلاستر
تحلیل‌های آماری پیشرفته برای طراحی "نقشه رشد" و تسخیر ذهنی جوامع
به‌کارگیری هوش مصنوعی و داده‌کاوی برای تعیین نقاط نفوذ یا ضعف حکومت‌ها
🎖 نقش دیوید راتستاین (David Rutstein)
ژنرال بازنشسته ارتش ایالات متحده
دبیرکل جامعه جهانی بهایی (BIC) در سازمان ملل
مدیر سیاسی–امنیتی این شبکه توسعه‌ای بین‌المللی
☑ این یعنی شبکه‌ای به ظاهر دینی، به شکل NGO، اما به‌صورت زیرساخت‌مند توسط ژنرال آمریکایی، از مقر سازمان ملل مدیریت می‌شود.
🎯 نتیجه‌گیری:
وجود بیش از ۱۰۰۰ پروژه‌ی توسعه‌ای پایدار در ایران، تأییدشده توسط سند رسمی منتشرشده در سازمان ملل، نشان می‌دهد که:
بهائیت صرفاً یک فرقه مذهبی نیست؛ بلکه یک سازمان اطلاعاتی، فرهنگی و جامعه‌ساز داده‌محور جهانی است
این سازمان با تمرکز بر تقسیم‌بندی دقیق جغرافیایی (کلاسترینگ)، ایران را به یکی از ۴ قطب استراتژیک خود در جهان تبدیل کرده است
پروژه‌ها زیر پوشش «توسعه اجتماعی» اما با اهداف بلندمدت کنترل فرهنگی، تربیت اجتماعی، جامعه‌سازی و نفوذ ساختاری اجرا می‌شود
این شبکه به‌واسطه تجمیع داده‌های داخلی ایران و ارسال آن به اسرائیل (مرکز بیت‌العدل) عملاً به یک شبکه جاسوسی فرهنگی در سطح جهانی تبدیل شده است
🔎 سند رسمی برای مطالعه:
📄 عنوان سند: For the Betterment of the World
📍 منتشر شده توسط: Office of Social and Economic Development (OSED)
📅 بازه زمانی: ۱۹۹۶ – ۲۰۲۲
🌐 لینک رسمی:
👉 https://bahai-library.com/osed_betterment_world

مقاله ۶۹

⬤ تحلیل آکادمیک و امنیتی پیام ۲۱ آوریل ۲۰۱۷ بیت‌العدل: اعترافی آشکار به مهندسی اجتماعی جهانی مبتنی بر داده و کلاسترینگ جغرافیایی
🧠 مقدمه:
پیام مورخ ۲۱ آوریل ۲۰۱۷ صادرشده از بیت‌العدل، ظاهراً گزارشی از پیشرفت درون‌تشکیلاتی است، اما در

حقیقت سندی مهم از ساختار پیچیده، متمرکز، و داده‌محورِ شبکه جهانی بهائیت در راستای مهندسی اجتماعی و تسلط بر کلاسترهای جغرافیایی در سراسر جهان محسوب می‌شود.
با استناد به بخش‌هایی از این پیام، می‌توان ماهیت غیردینی و کاملاً ساختاریافته‌ی این تشکیلات را آشکار ساخت.

۱) کلاسترینگ (Clusterization): تقسیم‌بندی جغرافیایی جهت نفوذ و اشغال نرم اجتماعی

- در بخشی از پیام آمده است:

«مراکز فعّالیّت فشرده، آن محلّه‌ها و روستاهایی که کار جامعه‌سازی در آن تمرکز بیشتری دارند، میادین مستعدّی را برای تقلیب جمعی فراهم می‌آورند.»

این عبارت به‌وضوح بیانگر یک استراتژی تقسیم و تمرکز جغرافیایی است. تشکیلات بهائی با تعریف کلاسترهای جغرافیایی (همانند مناطق عملیاتی) و استقرار برنامه‌های ویژه در آنها، به‌تدریج اقدام به مهندسی فرهنگ، جامعه‌سازی دستوری، و نفوذ شبکه‌ای در بافت اجتماعی می‌نماید.

۲) برنامه‌ریزی داده‌محور با رصد کمی و کیفی دقیق در زمان واقعی

- بیت‌العدل می‌نویسد:

«سپاه گسترده و پرشورِ اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان مشوّق مجهودات دوستان بوده، به آنان کمک می‌کنند که چگونه فرایند رشد را در موقعیّت‌های گوناگون به پیش ببرند و رویکردهایی متناسب با شرایطِ هر محدودهٔ جغرافیایی بیابند.»

عبارت فوق، مویدِ سنجش دقیق داده‌ها از هر کلاستر (محله، شهر، منطقه) و به‌کارگیری «رویکرد متناسب» است؛ این دقیقاً همان الگویی است که در عملیات‌های اطلاعاتی و برنامه‌ریزی راهبردی به‌کار می‌رود: داده‌برداری، طبقه‌بندی، شبیه‌سازی و اجرای برنامه بر حسب ظرفیت محلی.
این یعنی هر ناحیه، همانند یک "یونیت عملیاتی" در یک نقشه جهانی، زیر نظر یک سیستم کنترل مرکزی در حیفا قرار دارد که هر لحظه داده‌های آن تحلیل و برای مرحله بعد استفاده می‌شود.

۳) فازبندی رشد و ارزیابی پیوسته = نقشه عملیاتی چندمرحله‌ای

- در ادامه آمده است

:

«سرعت بخشیدن به پیشرفت پنج هزار برنامهٔ رشد مستلزم کوششی کاملاً بی‌سابقه است... پیشرفت سریع حاصل در بعضی نقاط در دیگر مناطق هنوز ظاهر نشده است ولی تعداد کلّ برنامه‌های فشردهٔ رشد در جهان هم‌اکنون در حال افزایش است.

»

واژه‌هایی چون «پیشرفت سریع»، «برنامه‌های رشد»، «تعداد کل»، «مرحله‌ای»، همه به‌روشنی بیانگر یک الگوی برنامه‌ریزی شده فازبندی‌شده، با شاخص‌های کمی و کیفی هستند. این یعنی تشکیلات بیت‌العدل نه تنها هدف، بلکه مسیر، ابزار، سنجه، و تیم کنترل اجرایی در اختیار دارد.

۴) تمرکز قدرت و فرماندهی مرکزی در اسرائیل

- در کل پیام، ساختار سلسله‌مراتبی و تمرکز فرمان، قابل شناسایی ا

ست:

«شوراهای منطقه‌ای بهائی با حمایت محافل روحانی ملّی می‌آموزند که چگونه می‌توان پیشرفت نقشه را هم‌زمان در طیفی از محدوده‌های جغرافیایی سرعت بخشید... این وظیفه در بعضی کشورهای کوچک که شورای منطقه‌ای وجود ندارد توسّط نهادهای جدیدی در سطح ملّی انجام می‌گیر

د.»

این یعنی با پوشش واژگان مذهبی، یک ساختار نظام فرماندهی چندلایه، شبیه ستاد مرکزی عملیات اجتماعی-فرهنگی در حال اجرای پروژه‌ای جهانی است که در نهایت به بیت‌العدل، یعنی مرکز فرماندهی جهانی، ختم می‌شود.

📍 نتیجه‌گیری:

پیام ۲۱ آوریل ۲۰۱۷، نه یک پیام معنوی بلکه دستورالعملی نظام‌مند برای اجرای پروژه نفوذ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جهان، به‌ویژه در کشورهای هدف است. این پیام، با مستندسازی فرآیندهای دقیق، تقسیم‌بندی جغرافیایی، تحلیل داده، ساختار اجرایی، و تمرکز فرماندهی، نشانه‌ای روشن از فعالیت‌های داده‌محور و امنیت‌سازمان‌یافته یک تشکیلات جهانی است که با نام مذهب اما با ابزار مهندسی اجتماعی، در حال بازطراحی جهان از پایین‌ترین لایه‌های اجتماع است.

☑ پیشنهاد نهایی: این پیام و نظایر آن باید توسط مراکز مطالعات امنیت ملی، کمیسیون‌های امنیت فرهنگی مجلس، مراکز رصد جنگ نرم و نهادهای اطلاعاتی-اجتماعی به‌عنوان یک سند راهبردی مورد مطالعه، هشدار و اقدام قرار گیرد.

مقاله ۷۰

🔍 نقد آکادمیک – امنیتی پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵): "اقدام اجتماعی" یا پروژه نفوذ ساختاریافته مبتنی بر داده؟

① پوشش معنوی برای برنامه‌ریزی اجتماعی سیستماتیک

در بند آغازین پیام، بیت‌العدل می‌نویسد:

«آغاز تحرّکی جدید در زمینهٔ اقدام اجتماعی یکی از نتایج طبیعی افزایش منابع و ازدیاد آگاهی از مقتضیات ظهور امر الهی برای زندگی یک جمعیّت است.»

عبارت بالا ظاهراً معنوی است، اما دقیق‌تر که نگاه کنیم به روشنی یک مهندسی نرم‌افزاری اجتماعی از درون جوامع هدف را روایت می‌کند. بیت‌العدل از مفهومی به نام "اقدام اجتماعی" نام می‌برد، که عملاً اشاره به فعال‌سازی شبکه‌ای از پروژه‌های داده‌محور با اهداف فرهنگی، آموزشی، محیط‌زیستی و سلامت عمومی دارد؛ حوزه‌هایی که همگی در ذیل فعالیت‌های "NGO-محور" از مصونیت اجتماعی برخوردارند.

② نطفه‌گذاری پروژه‌های اجتماعی در درون کلاسترهای جغرافیایی

در بخش دیگری از پیام آمده است:

«این مجهودات میتواند اشکال مختلفی به خود بگیرد مثلاً ارائهٔ کمک تدریسی به کودکان، طرح‌هایی برای بهبود محیط زیست، و فعّالیّت‌هایی در جهت بهداشت بهتر و پیشگیری از بیماری‌ها.»

این عبارت نشان‌دهنده آن است که بهائیان در مناطق مختلف با کدهای انسانی-اجتماعی پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی (مانند محیط زیست، آموزش، سلامت) اقدام به ایجاد پایگاه اجتماعی، رصد داده‌های محلی، و فعال‌سازی جمعیت محلی می‌کنند.

در واقع، هر پروژه‌ی محلی، بخشی از یک نقشه بزرگ جهانی کلاسترینگ است که در آن:

ظرفیت‌های اجتماعی جامعه ارزیابی می‌شود؛

داده‌ها ثبت و به مرکز جهانی (حیفا) منتقل می‌شود؛

و مسیر نفوذ از لایه‌های پایین جامعه آغاز می‌گردد.

۳ اتصال برنامه‌های فرهنگی محلی به فرماندهی اطلاعاتی بین‌المللی

در پیام می‌خوانیم

:

«در مواقعی، تلاش‌های دوستان می‌تواند از طریق کار یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی که در آن حوالی فعالیت می‌کند بسیار تقویت گردد.

»

عبارت فوق دقیقاً اشاره به سازمان‌های بهائی وابسته به "دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی بیت‌العدل" (OSED) دارد، که طبق گزارش رسمی منتشر شده در سازمان ملل (۲۰۲۳)، بیش از ۱۰۰۰ سازمان ملهم از بهائیت در سراسر جهان ثبت شده‌اند، با تمرکز فعالیت در چهار منطقه اولویت‌دار، یکی از آنها ایران.

این یعنی پروژه‌ها، گرچه محلی ظاهر می‌شوند، اما عملاً متصل به یک ساختار مرکزی داده‌محور، با فرماندهی بین‌المللی، و مأموریت‌های چندلایه هستند.

۴ تکرار الگوی نفوذ در تمام کلاسترها = الگوریتم یادگیری جمعی و هوش مصنوعی اجتماعی

پیام بیت‌العدل در ادامه می‌افزا

ید:

«یک اقدام اجتماعی هر چقدر هم در ابتدا کوچک باشد نشانه‌ایست از اینکه یک جمعیت در درون خود قابلیتی بسیار مهم را پرورش می‌دهد: قابلیّت یادگیری اینکه چگونه می‌توان تعالیم این ظهور اعظم را در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی به کار گرف

ت.»

این بند، به شکلی غیرمستقیم نشان می‌دهد که شبکه تشکیلاتی بهائی، الگوهای نفوذ خود را به‌صورت تجربی و یادگیرنده در هر کلاستر پیاده می‌کند. این همان منطق الگوریتم‌های یادگیری در هوش مصنوعی است: هر اقدام محلی، ورودی جدیدی برای اصلاح، بهبود و به‌روزرسانی نقشه جهانی نفوذ است.

بیت‌العدل با اصطلاح «قابلیت یادگیری» به روشنی به این نکته اشاره می‌کند که هدف نهایی، صرفاً یک پروژه آموزشی نیست؛ بلکه تکثیر یک سیستم فکری، فرهنگی، سیاسی و مدیریتی جهانی در بستر جوامع محلی است.

📍 جمع‌بندی:
پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵، به ظاهر گزارشی معنوی از فعالیت‌های مردمی است؛ اما با دقت علمی-امنیتی، روشن می‌شود که در این پیام:
شبکه‌ای از اقدامات خُرد اجتماعی با اهداف کلان نرم‌افزاری فرهنگی در حال اجراست؛
با مدل کلاسترینگ جغرافیایی، نقشه جهانی نفوذ اجتماعی با داده‌های دقیق ساخته می‌شود؛
و تمام این شبکه، به یک فرماندهی واحد جهانی در اسرائیل متصل است که داده‌ها را تجزیه، تحلیل و برای کنترل اجتماعی استفاده می‌کند.
☑ پیشنهاد راهبردی: این اسناد باید در کمیسیون‌های امنیتی مجلس، نهادهای اطلاعاتی، و مراکز رصد جنگ نرم تحلیل شود. تمرکز ویژه بر ساختار پوششی – داده‌محور – اجتماعی تشکیلات بهائیت در داخل ایران از الزامات عاجل برای صیانت اجتماعی و فرهنگی کشور است.

مقاله ۷۱

🎯 نقد آکادمیک – امنیتی پیام بیت‌العدل ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ (بخش اول)
1️⃣ "روحیهٔ یادگیری" یا سیستم یادگیری جمعی؟
«یکی از ویژگی‌های قابل توجه محدوده‌های جغرافیاییِ پیشرفته آن است که روحیهٔ یادگیری در همهٔ جامعه رسوخ می‌نماید و چون انگیزه‌ای برای افزایش قابلیت تشکیلاتی عمل می‌کند.»
در این جمله، مفهوم "روحیه یادگیری" صرفاً یک عبارت معنوی نیست؛ بلکه اشاره به مدل پیاده‌سازی‌شده‌ای از یک سیستم یادگیری جمعی هوشمند دارد که در آن، جوامع محلی به‌عنوان ورودی‌های زنده برای مدل‌سازی تشکیلاتی و انطباق راهبردهای کلان در بیت‌العدل عمل می‌کنند. این دقیقاً مشابه معماری یادگیری ماشینی است: یادگیری از پایین (میدان)، تجمیع در مرکز (حیفا)، و اعمال در سیاستگذاری آینده.
2️⃣ تشکیل حلقه‌های بازخورد داده‌ای در مقیاس جغرافیایی – کلاستری

«شرح تجارب، مشتمل بر بینش‌های حاصله دربارهٔ یک روش، یک رویکرد و یا تمامی یک فرآیند دائماً بین مراکز فعالیت مبادله می‌شود.»
اینجا با یک زیرساخت تمام‌عیار برای تبادل داده – تحلیل تجربی – بازطراحی روش‌ها روبه‌رو هستیم. «مراکز فعالیت» همان کلاسترها هستند که در سال ۲۰۰۳، بر اساس پیام رسمی بیت‌العدل، به‌صورت ساختارمند در قالب ۱۷٬۰۰۰ واحد در سراسر جهان طراحی شده‌اند و تا ۲۰۲۱ به ۲۲٬۰۰۰ کلاستر افزایش یافته‌اند.
در این ساختار، هر تجربه‌ی محلی که در یک ناحیه کوچک رخ می‌دهد، تبدیل به داده‌ای قابل پردازش در مرکز فرماندهی (بیت‌العدل) می‌شود. این همان چیزی است که در علوم داده به آن «بازخورد لایه‌ای» می‌گویند.
3️⃣ مالکیّت جمعی یا مهندسی جامعه‌سازی هدایت‌شده ؟

«این حسّ مالکیّت جمعی یعنی نیروی برخاسته از یک جمع متحد که مسئولیت رشد روحانی خود را در طیّ نسل‌های آینده بر عهده گرفته است از یک دور به دور دیگر آشکارتر می‌گردد.

»

اصطلاح «حس مالکیت جمعی» در این متن، به هیچ‌وجه به معنای خودجوشی نیست. این «حس» حاصل یک مهندسی عاطفی و اجتماعی دقیق در قالب برنامه‌های آموزشی هدفمند (مثل مؤسسه روحی)، مشارکت‌های پی‌درپی، جلسات تأمل و مشاوره‌های فرایندی است.

در واقع، بیت‌العدل به‌دنبال انتقال مرکز کنش اجتماعی از دولت‌ها و نهادهای ملی به "جامعه‌های همجوار خودساخته" است که در آن، شهروندان به‌تدریج وابسته به نهادهای غیررسمی بهائی در حوزه آموزش، فرهنگ، خدمات اجتماعی، سلامت و محیط زیست می‌شوند. این یک بازتعریف ساختار قدرت درون‌جوامع محلی است.

۴ جریان حمایت عاطفی یا خط فرمان مرکزی برای عملیات نرم

«حمایتی که از مؤسسات منطقه‌ای و ملّی بهائی و نهادهای وابسته به آنها دریافت می‌کنند مانند جریان بی‌وقفه‌ای از عشق و محبت احساس می‌شود

».

در نگاه اول، این بخش احساسی و عاطفی به‌نظر می‌رسد. اما در واقع با یک زنجیره فرماندهی تشکیلاتی با اتصالات عمودی و افقی روبه‌رو هستیم که در آن، هر نهاد منطقه‌ای و ملی نقش پل بین میدان و مرکز جهانی بیت‌العدل را ایفا می‌کند.

به بیان دیگر:

"عشق و محبت" = روان‌سازی و مقبول‌سازی فرایند جذب

"حمایت نهادها" = انتقال خط‌مشی، ابزار، داده و گزارش‌گیری

"احساس جریان بی‌وقفه" = پوشش عاطفی برای ساختار قدرت نرم مرکزی

🧠 نتیجه‌گیری نهایی: مهندسی عمیق داده‌محور در پوشش تعلیم و تربیت

این پیام با ظاهر معنوی و اجتماعی، در واقع چکیده‌ای از مهندسی نفوذ اجتماعی چندلایه در سطح کلاسترها است.

مهم‌ترین مفاهیم کلیدی در متن به شرح زیر قابل رمزگشایی است:

عبارت ظاهری در متن معنای پشت‌پرده سازمانی – داده‌محورروحیه یادگیری جمعی الگوی بازخورد از میدان به مرکز برای ارتقای الگوریتم رشدتبادل تجارب گردش داده و تحلیل الگوریتمی تجربه‌های محلی جلسات تأمل ابزار استخراج داده نرم از سطوح اجتماعی مختلف حس مالکیّت جمعی ساخت جمعی پویای هویت تبعی در برابر حاکمیت رسمی کشورحمایت بی‌وقفه خط فرمان متمرکز از مرکز جهانی بیت‌العدل به نهادهای منطقه‌ای

☑ هشدار راهبردی: پیام ۲۰۱۵ بیت‌العدل عملاً الگویی برای استقرار شبکه اطلاعات اجتماعی در بستر فرهنگی ـ تربیتی است. این پیام باید در کنار اسناد توسعه کلاسترها، گزارش‌های رسمی سازمان ملل از OSED، و حضور افراد امنیتی در رأس جامعه جهانی بهایی (مانند ژنرال بازنشسته "David Rutschman") به‌صورت تجمیعی در مراکز تصمیم‌گیری امنیت ملی بررسی شود.

مقاله ۷۲

✵ تحلیل امنیتی ـ تشکیلاتی پیام بیت‌العدل ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ (بخش دوم)

(۱) «توسعه قابلیت» محفل: سازماندهی تشکیلاتی بر بستر رشد داده

«محفل روحانی محلّی با توجه به تعداد فزایندهٔ افرادی که در فعالیت‌ها حضور می‌یابند، قابلیت خود را توسعه می‌دهد تا مسئولیت‌های متعدد خود را در قبال یک جامعهٔ در حال رشد ایفا کند.»

اینجا با یک نقطه کلیدی در مهندسی ساختار قدرت تشکیلاتی مواجه هستیم. محفل محلی (معادل شورای اجرایی در هر کلاستر)، بنا بر رشد داده‌های انسانی و اطلاعات میدانی، شروع به ارتقای ظرفیت تشکیلاتی و اجرای برنامه‌ریزی تطبیقی بر اساس روند مشارکت عمومی می‌کند.

این همان چیزی است که در علوم حکمرانی داده‌محور به آن «Adaptive Capacity in Local Governance» گفته می‌شود؛ یعنی نظامی که براساس تغییر در رفتار جمعیت، ساختارهای اجرایی و نظارتی خود را تنظیم و گسترش می‌دهد.

(۲) محفل محلی = اتاق فرماندهی کلاستر

«محفل خواهان ایجاد محیطی است که همه تشویق به شرکت در مجهودات مشترک جامعه گردند... محفل محلی مشتاق است که نهادهای محدوده جغرافیایی در اجرای نقشه‌های خود موفق گردند...»

در این بخش، محفل عملاً نقش "هاب فرماندهی" برای اجرای سیاست‌های ناحیه‌ای و انتقال دستورات مرکزی بیت‌العدل به کف میدان را ایفا می‌کند.

به‌بیان دیگر:

بیت‌العدل: طراح نقشه و خط‌مشی جهانی

نهادهای جغرافیایی: واحدهای عملیاتی کلاسترها

محفل محلی: مجری دستورات، پردازشگر بازخورد، تشویق‌کننده مشارکت، و هماهنگ‌کننده منابع

این شبکه کاملاً منطبق بر ساختار زنجیره فرمان‌دهی سازمانی در سامانه‌های پیچیده امنیت اجتماعی است.

(۳) سیستم داده‌محور در پوشش فعالیت‌های عبادی و تربیتی

«برنامه‌های سازمان‌یافته به منظور خاص، جلسات تأمّل و بازنگری، منابع مادی و مساعدت‌ها، پرورش مؤمنین جدید، شرکت در دوره‌های مؤسسه آموزشی...

»

تمامی این فعالیت‌ها، اگرچه در ظاهر فرهنگی و تربیتی معرفی می‌شوند، در واقع بخشی از یک فرایند جامع داده‌کاوی و دسته‌بندی اجتماعی هستند.

جلسات تأمل = ابزار استخراج نظرات، تحلیل ذهنیت‌ها

دوره‌های آموزشی = آموزش اصول هم‌سوسازی فرهنگی

پرورش مؤمنین جدید = الگوریتم تنظیم‌شده برای جذب و یکسان‌سازی فرهنگی – اعتقادی

این‌ها نه تنها داده تولید می‌کنند، بلکه افراد را به "واحدهای برنامه‌پذیر تشکیلاتی" تبدیل می‌کنند.

(۴) ضیافت، ایام متبرکه و انتخابات = رویدادهای همزمان‌ساز اجتم

اعی

«ضیافات نوزده‌روزه، ایام متبرکه، انتخابات بهائی فرصت‌هایی می‌شوند برای تأکید بر آرمان‌های والا، حس تعهد جمعی و تقویت خصوصیت روحانی جامعه .»

اینجا با طراحی یک مهندسی زمان‌بندی‌شده برای هم‌زمان‌سازی ذهنی، روانی و اعتقادی اعضا روبرو هستیم. این مدل، بسیار مشابه سازوکار "Social Synchronization" در علوم شناختی است. تکرار دوره‌ای این مناسبت‌ها:

باعث تثبیت شبکه ذهنی باورها در حافظه جمعی می‌شود.

بستر مناسبی برای انتقال غیرمستقیم ایده‌ها، راهبردها و برنامه‌های آتی فراهم می‌سازد.

ابزاری برای تولید داده رفتاری و سنجش اثربخشی برنامه‌ها محسوب می‌شود.

۵ تمرکززدایی هوشمند برای تقویت مشارکت – یا ساختار نفوذ توزیعی؟

«با افزایش تعداد اعضای جامعه، محفل به برگزاری این جلسات مهم با تمرکززدایی می‌اندیشد تا موجب تسهیل مشارکت هر چه بیشتر گردد.»

مفهوم تمرکززدایی در اینجا نه به‌معنای کاهش قدرت مرکزی، بلکه پراکنده‌سازی شبکه نفوذ است. در این مدل، داده و سیاست از مرکز (بیت‌العدل)، به مراکز فرعی منتقل می‌شود، و در عوض، داده‌برداری از میدان نیز افزایش می‌یابد.

یعنی:

هم نظارت گسترش می‌یابد،

هم امکان کنترل واکنش‌های اجتماعی بهتر می‌شود،

و هم «حس مشارکت» در افراد افزایش می‌یابد، بدون درک نقش واقعی آنها در زنجیره قدرت.

📌 جمع‌بندی:

پیام ظاهراً معنوی بیت‌العدل در این بخش، نقشه‌ای برای حکمرانی محلی مبتنی بر داده، مشارکت برنامه‌ریزی‌شده، تربیت تشکیلاتی و هدایت فرهنگی نرم در سطوح خرد جغرافیایی (کلاستر) است. در این چارچوب، مفاهیم کلیدی به‌شرح زیر رمزگشایی می‌شود:

واژه یا اصطلاح معنای ساختاری و امنیتی محفل محلّی اتاق فرمان کلاستر و نقطه اجرای خط مشی جهانی افزایش قابلیت گسترش دامنه قدرت کنترل محلی متناسب با داده‌های رشدجلسات تأمل پلتفرم داده‌برداری اجتماعی و تحلیل روانشناختی پرورش مؤمنین جدیدهمسان‌سازی فرهنگی و ایجاد وحدت عملیاتی تشکیلاتی تمرکز زدایی گسترش شبکه نفوذ در قالب پلتفرم مشارکتی پوششی

☑ هشدار سیاست‌گذاری: این الگوی مهندسی اجتماعی باید به‌طور خاص مورد توجه نهادهای امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و قانون‌گذاری کشورها قرار گیرد، خصوصاً در کشورهایی مانند ایران که مطابق اسناد رسمی بیت‌العدل، جزو تنها چهار نقطه جهان با بیش از ۱۰۰۰ پروژه توسعه فعال بوده‌اند (بر اساس نقشه‌های منتشرشده در UN توسط OSED). این روند، می‌تواند پایهٔ ساخت یک حاکمیت نرم فراملی درون مرزها باشد.

🧠 📊 تحلیل آکادمیک امنیتی ـ ساختاری پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵، بخش سوم)

🔍 ۱. تحلیل ارزیابی‌های راهبردی: شناسایی ظرفیت و پیامدها در دو محور نرم و سخت

«از یک طرف قابلیت‌های جامعه و اثرات حاصله از رشد پایدار و از طرف دیگر پیامدهای درازمدت واقعیات اجتماعی برای جامعه‌سازی را به دقت ارزیابی می‌نماید.»

در این جمله، با یک دستگاه تحلیل راهبردی دوگانه مواجه‌ایم:

یکی تمرکز بر شاخص‌های نرم (قابلیت‌های اجتماعی، رشد درونی)

دیگری بر پیامدهای ساختاری و بیرونی (واقعیات اجتماعی، آثار درازمدت)

یعنی بیت‌العدل، در تصمیم‌گیری‌های خود، نه تنها به شاخص‌های پیشرفت داخلی جامعه بهائی نگاه می‌کند، بلکه پیامدهای آن را در بافت اجتماعی ـ سیاسی بومی کشورها می‌سنجد.

این همان چیزی است که در ادبیات علوم استراتژیک به آن "Dual Metrics of Social Expansion and Strategic Embedding" می‌گویند.

🧩 ۲. پرسش‌های اجرایی ـ یک برنامه‌ریزی شبه‌امنیتی از جنس خُرد

«چگونه می‌توان تمامی جمع مؤمنین را در جهت حمایت از اهداف تبلیغی بسیج نمود؟ چگونه می‌توان ملاقات دوستان در منازل را به طور سیستماتیک سازمان داد؟...»

این پاراگراف حاوی یک الگوی کلاسیک برنامه‌ریزی عملیاتی برای نفوذ اجتماعی، ارتباط‌گیری ساختاری و تولید داده‌های میدان‌بنیاد است. سؤالاتی که در ظاهر ساده‌اند، اما در واقع چهار محور تاکتیکی را تشکیل می‌دهند:

محور عملیاتی هدف واقعی بسیج عمومی افزایش نرخ درگیری اجتماعی (Social Engagement Rate)دیدارهای خانگی شبکه‌سازی زیرزمینی ایمن و خارج از دید حاکمیت پیوند با والدین نفوذ در ساختار خانواده و تثبیت حلقه تربیتی موازی ترویج دعاهای گروهی استقرار نظام هم‌زمان‌سازی روانی ـ معنوی در سطح محله‌ها

هر کدام از این سرفصل‌ها، در علم عملیات روانی و امنیت اجتماعی به عنوان ابزارهایی برای «ساخت هم‌بستگی کنترل‌شده» شناخته می‌شوند.

🧮 ۳. داده‌محوری پیشرفته با سیستم‌های آماری بومی‌شده

«لجنه از مساعدت افرادی به غیر از اعضای خود استفاده می‌نماید... از جمله جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری...

»

در اینجا، با تصویری دقیق از یک سامانه اطلاعاتی محلی برای داده‌برداری انسانی، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات درون‌تشکیلاتی مواجه هستیم. نکات مهم:

لجنه‌ها به عنوان مرکز داده محلی (Local Data Cells) عمل می‌کنند.

گردآوری و تجزیه اطلاعات آماری، در خدمت سیاست‌گذاری مرکز (بیت‌العدل) است.

کمک گرفتن از اعضای غیررسمی، امکان استتار، پراکندگی و کاهش ردپای امنیتی را افزایش می‌دهد.
در علوم تحلیل تهدید، این ویژگی یکی از علائم فعالیت‌های شبه‌ساختارهای زیرزمینی توزیع‌شده است.
🏭 ۴. الگوی حکمرانی مشارکتی با ساختار فرادست‌فرودست

«همکاری نزدیک با محفل روحانی محلّی را نیز ایجاب می‌کند.»

در این جمله ساده، نکته‌ای عمیق نهفته است: نهادهای تخصصی (لجنه‌ها) و نهادهای مرکزی محلی (محفل‌ها) در ساختاری شبکه‌ای ـ لایه‌ای به هم متصل‌اند.
این مدل به زبان ساده یعنی:
لجنه‌ها = بازوهای اجرایی خاص با وظیفه گردآوری و تحلیل داده یا پیاده‌سازی پروژه‌ها
محافل = اتاق‌های فرماندهی و سیاست‌گذاری ناحیه‌ای
این همان چیزی است که در علوم سازمان به عنوان Matrix Command Structure شناخته می‌شود؛ ترکیبی از فرماندهی عمودی و عملیاتی افقی که کارایی و نفوذ تشکیلاتی را به شکل تصاعدی افزایش می‌دهد.
📌 جمع‌بندی تحلیلی:
پیام فوق، در ظاهر حاوی پندهای معنوی برای مشارکت در فعالیت‌های مذهبی است؛ اما در باطن، طراحی و اجرای یک الگوی پیچیده حکمرانی مشارکتی نرم، مبتنی بر تحلیل داده، شبکه‌سازی خرد و اتصال لایه‌های مختلف نفوذ اجتماعی است. در واقع، بیت‌العدل در این پیام:
مهندسی میدان اجتماعی را با ابزارهای فرهنگی طراحی می‌کند،
جمع‌آوری اطلاعات در مقیاس محلی را به روال عادی فعالیت‌ها تبدیل می‌سازد،
و با کمک ساختار لجنه‌محفل، مدل حکمرانی موازی بومی‌شده درون کشورها را فعال می‌کند.
⚠ توصیه نهایی برای سطوح حاکمیتی:
ضروری است که نهادهای فرهنگی، اطلاعاتی، امنیتی و اجتماعی، پیام‌هایی از این جنس را نه صرفاً در بُعد اعتقادی، بلکه در ساختار شبه‌سیاست‌گذاری اجتماعی و تشکیلاتی غیررسمی تحلیل و رصد کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که الگوهای نفوذ و برنامه‌ریزی بیت‌العدل، نه محدود به فعالیت‌های دینی، بلکه ساختارهایی با ابعاد اجتماعی، داده‌محور و شبه‌دولتی دارند

مقاله ۷۴

🧠 📊 تحلیل آکادمیک متن‌محور پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵) – بخش چهارم
🧩 ۱. الگوی انتقال هدف جهانی به سطوح محلی: سیاست توزیع‌شدهٔ بسیج اجتماعی
«در ماه‌های آینده، شما با محافل ملّی مشورت‌هایی خواهید داشت تا پیامدهایی را که این هدف جهانی برای جوامع آنان در بر دارد با آن‌ها بررسی نمایید. این مشورت‌ها باید به سرعت گسترش یابد تا به سطح محلّی برسد. سپس نوبت عمل فرا می‌رسد.»
اینجا شاهد شکل‌گیری یک چرخه‌ی تصمیم‌سازی غیرمتمرکز هدایت‌شده از بالا هستیم. به زبان ساده:

بیت‌العدل هدف جهانی را تعیین می‌کند (مرکز فرماندهی ایدئولوژیک)
محافل ملّی، لایه‌های میانی هستند (policy brokers)
مشورت‌ها به سطح محلی می‌رسد (local consensus building)
و در نهایت، "نوبت عمل" می‌رسد: یعنی اجرا توسط شبکه‌های خُرد اجتماعی در محلات، روستاها و شهرها
در ادبیات امنیت نرم، این همان چیزی است که به آن "Decentralized Activation Model" گفته می‌شود: مرکز، استراتژی را تعیین می‌کند ولی اجرا با مدل انطباق‌یافته در هر بافت محلی صورت می‌گیرد.
▦ ۲. استفاده از مناطق رشد یافته به‌عنوان قطب‌های نفوذ پیرامونی

«پیش‌بینی این است که پیشرفت در مناطقی که یک یا چند برنامهٔ فشرده رشد برای مدّتی ادامه داشته است سریع‌تر حاصل خواهد شد، زیرا این محدوده‌ها به مانند منبع ارزشمندی از دانش و تجربه و ذخیره‌ای از منابع انسانی برای تقویت نواحی اطراف عمل می‌کنند.»
اینجا ما با یک استراتژی "تراوش نفوذ" مواجه‌ایم:
مناطقی که رشد یافته‌اند، به «هاب تشکیلاتی» (قطب منطقه‌ای) تبدیل می‌شوند.
این هاب‌ها:
دانش تولیدشده (تجربه تشکیلاتی)
منابع انسانی تربیت‌شده (مربیان، مبلغین، معاونین)
را به مناطق ضعیف‌تر یا خام ارسال می‌کنند. دقیقاً مانند یک فرآیند پمپاژ نفوذ عمودی و افقی در معماری گسترش دینی ـ اجتماعی.
در حوزه امنیت اجتماعی، چنین مدلی معادل ایجاد «مراکز فرماندهی محلی تأثیرگذار» با توان نفوذ نرم و حمایت لجستیکی است.
۳. استراتژی فتح مناطق جدید از طریق اتصال پیرامونی

«اغلب در محدوده‌های فتح‌نشده که همجوار محدوده‌هایی پیشرفته‌تر هستند.
»
این جمله کاملاً هدفمند است. پیام آشکار می‌گوید: مناطقی که تاکنون برنامه رشد نداشته‌اند، با استفاده از جوار جغرافیایی با نقاط رشدیافته فتح خواهند شد.
تحلیل امنیتی آن به صورت زیر است:
مفهوم هدف ساختاری محدوده‌های "فتح‌نشده"نقاط خام یا بی‌دفاع در نقشه نفوذ همجواری با نقاط "پیشرفته"استفاده از مزیت جغرافیایی برای اشباع تدریجی پیدایش برنامه‌های جدید رشدتوسعهٔ شبکه تشکیلاتی به سبک خوشه‌ای (Cluster-based Expansion)
این مدل توسعه، دقیقاً شبیه به الگوهای گسترش عملیات در سیستم‌های امنیت نرم، میدانی و سایبری است: اشباع لایه‌ای با کمک از گره‌های پیشرفته‌تر.
۴. تقدس‌بخشی به اقدام عملیاتی با ارجاع به متون مقدس

«سرچشمه‌ی این‌چنین مساعدت‌هایی هدایات صادره در الواح نقشهٔ ملکوتی است.»

در این جمله، به یک ابزار کلیدی اشاره شده: اعمال مشروعیت ماورایی و تقدس‌بخشی به برنامه‌های اجتماعی، تشکیلاتی و حتی اطلاعاتی.

ارجاع به "الواح نقشهٔ ملکوتی" به معنای این است که:

اقداماتی نظیر فتح محدوده‌های جدید، نفوذ به مناطق اطراف، بسیج منابع انسانی و ایجاد شبکه‌سازی اجتماعی نه‌تنها مجاز است بلکه تکلیف دینی الهی محسوب می‌شود.

در اینجا، نفوذ اجتماعی تبدیل به عبادت می‌شود، و برنامه‌ریزی تشکیلاتی تبدیل به تعبد دینی.

📌 جمع‌بندی نهایی:

پیام بیت‌العدل در این بخش از متن، فراتر از یک توصیه سازمانی، طرحی برای گسترش شبکه سازمانی ـ عقیدتی با استفاده از تکنیک‌های نفوذ تدریجی در بافت‌های اجتماعی‌جغرافیایی است. عناصر کلیدی آن عبارتند از:

مدل غیرمتمرکز اجرای هدف جهانی از بالا به پایین

استفاده از نقاط موفق به عنوان منابع تأثیرگذار بر پیرامون

استراتژی اشباع مناطق خام از طریق نزدیکی جغرافیایی

مشروعیت‌بخشی معنوی به کل نظام سازمانی

⚠️ توصیه راهبردی:

نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و اجتماعی باید اینگونه متون را نه فقط با عینک الهیاتی، بلکه از منظر مهندسی اجتماعی، فرماندهی غیرمتمرکز، سازمان‌دهی نرم و نفوذ ساختاری مورد بررسی قرار دهند. چرا که شواهد متنی، ناظر بر یک شبکه‌ی غیررسمی و فراملیتی با مدل‌های گسترش هدفمند و تدریجی است که می‌تواند در گذر زمان، ظرفیت‌های اجتماعی بومی را از درون، دچار تغییر جهت ساختاری کند.

📄 مقاله ۷۵

🧠📊 تحلیل متن‌محور راهبردی پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵) بخش پنجم

موضوع کلیدی: «تصرف ۵۰۰۰ کلاستر تا ۲۰۲۱»

📍 ۱. تحلیل واژگان کلیدی: از رشد تا تصرف سازمان‌یافته

«مسیری که به ایجاد یک برنامهٔ فشردهٔ رشد منتهی می‌شود در پنج سال گذشته روشن‌تر شده است. این مسیر باید مشتاقانه دنبال شود.»

واژه "مسیر روشن‌تر شده" اشاره به کامل‌تر شدن نقشه راه نفوذ اجتماعی دارد.

تأکید بر «مشتاقانه دنبال شود» نیز نشانگر تاکید عاطفی/ایدئولوژیک بر اجرای بی‌وقفه و متعهدانه آن توسط شبکه تشکیلاتی است.

این ساختار زبانی معمولاً در بیانیه‌های تشکیلاتی دیده می‌شود که فاز عملیاتی را وارد مرحله "اجبار دینی-تشکیلاتی" می‌کنند.

📊 ۲. مدیریت پروژه جهانی با برنامه زمانی دقیق:

«دعوت این جمع در نقشهٔ آینده این خواهد بود که رشد در تمام محدوده‌ها سرعت یابد... شایسته است پیشرفت روشنی در طیّ بیست دور آینده حاصل گردد.»

اینجا با یک مدل مدیریت پروژه جهانی روبه‌رو هستیم:

عنصرمفهوم تشکیلاتی«دعوت این جمع»فراخوانی رسمی نیروهای میدانی (مبلغین، معاونین، مربیان، لجنات)«نقشهٔ آینده»نقشه پنج‌ساله (۲۰۱۶–۲۰۲۱) یا پلان استراتژیک بیت‌العدل«بیست دور آینده»تقسیم عملیات به ۲۰ چرخه سه‌ماهه (هر دور ≈ ۹۰ روز)«پیشرفت روشن»اهداف قابل اندازه‌گیری در پایان هر دور

در اصطلاح سیستم‌های دینی ـ اطلاعاتی، این مدل، همان Actionable Strategic Cycle است: برنامه‌ای که در آن تمام واحدهای محلی مأمور به تحقق اهداف قابل سنجش در بازه‌های زمانی خاص هستند.

📌 ۳. هدف نهایی: «پوشش پنج‌هزار کلاستر» تا رضوان ۲۰۲۱

«این تلاش جمعی باید در پی آن باشد که تا رضوان سال ۲۰۲۱ تعداد محدوده‌های جغرافیایی با برنامهٔ فشردهٔ رشد به پنج‌هزار بالغ گردد.

»

این بند، کاملاً کمّی و عملیاتی است. عدد ۵۰۰۰ نشانگر:

هدف‌گذاری جهانی کاملاً قابل رصد و نقشه‌مند

تقسیم‌پذیر به کلاسترها (واحدهای جغرافیایی عملیاتی)

هر کلاستر دارای:

تیم مبلغین

حلقات مطالعه

مدارس کودکان

برنامه نوجوانان

جلسات دعا

کانال‌های ارتباط با خانواده‌ها

در حقیقت، این عدد نشان‌دهنده هدف نهایی برای تصرف ساختارمند ۵۰۰۰ جامعه انسانی است، آن‌هم نه صرفاً برای فعالیت‌های فرهنگی، بلکه با هدف تغییر تدریجی ساختارهای هویتی و تعلق اجتماعی در آن مناطق.

🧩 ۴. فراز و نشیب در فرایند ارگانیک یا واژه‌پردازی پوششی؟

«علیرغم اینکه فراز و نشیب از خصوصیات طبیعی یک فرایند ارگانیک می‌باشد.

..»

این جمله، در ادبیات راهبردی نوعی "پوشش مفهومی برای مقاومت بومی" است. یعنی بیت‌العدل با علم به اینکه بسیاری از مناطق ممکن است:

مقاومت محلی نشان دهند

دین و فرهنگ غالب مانع شود

مخالفت اجتماعی یا حتی امنیتی پیش آید
از این واژه "فراز و نشیب ارگانیک" برای عادی‌سازی تأخیر در نفوذ یا توقف پروژه در برخی کلاسترها استفاده می‌کند.
در حقیقت، این بخش پیامی غیرمستقیم به لایه‌های پایین تشکیلات است: در صورت ناکامی، ناامید نشوید؛ طبیعت رشد همین است.
🧭 ۵. نتیجه‌گیری راهبردی:
این پیام، از حیث صراحت عددی و تقویمی، یک سند بسیار مهم و راهبردی در مهندسی نفوذ دینی‌اجتماعی شبکه بهایی محسوب می‌شود.
مشخصهتحلیل«۵۰۰۰ کلاستر»نقشه راه برای اشباع ساختاری جوامع انسانی در نقاط مشخص«۲۰ دور فعالیت»سازوکار چرخه‌ای برای پیش‌برد هم‌زمان جهانی با ارزیابی مرحله‌ای«رشد در تمام محدوده‌ها»پروژه‌ای جهانی با تمرکز بر نفوذ در پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی«تلاش جمعی»تأکید بر هم‌افزایی ساختارمند در تمامی سطوح شبکه (محفل محلی، ملی، هیئت معاونت، مؤسسات وابسته)
🔎 هشدار نهایی:
این پیام نشان می‌دهد که شبکه بهایی دارای یک نقشه‌ی مهندسی‌شده برای اشباع ساختاری اجتماعی در مقیاس جهانی است که با زبان دینی ـ تربیتی اما با منطق پروژه‌محور، مبتنی بر عدد، تقویم و چرخه‌های ارزیابی دنبال می‌شود.
چنین هدف‌گذاری عددی در فضای دینی، نشانه‌ای از پیوند میان ایمان‌گرایی ایدئولوژیک با معماری حرفه‌ای تشکیلاتی است، که باید از جانب نهادهای حاکمیتی با دقت بررسی و رصد شود.

📄 مقاله ۷۶

🧠 📊 تحلیل متن‌محور راهبردی پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵) بخش ششم
📌 متن مورد تحلیل:
«تقلیب فردی و جمعی که به مدد کلام الهی ایجاد میشود هستهٔ مرکزی الگوی عملی است که در یک محدودهٔ جغرافیایی شکل میگیرد... وقتی فرد عادت مطالعه و تعمّق در کلام خلاّق الهی را تقویت میکند، این فرایند تقلیب، خود را به شکل توانایيِ بیانِ درک شخصی از مفاهیم عمیق... ظاهر می‌سازد... این قابلیّتها... در گفتگوهایی ورای آن نیز ظاهر میشود، به ویژه بین جوانان بهائی و همسالانشان...»
🎯 نقد تحلیلی (متن‌محور – ساختارمند):
۱. هسته‌ی ایدئولوژیک تقلیب = چارچوب هم‌نهادسازی اجتماعی
در این بند، «تقلیب فردی و جمعی» به عنوان «هسته مرکزی» یک الگوی عملی در محدوده جغرافیایی معرفی شده است. این رویکرد، در زبان علوم اجتماعی، معادل یک مدل تلفیقی بازسازی هویت فردی در بستر جمعی است، که با اتکای مستقیم بر متون دینی (کلام خلاّق الهی) هدایت می‌شود.
📌 نکته کلیدی: این الگو نه تنها معرف حضور فرد در یک ساختار تشکیلاتی مذهبی است، بلکه به نوعی

بازآفرینی روان‌شناختی و فرهنگی انسان در قالب یک جهت‌گیری مأموریت‌محور تلقی می‌شود. این جهت‌گیری – که در بیانیه‌ها با واژگانی چون «رسالت مشترک»، «ایقان»، «تقلیب» و «حیات روح» معنا می‌شود – همان ستون فقرات شکل‌گیری ساختارهای عمیق تشکیلاتی در کلاسترهای جهانی است.

۲. پیوند هدفمند بین فرایند تقلیب و ساختار کلاستری

در این پیام، تقلیب نه به صورت اتفاقی یا خودجوش، بلکه برنامه‌ریزی‌شده، مرحله‌مند و هدفمند معرفی می‌شود. شخص با ورود به «دوره‌های متسلسل» – اصطلاح کلیدی در متون بهایی برای مسیر آموزشی مؤسسه روحی – گام به گام به مرحله‌ای از توانمندسازی می‌رسد که قادر به مشارکت در «گفت‌وگوهای مهم» و حتی ترویج پیام به دیگران می‌شود.

📌 این روند در ادبیات پیام، همزمان عامل درونی‌سازی هویت و سازوکار جذب نیرو برای گسترش شبکه محسوب می‌شود.

۳. جوانان به‌عنوان پیشران برنامه نفوذ لایه‌ای

بخش مهمی از بند، بر نقش جوانان در انتقال و تعمیق این تقلیب تأکید دارد:

«...بین جوانان بهائی و همسالانشان، و سپس به مادران و پدرانی بسط می‌یابد...»

اینجا شاهد نوعی الگوی سرایت اجتماعی هستیم: مسیر تأثیر از پایین به بالا و از روابط غیررسمی آغاز شده و به ساختارهای خانوادگی و سپس اجتماع گسترده‌تر کشیده می‌شود. این دقیقاً الگوی نفوذ شبکه‌ای است که در بسیاری از جنبش‌های داده‌محور با اهداف ژئوفرهنگی دیده می‌شود.

۴. تبدیل مفاهیم عرفانی به ابزار جامعه‌سازی

عباراتی چون

:

«...حیات روح، قوای روحانی، نیایش، ایقان، نشر نفحات‌الله...

»

با ادبیاتی نرم، اما به شدت سازمان‌یافته، برای پیوند معنویت فردی با وظایف ساختاری در برنامه رشد به کار رفته‌اند. این زبان که ظاهری آرام دارد، در واقع ابزار انتقال روان‌شناختی فرد از حالت زیست آزاد به وضعیت مأموریت‌محور در نظام تشکیلاتی کلاستری است.

۵. سخن پایانی: مهندسی روحانی برای تسخیر ساختاری

در نهایت، این پیام – علی‌رغم زبان عرفانی و آرام – به‌وضوح یک برنامه «فرهنگی-تشکیلاتی» را هدایت می‌کند که هدف آن ایجاد یک شبکه عمیق و مداوم از مؤمنان تربیت‌یافته در مقیاس جهانی است؛ شبکه‌ای که از بستر گفتگو، آموزش معنوی، مشارکت داوطلبانه و گفت‌وگوی آرام، به سمت تثبیت ساختارهای میدانی در هزاران کلاستر جغرافیایی پیش می‌رود.

📖 استناد مستقیم به متن:

«این قابلیّتها... به ویژه بین جوانان بهائی و همسالانشان... سپس به مادران و پدرانی بسط می‌یابد... آگاهی از قوای روحانی افزایش می‌یابد... نشر نفحات الله در زندگیِ دوستان اهمّیّت بیشتری می‌یاب

🖈 این فرایند، مصداق بارز آن چیزی‌ست که می‌توان آن را در اصطلاح دانشگاهی «مهندسی آرام فرهنگی» (Cultural Soft Engineering) در یک ساختار فراملی دانست.

🗎 مقاله ۷۷

▧ عنوان مقاله: مهندسی تشکیلاتی و گسترش شبکه‌های جغرافیایی در گفتمان رضوانی بیت‌العدل – نقدی آکادمیک بر پیام ۸ مه ۲۰۱۵

🖈 متن مورد تحلیل:

«...موفّقیّت‌هایی برای امر مبارک در قریب به پنج‌هزار محدودهٔ جغرافیایی در جمیع قارّات عالم... که نتیجهٔ سعی و کوشش خاضعانهٔ دوستان در راه بهبود اوضاع و رفاه اجتماع با همکاری دیگر مردم آزاده و خیراندیش جهان است.»

🎯 نقد تحلیلی (متن‌محور – ساختارمند)

۱. 📍 عدد کلیدی: ۵۰۰۰ کلاستر جغرافیایی – توسعه‌یافتگی با پوشش جهانی

در این پیام، بیت‌العدل با زبان ادبی و آیینی، از یک نقطه عطف سازمانی پرده برمی‌دارد: رسیدن به حدود ۵۰۰۰ محدودهٔ جغرافیایی (کلاستر) در سراسر جهان. این عدد صرفاً آماری نیست، بلکه نشانه‌ای است از رسیدن به حد اشباع اولیه‌ای از نفوذ شبکه‌ای در مقیاس جهانی.

🖈 این پیام، به‌شکلی نمادین و دینی، تصویری از یک ساختار کاملاً تثبیت‌شده ارائه می‌دهد که در آن، مؤمنان محلی با «همکاری دیگر مردم آزاده و خیراندیش جهان» در حال توسعه‌ی برنامه‌هایی در راستای بهبود اوضاع اجتماعی‌اند. این واژگان، عملاً نشان‌دهنده‌ی هم‌پوشانی شبکه‌ی بهایی با ساختارهای محلی و حتی غیردینی در مناطق مختلف دنیاست.

۲. 🎯 زبان آیینی = پوشش معنوی برای استراتژی میدانی

عباراتی چون «طواف مقامات متبرّکهٔ علیا»، «مراتب قدردانی»، و «نزول تأییدات ربّانی» نشان‌دهندهٔ تثبیت معنایی و قدسی‌سازی یک پروژه اجرایی هستند. در اینجا توسعه‌ی کلاسترها نه به‌عنوان یک عملیات میدانی، بلکه در قالب یک واقعه الهی و جهانی روایت می‌شود.

🖈 این قدسی‌سازی، یکی از ابزارهای اصلی ایجاد وفاداری تشکیلاتی و احساس مأموریت تاریخی در میان اعضاست.

۳. 🧩 الگوی سازمانی با هویت جمعی بین‌المللی

درون پیام، پیروان بهایی نه به‌عنوان گروهی منزوی، بلکه به‌مثابه مشارکت‌کنندگان جهانی در یک فرایند توسعه اجتماعی معرفی می‌شوند. اصطلاحاتی چون «رفاه اجتماع»، «همکاری با مردم آزاده»، و «موفقیت برای امر مبارک» همگی در راستای بازنمایی جایگاه جهانی و مشروعیت اجتماعی فرقه در افکار عمومی هستند.

🖈 در اینجا شاهد تلاش برای جا انداختن نوعی «هم‌ذات‌پنداری» میان بهایی‌گری تشکیلاتی و مشارکت مدنی

فرافرقه‌ای هستیم، چیزی که آن را در علوم سیاسی تحت عنوان Narrative Legitimacy Strategy (راهبرد مشروعیت‌بخشی روایی) می‌شناسند.

۴. 🧠 ابعاد نرم ساختار: دیپلماسی اجتماعی به‌جای گسترش تبلیغی آشکار

در این پیام هیچ‌گونه اشاره مستقیمی به برنامه‌های تبلیغی یا آموزه‌های خاص دینی نشده، بلکه فقط از «همکاری با مردم خیراندیش» و «بهبود اوضاع» سخن رفته است. این نشان می‌دهد که استراتژی بیت‌العدل در حال انتقال به فاز «دیپلماسی نرم» و جذب غیربهاییان در قالب پروژه‌های اجتماعی است.

📌 در این چارچوب، کلاسترها تبدیل به «کانون‌های اجراییِ مأموریت اجتماعی» می‌شوند که می‌توانند درون هر زمینه‌ای، از آموزش گرفته تا بهداشت، نفوذ کنند.

📑 استناد کلیدی از پیام:

«...در قریب به پنج‌هزار محدودۀ جغرافیایی در جمیع قارّات عالم... سعی و کوشش خاضعانۀ دوستان... با همکاری دیگر مردم آزاده و خیراندیش جهان.»

🧩 نتیجه‌گیری: نقشه‌ای با پوشش پنج‌هزار کانون عمل، در لباس پیام قدسی

این پیام با زبانی روحانی، اما هدفی کاملاً ساختارمند، نمایی از یک سیستم تشکیلاتی در مقیاس جهانی را به‌نمایش می‌گذارد که برای تحقق اهدافش، هم نیروی درونی دارد (خادمان، زائران، مرکز جهانی) و هم همکاری بیرونی (مردم خیراندیش). در نگاه آکادمیک، این پیام سندی‌ست از وضعیت بلوغ یک ساختار فرقه‌ای – تشکیلاتی که حالا به خودآگاهی جهانی دست یافته و به‌دنبال مشروعیت بین‌المللی است.

📄 مقاله ۷۸

نقد امنیتی پیام بیت العدل ۲۰۱۵-۰۴-۲۱ درباره تسریع توسعه ۵۰۰۰ کلاستر و نقش جوانان

۱. شتاب و افزایش سریع برنامه‌های رشد

پیام به افزایش چشمگیر و سریع «برنامه‌های جدید رشد» اشاره دارد که در عرض دوازده ماه آینده صدها برنامه جدید باید آغاز شود. این شتاب در توسعه به معنی تجمیع سریع و گسترده اطلاعات و داده‌های افراد در سطح وسیع است.

نقد امنیتی:

سرعت بالای جمع‌آوری داده‌ها بدون زیرساخت‌های امنیتی کامل می‌تواند منجر به نشت اطلاعات حساس و آسیب‌پذیری‌های گسترده شود. این مسئله به خصوص در مناطق سیاسی و اجتماعی حساس خطرناک است و می‌تواند به سوءاستفاده از داده‌های جمع‌آوری شده منجر گردد.

۲. تعمیم سریع الگوی فعالیت‌ها در ۵۰۰۰ محدوده جغرافیایی

پیام تاکید می‌کند که تلاش برای شروع فعالیت‌ها تقریباً در تمامی محدوده‌های جغرافیایی هدف‌گذاری شده (۵۰۰۰ محدوده) آغاز شده است.

نقد امنیتی:

تعمیم یک الگوی واحد در گستره‌ای وسیع می‌تواند باعث از بین رفتن تفاوت‌های فرهنگی و محلی شود و مقاومت

و نارضایتی در جوامع مختلف را به دنبال داشته باشد. این امر، علاوه بر تضعیف انسجام داخلی، خطر بروز اختلافات و تنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد که امنیت کلی برنامه را به خطر می‌اندازد.

۳. قوت گرفتن برنامه‌های موجود و ظهور مفهوم گسترش آیین الهی در سطح اجتماع

پیام به «قوت گرفتن برنامه‌ها» و آشکار شدن «مفهوم گسترش آیین الهی در صحنه اجتماعی» اشاره دارد.

نقد امنیتی:

در این مرحله، جامعه به سطوح بالاتری از سازماندهی و کنترل نزدیک می‌شود که با توجه به تمرکز مدیریت بیت العدل، می‌تواند تبدیل به دستگاه رصد دقیق و کنترلی شود. کنترل گسترده بر سطح اجتماع، مخصوصاً وقتی که با شفافیت کافی همراه نباشد، زمینه‌ساز نگرانی‌های حریم خصوصی و تهدیدات امنیتی است.

۴. پیشروی با گام‌های محکم‌تر و پیشگامی «جوانان دلیر»

پیام نقش محوری جوانان را در پیشبرد این برنامه‌ها برجسته می‌کند.

نقد امنیتی:

استفاده از جوانان که اغلب فاقد دیدگاه‌های استراتژیک و کلان هستند، می‌تواند منجر به بهره‌برداری ابزاری از شور و انرژی آنان برای مقاصد سازمانی شود. جوانان در این نقش بیشتر به عنوان نیروهای عملیاتی و انتقال‌دهنده اطلاعات عمل می‌کنند که این موضوع، به خصوص در صورت عدم آگاهی کامل آنان، می‌تواند آسیب‌پذیری‌هایی در برابر سوء استفاده‌های احتمالی ایجاد نماید.

۵. آشکار شدن روش‌هایی که «قدرت اجتماع‌سازی» را در محیط‌های مختلف نمایان می‌کند

پیام از ظهور «روش‌هایی» خبر می‌دهد که بسط و تحکیم اجتماع را امکان‌پذیر ساخته است.

نقد امنیتی:

این روش‌ها که از بالا طراحی و هدایت می‌شوند، ممکن است بدون توجه کافی به شرایط خاص محلی، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایجاد کنند. فشار برای تحمیل یک الگو و روش مشخص، می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی، مقاومت و حتی سرکوب‌های اجتماعی منجر شود که تهدیدی برای امنیت پایدار هر جامعه است.

۶. ظهور ویژگی‌هایی که «بسط فرایند رشد در یک محدوده جغرافیایی» را نشان می‌دهد

پیام به ویژگی‌هایی اشاره دارد که نشان‌دهنده گسترش تدریجی و قابل مشاهده فرایند رشد است.

نقد امنیتی:

این ویژگی‌ها معمولاً نشانه‌هایی از کنترل و تسلط بیشتر بر جامعه هستند که می‌تواند زمینه را برای محدودیت آزادی‌های فردی فراهم آورد. از سوی دیگر، بسط تدریجی با عدم شفافیت در فرایندها و تصمیم‌گیری‌ها، نگرانی‌های امنیتی درباره هدف نهایی این توسعه را افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی

پیام بیت العدل با تاکید بر رشد سریع، تعمیم فعالیت‌ها در هزاران محدوده جغرافیایی و استفاده محوری از جوانان، تصویری از پیشرفت و تحکیم جامعه بهائی ارائه می‌دهد. اما این رویکرد با چند چالش امنیتی جدی همراه است:

سرعت بالای توسعه بدون تضمین‌های امنیتی ممکن است منجر به نشت داده‌های حساس شود.

تعمیم یک الگوی واحد اجتماعی در مناطق مختلف، نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و افزایش ریسک نارضایتی

است.

تمرکز مدیریتی بالا می‌تواند به سیستم کنترل جامع تبدیل شود که آزادی‌های فردی را محدود می‌کند.

بهره‌گیری از جوانان فاقد دیدگاه استراتژیک می‌تواند منجر به سوء استفاده ابزاری و انتقال ناخواسته اطلاعات حساس شود.

فشار بر یکپارچگی اجتماعی و گسترش فرایندها بدون شفافیت کافی، نگرانی‌های امنیتی را تشدید می‌کند.

در نتیجه، لازم است که علاوه بر حرکت به سوی اهداف توسعه، به ملاحظات امنیتی، حریم خصوصی، تنوع فرهنگی و آزادی‌های فردی توجه ویژه‌ای شود تا از بروز آسیب‌های جدی به جامعه و امنیت آن جلوگیری گردد.

📄 مقاله ۷۹

نقد امنیتی پیام بیت العدل ۲۰۱۳-۰۴-۲۱

بررسی متن‌محور محور کلاستر، رشد برنامه‌ها، دوره سه‌ماهه و هدف حکومت دینی

۱. مفهوم «محدوده جغرافیایی» یا «کلاستر» و مهاجرت هدفمند

متن پیام:

«عده‌ای می‌توانند پاسخگوی آمادگی روحانی افراد در دهکده‌ها یا محلّه‌ها باشند و شاید به آن نقاط نقل مکان کنند.»

نقد امنیتی:

اینجا به روشنی از شناسایی افراد و حتی انتقال آنها به کلاسترهای مشخص جغرافیایی سخن گفته شده است. این مکانیزم مهاجرت هدفمند می‌تواند به صورت دقیق برای تمرکز جمعیت‌ها به نفع پروژه حکومت دینی مورد استفاده قرار گیرد.

خطر:

این انتقال‌ها اگر بدون رضایت کامل یا آگاهی دقیق افراد و نهادهای محلی باشد، می‌تواند منجر به تغییرات جمعیتی کنترل‌شده، ایجاد فضاهای بسته اجتماعی و در نهایت تسلط کامل بر ساکنین این کلاسترها شود.

همچنین چنین تحرکات انسانی هدفمند، زمینه‌ساز رصد متمرکز و سازماندهی دقیق نیروهای انسانی می‌شود.

۲. رشد «نبض منظّم برنامه رشد» با ادوار سه‌ماهه

متن پیام:

«دو چشم‌انداز مکمل از الگوی عملی: ادوار سه ماههٔ فعالیت یعنی نبض منظّم برنامه رشد»

نقد امنیتی:

برنامه‌ریزی فشرده و منظم به صورت دوره‌های سه ماهه، ابزاری برای رصد و کنترل مداوم فعالیت‌ها، رفتارها و پیشرفت‌های افراد در کلاستر است.

این نبض منظم، به شکل‌گیری یک سیستم نظارتی و ارزیابی مستمر تبدیل می‌شود که هرگونه انحراف یا تأخیر در پیشرفت اهداف را می‌تواند به سرعت شناسایی کند.

چنین ساختار زمان‌بندی‌شده باعث می‌شود اعضا دائماً تحت فشار و کنترل باشند و امکان هرگونه استقلال عمل یا مقاومت کاهش یابد.

۳. «فرایند آموزش متمایز برای کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان» در محدوده‌ها

متن پیام:

«مراحل متمایز فرایند آموزش برای کودکان، نوجوانان، و جوانان و بزرگسالان»

نقد امنیتی:

طراحی آموزشی با جداسازی گروه‌های سنی مختلف در کلاسترها به منظور شکل‌دهی تفکرات و رفتارها از سنین پایین است که به تدریج فرد را در قالب‌های فکری و اجتماعی تعریف شده قرار می‌دهد.

این روش، فرآیند «شست‌وشوی مغزی» و کنترل ایدئولوژیک را در سطوح مختلف سنی تسهیل می‌کند و امکان شکستن مقاومت‌های فرهنگی و فکری را افزایش می‌دهد.

کنترل آموزش باعث تثبیت ساختار قدرت و تعمیق وفاداری به نهاد حاکم خواهد شد.

۴. نقش «خادمان» و «هماهنگ‌سازان» در کلاستر

متن پیام:

«بسیاری برای به عهده گرفتن مسئولیّت‌های مختلف قیام نموده و به صف خادمانی چون راهنمایان حلقه‌های مطالعه، مشوقین گروه‌های نوجوانان، معلّمین کودکان و افرادی که به اداره و هماهنگ‌سازی امور مشغول‌اند می‌پیوندند.»

نقد امنیتی:

تشکیل شبکه‌ای گسترده از خادمان و هماهنگ‌سازان به معنای ایجاد یک سیستم مدیریتی موازی و دقیق است که تسلط بر جمعیت کلاسترها را تسهیل می‌کند.

این افراد در نقش ناظران و مدیران خرد قرار دارند که مستقیماً فعالیت‌ها، آموزش‌ها و تعاملات افراد را رصد و کنترل می‌کنند.

شبکه‌های مدیریتی محلی در کنار نظارت مرکزی، عملاً موجب حذف هرگونه مقاومت و تضمین پیشرفت سریع اهداف حکومتی می‌شوند.

۵. «تعهّد احبّا به یادگیری و اشتیاق به همراهی دیگران»

متن پیام:

«تعهّد احبّا به یادگیری از طریق تداوم مجهودات خود و اشتیاق به همراهی کردن دیگران ابراز می‌گردد.»

نقد امنیتی:

ایجاد تعهّد شخصی به تداوم فعالیت و جذب فعال دیگران، کلید حفظ نیروی انسانی پایدار و گسترش شبکه‌های اطلاعاتی-اجتماعی است.

این اشتیاق و تعهد، در واقع نوعی «همکاری داوطلبانه» در جهت اهداف کلان حاکمیت دینی را نشان می‌دهد که می‌تواند منجر به مشارکت در جمع‌آوری داده‌های حساس و تسهیل کنترل بیشتر شود.

بنابراین، این تعهدات فرهنگی و اجتماعی، در بطن خود عاملی برای امنیت سایبری و اطلاعاتی حکومت فراهم می‌آورند.

۶. مشاهده تأثیرات «قوای عظیم روحانی» و تأکید بر پیشرفت کمی

متن پیام:
«تصرّفات قوای عظیم روحانیّه‌ای که اثراتش را هم در آمار کمی پیشرفت جامعه و هم در شرح توفیقات مشاهده می‌کنند.»
نقد امنیتی:
استفاده از عبارت «قوای عظیم روحانی» به شکل مبهم، نشان‌دهنده وجود یک نیروی بالادستی و غیرشفاف است که اهداف و سیاست‌ها را تعیین می‌کند.
تمرکز بر «آمار کمی پیشرفت» به معنای توجه صرف به کمیت و رشد کمی کلاسترها، بدون توجه کافی به کیفیت و آزادی‌های فردی است.

نقد تخصصی تشکیلات بهایی و بیان مختصر در موضوع مهدویت, [۷/۲۰/۲۰۲۵ ۳:۵۱ PM]
این می‌تواند منجر به تمرکز صرف بر گسترش سریع و کنترل تعداد افراد شود، بدون آنکه حقوق فردی یا نگرانی‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.
چنین رویکردی احتمال تبدیل جامعه به یک سیستم کنترل‌شده و شمارش‌پذیر، فاقد تنوع و خلاقیت، را افزایش می‌دهد.
جمع‌بندی امنیتی
پیام بیت العدل ۲۰۱۳-۰۴-۲۱ به روشنی ساختاری منظم و پیچیده برای ایجاد و گسترش کلاسترهای جغرافیایی با هدف نهایی استقرار حکومت دینی را ترسیم می‌کند. این ساختار شامل:
مهاجرت هدفمند و تمرکز جمعیتی در کلاسترها
نبض منظّم برنامه‌های رشد با دوره‌های سه ماهه فشرده
آموزش کنترل‌شده و تفکیک‌شده بر اساس گروه‌های سنی
تشکیل شبکه‌ای از خادمان و هماهنگ‌سازان برای مدیریت دقیق جامعه
تعهد فردی برای استمرار فعالیت و جذب دیگران
تمرکز بر رشد کمی و قدرت کنترل روحانی نامشخص
از منظر امنیتی، این پیام نشان‌دهنده یک برنامه کنترل گسترده و هوشمند است که می‌تواند به محدودسازی آزادی‌های فردی و جمعی، نظارت متمرکز، جمع‌آوری داده‌های گسترده و تحکیم قدرت حکومتی با روش‌های غیرشفاف بینجامد.

📄 مقاله ۸۰

نقد امنیتی-سیاسی-اجتماعی بر مفهوم محدوده جغرافیایی و کلاستر
بررسی پیام بیت العدل ۲۰۱۳-۰۲-۰۸ و بازتاب‌های آن در پیام ۲۰۱۵
۱. کلاستر و محدوده جغرافیایی: مفهوم و ابعاد امنیتی
پیام به روشنی به «محدوده جغرافیایی» اشاره می‌کند که جایی است «که عناصر نقشه در یک کوشش هماهنگ تلفیق گردد.» این مفهوم، اساس تشکیل کلاسترهاست که جمعیت مؤمنین را به‌صورت متمرکز در یک محدوده

جمع‌آوری می‌کند.

«... زمانی ملموس و محسوس میشود که عناصر نقشه در یک کوشش هماهنگ در سطح محدودهٔ جغرافیایی تلفیق گردد.»

نقد امنیتی:

تمرکز افراد در این کلاسترها، ابزاری مؤثر برای کنترل و جمع‌آوری داده‌های دقیق جمعیتی است. با ایجاد این محدوده‌های مشخص، امکان نظارت دقیق‌تر بر رفتار و فعالیت‌های اعضا فراهم می‌شود که می‌تواند به شکل ابزار فشار و کنترل اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. تلفیق عناصر نقشه در سطح کلاستر و محدوده جغرافیایی: زمینه‌ساز کنترل اجتماعی

در پیام، بر «کوشش هماهنگ» در محدوده جغرافیایی تأکید شده است که همه اعضا «دوش به دوش هم کار کنند» و در «اجرای نقشه مشارکت جویند.»

«... میدانی است که در آن دوش به دوش هم کار کنند، یکدیگر را در خدمات همراهی نمایند و همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.»

نقد امنیتی-سیاسی:

این هماهنگی گسترده در سطح کلاستر، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای همگون‌سازی افکار و رفتار اعضا عمل کند، که منجر به محدود شدن استقلال فکری و اعمال فشار جمعی برای انطباق با اهداف بیت‌العدل می‌شود. چنین ساختاری، زمینه‌ساز ایجاد یک جامعه بسته و کنترل شده است.

۳. محدوده جغرافیایی به‌عنوان میدان فعالیت مشترک: تهدید به همگون‌سازی و از بین رفتن هویت‌های فردی

پیام تاکید دارد که محدوده جغرافیایی «هم برای احبّای مجرّب و هم کسانی که جدیداً آشنا شده‌اند» محلی است برای همکاری مشترک، بی‌توجه به تنوع پیشینه و سن

.

«یک چنین محدودهٔ جغرافیایی هم برای احبّای مجرّب و هم برای کسانی که جدیداً با امر مبارک آشنا شده اند، از هر سنّ و هر پیشینه ای، میدانی است...

»

نقد اجتماعی-سیاسی:

تمرکز جمعیت از گروه‌های مختلف در کلاستر، اگرچه به ظاهر باعث همبستگی می‌شود، می‌تواند به همگون‌سازی اجباری و کاهش تنوع فرهنگی و فکری منجر شود. فشارهای اجتماعی برای تبعیت از یک چارچوب واحد، زمینه را برای حذف دگراندیشی و استقلال فردی فراهم می‌کند.

۴. ارتباطات قلبی و آشنایی با کلام الهی در محدوده: پوششی برای کنترل ایدئولوژیک

پیام بر «ایجاد ارتباطات قلبی» و «آشنا ساختن نفوس با کلام الهی» تأکید دارد که به نوعی پایه‌های ایدئولوژیک جامعه را شکل می‌دهد.

«هر روز نمونه های مشهود حاکی از آن است که چطور ایجاد ارتباطات قلبی، آشنا ساختن نفوس با کلام الهی...»

نقد امنیتی:
این ارتباطات به ظاهر صمیمانه، پوششی است برای تقویت انسجام ایدئولوژیک و تحکیم مرزبندی‌های فکری. به جای تبادل آزادانه اطلاعات و نظرات، ساختارهای بسته‌ای ایجاد می‌شود که جریان آزاد اندیشه را محدود و کنترل می‌کند.

۵. مشارکت جمعی در اجرای نقشه در کلاسترها: ابزاری برای هم‌افزایی و نظارت گسترده
پیام تصریح می‌کند که «همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.»

«همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.»

نقد امنیتی-سیاسی:
این مشارکت جمعی، اگرچه به ظاهر داوطلبانه است، می‌تواند به نوعی فشار اجتماعی و کنترلی تبدیل شود که افراد را به ایفای نقش‌های از پیش تعیین شده وادار می‌کند. از منظر امنیتی، این مشارکت به بیت‌العدل امکان می‌دهد تا داده‌ها و فعالیت‌های افراد را با دقت بیشتری رصد و مدیریت نماید.

۶. محدوده جغرافیایی و کلاستر به‌عنوان بستر تحقق روح خدمت: تحلیل امنیتی-سیاسی اهداف ظاهری و واقعی
پیام از «اشتیاق به اقدامات هدفمند» و «روح خدمت» سخن می‌گوید که در محدوده جغرافیایی شکل می‌گیرد.

«چگونه فرایندهای نقشهٔ پنجساله در جوامع مختلف بهائی روح خدمت را برمیافروزند و اشتیاق به اقدامات هدفمند را سبب می
گردند.»

نقد امنیتی-سیاسی:
این شعارهای انسانی و مثبت، می‌توانند به ابزاری برای استحکام کنترل و مشروعیت‌بخشی به نظام مدیریت بیت‌العدل تبدیل شوند. در واقع، «روح خدمت» بهانه‌ای برای افزایش نظارت و کنترل دقیق بر جامعه مؤمنین است که در نهایت به تثبیت حاکمیت غیرمنتخب و تقویت ساختارهای قدرت در کلاسترها و محدوده‌های جغرافیایی منجر می‌شود

📄 مقاله ۸۱

⚠ مکانیزم تغییر عناصر فرهنگی در کلاسترها در پوشش دعا و عبادت

📜 عین متن پیام بیت‌العدل – ۲۱ آوریل ۲۰۱۲:

«پیوند خدمت و عبادت در انسجام موجود بین فعّالیّتهای جامعه‌سازی نقشه نیز منعکس است، به خصوص بین شکوفایی روح نیایش که در جلسات دعا متجلّی است و فرایند آموزشی که توانمندی برای خدمت به نوع بشر ایجاد مینماید.
ارتباط بین عبادت و خدمت مخصوصاً در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان آشکار است که جوامع بهائی از نظر تعداد عضو به نحو قابل ملاحظه‌ای رشد کرده‌اند و تحرّک و اشتغال به فعّالیّتهای اجتماعی چشمگیر می‌باشد.»

🔎 نقد امنیتی، فرهنگی و اجتماعی
این بخش از پیام، یکی از محوری‌ترین مکانیزم‌های تغییر بافت فرهنگی در محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) را افشا می‌کند: عبادت و نیایش به‌عنوان پوشش، و سازماندهی ایدئولوژیک به‌عنوان هدف.
🎯 ۱. پوشش معنوی برای عملیات فرهنگی
آنچه «شکوفایی روح نیایش» نامیده می‌شود، در ظاهر امری معنوی است اما در عمل ابزار آغاز تغییرات زیرساختی در فرهنگ دینی و اجتماعی مناطق هدف است. جلسات دعا و نیایش در الگوی تشکیلاتی بهایی، کاملاً هدایت‌شده بوده و هدفمند طراحی شده‌اند تا افراد را از هویت‌های دینی بومی جدا کرده و به هویت بهایی سوق دهند.
🧠 ۲. برنامه‌ریزی جمعیتی از طریق رشد هدفمند
در بخش پیام آمده:

«در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که جوامع بهائی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند...»
این دقیقاً همان جایی است که پروژه تغییر ترکیب جمعیتی درون کلاسترها رخ می‌دهد؛ مناطقی که ابتدا از طریق مهاجرت هدفمند، جذب نوجوانان و جوانان، و راه‌اندازی جلسات مداوم، زمینه‌ی استقرار فرهنگی خاص فراهم می‌شود. این فرآیند، ضمن حذف تدریجی هویت دینی و بومی، جای آن را با "شبکه‌های وفادار به بیت‌العدل" پر می‌کند.
🕸 ۳. شبکه‌سازی در لایه‌های زیرین جامعه
با استفاده از جلسات نیایش، کلاس‌های کودکان و نوجوانان، و فعالیت‌های به‌اصطلاح آموزشی، عملاً ساختارهای اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد که در آن تشکیلات بهایی، نقش مرجع تربیتی، فرهنگی و اخلاقی را برعهده می‌گیرد. این ساختار، آهسته اما قاطعانه، هنجارها و ارزش‌های موجود را بی‌اعتبار می‌کند.
⬤ جمع‌بندی
پیوند «عبادت» و «خدمت» در پیام بیت‌العدل، نه فقط یک آموزه دینی بلکه یک مکانیزم تغییر فرهنگی برنامه‌ریزی‌شده است که از محدوده‌های جغرافیایی هدف (کلاسترها) آغاز می‌شود.
در واقع، جلسات دعا و عبادت به ابزار بی‌سر و صدای نفوذ فرهنگی، حذف ارزش‌های محلی، و ساختن جامعه‌ای همسو با نظم اداری بهایی مستقر در اسرائیل بدل می‌شود.
در مقالات قبلی نیز دیده بودیم که این روند با جمع‌آوری داده، استفاده از نیروی جوان، و ایجاد جایگاه‌های یادگیری (Training Sites) تقویت می‌شود تا پروژه کلاستر به ثمر برسد و به‌تدریج اقتدار موازی محلی شکل بگیرد.

📄 مقاله ۸۲
🧠 📍 کلاستر، یادگیری و سرسپردگی به بیت‌العدل: از مغزشویی تا وفاداری تشکیلاتی
📜 شاهد مستند از پیام بیت‌العدل – ۲۱ آوریل ۲۰۱۲:
«بعضی از این محدوده‌ها به عنوان جایگاه‌های نشر یادگیری تعیین شده‌اند تا توانایی دوستان را برای پیشبرد برنامهٔ نوجوانان در مناطق مربوطه پرورش دهند... جایگاه یادگیری علاوه بر هدف اولیه‌اش، تمامی طرح ترویج و تحکیم را تقویت می‌نماید.»

🔍 تحلیل امنیتی و ایدئولوژیک – آموزش یا سربازگیری؟
آنچه در ظاهر تحت عنوان یادگیری و پرورش نوجوانان عرضه می‌شود، در باطن، فرآیند گام‌به‌گامِ مهندسی تشکیلاتی نیروی انسانی است.
این سیستم نه یک نهاد آموزشی عمومی، بلکه ماشین وفاداری‌سازی به بیت‌العدل حیفا است که از طریق حلقه‌های فرهنگی در قالب آموزش غیررسمی و مشارکت اجتماعی عمل می‌کند.
یادگیری در این نظام، مفهومی متعالی ندارد؛ بلکه:
نوعی انضباط سازمانی است که فرد را به‌صورت تدریجی از بافت بومی و فرهنگی خود جدا کرده،
او را در درون ساختاری با مرکزیت اسرائیل ادغام می‌کند که پاسخگویی به نهادهای ملی ندارد.
📘 جلد هشتم روحی – برنامه آموزشی اطاعت تشکیلاتی
در «جلد هشتم» دوره‌های موسوم به روحی که تحت نظارت مؤسسه روحی کلمبیا طراحی شده، موارد زیر با صراحت کامل آموزش داده می‌شود:
◇ آموزه‌های کلیدی:
✳ «سعادت فردی و اجتماعی، تنها در اطاعت کامل از مؤسسات بهایی و بیت‌العدل است»
✳ «شک، پرسشگری و حتی تأمل انتقادی، نشانه ضعف ایمان یا خروج از امرالله محسوب می‌شود»
✳ «تشکیلات بهایی، برترین نظم اجتماعی جهان است؛ اطاعت از آن، عبادت تلقی می‌شود»
📌 این محتوا برای نوجوانان و تازه‌واردان در حلقه‌های یادگیری کلاسترها تدریس می‌شود. به زبان ساده، این مغزشویی سازمانی در پوشش آموزش معنوی و اخلاقی انجام می‌گیرد.
🧠 🪖 یادگیری = سربازگیری فرهنگی و ساختاری
در پیام‌های رسمی بیت‌العدل بارها از واژه‌های «توانمندسازی»، «خدمت»، «یادگیری»، و «تحکیم اجتماع» استفاده شده است. اما تحلیل لایه‌های پنهان نشان می‌دهد که:
🎯 در عمل:
حلقه‌های مطالعه = پایگاه‌های انسجام فکری تحت نظارت تشکیلات
جلسات دعا = بستری برای القای یکدستی فرهنگی و دینی
کلاس نوجوانان = ابزار وفادارسازی نسل بعدی
این مکانیزم‌ها، ساختارهای قدرت نرم را بدون اعلام رسمی و شفاف به مردم، در دل جوامع ملی مستقر می‌کنند.
🌍 کلاسترها؛ شبکه‌های محلی ولی فراملی
واژه «کلاستر» در متون تشکیلات بهایی، صرفاً یک اصطلاح جغرافیایی نیست. این مفهوم به‌طور ساختاری به معنای:
منطقه‌ای است که در آن اجزای نقشه تشکیلاتی بیت‌العدل به شکل میدانی پیاده‌سازی شده‌اند.
ترکیبی از نهادسازی، نفوذ فرهنگی، آموزش تشکیلاتی، و تقویت همبستگی درونی اعضا در مقابل فرهنگ‌های بومی.
⚠ مهم‌ترین نکته امنیتی:

کلاستر، یک پایگاه تمرین حکومت‌پذیری فراملی است.

نوجوانان و خانواده‌هایی که در این چرخه وارد می‌شوند، به تدریج بافت وابسته و مطیعی نسبت به نهادهای غیرملی و حتی غیرمردمی پیدا می‌کنند.

🧩 از حلقه مطالعه تا اتصال به حیفا – مسیر مغفول داده‌ها

آنچه در ساختار حلقه‌ها جمع‌آوری می‌شود:

اطلاعات فردی و خانوادگی

سطح مشارکت، تمایل، و پایداری

میزان اطاعت و ظرفیت توسعه

این اطلاعات، نه در یک نهاد ملی، بلکه در قالب گزارش‌هایی به مرکز فرماندهی در حیفا ارسال می‌شود.

🔗 بنابراین، هر نوجوان یا خانواده‌ای که وارد «سیستم یادگیری» می‌شود، در واقع وارد یک زنجیره وفاداری و گزارش‌دهی تشکیلاتی می‌شود.

🔚 جمع‌بندی امنیتی: از یادگیری تا وفاداری تشکیلاتی

◍ آنچه به‌نام "یادگیری" در محدوده‌های جغرافیایی اجرا می‌شود، فرآیند طراحی‌شده‌ای برای سربازگیری آرام، القای وفاداری، و نهادینه‌سازی نظم جایگزین در دل جامعه است.

◍ کلاسترها، نه صرفاً محل زندگی، بلکه پایگاه‌های فرهنگی ـ سازمانی برای تربیت نسل جدیدِ مطیع تشکیلات بیت‌العدل هستند.

◍ آموزش در این چارچوب، به‌معنای آشنایی با دین نیست؛ بلکه نوعی سرسپردگی تشکیلاتی با هدف استقرار قدرت در بافت اجتماع است.

منبع: https://www.hassanershad.com/13142

تحلیل مفهومی و اسنادی کلاسترینگ؛ تقسیم جغرافیایی جهان ۲ – ۴ د

بسم الله الرحمن الرحیم

نسخه آزمایشی دوم

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل
اشغال خاک
نقشه ابزاری برای گذر از آرمانی به عملیاتی شدن حکومت‌طلبی

۴-۲. د) تحلیل مفهومی و اسنادی کلاسترینگ؛ تقسیم جغرافیایی جهان

مقدمه: مسیر طی‌شده تا اینجا

در سلسله مقالات «پروژه نفوذ بیت‌العدل»، هدف آن بوده که روند تحرکات تشکیلات بهایی را از نخستین طرح‌ها تا مرحله‌های اجرایی برای استقرار حکومت جهانی بهایی به‌صورت مستند و مرحله‌به‌مرحله بررسی کنیم. این مسیر تا امروز پنج مقاله‌ی اساسی را دربر گرفته است که هرکدام بخشی از نقشه‌ی بزرگ بیت‌العدل را افشا می‌کنند:

۱. بیت‌العدل در سودای سلطه بر جهان

- **قسمت اول**: لینک مقاله

در این مقاله نشان دادیم که چگونه بیت‌العدل با استناد به متون بالادستی و پیام‌های شوقی افندی، ادعای «نظم بدیع الهی» را فراتر از یک ساختار دینی صرف مطرح می‌کند و آن را به‌عنوان الگوی حکومت جهانی جا می‌زند.

- **قسمت دوم**: لینک مقاله

این بخش به واکاوی مفصل‌تر ساختار حکومت جهانی بهایی اختصاص یافت و اثبات کرد که ادعای «عدم دخالت در سیاست» در واقع پوششی برای ساخت یک تشکیلات حکومتی موازی در سطح بین‌الملل است.

۲. بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل

- **۱-۲. الف) اشغال خاک (۲۱ مقاله)**: لینک مقاله

در این مجموعه ثابت شد که تصرف خاک برای بیت‌العدل صرفاً یک استعاره نیست، بلکه پروژه‌ای مرحله‌بندی‌شده و کاملاً سازمان‌یافته است. از خرید زمین‌های استراتژیک در ایران و فلسطین تا ایجاد شبکه‌های محلی برای کنترل محدوده‌های جغرافیایی، همه‌چیز در خدمت اشغال تدریجی سرزمین قرار گرفته است.

- **۲-۲. ب) اشغال خاک نقشه؛ ابزاری برای گذر از آرمانی به عملیاتی شدن حکومت‌طلبی**: لینک مقاله

اینجا به بررسی مفهوم «نقشه‌های جهانی» پرداختیم؛ نقشه‌هایی که شوقی افندی و سپس بیت‌العدل در فواصل زمانی منتشر کردند تا تصرف خاک و نفوذ اجتماعی را از سطح آرمان به سطح عملیاتی برسانند. این نقشه‌ها، در واقع طرح‌های اجرایی برای بهایی‌سازی جوامع مختلف‌اند.

- **۳-۲. ج) تحلیل امنیتی اشغال خاک بر مبنای پیام رسمی بیت‌العدل – ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱**: لینک مقاله

در این مقاله پیام رسمی بیت‌العدل در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ را محور تحلیل قرار دادیم. در این پیام، برای نخستین‌بار به‌صراحت از «محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها)» و «برنامه رشد» به‌عنوان ستون فقرات پروژه نفوذ و تغییر بافت جمعیتی سخن گفته می‌شود. تحلیل امنیتی نشان داد که این پروژه یک تهدید ساختاری برای حاکمیت ملی کشورهاست.

فهرست محتویات و چکیده مقالات

مقاله ۶۲: استراتژی کلاسترینگ؛ تقسیم جغرافیای جهان به واحدهای عملیاتی

کلاسترینگ ابزار اصلی بیت‌العدل برای مهندسی سلطه نرم است؛ با تقسیم جهان به بیش از ۲۲هزار محدوده، نفوذ فرهنگی و اجتماعی در پوشش «خدمت» اجرا می‌شود. هر کلاستر مانند یک واحد شبه‌حاکمیتی، داده‌ها را گردآوری کرده و بستر اشغال تدریجی فرهنگی و آزمایش مدل‌های حکمرانی آینده را فراهم می‌سازد.

مقاله ۶۴: نقشه جهانی تشکیلات بهائیت؛ سلطه داده‌محور از طریق کلاسترینگ

این مقاله نشان می‌دهد بیت‌العدل با ۲۲هزار کلاستر فعال، عملاً یک سامانه اطلاعاتی جهانی برای مهندسی جوامع ساخته است. مرکز فرماندهی در حیفا داده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشورها را جمع‌آوری می‌کند و از آن برای اشغال نرم، نفوذ ساختاری و تضعیف هویت ملی استفاده می‌کند.

مقاله ۶۵: اعتراف بیت‌العدل به ۱۷هزار کلاستر؛ آغاز پروژه اشغال نرم از ۲۰۰۱

پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ پرده از آغاز رسمی پروژه کلاسترینگ برمی‌دارد: تقسیم جهان به ۱۷هزار واحد نفوذی. این کلاسترها نه فقط ابزار سازمان‌دهی دینی، بلکه ایستگاه‌های داده‌برداری و اشغال فرهنگی‌اند که زیرساخت حکومت جهانی بهائیت را تشکیل می‌دهند.

مقاله ۶۶: کلاسترینگ جهانی بهائیت؛ تهدید علیه حاکمیت داده و امنیت ملی

این مقاله نشان می‌دهد که بیت‌العدل از سال ۲۰۰۱ با ایجاد ۱۷,۰۰۰ کلاستر جهانی، شبکه‌ای داده‌محور برای جمع‌آوری و تحلیل اجتماعی ساخته است. این ساختار عملاً خاک اطلاعاتی موازی در کشورها ایجاد می‌کند و تهدیدی مستقیم برای حاکمیت ملی و امنیت سایبری جوامع است.

مقاله ۶۷: پروژه ۲۵ ساله بیت‌العدل؛ تثبیت کلاسترینگ داده‌محور تا ۲۰۳۱

پیام رضوان ۲۰۲۲ آشکارا بر تعمیق و گسترش ۲۲,۰۰۰ کلاستر جهانی تأکید دارد. این مقاله نشان می‌دهد بیت‌العدل با برنامه‌ای ۲۵ ساله، نقشه‌برداری فرهنگی و اجتماعی دقیق کشورها را هدف گرفته و به دنبال شکل‌گیری یک خاک فرهنگی موازی و مرکز داده جهانی در اسرائیل است.

مقاله ۶۸: پروژه‌های توسعه‌ای بهائیت؛ ایران در رأس چهار پایگاه برتر جهان

بر اساس سند رسمی OSED، بیش از ۱۰۰۰ پروژه توسعه‌ای پایدار در ایران فعال است؛ در حالی‌که فعالیت بهایی در ایران ممنوع است. این مقاله ایران را یکی از ۴ قطب اصلی شبکه جهانی می‌داند که با پوشش «توسعه اجتماعی» عملاً به بستر نفوذ فرهنگی، جمع‌آوری داده و جاسوسی نرم بدل شده است.

مقاله ۶۹: پیام ۲۱ آوریل ۲۰۱۷؛ اعتراف آشکار به مهندسی اجتماعی داده‌محور

این پیام بیت‌العدل، با واژگان مذهبی، در حقیقت دستورالعملی برای تقسیم جغرافیایی، برنامه‌ریزی داده‌محور، و فرماندهی متمرکز از اسرائیل است. مقاله نشان می‌دهد که این سند یک نقشه عملیاتی چندمرحله‌ای برای مهندسی اجتماعی جهانی و اشغال نرم جوامع است.

مقاله ۷۰: «اقدام اجتماعی»؛ پوشش معنوی یا پروژه نفوذ داده‌محور؟

پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت‌العدل با شعار اقدام اجتماعی، شبکه‌ای از پروژه‌های فرهنگی، آموزشی و محیط‌زیستی را معرفی می‌کند که در واقع بخشی از نقشه کلاسترینگ جهانی است. این ساختار، داده‌های محلی را جمع‌آوری کرده و به فرماندهی مرکزی در اسرائیل منتقل می‌سازد.

مقاله ۷۱: روحیه یادگیری یا الگوریتم یادگیری جمعی؟

این پیام نشان می‌دهد «روحیه یادگیری» یک سیستم بازخورد داده‌ای است که از کلاسترها به مرکز منتقل می‌شود. مفاهیمی مانند حس مالکیت جمعی و حمایت عاطفی، در واقع پوششی برای زنجیره فرماندهی و مهندسی جامعه‌سازی هدایت‌شده‌اند.

مقاله ۷۲: محفل محلی؛ اتاق فرمان کلاستر و ابزار حکمرانی داده‌محور

پیام ۲۰۱۵ بیت‌العدل، محافل محلی را به مراکز اجرایی کلاسترها بدل می‌کند. جلسات عبادی و آموزشی به ابزار داده‌برداری اجتماعی تبدیل می‌شوند و مناسبت‌های مذهبی نقش همزمان‌سازی روانی دارند. تمرکززدایی نیز صرفاً توزیع شبکه نفوذ است، نه کاهش قدرت مرکزی.

مقاله ۷۳: لجنه‌ها و محافل؛ شبکه‌ای برای داده‌برداری و حکمرانی مشارکتی نرم

این بخش پیام نشان می‌دهد لجنه‌ها همچون سلول‌های داده‌ای عمل می‌کنند و با محافل محلی در ساختار ماتریسی فرماندهی پیوند دارند. نتیجه، ایجاد یک مدل حکمرانی موازی و شبکه‌ای است که با جمع‌آوری داده‌های اجتماعی و خانوادگی، نفوذ نرم را نهادینه می‌سازد.

مقاله ۷۴: چرخه تصمیم‌سازی غیرمتمرکز؛ از مرکز تا محله‌ها

پیام ۲۰۱۵ بیت‌العدل الگویی را شرح می‌دهد که در آن اهداف جهانی از مرکز به محافل ملی و سپس به محلات منتقل می‌شوند. مناطق پیشرفته به قطب‌های نفوذ پیرامونی بدل شده و مناطق خام از طریق اتصال خوشه‌ای فتح می‌گردند، با قدسی‌سازی این فرایند به‌عنوان وظیفه الهی.

مقاله ۷۵: تصرف ۵۰۰۰ کلاستر تا ۲۰۲۱؛ از نقشه تا اجرای میدانی

این بخش پیام نشان می‌دهد بیت‌العدل با زمان‌بندی دقیق ۲۰ چرخه سه‌ماهه، هدف‌گذاری عددی ۵۰۰۰ کلاستر را دنبال کرده است. برنامه‌ای جهانی که از زبان دینی بهره می‌گیرد، اما در عمل یک نقشه راه سازمانی و داده‌محور برای اشباع جوامع انسانی است.

مقاله ۷۶: تقلیب فردی و جمعی؛ مهندسی آرام فرهنگی در پوشش معنویت

پیام با تأکید بر «تقلیب» فردی و جمعی، جوانان را به پیشران نفوذ بدل می‌کند و مسیر گفت‌وگوهای غیررسمی تا خانواده را هدف قرار می‌دهد. مفاهیم عرفانی چون نیایش و حیات روح، به ابزار درونی‌سازی هویت و تثبیت ساختار تشکیلاتی در کلاسترها تبدیل می‌شوند.

مقاله ۷۷: ۵۰۰۰ کلاستر در گفتمان رضوانی؛ قدسی‌سازی یک شبکه جهانی

پیام ۸ مه ۲۰۱۵ بیت‌العدل رسیدن به حدود ۵۰۰۰ محدوده جغرافیایی را با زبان آیینی روایت می‌کند. این قدسی‌سازی، وفاداری تشکیلاتی را تقویت کرده و کلاسترها را به کانون‌های دیپلماسی اجتماعی بدل می‌سازد که با همکاری غیربهاییان، مشروعیت فراملی کسب می‌کنند.

مقاله ۷۸: شتاب توسعه ۵۰۰۰ کلاستر و بهره‌برداری ابزاری از جوانان

پیام ۲۰۱۵ بر تسریع رشد و تعمیم فعالیت‌ها در پنج‌هزار محدوده جغرافیایی تأکید دارد و نقش جوانان را محوری می‌داند. این شتاب‌زدگی و تمرکز، با خطر نشت داده‌های حساس، یکسان‌سازی فرهنگی، و بهره‌کشی از نیروی جوان به‌عنوان ابزار عملیاتی همراه است.

مقاله ۷۹: ساختار منظم کلاسترها در پیام ۲۰۱۳؛ مهاجرت هدفمند و کنترل سه‌ماهه

پیام ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ مکانیزم‌هایی چون مهاجرت هدفمند به کلاسترها، برنامه‌های رشد سه‌ماهه، آموزش تفکیک‌شده سنی و شبکه خادمان و هماهنگ‌سازان را معرفی می‌کند. این چارچوب، الگویی برای مهندسی جمعیتی، نظارت مستمر، شست‌وشوی ایدئولوژیک و کنترل اجتماعی سازمان‌یافته است.

مقاله ۸۰: کلاستر و محدوده جغرافیایی؛ از همبستگی ظاهری تا کنترل ایدئولوژیک

پیام‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ نشان می‌دهند که محدوده‌های جغرافیایی به‌عنوان میدان فعالیت مشترک طراحی شده‌اند تا همه اعضا در «اجرای نقشه» مشارکت کنند. این الگو در عمل به همگون‌سازی اجباری، نظارت دقیق داده‌ای و تحمیل روح خدمت در پوشش معنویت می‌انجامد.

مقاله ۸۱: پیوند دعا و خدمت؛ مکانیزم تغییر فرهنگی در کلاسترها

پیام ۲۰۱۲ با تأکید بر ارتباط «عبادت و خدمت» نشان می‌دهد که جلسات دعا پوششی برای تغییر زیرساختی فرهنگ محلی هستند. از طریق این مناسک، بافت جمعیتی بازچینی می‌شود و ساختارهای اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد که تشکیلات بهایی در آن نقش مرجع تربیتی و فرهنگی پیدا می‌کند.

مقاله ۸۲: یادگیری یا وفاداری تشکیلاتی؟ نقد مکانیزم‌های آموزشی بیت‌العدل

پیام ۲۰۱۲ مفهوم «جایگاه‌های یادگیری» را طرح می‌کند که به ظاهر برای توانمندسازی نوجوانان است، اما در عمل مکانیزم سربازگیری فرهنگی و وفادارسازی به بیت‌العدل حیفا است. حلقه‌های مطالعه، دعا و کلاس‌ها به ابزار مغزشویی، جمع‌آوری داده و ایجاد پایگاه‌های حکومت‌پذیری فراملی تبدیل می‌شوند.

مقاله ششم از سلسله مقالات پروژه نفوذ بیت‌العدل

بررسی سازوکار تصرف خاک توسط بیت‌العدل
اشغال خاک

۴-۲. د) تحلیل مفهومی و اسنادی کلاسترینگ؛ تقسیم جغرافیایی جهان

در ادامه‌ی مسیر، مقاله ششم به مفهوم «کلاسترینگ» می‌پردازد. این مفهوم در ظاهر، واژه‌ای تکنیکی برای مدیریت منابع انسانی و سامان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی معرفی می‌شود؛ اما در حقیقت، به معنای تقسیم جغرافیایی جهان به واحدهای قابل‌مدیریت برای پروژه‌ی نفوذ تشکیلات بهایی است.

در این مقاله نشان داده خواهد شد که:

- کلاسترینگ، ابزاری است برای تبدیل «اشغال خاک» به یک فرایند سیستماتیک و بین‌المللی.
- جهان به‌صورت شبکه‌ای از محدوده‌های کوچک‌تر تعریف می‌شود تا کنترل و بهایی‌سازی جمعیت در هر محدوده به‌صورت مرحله‌ای انجام گیرد.
- این تقسیم‌بندی، نه‌تنها بُعد دینی ندارد، بلکه یک طرح تمام‌عیار اطلاعاتی، امنیتی و جمعیت‌شناختی است که مستقیماً از مرکز بیت‌العدل در حیفا هدایت می‌شود.

چکیده تحلیلی ـ پروژه نفوذ بیت‌العدل

تحلیل مفهومی و اسنادی سازوکار اشغال خاک و تقسیم جغرافیایی جهان

مقدمه

مسیر پژوهشی که تا اینجا پیموده‌ایم، بر یک واقعیت انکارناپذیر استوار است: تشکیلات بهایی از همان بدو شکل‌گیری، نه یک جنبش صرفاً مذهبی بلکه یک ساختار فراملی با اهداف سیاسی ـ امنیتی بوده است. در مجموعه مقالات پیشین نشان داده شد که چگونه **بیت‌العدل مستقر در حیفا**، با طراحی نقشه‌های مرحله‌ای، پروژه‌ای جهانی را برای تصرف سرزمینی، ایجاد حکومت موازی و در نهایت استقرار یک نظام جهانی دنبال می‌کند.

در سه گام قبلی، مخاطب با مفاهیم و اسناد کلیدی مواجه شد:

- **ایدئولوژی سلطه جهانی** بیت‌العدل که در پیام‌ها و متون بالادستی آن تکرار می‌شود.
- **سازوکار اشغال خاک** که نه یک استعاره، بلکه فرایندی میدانی و اجرایی است.
- **نقشه‌های عملیاتی** که از سطح آرمان به سطح اجرا منتقل شده‌اند.
- و نهایتاً **پیام رسمی ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱** که به‌مثابه دستورالعمل امنیتی بیت‌العدل، نگاه این تشکیلات به تصرف جغرافیایی را آشکار کرد.

اکنون در این مرحله، نوبت به بررسی یکی از پیچیده‌ترین ابزارهای این پروژه رسیده است: **کلاسترینگ** یا همان **تقسیم جغرافیایی جهان** بر اساس مدل بیت‌العدل.

ایدئولوژی سلطه جهانی

تشکیلات بهایی در ظاهر، زبان صلح و وحدت بر لب دارد، اما در متون درونی و اسناد رسمی‌اش، آشکارا از **استیلای کامل بر زمین** سخن می‌گوید. در تحلیل‌های پیشین توضیح داده شد که این ایدئولوژی با:

- ادعای نسخ ادیان پیشین،
- معرفی بیت‌العدل به‌عنوان «مظهر مشیت الهی»،
- و الزام پیروان به اطاعت مطلق از نهادهای امری،

ساختاری فراهم آورده که در ذات خود **حکومت‌طلب** است. این حکومت‌طلبی نه در سطح شعار، بلکه در قالب **نقشه‌های دقیق سرزمینی** پیاده شده است.

سازوکار اشغال خاک

در گام دوم، پژوهش بر اسناد مربوط به اشغال خاک متمرکز شد.
نشان داده شد که:

- اموال و اراضی در ایران، فلسطین و دیگر کشورها با واسطه یا مستقیم در اختیار تشکیلات قرار گرفته‌اند.
- این روند از دوران بهاءالله و عبدالبها آغاز شد و در دوره شوقی افندی به‌شدت گسترش یافت.
- اشغال خاک نه‌تنها یک ابزار اقتصادی بلکه بخشی از **فرآیند مشروعیت‌بخشی به حضور سیاسی** تشکیلات بوده است.

اسناد رسمی بیت‌العدل و جامعه جهانی بهایی نشان می‌دهد که هر قطعه زمین، هر ساختمان و هر مشرق‌الاذکار در واقع بخشی از یک پازل کلان‌تر است: تثبیت حضور سرزمینی و آماده‌سازی برای حکومت جهانی.

نقشه؛ از آرمان تا عمل

در بخش بعدی، موضوع «نقشه» به‌عنوان ابزاری برای گذر از آرمان به عملیات بررسی شد.

- نقشه‌های پنج‌ساله و ده‌ساله، صرفاً اسناد برنامه‌ریزی تبلیغاتی نیستند.
- این نقشه‌ها دقیقاً همان کارکرد **استراتژی‌های نظامی و امنیتی** را دارند؛ تعیین محدوده، منابع انسانی، اهداف کمی و جدول زمان‌بندی.
- به‌ویژه از سال ۱۹۹۶ به بعد، نقشه‌ها به‌طور علنی به مقوله «تغییر بافت جمعیتی» و «ایجاد هسته‌های نفوذ» پرداخته‌اند.

بنابراین، آنچه تحت عنوان «نقشه رشد» معرفی می‌شود، در واقع **نقشه اشغال نرم سرزمینی** است.

پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱؛ دستورالعمل امنیتی

در مرحله سوم، یکی از مهم‌ترین اسناد مورد تحلیل قرار گرفت: پیام رسمی بیت‌العدل به تاریخ **۳۰ دسامبر ۲۰۲۱**.

این پیام چند ویژگی کلیدی داشت:

1. تأکید بر **تثبیت هسته‌های مرکزی** در محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها).
2. دستور به **تسریع روند جامعه‌سازی** حتی در مواجهه با «نیروهای خنثی‌کننده».
3. انتقال مسئولیت اجرایی به نهادهای میدانی چون شوراهای منطقه‌ای و مؤسسات آموزشی.

در این پیام، برای نخستین‌بار آشکارا دیده می‌شود که بیت‌العدل **تصرف جغرافیایی** را نه یک نتیجه، بلکه یک وظیفه امنیتی تعریف کرده است.

کلاسترینگ؛ تقسیم جغرافیایی جهان

اکنون می‌رسیم به مرحله‌ای تازه و حیاتی: **کلاسترینگ**.

کلاسترینگ یعنی:

- تقسیم کل جهان به **محدوده‌های جغرافیایی کوچک** (به‌طور میانگین ۵۰۰۰ کلاستر).
- تعیین یک **هسته مرکزی** برای هر محدوده.
- پرورش منابع انسانی بهایی در آن هسته.
- و در نهایت، **تغییر بافت جمعیتی** از درون همان محدوده.

این مفهوم در پیام‌ها و اسناد بیت‌العدل بارها تکرار شده و به‌روشنی نشان می‌دهد که تشکیلات، جهان را همچون یک نقشه شطرنج می‌بیند؛ هر مربع باید فتح و تثبیت شود.

کلاسترینگ در ظاهر به‌عنوان «روش آموزشی و جامعه‌سازی» معرفی می‌شود، اما در باطن، چیزی جز **ابزار تقسیم استعماری نوین** نیست.

جمع‌بندی و دعوت به مطالعه

آنچه در این چکیده مرور شد، صرفاً نقشه‌ی کلی مسیر بود. مقالات تفصیلی هر یک با دقت به جزئیات پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که:

- بیت‌العدل با چه منطق ایدئولوژیکی به‌دنبال سلطه جهانی است.
- اشغال خاک چگونه از گذشته تا امروز ادامه یافته.
- نقشه‌ها چگونه ابزار عملیاتی برای این اشغال‌اند.
- پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ چه دستور امنیتی دربردارد.
- و نهایتاً کلاسترینگ چگونه جهان را به قطعات تحت نفوذ تقسیم می‌کند.

مطالعه‌ی کامل این مقالات برای هر پژوهشگر، حقوق‌دان، فعال اجتماعی یا حتی شهروند دغدغه‌مند ضروری است؛ زیرا آنچه در این اسناد می‌گذرد، آینده‌ی جغرافیای سیاسی و فرهنگی جهان را نشانه گرفته است.

مقاله ۶۲

بررسی استراتژی‌های میدانی بیت‌العدل در مسیر سلطه جهانی – «استراتژی کلاسترینگ یا تقسیم جغرافیایی جهان به محدوده‌های عملیاتی»

کلاسترینگ (Clustering) در ادبیات راهبردی بیت‌العدل، به معنای تقسیم‌بندی سازمان‌یافته کل جوامع انسانی به «محدوده‌های جغرافیایی هدفمند» است که هر یک به‌صورت مستقل و ساخت‌یافته، تحت برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و معنوی ویژه، مدیریت و جهت‌دهی می‌شوند.

این ساختار نه‌فقط ابزار سازمانی، بلکه به‌روشنی یک مکانیزم کنترل و سلطه نرم بر بسترهای محلی در مقیاس جهانی است.

چرا کلاسترینگ برای بیت‌العدل حیاتی است؟

- **ساختاردهی به نفوذ:** پیش از سال ۲۰۲۱، کل جهان به ۱۷هزار کلاستر تقسیم شده بود و پس از آن این رقم به ۲۲هزار محدوده جغرافیایی افزایش یافت. این تقسیم‌بندی گسترده، امکان اعمال سیاست‌های بومی‌شده را فراهم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نفوذ فرهنگی و سیاسی، بدون جلب توجه گسترده و در پوشش «خدمت اجتماعی» صورت می‌پذیرد.
- **ایجاد نهادهای محلی شبه‌حاکمیتی:** هر کلاستر دارای ساختار خاص خود در قالب نهادها، مشاورین، هسته‌های آموزش، و شبکه‌های داوطلبی است که شبیه به «حکمرانی موازی» در سطح خرد عمل می‌کند.
- **انعطاف‌پذیری بالا و فرار از نظارت حکومتی:** تقسیم غیررسمی و غیردولتی جغرافیای انسانی به‌جای تبعیت از مرزهای ملی، امکان می‌دهد که این نهاد با ساختارهای رسمی در تعارض نیفتد، اما در عمل، تسلط فرهنگی-اجتماعی مستقلی را اعمال کند.
- **مهندسی افکار و جامعه‌پذیری ایدئولوژیک:** کلاسترها بستر اصلی پیاده‌سازی پیام‌ها و سیاست‌های بیت‌العدل هستند و از این طریق، افراد به‌طور سیستماتیک وارد فرآیند آموزش، تطهیر فرهنگی و وفادارسازی ایدئولوژیک می‌شوند.
- **شبیه‌سازی مدل‌های حکومتی آینده:** بیت‌العدل با بهره‌گیری از تجربه اجرایی در کلاسترها، عملاً الگویی آزمایشی از نظم جهانی موردنظر خود را در مقیاس‌های کوچک تمرین و پیاده‌سازی می‌کند.

در این مجموعه، هر مقاله به تحلیل یکی از اسناد کلیدی در خصوص «محدوده‌های جغرافیایی» می‌پردازد.
در هر تحلیل، ضمن بررسی مفهومی متن پیام، به ابعاد امنیتی، فرهنگی، سیاسی و ساختاری آن اشاره می‌شود تا مخاطب بتواند نقش پنهان اما راهبردی کلاسترینگ در مهندسی سلطه جهانی توسط بیت‌العدل را به‌روشنی درک کند.

در ادامه، مقالات به‌صورت گام‌به‌گام منتشر می‌شوند و هر کدام با تمرکز بر یک سند خاص، به کالبدشکافی دقیق پروژه کلاسترینگ و پیامدهای احتمالی آن می‌پردازند.

مقدمه

در عصر مدیریت هوشمند منابع انسانی، فرهنگی و اطلاعاتی، یکی از پیشرفته‌ترین روش‌های سازمان‌دهی داده‌ها و تسلط بر فرآیندهای پیچیده اجتماعی، بهره‌گیری از مدل کلاستربندی جغرافیایی (Territorial Clustering) است. این روش، با تقسیم کل سطح جغرافیایی یک کشور یا جهان به «واحدهای عملیاتی قابل مدیریت»، امکان اجرای برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی را با دقت بالا، انعطاف‌پذیری موضعی و تحلیل‌پذیری ساختاریافته فراهم می‌سازد.

تعریف کلاستر جغرافیایی

کلاستر (Cluster) در این چارچوب، به یک محدوده مشخص جغرافیایی با ویژگی‌های مشترک انسانی یا زیرساختی گفته می‌شود که می‌تواند شامل یک محله، شهرک، یا چند روستا در نزدیکی هم باشد. مرزهای کلاستر، نه براساس تقسیمات سیاسی رسمی، بلکه بر مبنای الگوهای رفتاری، فرهنگی، ارتباطی یا جمعیتی ترسیم می‌شوند.

اهداف کاربردی کلاستربندی

- **مدیریت داده‌ها در مقیاس خرد و کلان:** کلاسترها به مثابه واحدهای سنجش‌پذیر و بومی‌شده، به استخراج، تحلیل و تطبیق داده‌های میدانی کمک می‌کنند.
- **طراحی مداخلات اجتماعی هدفمند:** سیاست‌گذاران می‌توانند برنامه‌های آموزشی، فرهنگی یا سلامت‌محور را به‌گونه‌ای طراحی کنند که متناسب با ظرفیت و ویژگی‌های هر کلاستر باشد.
- **افزایش مشارکت و کاهش اصطکاک اجتماعی:** درک مسائل هر کلاستر به صورت اختصاصی، امکان جلب مشارکت مردمی و کاهش مقاومت‌های فرهنگی را فراهم می‌سازد.
- **ردیابی تحولات اجتماعی با دقت بالا:** از طریق ثبت تغییرات در هر کلاستر، می‌توان روندهای رفتاری یا اجتماعی را با سرعت و صحت بیشتری رصد و تحلیل کرد.

مزایای راهبردی سیستم کلاستر

- تمرکزگرایی منعطف: با وجود راهبرد واحد، امکان اجرای سناریوهای متنوع بومی وجود دارد.
- قابلیت مقایسه و تطبیق: داده‌ها و رفتارها بین کلاسترها قابل مقایسه‌اند، و این امر به پالایش الگوهای موفق و شکست‌خورده کمک می‌کند.
- شبکه‌سازی ساختارمند: کلاسترها به‌راحتی می‌توانند در سطوح منطقه‌ای یا ملی به هم متصل شده و شبکه‌های میدانی قدرتمندی ایجاد کنند.
- پایش پیوسته و تصمیم‌سازی سریع: به‌دلیل تجمیع داده‌های محلی در یک ساختار تعریف‌شده، امکان واکنش سریع به تحولات وجود دارد.

موارد کاربرد

- در حوزه بهداشت عمومی: طراحی واکسیناسیون منطقه‌ای و پایش شیوع بیماری.

- در مهندسی فرهنگی: ترویج ارزش‌ها یا مقابله با آسیب‌های اجتماعی در نواحی خاص.
- در امنیت اجتماعی: شناسایی کانون‌های تنش یا آسیب در ساختار جمعیتی.
- در اقتصاد و توسعه محلی: تخصیص هدفمند منابع براساس نیازسنجی‌های واقعی هر کلاستر.

سلطه جهانی و قدرت نرم از طریق کلاستربندی سرزمینی

اگر قدرت یا نهادی بین‌المللی بخواهد بر جهان مسلط شود — چه با ابزار فرهنگی، چه اجتماعی یا حتی دینی — سیستم کلاسترینگ یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای تحقق این هدف است.

تقسیم جهان به هزاران واحد جغرافیایی قابل کنترل و مانیتورینگ، این امکان را فراهم می‌سازد که پروژه‌های کلان و اهداف درازمدت با سرعت و دقت بالا در سطوح محلی پیاده‌سازی شوند. این ساختار، به‌طور هوشمندانه‌ای ارتباط بین سطوح کلان راهبردی و میدان خرد اجتماعی را برقرار می‌کند و به صاحبان طرح، دسترسی مستقیم به ذهن‌ها، رفتارها و شبکه‌های اجتماعی مردم می‌دهد.

به‌بیان روشن‌تر:
«کسی که شبکه کلاسترهای جهان را طراحی و کنترل کند، می‌تواند جریان‌های فرهنگی، فکری، سیاسی و حتی مقاومت‌های اجتماعی را مدیریت کند — و این یعنی سلطه‌ای نرم اما عمیق.»

جمع‌بندی

کلاستربندی جغرافیایی، صرفاً یک تقسیم‌بندی فنی نیست؛ بلکه یک معماری شناختی-عملیاتی برای فهم و مدیریت جوامع انسانی در مقیاس بالاست. با تعریف دقیق «واحدهای مداخله‌پذیر»، امکان طراحی مداخلات هدفمند، تجمیع اطلاعات معنادار، و شکل‌دهی فرآیندهای مشارکتی یا کنترلی فراهم می‌گردد.

در عصر حکمرانی داده‌محور، کلاسترینگ سرزمینی نه‌تنها ابزار تکنیکی، بلکه زیرساختی برای ساخت آینده جوامع است — و در صورت بهره‌برداری در پروژه‌های سلطه جهانی، به ابزار بی‌رقیب در مهندسی جوامع بدل خواهد شد.

مقاله ۶۴
نقشه جهانی تشکیلات بهائیت؛ سلطه از طریق کلاسترینگ داده‌محور

مقدمه: پروژه حکومت جهانی از مسیر جامعه‌سازی نرم

تشکیلات جهانی بهائیت که ریشه فرماندهی آن در سرزمین اشغالی فلسطین (حیفا، اسرائیل) و مقر مرکزی‌اش «بیت‌العدل اعظم» مستقر در کوه کرمل است، سال‌هاست بی‌سر و صدا و با ظاهری مدنی، مشغول اجرای یک طرح پیچیده و داده‌محور با هدف نهایی «حکومت جهانی» است.

بر اساس پیام‌های رسمی این تشکیلات، از جمله پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ و پیام رضوان ۲۰۲۲، هدف این شبکه نه صرفاً گسترش عقیدتی، بلکه تسلط بر ساختارهای اجتماعی، جغرافیایی و داده‌ای تمام جهان از طریق فناوری سازمانی به‌نام کلاسترینگ است. این ابزار، اکنون در حال تبدیل شدن به یک تهدید بی‌سابقه برای حاکمیت ملی کشورها، نظم فرهنگی جوامع و امنیت اطلاعات است.

بخش اول: هدف نهایی ـ ساختار جهانی حکومت واحد

در آموزه‌های بنیادین بهائی و اسناد منتشره توسط بیت‌العدل، رسیدن به «نظم جهانی جدید» (New World Order) به‌صراحت به‌عنوان هدف نهایی ذکر شده است. اما این حکومت جهانی نه از مسیر آشوب یا انقلاب، بلکه از مسیر ظاهری «خدمت اجتماعی، توسعه فرهنگی و تحکیم جامعه» به‌پیش برده می‌شود. این نقشه همان چیزی است که در ادبیات رسمی بهائی، از آن با اصطلاحاتی چون نقشه پنج‌ساله، نه‌ساله یا برنامه رشد مرحله‌ای یاد می‌شود.

بخش دوم: تکنولوژی کلاسترینگ – ابزار استراتژیک برای نفوذ جغرافیایی

کلاسترینگ (Clustering) در ادبیات سازمانی بهائیت، به‌معنای تقسیم‌بندی جغرافیای کشورها به واحدهای کوچکتر قابل مدیریت است؛ این مفهوم که در پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ رسماً معرفی شده، به مجموعه‌ای به‌نام «مجموعه جوامع همجوار» (Clusters) اطلاق می‌شود.

- تا سال ۲۰۰۳، حدود ۱۷ هزار کلاستر تعریف شده بود.
- در پیام رضوان ۲۰۲۲، این عدد به بیش از ۲۲ هزار کلاستر افزایش یافته است.
- هر کلاستر مانند یک واحد شبه‌اداری، اطلاعات ساختار جمعیت، ظرفیت تبلیغ، نقاط ضعف و فرصت اجتماعی را به مرکز جهانی منتقل می‌کند.

کلاسترینگ بهائیت صرفاً یک ابزار جغرافیایی نیست، بلکه سیستماتیک‌ترین مدل نفوذ نرم و اشغال اجتماعی در تاریخ مدرن است.

بخش سوم: مرکز فرماندهی داده‌ها؛ بیت‌العدل اعظم در اسرائیل

در تمام پیام‌های بیت‌العدل، روند تدوین، کنترل و پایش نقشه‌های رشد از سراسر جهان، به بیت‌العدل در حیفا گزارش می‌شود. این یعنی یک سامانه اطلاعاتی عظیم جهانی، که بر مبنای کلاسترها کار می‌کند، در اختیار نهادی دینی با ساختار بسته، فاقد شفافیت، و در یک سرزمین اشغالی قرار دارد.

این داده‌ها شامل موارد زیر است:

- تعداد جلسات و فعالیت‌ها (کمی)
- عمق نفوذ فرهنگی و دینی (کیفی)

- وضعیت روانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هر کلاستر
- میزان موفقیت در جذب، ارتباطگیری، آموزش، و پرورش نیرو
- واکنش محیطی و مقاومت‌های اجتماعی یا دولتی

در واقع، بیت‌العدل به‌مثابه یک اتاق جنگ اطلاعاتی، با دقت میلی‌متری، میزان نفوذ خود را در هر منطقه جهان مدیریت می‌کند.

بخش چهارم: تبعات امنیتی و ژئوپلیتیکی شبکه داده‌ای بهائی

کنترل ۲۲ هزار کلاستر جغرافیایی توسط یک مرکز غیرپاسخگو در اسرائیل، پیامدهای خطرناکی دارد:

۱. **نفوذ ساختاری در نهادهای محلی:** شبکه بهائی در هر کلاستر به دنبال شناسایی و جذب معلم، پزشک، امام جماعت، فعال فرهنگی، سمن‌دار، و حتی مأمور امنیتی یا نظامی است تا با روش‌های نرم، تأثیرگذاری را از درون شروع کند.
۲. **اشغال تدریجی فرهنگی:** فعالیت‌هایی چون کلاس کودکان، جلسات دعا، آموزش خانواده و «مباحثه در باب حقیقت»، ابزارهایی برای مهندسی افکار عمومی در هر کلاستر هستند. در واقع این شبکه، زبان و فرهنگ را از درون تغییر می‌دهد تا هویت ملی از بین برود.
۳. **ردیابی دولت‌ها و ظرفیت‌های مقاومت ملی:** در پیام‌ها بارها از «ارزیابی توان کلاسترها»، «قابلیت گذار به مرحله بالاتر» و «شناسایی نقاط برتر برای تسریع رشد» سخن گفته شده است. این دقیقاً همان چیزی است که در اصطلاحات امنیتی، نقشه‌برداری میدان (Mapping the Field) خوانده می‌شود.
۴. **همراستایی با ساختارهای اطلاعاتی اسرائیل:** با توجه به مکان بیت‌العدل و ممنوعیت رسمی ارتباط مستقیم آن با کشورهای اسلامی، این شبکه، عملاً به یکی از بزرگ‌ترین منابع غیررسمی اطلاعات اجتماعی ـ امنیتی از داخل کشورهای هدف برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است.

بخش پنجم: آیا این فقط یک دین است؟ یا ساختار امنیتی فراملیتی؟

تشکیلات بهائی، با شبکه‌ای از نهادهای سلسله‌مراتبی شامل:

- بیت‌العدل اعظم
- محافل روحانی ملی، منطقه‌ای و محلی
- مشاورین و هیئات معاونت
- موسسات آموزشی و کارآموزی
- مراکز جمع‌آوری داده و تحلیل

عملکردی فراتر از یک دین دارد. این ساختار عملاً یک سازمان جهانی چندلایه با قدرت اطلاعاتی، فرهنگی، تربیتی و هدف‌گذاری شده برای تصرف جوامع از درون است.

نتیجه‌گیری: هشدار جدی برای حاکمیت‌ها

تحلیل دقیق مستندات رسمی بیت‌العدل نشان می‌دهد که:

- کلاسترینگ یک ابزار ساده سازمان‌دهی نیست، بلکه طراحی راهبردی برای تسلط اطلاعاتی ـ فرهنگی بر کشورهاست.
- مرکز داده‌های جهانی بهائی در حیفا، با تسلط لحظه‌به‌لحظه بر تغییرات نرم اجتماعی، در عمل مانند یک سازمان اطلاعاتی عمل می‌کند.
- هر فعال، خانواده، همکار یا دانش‌آموز مرتبط با این تشکیلات، بخشی از داده‌های زنده این شبکه جهانی است.

ضروری است نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و فرهنگی کشورها، مسئله‌ی نفوذ کلاسترینگ بهائی را نه به عنوان پدیده مذهبی، بلکه به‌عنوان تهدید تمام‌عیار برای حاکمیت ملی، هویت فرهنگی، و استقلال اجتماعی ارزیابی و راهکار مقابله‌ای طراحی کنند.

مقاله ۶۵

کلاسترینگ جهانی بهائیت؛ اعتراف رسمی بیت‌العدل به تشکیل ۱۷,۰۰۰ واحد برای نفوذ سیستماتیک در جوامع

آغاز پروژه جهانی اشغال فرهنگی و اجتماعی با ابزار کلاسترینگ از سال ۲۰۰۱

مقدمه: پرده‌برداری از یک طرح جهانی خزنده

در یکی از مهم‌ترین پیام‌های صادرشده توسط بیت‌العدل اعظم ـ نهاد رهبری عالی بهائیان مستقر در اسرائیل ـ به تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳، برای نخستین‌بار به‌صراحت از تشکیل ۱۷,۰۰۰ کلاستر (مجموعه جوامع همجوار) در سراسر جهان پرده برداشته می‌شود.

این پیام، بدون پرده‌پوشی، اعتراف می‌کند که از آغاز قرن ۲۱ میلادی (سال ۲۰۰۱)، یک فرآیند دقیق، منسجم و مبتنی بر داده در حال پیاده‌سازی است که هدف آن تقسیم جغرافیایی جوامع بشری به نواحی قابل مدیریت، نظارت، و هدایت اجتماعی – فرهنگی از طریق یک شبکه جهانی می‌باشد.

بخش اول: کلاسترینگ بهائی چیست؟ پروژه‌ای مذهبی یا سازوکار اطلاعاتی جهانی؟

در این پیام آمده است:

«محافل روحانی ملی… توانستند مناطق تحت اشراف خود را به نواحی کوچکتری که دارای جوامع امری نزدیک به یکدیگرند تقسیم کنند که مجموعه‌های جوامع همجوار (کلاستر) نامیده می‌شوند.»

در ظاهر، این تقسیم‌بندی جغرافیایی فقط برای مدیریت بهتر جامعه بهائی انجام شده؛ اما در واقع این کلاسترها همان سلول‌های زنده پروژه نفوذ اجتماعی، تحلیل میدانی، داده‌برداری انسانی و اشغال تدریجی فرهنگ‌ها و هویت‌ها هستند.

کلیدواژه: بدون جامعه همجوار (کلاستر) دیگر نقشه‌ها اجرا نمی‌شود.
این جمله پیام به‌روشنی هشدار می‌دهد که هیچ پروژه‌ای بدون کلاستر ممکن نیست. این یعنی ستون فقرات عملیات جهانی بهائیت، همین سیستم کلاسترینگ است.

بخش دوم: ابعاد جهانی سیستم ـ اعتراف رسمی به تقسیم کره زمین به ۱۷۰۰۰ کلاستر فعال

«...تا کنون در سراسر جهان... قریب هفده هزار مجموعه جوامع همجوار تشکیل شده است.»

این عدد تکان‌دهنده است. تشکیل ۱۷,۰۰۰ کلاستر در بیش از ۲۰۰ کشور و منطقه جهان، معادل است با:

- ۱۷,۰۰۰ نقطه ورودی اطلاعاتی و انسانی برای بیت‌العدل
- ۱۷,۰۰۰ پایگاه تحلیل رفتار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محلی
- ۱۷,۰۰۰ واحد نفوذ نرم در ساختارهای حاکمیتی و مدنی کشورها

این کلاسترها با الگویی مشابه اما متناسب با بافت محلی، تمامی جمعیت‌های کوچک تا کلانشهرها را پوشش می‌دهند. مثلاً:

- در هند: ۱۵۸۰ کلاستر تشکیل شده
- در سنگاپور: کل کشور تبدیل به یک کلاستر شده

در کلان‌شهرها، این کلاسترها ریزتر و تخصصی‌تر عمل می‌کنند تا کنترل دقیق‌تر انجام شود.

این یعنی: نقشه‌برداری کامل فرهنگی-اجتماعی شهروندان در قالب نرم، از طریق جلسات، برنامه‌های کودک، آموزش خانواده و حتی جلسات دعا.

بخش سوم: کلاسترینگ داده‌محور ـ پروژه‌ای برای تجزیه فرهنگی و تحلیل اجتماعی کشورها

از محتوای پیام ۲۰۰۳ این‌گونه برداشت می‌شود که:

- کلاسترها بر اساس معیارهای جغرافیایی و اجتماعی تعریف شده‌اند.
- اطلاعات مربوط به هر کلاستر به مرکز جهانی ارسال می‌شود.
- این داده‌ها صرفاً برای «اداره بهائیان» نیست، بلکه برای «نقشه‌برداری اجتماعی کشورها» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هر کلاستر در واقع یک ایستگاه اطلاعاتی زنده است که:

- تعداد مؤمنین
- نوع فعالیت‌ها
- واکنش جامعه میزبان
- ظرفیت جذب نیرو
- وضعیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منطقه

را در پلتفرم واحد داده‌محور بیت‌العدل در اسرائیل ثبت و به‌روز می‌کند.

این یعنی: بزرگ‌ترین بانک زنده اطلاعات غیردولتی درباره جوامع انسانی جهان، اکنون در اختیار نهادی مذهبی-سیاسی در سرزمین اشغالی است.

بخش چهارم: پیامدهای امنیتی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی سیستم کلاسترینگ بهائیت

۱. **نفوذ اطلاعاتی ـ فرهنگی به درون ملت‌ها:** با استفاده از جلسات کودک، آموزش نوجوان، مشاوره والدین، حلقه‌های گفتگو و کلاس‌های دعا، داده‌های رفتاری و نگرشی افراد استخراج می‌شود.
۲. **نفوذ ساختاری به جوامع مدنی و نهادهای محلی:** کلاسترها بستر تماس با معلمان، پزشکان، فعالان سمن، شوراهای محلی، انجمن‌های فرهنگی و دانشگاهیان هستند.
۳. **اطلاعات به‌روز و ناحیه‌ای برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای:** با تجمیع این داده‌ها در حیفا، عملاً بیت‌العدل به یک ستاد فرماندهی داده‌محور جهانی تبدیل شده که در ابعاد سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی قدرت تحلیل عملیاتی دارد.

نتیجه‌گیری: اعتراف رسمی به آغاز «اشغال نرم» از سال ۲۰۰۱

برای نخستین‌بار در این پیام رسمی، بیت‌العدل به‌طور صریح و شفاف اعتراف می‌کند که پروژه کلاسترینگ جهانی از سال ۲۰۰۱ آغاز شده و تا سال ۲۰۰۳، در بیش از ۱۷ هزار منطقه اجرایی شده است.

این پروژه نه یک برنامه تبلیغ دینی، بلکه یک نقشه برای تجزیه ساختار اجتماعی کشورها و مدیریت رفتار ملت‌ها در سطح خرد است.

سیستم جهانی کلاسترینگ، بستر اجرای حکومت جهانی بهائیت است که ستون آن اطلاعات بومی ـ منطقه‌ای است. ادامه این روند، به‌معنای واگذاری کنترل بخشی از جغرافیای داده‌ای، اجتماعی و فرهنگی کشورها به یک مرکز خارجی و غیرپاسخگو.

مقاله ۶۶

سیستم کلاسترینگ جهانی در تشکیلات بهائیت: تهدیدی سازمان‌یافته علیه حاکمیت داده، انسجام اجتماعی و امنیت ملی گزارش تحلیلی – امنیتی

مقدمه

بر اساس پیام رسمی مورخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ صادره از بیت‌العدل اعظم، نهاد رهبری عالی تشکیلات بهائی مستقر در حیفا (اسرائیل)، مشخص شده که از سال ۲۰۰۱ میلادی طرحی بین‌المللی، منسجم، داده‌محور و گام‌به‌گام با هدف «تقسیم جغرافیایی کامل جهان به کلاسترها (مجموعه‌های جوامع همجوار)» آغاز شده و تا آن سال، بیش از ۱۷,۰۰۰ کلاستر در جهان تشکیل شده‌اند.

این گزارش، اقدام فوق را با نگاهی حقوقی، امنیتی و ساختاری، مورد ارزیابی قرار داده و آن را در چارچوب مفاهیم اشغال نرم، تحلیل ژئوپلتیک داده‌ها و تهدیدات سایبری اجتماعی بررسی می‌کند.

بخش اول: اعتراف رسمی به ایجاد شبکه جهانی کلاستر از سال ۲۰۰۱

در این پیام آمده است:
«تا کنون در سراسر جهان... قریب ۱۷ هزار مجموعه جوامع همجوار تشکیل شده است... مناطقی که دارای جوامع امری نزدیک به یکدیگرند... تقسیم‌بندی صرفاً جغرافیایی و اجتماعی بوده است...»

این جمله، دارای سه نکته مهم حقوقی و امنیتی است:

1. اعتراف رسمی به اجرای طرح جهانی از سال ۲۰۰۱
2. استفاده از الگوی علمی کلاسترینگ در سطح جهانی و ناحیه‌ای
3. اهداف غیرصرف دینی، و مشخصاً استفاده از داده‌های جغرافیایی ـ اجتماعی برای برنامه‌ریزی آینده‌نگر

بخش دوم: ماهیت واقعی کلاسترهای بهائی – زیرساخت داده‌برداری از ملت‌ها

در ادبیات فنی، کلاسترینگ (Clustering) نوعی تقسیم هوشمند جامعه به خوشه‌های قابل تحلیل و کنترل بر اساس داده‌های کمی، کیفی، جمعیت‌شناسی، فرهنگی و رفتاری است.

بر اساس پیام‌های بیت‌العدل:

- هر کلاستر به‌مثابه یک ایستگاه جمع‌آوری و تحلیل داده طراحی شده است.
- اطلاعات لحظه‌ای کلاسترها به مرکز فرماندهی در حیفا ارسال می‌شود.
- برنامه‌های آموزشی، جلسات دعا، آموزش کودکان و نوجوانان، حلقات بحث خانوادگی، همه ابزارهای نفوذ نرم برای دسترسی به لایه‌های عمیق جامعه میزبان هستند.

یادآوری: طبق همین اسناد رسمی، از سال ۲۰۲۱ این تعداد به بیش از ۲۲,۰۰۰ کلاستر افزایش یافته است.

بخش سوم: پیامدهای امنیتی و تهدیدات چندلایه

1. **تهدید حاکمیت داده ملی:** تشکیلات بهائیت با زیرساخت متمرکز داده در اسرائیل، به اطلاعاتی دست می‌یابد که از سطح دولت‌ها فراتر می‌رود: شناخت روابط خانوادگی، شکاف‌های اجتماعی، باورهای محلی، پتانسیل مخالفت، ظرفیت جذب جوانان، و...
2. **امکان سوءاستفاده در عملیات سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی:** با این حجم از داده‌ها، امکان طراحی جنگ شناختی، نفوذ در باورها، تخریب انسجام اجتماعی، و حتی مهندسی بحران وجود دارد. الگوهای کلاسترینگ مشابه الگوهای سازمان‌های اطلاعاتی در تعریف «سلول‌های نفوذ منطقه‌ای» است.
3. **ایجاد خاک اطلاعاتی جایگزین در کشورها:** با وجود کلاسترهای بهائی، ساختارهایی موازی برای تحلیل داده‌های مردمی شکل می‌گیرد که کاملاً خارج از نظارت دولت‌ها و وابسته به یک مرکز خارجی است.

پیشنهادات

- شناسایی کلاسترهای رسمی و غیررسمی در کشور و رصد فعالیت‌های مرتبط
- تدوین قانون برای کنترل و نظارت بر جمع‌آوری داده‌های فرهنگی-اجتماعی توسط نهادهای فراملی مذهبی
- تسری طبقه‌بندی امنیتی به نهادهایی که از سیستم‌های کلاسترینگ در مناطق حساس استفاده می‌کنند
- آگاه‌سازی عمومی درباره تکنیک‌های نفوذ نرم در قالب برنامه‌های کودک، خانواده، کلاس دعا و حلقات رشد

جمع‌بندی

تشکیلات بهائی با بهره‌گیری از ساختارهای علمی ـ اطلاعاتی از جمله کلاسترینگ جغرافیایی و فرهنگی، اقدام به سازماندهی یک شبکه جهانی داده‌محور نموده که عملاً در حال تشکیل خاک اطلاعاتی جایگزین در درون کشورها است.

اعتراف بیت‌العدل به راه‌اندازی رسمی ۱۷,۰۰۰ کلاستر در جهان تا سال ۲۰۰۳، سندی بی‌سابقه و هشداردهنده برای سیاست‌گذاران فرهنگی، امنیتی و سایبری است.

مقاله ۶۷

گزارش تکمیلی – امنیت داده و کنترل خاک فرهنگی – پروژه ۲۵ ساله بیت‌العدل: تثبیت کلاسترینگ داده‌محور در سراسر جهان با هدف نفوذ ژئوپلتیک

مقدمه: از ۱۷,۰۰۰ کلاستر تا بیش از ۲۲,۰۰۰ نقطه کنترل داده

در ادامه مسیر آغاز شده در سال ۲۰۰۱ که طی آن بیت‌العدل اقدام به تقسیم رسمی جهان به مناطق کلاسترینگ‌شده موسوم به "مجموعه‌های جوامع همجوار" نمود، حال در پیام رسمی رضوان ۲۰۲۲، این نهاد به شکل بی‌پرده و بی‌سابقه‌ای بر تعمیق، گسترش و هوشمندتر شدن این شبکه جهانی در ۲۵ سال آینده تأکید کرده است.

«...تعداد کل محدوده‌های جغرافیایی به بیش از ۲۲,۰۰۰ افزایش یافته... از این میان ۱۴,۰۰۰ دارای برنامه رشد، ۱۱,۰۰۰ با رشد فشرده، و حداقل ۵,۰۰۰ در سطح "نماد سوم" خواهند بود...»

این جملات را باید بزرگ‌ترین اعتراف تاریخ معاصر تشکیلات بهائی به یک پروژه داده‌محور چندلایه جهانی برای کنترل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ژئوپلتیک درون کشورها دانست.

بخش اول: تثبیت زیرساخت جهانی تجمیع داده‌ها تا سال ۲۰۳۱

در پیام مزبور، بیت‌العدل صراحتاً می‌گوید:
«بر اساس پیش‌بینی‌ها، تا پایان نقشه جدید (۲۰۳۱)... هزاران محدوده جغرافیایی باید به سطوح رشد پیشرفته برسند...»

این عبارات معادل است با:

- نقشه‌برداری جهانی بر اساس جمعیت، فرهنگ، بافت مذهبی، شرایط سیاسی، و حتی پویش‌های محلی
- برنامه‌ریزی داده‌محور برای هر نقطه جغرافیایی با ابزارهای توسعه‌ای نرم همچون جلسات دعا، آموزش کودکان، حلقه‌های رشد، ارتباطات خانوادگی و...
- استفاده از این داده‌ها برای تحلیل ریسک، قابلیت جذب، عمق نفوذ، چالش‌های منطقه‌ای و فرصت‌های سلطه فرهنگی

بخش دوم: تهدید مضاعف بر حاکمیت داده و امنیت داخلی

1. **مراکز داده و فرماندهی مرکزی در حیفا (اسرائیل):** تمامی داده‌ها از هزاران کلاستر منطقه‌ای به یک مرکز جهانی هدایت می‌شوند، با ساختار سلسله‌مراتبی که تا پایین‌ترین سطوح شهری و روستایی امتداد دارد.
2. **قابلیت تحلیل داده‌های بومی بهتر از دولت‌ها:** بیت‌العدل با این پروژه، نقشه‌های فرهنگی، اعتقادی، روانی و اجتماعی بومی کشورها را با دقت میلی‌متری ترسیم می‌کند، که عملاً آن را به ابزاری قدرتمند برای کنترل نرم در درازمدت تبدیل می‌کند.
3. **اختلال در انسجام ملی و امنیت فرهنگی:** از آن‌جا که کلاسترها مبتنی بر جمع‌آوری داده از پایین به بالا (از خانه، مدرسه، کودک، همسایه) هستند، دولت‌ها هیچ قدرت کنترلی بر فرایند تولید داده ندارند؛ و این، مقدمه‌ای برای شکل‌گیری یک خاک فرهنگی موازی با ساختار رسمی کشورها است.

بخش سوم: مدل کلاسترینگ بیت‌العدل ≠ جامعه‌سازی مذهبی

چرا باید بیت‌العدل از داده‌های خانوادگی، تربیتی، فرهنگی و گفت‌وگوهای خانگی در بیش از ۲۲,۰۰۰ نقطه جهان استفاده کند؟

اگر این صرفاً پروژه‌ای معنوی بود، چرا چنین سیستم هوشمند و مرکز داده جهانی نیاز است؟

پاسخ روشن است: این یک پروژه مذهبی نیست، بلکه «زیرساخت نفوذ داده‌محور برای حکمرانی پنهان» است.

چشم‌انداز ۲۵ ساله: «امنیت جهانی» یا «اشغال اطلاعاتی ملل»؟

طبق اسناد رسمی بیت‌العدل، تا سال ۲۰۳۱، جهان باید دارای:

- بیش از ۱۴,۰۰۰ کلاستر با برنامه رشد دقیق
- بیش از ۱۱,۰۰۰ کلاستر با نظارت رشد فشرده
- و حداقل ۵,۰۰۰ نقطه با اشراف و تسلط کامل اطلاعاتی و فرایندی باشد.

به بیان ساده:

- هر کشوری که دارای جمعیت بهائی باشد، دارای یک یا چند کلاستر جاسازی‌شده اطلاعاتی نیز هست.

نتیجه‌گیری امنیتی

این پروژه از سال ۲۰۰۱ آغاز شده، در ۲۰۲۲ مجدداً تأیید و گسترش یافته و تا سال ۲۰۳۱ دارای برنامه عملیاتی کاملاً روشن است.

در این پروژه:

- هیچ‌کس از داده‌برداری مستثنی نیست: از کودک، والدین، معلم، همسایه، خویشاوند تا کارفرما
- مخالفان طرد تشکیلاتی می‌شوند: پس اطاعت، اجباری و سازمانی است نه داوطلبانه
- داده‌ها در اسرائیل متمرکز می‌شود: یک مرکز فراملی داده، خارج از حاکمیت کشورهای میزبان

هشدار نهایی

پروژه ۲۵ ساله بیت‌العدل، دقیق‌ترین، گسترده‌ترین، و متمرکزترین شبکه تحلیل فرهنگی جهان را پدید می‌آورد.

اگر دولت‌ها و جوامع از اکنون وارد عمل نشوند، طی یک دهه آینده:

- دیگر نه «فرهنگ بومی» و نه «سیاست ملی» از کنترل در امان خواهند بود.
- خاک اطلاعاتی رسمی کشورها به خاک فرهنگی تحت کنترل بیت‌العدل واگذار خواهد شد.

مقاله ۶۸

تحلیل امنیتی و ژئوپلتیکی از نقشه جهانی پروژه‌های توسعه‌ای بهائیت در ایران و جهان
مبتنی بر سند رسمی منتشرشده توسط جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل

منبع اصلی: لینک سند

تیتر اصلی

«پروژه اشغال نرم سرزمین: ایران در رأس ۴ پایگاه توسعه‌ای برتر جهان در تشکیلات بهائی»

مقدمه

تشکیلات جهانی بهائیت تحت عنوان *Office of Social and Economic Development (OSED)* در حیفا (اسرائیل) از سال ۱۹۸۳ به‌صورت رسمی وارد حوزه توسعه پایدار شده است. اما نقطه عطف تحول‌آفرین آن، سال ۲۰۰۱ میلادی است؛ سالی که بر مبنای پیام بیت‌العدل، الگوی کلاسترینگ داده‌محور به اجرا درآمد. از آن پس، جامعه جهانی بهائی شروع به طراحی دقیق‌ترین نقشه جغرافیایی – اجتماعی دنیا کرد.

داده‌های افشاشده از سند رسمی

1. **تعداد پروژه‌های توسعه‌ای در جهان تا سال ۲۰۲۲:**
   - بیش از ۱۰۰,۰۰۰ پروژه کوتاه‌مدت (*Activities of Fixed Duration*)
   - بیش از ۱,۳۰۰ پروژه پایدار (*Sustained Projects*)
   - صدها سازمان با عنوان *Bahá'í-inspired Organizations*
2. **نقشه طبقه‌بندی‌شده جهانی – رنگی:**
   - سبز روشن: کشورهای دارای کمتر از ۱۰۰ پروژه
   - سبز متوسط: ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ پروژه
   - سبز پررنگ (بسیار تیره): بالای ۱۰۰۰ پروژه – و فقط ۴ کشور در جهان به این سطح رسیده‌اند
   - 🚨 و یکی از این ۴ کشور، به طور رسمی، ایران است.

معنای استراتژیک این داده‌ها

جایگاه ایران در نقشه:

در حالی که فعالیت رسمی بهائیت در ایران غیرقانونی است و هیچ تشکیلات رسمی به‌صورت علنی اجازه فعالیت ندارد، اما این سند نشان می‌دهد که:

- بیش از ۱۰۰۰ پروژه‌ی توسعه‌ای پایدار در ایران فعال است
- هیچ لیستی از موقعیت مکانی، اسامی پروژه‌ها یا عاملین این پروژه‌ها اعلام نشده است

یعنی یک شبکه زیرزمینی و گسترده با برنامه داده‌محور فعال است که از چشم سیستم رسمی پنهان مانده.

تحلیل امنیتی – داده‌محوری و کلاسترینگ

چرا این خطرناک است؟
طبق پیام‌های رسمی بیت‌العدل (از جمله پیام ۲۰۰۳ و ۲۰۲۲)، تمام پروژه‌ها به صورت ساختارمند و داده‌محور در قالب کلاستر اجرا می‌شوند. ویژگی‌های این سیستم:

- مدیریت محلی با اتصال مرکزی در اسرائیل (بیت‌العدل)
- کنترل لحظه‌ای داده‌ها از وضعیت فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی و واکنشی مردم در هر کلاستر
- تحلیل‌های آماری پیشرفته برای طراحی "نقشه رشد" و تسخیر ذهنی جوامع
- به‌کارگیری هوش مصنوعی و داده‌کاوی برای تعیین نقاط نفوذ یا ضعف حکومت‌ها

نقش دیوید راتستاین (*David Rutstein*)

- ژنرال بازنشسته ارتش ایالات متحده
- دبیرکل جامعه جهانی بهایی (BIC) در سازمان ملل
- مدیر سیاسی–امنیتی این شبکه توسعه‌ای بین‌المللی

☑ این یعنی شبکه‌ای به ظاهر دینی، به شکل NGO، اما به‌صورت زیرساخت‌مند توسط ژنرال آمریکایی، از مقر سازمان ملل مدیریت می‌شود.

نتیجه‌گیری

وجود بیش از ۱۰۰۰ پروژه‌ی توسعه‌ای پایدار در ایران، تأییدشده توسط سند رسمی منتشرشده در سازمان ملل، نشان می‌دهد که:

- بهائیت صرفاً یک فرقه مذهبی نیست؛ بلکه یک سازمان اطلاعاتی، فرهنگی و جامعه‌ساز داده‌محور جهانی است.
- این سازمان با تمرکز بر تقسیم‌بندی دقیق جغرافیایی (کلاسترینگ)، ایران را به یکی از ۴ قطب استراتژیک خود در جهان تبدیل کرده است.
- پروژه‌ها زیر پوشش «توسعه اجتماعی» اما با اهداف بلندمدت کنترل فرهنگی، تربیت اجتماعی، جامعه‌سازی و نفوذ ساختاری اجرا می‌شود.
- این شبکه به‌واسطه تجمیع داده‌های داخلی ایران و ارسال آن به اسرائیل (مرکز بیت‌العدل) عملاً به یک شبکه جاسوسی فرهنگی در سطح جهانی تبدیل شده است.

سند رسمی برای مطالعه

- **عنوان سند:** *For the Betterment of the World*
- **منتشر شده توسط:** *Office of Social and Economic Development (OSED)*
- **بازه زمانی:** ۱۹۹۶ – ۲۰۲۲
- **لینک رسمی:** [مطالعه سند]

مقاله ۶۹

تحلیل آکادمیک و امنیتی پیام ۲۱ آوریل ۲۰۱۷ بیت‌العدل: اعترافی آشکار به مهندسی اجتماعی جهانی مبتنی بر داده و کلاسترینگ جغرافیایی

مقدمه

پیام مورخ ۲۱ آوریل ۲۰۱۷ صادرشده از بیت‌العدل، ظاهراً گزارشی از پیشرفت درون‌تشکیلاتی است، اما در حقیقت سندی مهم از ساختار پیچیده، متمرکز، و داده‌محورِ شبکه جهانی بهائیت در راستای مهندسی اجتماعی و تسلط بر کلاسترهای جغرافیایی در سراسر جهان محسوب می‌شود. با استناد به بخش‌هایی از این پیام، می‌توان ماهیت غیردینی و کاملاً ساختاریافته‌ی این تشکیلات را آشکار ساخت.

۱. کلاسترینگ (Clusterization): تقسیم‌بندی جغرافیایی جهت نفوذ و اشغال نرم اجتماعی

در بخشی از پیام آمده است:
«مراکز فعّالیّت فشرده، آن محلّه‌ها و روستاهایی که کار جامعه‌سازی در آن تمرکز بیشتری دارند، میادین مستعدّی را برای تقلیب جمعی فراهم می‌آورند.»

این عبارت به‌وضوح بیانگر یک استراتژی تقسیم و تمرکز جغرافیایی است. تشکیلات بهائی با تعریف کلاسترهای جغرافیایی (همانند مناطق عملیاتی) و استقرار برنامه‌های ویژه در آنها، به‌تدریج اقدام به مهندسی فرهنگ، جامعه‌سازی دستوری، و نفوذ شبکه‌ای در بافت اجتماعی می‌نماید.

۲. برنامه‌ریزی داده‌محور با رصد کمی و کیفی دقیق در زمان واقعی

بیت‌العدل می‌نویسد:
«سپاه گسترده و پرشورِ اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان مشوّق مجهودات دوستان بوده، به آنان کمک می‌کنند که چگونه فرایند رشد را در موقعیّت‌های گوناگون به پیش ببرند و رویکردهایی متناسب با شرایطِ هر محدودهٔ جغرافیایی بیابند.»

این عبارت مویدِ سنجش دقیق داده‌ها از هر کلاستر (محله، شهر، منطقه) و به‌کارگیری «رویکرد متناسب» است؛ این دقیقاً همان الگویی است که در عملیات‌های اطلاعاتی و برنامه‌ریزی راهبردی به‌کار می‌رود: داده‌برداری، طبقه‌بندی، شبیه‌سازی و اجرای برنامه بر حسب ظرفیت محلی.

۳. فازبندی رشد و ارزیابی پیوسته = نقشه عملیاتی چندمرحله‌ای

در ادامه آمده است:
«سرعت بخشیدن به پیشرفت پنج هزار برنامهٔ رشد مستلزم کوششی کاملاً بی‌سابقه است... پیشرفت سریع حاصل در بعضی نقاط در دیگر مناطق هنوز ظاهر نشده است ولی تعداد کلّ برنامه‌های فشردهٔ رشد در جهان هم‌اکنون در حال افزایش است.»

واژه‌هایی چون «پیشرفت سریع»، «برنامه‌های رشد»، «تعداد کل»، «مرحله‌ای»، همه به‌روشنی بیانگر یک الگوی برنامه‌ریزی شده فازبندی‌شده، با شاخص‌های کمی و کیفی هستند. این یعنی تشکیلات بیت‌العدل نه تنها هدف، بلکه مسیر، ابزار، سنجه، و تیم کنترل اجرایی در اختیار دارد.

۴. تمرکز قدرت و فرماندهی مرکزی در اسرائیل

در کل پیام، ساختار سلسله‌مراتبی و تمرکز فرمان، قابل شناسایی است:
«شوراهای منطقه‌ای بهائی با حمایت محافل روحانی ملّی می‌آموزند که چگونه می‌توان پیشرفت نقشه را هم‌زمان در طیفی از محدوده‌های جغرافیایی سرعت بخشید... این وظیفه در بعضی کشورهای کوچک که شورای منطقه‌ای وجود ندارد توسّط نهادهای جدیدی در سطح ملّی انجام می‌گیرد.»

این یعنی با پوشش واژگان مذهبی، یک ساختار نظام فرماندهی چندلایه، شبیه ستاد مرکزی عملیات اجتماعی-فرهنگی در حال اجرای پروژه‌ای جهانی است که در نهایت به بیت‌العدل، یعنی مرکز فرماندهی جهانی، ختم می‌شود.

نتیجه‌گیری

پیام ۲۱ آوریل ۲۰۱۷، نه یک پیام معنوی بلکه دستورالعملی نظام‌مند برای اجرای پروژه نفوذ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جهان، به‌ویژه در کشورهای هدف است. این پیام، با مستندسازی فرآیندهای دقیق، تقسیم‌بندی جغرافیایی، تحلیل داده، ساختار اجرایی، و تمرکز فرماندهی، نشانه‌ای روشن از فعالیت‌های داده‌محور و امنیت‌سازمان‌یافته یک تشکیلات جهانی است که با نام مذهب اما با ابزار مهندسی اجتماعی، در حال بازطراحی جهان از پایین‌ترین لایه‌های اجتماع است.

پیشنهاد نهایی

این پیام و نظایر آن باید توسط:

- مراکز مطالعات امنیت ملی
- کمیسیون‌های امنیت فرهنگی مجلس
- مراکز رصد جنگ نرم
- نهادهای اطلاعاتی-اجتماعی

به‌عنوان یک سند راهبردی مورد مطالعه، هشدار و اقدام قرار گیرد.

مقاله ۷۰

نقد آکادمیک – امنیتی پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵): "اقدام اجتماعی" یا پروژه نفوذ ساختاریافته مبتنی بر داده؟

۱. پوشش معنوی برای برنامه‌ریزی اجتماعی سیستماتیک

در بند آغازین پیام، بیت‌العدل می‌نویسد:
«آغاز تحرّکی جدید در زمینهٔ اقدام اجتماعی یکی از نتایج طبیعی افزایش منابع و ازدیاد آگاهی از مقتضیات ظهور امر الهی برای زندگی یک جمعیّت است.»

عبارت بالا ظاهراً معنوی است، اما دقیق‌تر که نگاه کنیم، به‌روشنی یک مهندسی نرم‌افزاری اجتماعی از درون جوامع هدف را روایت می‌کند. بیت‌العدل از مفهومی به نام "اقدام اجتماعی" نام می‌برد که عملاً اشاره به فعال‌سازی شبکه‌ای از پروژه‌های داده‌محور با اهداف فرهنگی، آموزشی، محیط‌زیستی و سلامت عمومی دارد؛ حوزه‌هایی که همگی در ذیل فعالیت‌های NGO-محور از مصونیت اجتماعی برخوردارند.

۲. نطفه‌گذاری پروژه‌های اجتماعی در درون کلاسترهای جغرافیایی

در بخش دیگری از پیام آمده است:
«این مجهودات می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد مثلاً ارائهٔ کمک تدریسی به کودکان، طرح‌هایی برای بهبود محیط زیست، و فعّالیّت‌هایی در جهت بهداشت بهتر و پیشگیری از بیماری‌ها.»

این عبارت نشان‌دهنده آن است که بهائیان در مناطق مختلف با کدهای انسانی-اجتماعی پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی (مانند محیط زیست، آموزش، سلامت) اقدام به ایجاد پایگاه اجتماعی، رصد داده‌های محلی، و فعال‌سازی جمعیت محلی می‌کنند.

در واقع، هر پروژه‌ی محلی بخشی از یک نقشه بزرگ جهانی کلاسترینگ است که در آن:

- ظرفیت‌های اجتماعی جامعه ارزیابی می‌شود؛

- داده‌ها ثبت و به مرکز جهانی (حیفا) منتقل می‌شود؛
- و مسیر نفوذ از لایه‌های پایین جامعه آغاز می‌گردد.

۳. اتصال برنامه‌های فرهنگی محلی به فرماندهی اطلاعاتی بین‌المللی

در پیام می‌خوانیم:
«در مواقعی، تلاش‌های دوستان می‌تواند از طریق کار یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی که در آن حوالی فعالیت می‌کند بسیار تقویت گردد.»

عبارت فوق دقیقاً اشاره به سازمان‌های بهائی وابسته به دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی بیت‌العدل *(OSED)* دارد، که طبق گزارش رسمی منتشر شده در سازمان ملل (۲۰۲۳)، بیش از ۱۰۰۰ سازمان ملهم از بهائیت در سراسر جهان ثبت شده‌اند، با تمرکز فعالیت در چهار منطقه اولویت‌دار، یکی از آنها ایران.

این یعنی پروژه‌ها گرچه محلی ظاهر می‌شوند، اما عملاً متصل به یک ساختار مرکزی داده‌محور، با فرماندهی بین‌المللی، و مأموریت‌های چندلایه هستند.

۴. تکرار الگوی نفوذ در تمام کلاسترها = الگوریتم یادگیری جمعی و هوش مصنوعی اجتماعی

پیام بیت‌العدل در ادامه می‌افزاید:
«یک اقدام اجتماعی هر چقدر هم در ابتدا کوچک باشد نشانه‌ای است از اینکه یک جمعیت در درون خود قابلیتی بسیار مهم را پرورش می‌دهد: قابلیّت یادگیری اینکه چگونه می‌توان تعالیم این ظهور اعظم را در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی به کار گرفت.»

این بند به شکلی غیرمستقیم نشان می‌دهد که شبکه تشکیلاتی بهائی، الگوهای نفوذ خود را به‌صورت تجربی و یادگیرنده در هر کلاستر پیاده می‌کند. این همان منطق الگوریتم‌های یادگیری در هوش مصنوعی است: هر اقدام محلی، ورودی جدیدی برای اصلاح، بهبود و به‌روزرسانی نقشه جهانی نفوذ است.

جمع‌بندی

پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵، به ظاهر گزارشی معنوی از فعالیت‌های مردمی است؛ اما با دقت علمی-امنیتی روشن می‌شود که در این پیام:

- شبکه‌ای از اقدامات خُرد اجتماعی با اهداف کلان نرم‌افزاری فرهنگی در حال اجراست؛
- با مدل کلاسترینگ جغرافیایی، نقشه جهانی نفوذ اجتماعی با داده‌های دقیق ساخته می‌شود؛
- و تمام این شبکه، به یک فرماندهی واحد جهانی در اسرائیل متصل است که داده‌ها را تجزیه، تحلیل و برای کنترل اجتماعی استفاده می‌کند.

☑ **پیشنهاد راهبردی:** این اسناد باید در کمیسیون‌های امنیتی مجلس، نهادهای اطلاعاتی، و مراکز رصد جنگ نرم تحلیل شود. تمرکز ویژه بر ساختار پوششی – داده‌محور – اجتماعی تشکیلات بهائیت در داخل ایران از الزامات عاجل برای صیانت اجتماعی و فرهنگی کشور است.

مقاله ۷۱

نقد آکادمیک – امنیتی پیام بیت‌العدل ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ (بخش اول)

۱. "روحیهٔ یادگیری" یا سیستم یادگیری جمعی؟

«یکی از ویژگی‌های قابل توجه محدوده‌های جغرافیاییِ پیشرفته آن است که روحیهٔ یادگیری در همهٔ جامعه رسوخ می‌نماید و چون انگیزه‌ای برای افزایش قابلیت تشکیلاتی عمل می‌کند.»

در این جمله، مفهوم "روحیه یادگیری" صرفاً یک عبارت معنوی نیست؛ بلکه اشاره به مدل پیاده‌سازی‌شده‌ای از یک سیستم یادگیری جمعی هوشمند دارد که در آن، جوامع محلی به‌عنوان ورودی‌های زنده برای مدل‌سازی تشکیلاتی و انطباق راهبردهای کلان در بیت‌العدل عمل می‌کنند. این دقیقاً مشابه معماری یادگیری ماشینی است: یادگیری از پایین (میدان)، تجمیع در مرکز (حیفا)، و اعمال در سیاستگذاری آینده.

۲. تشکیل حلقه‌های بازخورد داده‌ای در مقیاس جغرافیایی – کلاستری

«شرح تجارب، مشتمل بر بینش‌های حاصله دربارهٔ یک روش، یک رویکرد و یا تمامی یک فرآیند دائماً بین مراکز فعالیت مبادله می‌شود.»

اینجا با یک زیرساخت تمام‌عیار برای تبادل داده – تحلیل تجربی – بازطراحی روش‌ها روبه‌رو هستیم. «مراکز فعالیت» همان کلاسترها هستند که در سال ۲۰۰۳، بر اساس پیام رسمی بیت‌العدل، به‌صورت ساختارمند در قالب ۱۷٬۰۰۰ واحد در سراسر جهان طراحی شده‌اند و تا ۲۰۲۱ به ۲۲٬۰۰۰ کلاستر افزایش یافته‌اند.

در این ساختار، هر تجربه‌ی محلی که در یک ناحیه کوچک رخ می‌دهد، تبدیل به داده‌ای قابل پردازش در مرکز فرماندهی (بیت‌العدل) می‌شود. این همان چیزی است که در علوم داده به آن «بازخورد لایه‌ای» می‌گویند.

۳. مالکیّت جمعی یا مهندسی جامعه‌سازی هدایت‌شده؟

«این حسّ مالکیّت جمعی یعنی نیروی برخاسته از یک جمع متحد که مسئولیت رشد روحانی خود را در طیّ نسل‌های آینده بر عهده گرفته است از یک دور به دور دیگر آشکارتر می‌گردد.»

اصطلاح «حس مالکیت جمعی» در این متن، به هیچ‌وجه به معنای خودجوشی نیست. این «حس» حاصل یک مهندسی عاطفی و اجتماعی دقیق در قالب برنامه‌های آموزشی هدفمند (مثل مؤسسه روحی)، مشارکت‌های پی‌درپی، جلسات تأمل و مشاوره‌های فرایندی است.

در واقع، بیت‌العدل به‌دنبال انتقال مرکز کنش اجتماعی از دولت‌ها و نهادهای ملی به "جامعه‌های همجوار خودساخته" است که در آن، شهروندان به‌تدریج وابسته به نهادهای غیررسمی بهائی در حوزه آموزش، فرهنگ، خدمات اجتماعی، سلامت و محیط زیست می‌شوند. این یک بازتعریف ساختار قدرت درون‌جوامع محلی است.

۴. جریان حمایت عاطفی یا خط فرمان مرکزی برای عملیات نرم

«حمایتی که از مؤسسات منطقه‌ای و ملّی بهائی و نهادهای وابسته به آنها دریافت می‌کنند مانند جریان بی‌وقفه‌ای از عشق و محبت احساس می‌شود.»

در نگاه اول، این بخش احساسی و عاطفی به‌نظر می‌رسد. اما در واقع با یک زنجیره فرماندهی تشکیلاتی با اتصالات عمودی و افقی روبه‌رو هستیم که در آن، هر نهاد منطقه‌ای و ملی نقش پل بین میدان و مرکز جهانی بیت‌العدل را ایفا می‌کند.

به بیان دیگر:

- "عشق و محبت" = روان‌سازی و مقبول‌سازی فرایند جذب
- "حمایت نهادها" = انتقال خط‌مشی، ابزار، داده و گزارش‌گیری
- "احساس جریان بی‌وقفه" = پوشش عاطفی برای ساختار قدرت نرم مرکزی

نتیجه‌گیری نهایی: مهندسی عمیق داده‌محور در پوشش تعلیم و تربیت

این پیام با ظاهر معنوی و اجتماعی، در واقع چکیده‌ای از مهندسی نفوذ اجتماعی چندلایه در سطح کلاسترها است.

مهم‌ترین مفاهیم کلیدی در متن به شرح زیر قابل رمزگشایی است:

عبارت ظاهری در متن	معنای پشت‌پرده سازمانی – داده‌محور
روحیه یادگیری جمعی	الگوی بازخورد از میدان به مرکز برای ارتقای الگوریتم رشد
تبادل تجارب	گردش داده و تحلیل الگوریتمی تجربه‌های محلی
جلسات تأمل	ابزار استخراج داده نرم از سطوح اجتماعی مختلف
حس مالکیّت جمعی	ساخت پویای هویت تبعی در برابر حاکمیت رسمی کشور
حمایت بی‌وقفه	خط فرمان متمرکز از مرکز جهانی بیت‌العدل به نهادهای منطقه‌ای

☑ **هشدار راهبردی:** پیام ۲۰۱۵ بیت‌العدل عملاً الگویی برای استقرار شبکه اطلاعات اجتماعی در بستر فرهنگی ـ تربیتی است. این پیام باید در کنار اسناد توسعه کلاسترها، گزارش‌های رسمی سازمان ملل از OSED، و حضور افراد امنیتی در رأس جامعه جهانی بهایی (مانند ژنرال بازنشسته *David Rutschman*) به‌صورت تجمیعی در مراکز تصمیم‌گیری امنیت ملی بررسی شود.

مقاله ۷۲

تحلیل امنیتی ـ تشکیلاتی پیام بیت‌العدل ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ (بخش دوم) – ۱. «توسعه قابلیت» محفل: سازماندهی تشکیلاتی بر بستر رشد داده

«محفل روحانی محلّی با توجه به تعداد فزایندهٔ افرادی که در فعالیت‌ها حضور می‌یابند، قابلیت خود را توسعه می‌دهد تا مسئولیت‌های متعدد خود را در قبال یک جامعهٔ در حال رشد ایفا کند.»

اینجا با یک نقطه کلیدی در مهندسی ساختار قدرت تشکیلاتی مواجه هستیم. محفل محلی (معادل شورای اجرایی در هر کلاستر)، بنا بر رشد داده‌های انسانی و اطلاعات میدانی، شروع به ارتقای ظرفیت تشکیلاتی و اجرای برنامه‌ریزی تطبیقی بر اساس روند مشارکت عمومی می‌کند.

این همان چیزی است که در علوم حکمرانی داده‌محور به آن *Adaptive Capacity in Local Governance* گفته می‌شود؛ یعنی نظامی که براساس تغییر در رفتار جمعیت، ساختارهای اجرایی و نظارتی خود را تنظیم و گسترش می‌دهد.

۲. محفل محلی = اتاق فرماندهی کلاستر

«محفل خواهان ایجاد محیطی است که همه تشویق به شرکت در مجهودات مشترک جامعه گردند... محفل محلی مشتاق است که نهادهای محدوده جغرافیایی در اجرای نقشه‌های خود موفق گردند...»

در این بخش، محفل عملاً نقش "هاب فرماندهی" برای اجرای سیاست‌های ناحیه‌ای و انتقال دستورات مرکزی بیت‌العدل به کف میدان را ایفا می‌کند.

به بیان دیگر:

- بیت‌العدل: طراح نقشه و خط‌مشی جهانی
- نهادهای جغرافیایی: واحدهای عملیاتی کلاسترها
- محفل محلی: مجری دستورات، پردازشگر بازخورد، تشویق‌کننده مشارکت، و هماهنگ‌کننده منابع

این شبکه کاملاً منطبق بر ساختار زنجیره فرماندهی سازمانی در سامانه‌های پیچیده امنیت اجتماعی است.

۳. سیستم داده‌محور در پوشش فعالیت‌های عبادی و تربیتی

«برنامه‌های سازمان‌یافته به منظور خاص، جلسات تأمّل و بازنگری، منابع مادی و مساعدت‌ها، پرورش مؤمنین جدید، شرکت در دوره‌های مؤسسه آموزشی...»

تمامی این فعالیت‌ها، اگرچه در ظاهر فرهنگی و تربیتی معرفی می‌شوند، در واقع بخشی از یک فرایند جامع داده‌کاوی و دسته‌بندی اجتماعی هستند:

- جلسات تأمل = ابزار استخراج نظرات، تحلیل ذهنیت‌ها
- دوره‌های آموزشی = آموزش اصول هم‌سوسازی فرهنگی
- پرورش مؤمنین جدید = الگوریتم تنظیم‌شده برای جذب و یکسان‌سازی فرهنگی ـ اعتقادی

این‌ها نه تنها داده تولید می‌کنند، بلکه افراد را به "واحدهای برنامه‌پذیر تشکیلاتی" تبدیل می‌کنند.

۴. ضیافت، ایام متبرکه و انتخابات = رویدادهای همزمان‌ساز اجتماعی

«ضیافات نوزده‌روزه، ایام متبرکه، انتخابات بهائی فرصت‌هایی می‌شوند برای تأکید بر آرمان‌های والا، حس تعهد جمعی و تقویت خصوصیت روحانی جامعه.»

اینجا با طراحی یک مهندسی زمان‌بندی‌شده برای همزمان‌سازی ذهنی، روانی و اعتقادی اعضا روبه‌رو هستیم. این مدل، بسیار مشابه سازوکار *Social Synchronization* در علوم شناختی است.

تکرار دوره‌ای این مناسبت‌ها:

- باعث تثبیت شبکه ذهنی باورها در حافظه جمعی می‌شود،
- بستر مناسبی برای انتقال غیرمستقیم ایده‌ها، راهبردها و برنامه‌های آتی فراهم می‌سازد،
- ابزاری برای تولید داده رفتاری و سنجش اثربخشی برنامه‌ها محسوب می‌شود.

۵. تمرکززدایی هوشمند برای تقویت مشارکت – یا ساختار نفوذ توزیعی؟

«با افزایش تعداد اعضای جامعه، محفل به برگزاری این جلسات مهم با تمرکززدایی می‌اندیشد تا موجب تسهیل مشارکت هر چه بیشتر گردد.»

مفهوم تمرکززدایی در اینجا نه به‌معنای کاهش قدرت مرکزی، بلکه پراکنده‌سازی شبکه نفوذ است. در این مدل، داده و سیاست از مرکز (بیت‌العدل) به مراکز فرعی منتقل می‌شود، و در عوض، داده‌برداری از میدان نیز افزایش می‌یابد.

یعنی:

- هم نظارت گسترش می‌یابد،
- هم امکان کنترل واکنش‌های اجتماعی بهتر می‌شود،
- و هم «حس مشارکت» در افراد افزایش می‌یابد، بدون درک نقش واقعی آنها در زنجیره قدرت.

جمع‌بندی

پیام ظاهراً معنوی بیت‌العدل در این بخش، نقشه‌ای برای حکمرانی محلی مبتنی بر داده، مشارکت برنامه‌ریزی‌شده، تربیت تشکیلاتی و هدایت فرهنگی نرم در سطوح خرد جغرافیایی (کلاستر) است.

واژه یا اصطلاح	معنای ساختاری و امنیتی
محفل محلّی	اتاق فرمان کلاستر و نقطه اجرای خطمشی جهانی
افزایش قابلیت	گسترش دامنه قدرت کنترل محلی متناسب با داده‌های رشد
جلسات تأمل	پلتفرم داده‌برداری اجتماعی و تحلیل روانشناختی
پرورش مؤمنین جدید	همسان‌سازی فرهنگی و ایجاد وحدت عملیاتی تشکیلاتی
تمرکز زدایی	گسترش شبکه نفوذ در قالب پلتفرم مشارکتی پوششی

☑ **هشدار سیاست‌گذاری:** این الگوی مهندسی اجتماعی باید به‌طور خاص مورد توجه نهادهای امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و قانون‌گذاری کشورها قرار گیرد، خصوصاً در کشورهایی مانند ایران که مطابق اسناد رسمی بیت‌العدل، جزو تنها چهار نقطه جهان با بیش از ۱۰۰۰ پروژه توسعه فعال بوده‌اند (بر اساس نقشه‌های منتشرشده در UN توسط OSED). این روند می‌تواند پایهٔ ساخت یک حاکمیت نرم فراملی درون مرزها باشد.

مقاله ۷۳

تحلیل آکادمیک امنیتی ـ ساختاری پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵، بخش سوم) – ۱. تحلیل ارزیابی‌های راهبردی: شناسایی ظرفیت و پیامدها در دو محور نرم و سخت

«از یک طرف قابلیت‌های جامعه و اثرات حاصله از رشد پایدار و از طرف دیگر پیامدهای درازمدت واقعیات اجتماعی برای جامعه‌سازی را به دقت ارزیابی می‌نماید.»

در این جمله، با یک دستگاه تحلیل راهبردی دوگانه مواجه‌ایم:

- یکی تمرکز بر شاخص‌های نرم (قابلیت‌های اجتماعی، رشد درونی)،
- دیگری بر پیامدهای ساختاری و بیرونی (واقعیات اجتماعی، آثار درازمدت).

یعنی بیت‌العدل، در تصمیم‌گیری‌های خود، نه تنها به شاخص‌های پیشرفت داخلی جامعه بهائی نگاه می‌کند، بلکه پیامدهای آن را در بافت اجتماعی ـ سیاسی بومی کشورها می‌سنجد.

این همان چیزی است که در ادبیات علوم استراتژیک به آن *Dual Metrics of Social Expansion and Strategic Embedding* می‌گویند.

۲. پرسش‌های اجرایی ـ یک برنامه‌ریزی شبه‌امنیتی از جنس خُرد

«چگونه می‌توان تمامی جمع مؤمنین را در جهت حمایت از اهداف تبلیغی بسیج نمود؟ چگونه می‌توان ملاقات دوستان در منازل را به طور سیستماتیک سازمان داد؟...»

این پاراگراف حاوی یک الگوی کلاسیک برنامه‌ریزی عملیاتی برای نفوذ اجتماعی، ارتباطگیری ساختاری و تولید داده‌های میدان‌بنیاد است.

محور عملیاتی	هدف واقعی
بسیج عمومی	افزایش نرخ درگیری اجتماعی (*Social Engagement Rate*)
دیدارهای خانگی	شبکه‌سازی زیرزمینی ایمن و خارج از دید حاکمیت
پیوند با والدین	نفوذ در ساختار خانواده و تثبیت حلقه تربیتی موازی
ترویج دعاهای گروهی	استقرار نظام همزمان‌سازی روانی ـ معنوی در سطح محله‌ها

هر کدام از این سرفصل‌ها در علم عملیات روانی و امنیت اجتماعی به‌عنوان ابزارهایی برای «ساخت هم‌بستگی کنترل‌شده» شناخته می‌شوند.

۳. داده‌محوری پیشرفته با سیستم‌های آماری بومی‌شده

«لجنه از مساعدت افرادی به غیر از اعضای خود استفاده می‌نماید... از جمله جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری...»

در اینجا، با تصویری دقیق از یک سامانه اطلاعاتی محلی برای داده‌برداری انسانی، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات درون‌تشکیلاتی مواجه هستیم.

نکات مهم:

- لجنه‌ها به عنوان مرکز داده محلی (*Local Data Cells*) عمل می‌کنند.
- گردآوری و تجزیه اطلاعات آماری، در خدمت سیاست‌گذاری مرکز (بیت‌العدل) است.
- کمک گرفتن از اعضای غیررسمی، امکان استتار، پراکندگی و کاهش ردپای امنیتی را افزایش می‌دهد.

در علوم تحلیل تهدید، این ویژگی یکی از علائم فعالیت‌های شبه‌ساختارهای زیرزمینی توزیع‌شده است.

۴. الگوی حکمرانی مشارکتی با ساختار فرادست ـ فرودست

«همکاری نزدیک با محفل روحانی محلّی را نیز ایجاب می‌کند.»

در این جمله ساده، نکته‌ای عمیق نهفته است: نهادهای تخصصی (لجنه‌ها) و نهادهای مرکزی محلی (محفل‌ها) در ساختاری شبکه‌ای ـ لایه‌ای به هم متصل‌اند.

این مدل به زبان ساده یعنی:

- لجنه‌ها = بازوهای اجرایی خاص با وظیفه گردآوری و تحلیل داده یا پیاده‌سازی پروژه‌ها
- محافل = اتاق‌های فرماندهی و سیاست‌گذاری ناحیه‌ای

این همان چیزی است که در علوم سازمان به عنوان *Matrix Command Structure* شناخته می‌شود؛ ترکیبی از فرماندهی عمودی و عملیاتی افقی که کارایی و نفوذ تشکیلاتی را به شکل تصاعدی افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی تحلیلی

پیام فوق، در ظاهر حاوی پندهای معنوی برای مشارکت در فعالیت‌های مذهبی است؛ اما در باطن، طراحی و اجرای یک الگوی پیچیده حکمرانی مشارکتی نرم، مبتنی بر تحلیل داده، شبکه‌سازی خرد و اتصال لایه‌های مختلف نفوذ اجتماعی است.

در واقع، بیت‌العدل در این پیام:

- مهندسی میدان اجتماعی را با ابزارهای فرهنگی طراحی می‌کند،
- جمع‌آوری اطلاعات در مقیاس محلی را به روال عادی فعالیت‌ها تبدیل می‌سازد،
- و با کمک ساختار لجنه ـ محفل، مدل حکمرانی موازی بومی‌شده درون کشورها را فعال می‌کند.

⚠️ توصیه نهایی برای سطوح حاکمیتی:
ضروری است که نهادهای فرهنگی، اطلاعاتی، امنیتی و اجتماعی، پیام‌هایی از این جنس را نه صرفاً در بُعد اعتقادی، بلکه در ساختار شبه‌سیاست‌گذاری اجتماعی و تشکیلاتی غیررسمی تحلیل و رصد کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که الگوهای نفوذ و برنامه‌ریزی بیت‌العدل، نه محدود به فعالیت‌های دینی، بلکه ساختارهایی با ابعاد اجتماعی، داده‌محور و شبه‌دولتی دارند.

مقاله ۷۴

تحلیل آکادمیک متن‌محور پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵) – بخش چهارم – ۱. الگوی انتقال هدف جهانی به سطوح محلی: سیاست توزیع‌شدهٔ بسیج اجتماعی

«در ماه‌های آینده، شما با محافل ملّی مشورت‌هایی خواهید داشت تا پیامدهایی را که این هدف جهانی برای جوامع آنان در بر دارد با آن‌ها بررسی نمایید. این مشورت‌ها باید به سرعت گسترش یابد تا به سطح محلّی برسد. سپس نوبت عمل فرا می‌رسد.»

اینجا شاهد شکل‌گیری یک چرخه‌ی تصمیم‌سازی غیرمتمرکز هدایت‌شده از بالا هستیم. به زبان ساده:

- بیت‌العدل = مرکز فرماندهی ایدئولوژیک (تعیین هدف جهانی)

- محافل ملّی = لایه‌های میانی (Policy Brokers)
- مشورت‌های محلی = ایجاد اجماع (Local Consensus Building)
- مرحله عمل = اجرای سیاست‌ها در سطح محلات و روستاها

در ادبیات امنیت نرم، این مدل همان *Decentralized Activation Model* است: مرکز استراتژی را تعیین می‌کند، اما اجرا با الگوهای بومی‌شده در هر محیط محلی صورت می‌گیرد.

۲. استفاده از مناطق رشد یافته به‌عنوان قطب‌های نفوذ پیرامونی

«پیش‌بینی این است که پیشرفت در مناطقی که یک یا چند برنامهٔ فشرده رشد برای مدّتی ادامه داشته است سریع‌تر حاصل خواهد شد، زیرا این محدوده‌ها به مانند منبع ارزشمندی از دانش و تجربه و ذخیره‌ای از منابع انسانی برای تقویت نواحی اطراف عمل می‌کنند.»

اینجا با یک استراتژی «تراوش نفوذ» روبه‌رو هستیم:

- مناطق پیشرفته = هاب تشکیلاتی
- خروجی‌ها = مربیان، مبلغین، منابع انسانی تربیت‌شده
- مقصد = مناطق خام یا ضعیف‌تر

این الگو، شبیه به ایجاد «مراکز فرماندهی محلی» در مدل‌های امنیت اجتماعی و نفوذ نرم است.

۳. استراتژی فتح مناطق جدید از طریق اتصال پیرامونی

«اغلب در محدوده‌های فتح‌نشده که همجوار محدوده‌هایی پیشرفته‌تر هستند.»

این جمله بیانگر طرح نفوذ خوشه‌ای است:

- محدوده‌های فتح‌نشده = نقاط خام و بی‌دفاع
- همجواری با نقاط پیشرفته = مسیر اشباع تدریجی
- پیامد = گسترش شبکه به سبک خوشه‌ای (Cluster-based Expansion)

این همان الگوی گسترش تدریجی عملیات در حوزه‌های میدانی و سایبری است.

۴. تقدس‌بخشی به اقدام عملیاتی با ارجاع به متون مقدس

«سرچشمه‌ی این‌چنین مساعدت‌هایی هدایات صادره در الواح نقشهٔ ملکوتی است.»

با این جمله، نفوذ اجتماعی و توسعه شبکه‌ای به یک «تکلیف دینی» تبدیل می‌شود.

- فتح محدوده‌ها = عبادت
- بسیج منابع انسانی = اطاعت الهی
- اجرای نقشه‌ها = تعبد معنوی

جمع‌بندی

این بخش از پیام بیت‌العدل، نشان‌دهنده مدلی است که در آن:

- هدف جهانی از مرکز به لایه‌های محلی منتقل می‌شود،
- مناطق پیشرفته به قطب‌های تأثیرگذار تبدیل می‌گردند،
- مناطق خام از طریق همجواری فتح می‌شوند،
- و کل روند با مشروعیت‌بخشی معنوی به‌عنوان «وظیفه الهی» تقویت می‌شود.

⚠️ **توصیه:** چنین ساختارهایی باید از منظر مهندسی اجتماعی و فرماندهی غیرمتمرکز، توسط نهادهای امنیتی و فرهنگی رصد شوند.

مقاله ۷۵

تحلیل متن‌محور راهبردی پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵) – بخش پنجم – موضوع کلیدی: «تصرف ۵۰۰۰ کلاستر تا ۲۰۲۱»

۱. تحلیل واژگان کلیدی: از رشد تا تصرف سازمان‌یافته

«مسیری که به ایجاد یک برنامهٔ فشردهٔ رشد منتهی می‌شود در پنج سال گذشته روشن‌تر شده است. این مسیر باید مشتاقانه دنبال شود.»

- «مسیر روشن‌تر شده» = تکمیل نقشه راه نفوذ
- «مشتاقانه دنبال شود» = اجبار ایدئولوژیک برای اجرای بی‌وقفه

این زبان، نشانگر ورود از فاز تبیینی به فاز عملیاتی است.

1. **مدیریت پروژه جهانی با برنامه زمانی دقیق**

«دعوت این جمع در نقشهٔ آینده این خواهد بود که رشد در تمام محدوده‌ها سرعت یابد... شایسته است پیشرفت روشنی در طیّ بیست دور آینده حاصل گردد.»

عنصر مفهوم تشکیلاتی

«دعوت این جمع» فراخوانی رسمی نیروهای میدانی (مبلغین، معاونین، مربیان)

«نقشه آینده» نقشه پنجساله (۲۰۱۶–۲۰۲۱)

«بیست دور آینده» ۲۰ چرخه سه‌ماهه (۹۰ روزه)

«پیشرفت روشن» اهداف کمی و قابل اندازه‌گیری

این یعنی یک *Actionable Strategic Cycle*: برنامه‌ای جهانی با سنجه‌های زمانی و کمی.

۳. هدف نهایی: پوشش ۵۰۰۰ کلاستر تا رضوان ۲۰۲۱

«این تلاش جمعی باید در پی آن باشد که تا رضوان سال ۲۰۲۱ تعداد محدوده‌های جغرافیایی با برنامهٔ فشردهٔ رشد به پنج‌هزار بالغ گردد.»

ویژگی‌ها:

- هدف‌گذاری عددی = ۵۰۰۰ جامعه انسانی
- هر کلاستر = واحد عملیاتی با برنامه‌های کودکان، نوجوانان، جلسات دعا، حلقات آموزشی و کانال‌های خانوادگی
- کارکرد اصلی = تغییر هویت و تعلق اجتماعی از درون

۴. فراز و نشیب در فرایند ارگانیک یا پوشش مفهومی؟

«علیرغم اینکه فراز و نشیب از خصوصیات طبیعی یک فرایند ارگانیک می‌باشد...»

این جمله، عادی‌سازی مقاومت‌های محلی است. بیت‌العدل به شبکه می‌گوید: شکست‌ها و تأخیرها «طبیعی» است؛ مأموریت باید ادامه یابد.

جمع‌بندی راهبردی

پیام ۲۰۱۵ در این بخش، یک سند راهبردی است که:

- هدف مشخص (۵۰۰۰ کلاستر)
- جدول زمانی دقیق (۲۰ چرخه سه‌ماهه)
- تقسیم کار جهانی (نهاد ملی، محلی، معاونت‌ها)

را همزمان به میدان می‌فرستد.

🔎 **هشدار نهایی:** این پیام نشان می‌دهد که تشکیلات بهایی با زبان دینی، اما با منطق مهندسی سازمانی و داده‌محور، پروژه‌ای جهانی را دنبال می‌کند که هدف آن اشباع ساختاری جوامع انسانی است. این هم‌پوشانی ایمان‌گرایی و معماری تشکیلاتی، تهدیدی نرم و بلندمدت برای حاکمیت‌های ملی است.

مقاله ۷۶

تحلیل متن‌محور راهبردی پیام بیت‌العدل (۲۹ دسامبر ۲۰۱۵) بخش ششم

متن مورد تحلیل:

«تقلیب فردی و جمعی که به مدد کلام الهی ایجاد میشود هستهٔ مرکزی الگوی عملی است که در یک محدودهٔ جغرافیایی شکل میگیرد... وقتی فرد عادت مطالعه و تعمّق در کلام خلاّق الهی را تقویت میکند، این فرایند تقلیب، خود را به شکل توانایيِ بیانِ درک شخصی از مفاهیم عمیق... ظاهر می‌سازد... این قابلیّتها... در گفتگوهایی ورای آن نیز ظاهر میشود، به ویژه بین جوانان بهائی و همسالانشان...»

نقد تحلیلی (متن‌محور – ساختارمند):

۱. هسته‌ی ایدئولوژیک تقلیب = چارچوب هم‌نهادسازی اجتماعی

در این بند، «تقلیب فردی و جمعی» به عنوان «هسته مرکزی» یک الگوی عملی در محدوده جغرافیایی معرفی شده است. این رویکرد، در زبان علوم اجتماعی، معادل یک مدل تلفیقی بازسازی هویت فردی در بستر جمعی است، که با اتکای مستقیم بر متون دینی (کلام خلاّق الهی) هدایت می‌شود.

نکته کلیدی: این الگو نه تنها معرف حضور فرد در یک ساختار تشکیلاتی مذهبی است، بلکه به نوعی بازآفرینی روان‌شناختی و فرهنگی انسان در قالب یک جهت‌گیری مأموریت‌محور تلقی می‌شود. این جهت‌گیری – که در بیانیه‌ها با واژگانی چون «رسالت مشترک»، «ایقان»، «تقلیب» و «حیات روح» معنا می‌شود – همان ستون فقرات شکل‌گیری ساختارهای عمیق تشکیلاتی در کلاسترهای جهانی است.

۲. پیوند هدفمند بین فرایند تقلیب و ساختار کلاستری

در این پیام، تقلیب نه به صورت اتفاقی یا خودجوش، بلکه برنامه‌ریزی‌شده، مرحله‌مند و هدفمند معرفی می‌شود. شخص با ورود به «دوره‌های متسلسل» – اصطلاح کلیدی در متون بهایی برای مسیر آموزشی مؤسسه روحی – گام به گام به مرحله‌ای از توانمندسازی می‌رسد که قادر به مشارکت در «گفت‌وگوهای مهم» و حتی ترویج پیام به دیگران می‌شود.

این روند در ادبیات پیام، هم‌زمان عامل درونی‌سازی هویت و سازوکار جذب نیرو برای گسترش شبکه محسوب می‌شود.

۳. جوانان به‌عنوان پیشران برنامه نفوذ لایه‌ای

بخش مهمی از بند، بر نقش جوانان در انتقال و تعمیق این تقلیب تأکید دارد:

«...بین جوانان بهائی و همسالانشان، و سپس به مادران و پدرانی بسط می‌یابد...»

اینجا شاهد نوعی الگوی سرایت اجتماعی هستیم: مسیر تأثیر از پایین به بالا و از روابط غیررسمی آغاز شده و به ساختارهای خانوادگی و سپس اجتماع گسترده‌تر کشیده می‌شود. این دقیقاً الگوی نفوذ شبکه‌ای است که در بسیاری

از جنبش‌های داده‌محور با اهداف ژئوفرهنگی دیده می‌شود.
۴. تبدیل مفاهیم عرفانی به ابزار جامعه‌سازی
عباراتی چون
:
«...حیات روح، قوای روحانی، نیایش، ایقان، نشر نفحات‌الله...
»
با ادبیاتی نرم، اما به شدت سازمان‌یافته، برای پیوند معنویت فردی با وظایف ساختاری در برنامه رشد به کار رفته‌اند. این زبان که ظاهری آرام دارد، در واقع ابزار انتقال روان‌شناختی فرد از حالت زیست آزاد به وضعیت مأموریت‌محور در نظام تشکیلاتی کلاستری است.
۵. سخن پایانی: مهندسی روحانی برای تسخیر ساختاری
در نهایت، این پیام – علی‌رغم زبان عرفانی و آرام – به‌وضوح یک برنامه «فرهنگی-تشکیلاتی» را هدایت می‌کند که هدف آن ایجاد یک شبکه عمیق و مداوم از مؤمنان تربیت‌یافته در مقیاس جهانی است؛ شبکه‌ای که از بستر گفتگو، آموزش معنوی، مشارکت داوطلبانه و گفت‌وگوی آرام، به سمت تثبیت ساختارهای میدانی در هزاران کلاستر جغرافیایی پیش می‌رود.
استناد مستقیم به متن:

«این قابلیّتها... به ویژه بین جوانان بهائی و همسالانشان... سپس به مادران و پدرانی بسط می‌یابد... آگاهی از قوای روحانی افزایش می‌یابد... نشر نفحات الله در زندگیِ دوستان اهمّیّت بیشتری می‌یاب

این فرایند، مصداق بارز آن چیزی‌ست که می‌توان آن را در اصطلاح دانشگاهی «مهندسی آرام فرهنگی» (Cultural Soft Engineering) در یک ساختار فراملی دانست.

مقاله ۷۷

عنوان مقاله: مهندسی تشکیلاتی و گسترش شبکه‌های جغرافیایی در گفتمان رضوانی بیت‌العدل – نقدی آکادمیک بر پیام ۸ مه ۲۰۱۵
متن مورد تحلیل:
«...موفّقیّت‌هایی για امر مبارک در قریب به پنج‌هزار محدودهٔ جغرافیایی در جمیع قارّات عالم... که نتیجهٔ سعی و کوشش خاضعانهٔ دوستان در راه بهبود اوضاع و رفاه اجتماع با همکاری دیگر مردم آزاده و خیراندیش جهان است.»
نقد تحلیلی (متن‌محور – ساختارمند)
۱. عدد کلیدی: ۵۰۰۰ کلاستر جغرافیایی – توسعه‌یافتگی با پوشش جهانی
در این پیام، بیت‌العدل با زبان ادبی و آیینی، از یک نقطه عطف سازمانی پرده برمی‌دارد: رسیدن به حدود ۵۰۰۰ محدودهٔ جغرافیایی (کلاستر) در سراسر جهان. این عدد صرفاً آماری نیست، بلکه نشانه‌ای است از رسیدن به حد

اشباع اولیه‌ای از نفوذ شبکه‌ای در مقیاس جهانی.
این پیام، به‌شکلی نمادین و دینی، تصویری از یک ساختار کاملاً تثبیت‌شده ارائه می‌دهد که در آن، مؤمنان محلی با «همکاری دیگر مردم آزاده و خیراندیش جهان» در حال توسعه‌ی برنامه‌هایی در راستای بهبود اوضاع اجتماعی‌اند. این واژگان، عملاً نشان‌دهنده‌ی هم‌پوشانی شبکه‌ی بهایی با ساختارهای محلی و حتی غیردینی در مناطق مختلف دنیاست.

۲. زبان آیینی = پوشش معنوی برای استراتژی میدانی
عباراتی چون «طواف مقامات متبرّکهٔ علیا»، «مراتب قدردانی»، و «نزول تأییدات ربّانی» نشان‌دهندهٔ تثبیت معنایی و قدسی‌سازی یک پروژه اجرایی هستند. در اینجا توسعه‌ی کلاسترها نه به‌عنوان یک عملیات میدانی، بلکه در قالب یک واقعه الهی و جهانی روایت می‌شود.
این قدسی‌سازی، یکی از ابزارهای اصلی ایجاد وفاداری تشکیلاتی و احساس مأموریت تاریخی در میان اعضاست.

۳. الگوی سازمانی با هویت جمعی بین‌المللی
درون پیام، پیروان بهایی نه به‌عنوان گروهی منزوی، بلکه به‌مثابه مشارکت‌کنندگان جهانی در یک فرایند توسعه اجتماعی معرفی می‌شوند. اصطلاحاتی چون «رفاه اجتماع»، «همکاری با مردم آزاده»، و «موفقیت برای امر مبارک» همگی در راستای بازنمایی جایگاه جهانی و مشروعیت اجتماعی فرقه در افکار عمومی هستند.
در اینجا شاهد تلاش برای جا انداختن نوعی «هم‌ذات‌پنداری» میان بهایی‌گری تشکیلاتی و مشارکت مدنی فرافرقه‌ای هستیم، چیزی که آن را در علوم سیاسی تحت عنوان Narrative Legitimacy Strategy (راهبرد مشروعیت‌بخشی روایی) می‌شناسند.

۴. ابعاد نرم ساختار: دیپلماسی اجتماعی به‌جای گسترش تبلیغی آشکار
در این پیام هیچ‌گونه اشاره مستقیمی به برنامه‌های تبلیغی یا آموزه‌های خاص دینی نشده، بلکه فقط از «همکاری با مردم خیراندیش» و «بهبود اوضاع» سخن رفته است. این نشان می‌دهد که استراتژی بیت‌العدل در حال انتقال به فاز «دیپلماسی نرم» و جذب غیربهاییان در قالب پروژه‌های اجتماعی است.
در این چارچوب، کلاسترها تبدیل به «کانون‌های اجرایِ مأموریت اجتماعی» می‌شوند که می‌توانند درون هر زمینه‌ای، از آموزش گرفته تا بهداشت، نفوذ کنند.
استناد کلیدی از پیام:

«...در قریب به پنج‌هزار محدودهٔ جغرافیایی در جمیع قارّات عالم... سعی و کوشش خاضعانهٔ دوستان... با همکاری دیگر مردم آزاده و خیراندیش جهان.»

نتیجه‌گیری: نقشه‌ای با پوشش پنج‌هزار کانون عمل، در لباس پیام قدسی
این پیام با زبانی روحانی، اما هدفی کاملاً ساختارمند، نمایی از یک سیستم تشکیلاتی در مقیاس جهانی را به‌نمایش می‌گذارد که برای تحقق اهدافش، هم نیروی درونی دارد (خادمان، زائران، مرکز جهانی) و هم همکاری بیرونی (مردم خیراندیش). در نگاه آکادمیک، این پیام سندی‌ست از وضعیت بلوغ یک ساختار فرقه‌ای – تشکیلاتی که حالا به خودآگاهی جهانی دست یافته و به‌دنبال مشروعیت بین‌المللی است.

مقاله ۷۸ **نقد امنیتی پیام بیت العدل ۲۱-۰۴-۲۰۱۵ درباره تسریع توسعه ۵۰۰۰ کلاستر و نقش جوانان**

۱. شتاب و افزایش سریع برنامه‌های رشد

پیام به افزایش چشمگیر و سریع «برنامه‌های جدید رشد» اشاره دارد که در عرض دوازده ماه آینده صدها برنامه جدید باید آغاز شود. این شتاب در توسعه به معنی تجمیع سریع و گسترده اطلاعات و داده‌های افراد در سطح وسیع است.

نقد امنیتی:

سرعت بالای جمع‌آوری داده‌ها بدون زیرساخت‌های امنیتی کامل می‌تواند منجر به نشت اطلاعات حساس و آسیب‌پذیری‌های گسترده شود. این مسئله به خصوص در مناطق سیاسی و اجتماعی حساس خطرناک است و می‌تواند به سوءاستفاده از داده‌های جمع‌آوری شده منجر گردد.

۲. تعمیم سریع الگوی فعالیت‌ها در ۵۰۰۰ محدوده جغرافیایی

پیام تاکید می‌کند که تلاش برای شروع فعالیت‌ها تقریباً در تمامی محدوده‌های جغرافیایی هدف‌گذاری شده (۵۰۰۰ محدوده) آغاز شده است.

نقد امنیتی:

تعمیم یک الگوی واحد در گستره‌ای وسیع می‌تواند باعث از بین رفتن تفاوت‌های فرهنگی و محلی شود و مقاومت و نارضایتی در جوامع مختلف را به دنبال داشته باشد. این امر، علاوه بر تضعیف انسجام داخلی، خطر بروز اختلافات و تنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد که امنیت کلی برنامه را به خطر می‌اندازد.

۳. قوت گرفتن برنامه‌های موجود و ظهور مفهوم گسترش آیین الهی در سطح اجتماع

پیام به «قوت گرفتن برنامه‌ها» و آشکار شدن «مفهوم گسترش آیین الهی در صحنه اجتماعی» اشاره دارد.

نقد امنیتی:

در این مرحله، جامعه به سطوح بالاتری از سازماندهی و کنترل نزدیک می‌شود که با توجه به تمرکز مدیریت بیت العدل، می‌تواند تبدیل به دستگاه رصد دقیق و کنترلی شود. کنترل گسترده بر سطح اجتماع، مخصوصاً وقتی که با شفافیت کافی همراه نباشد، زمینه‌ساز نگرانی‌های حریم خصوصی و تهدیدات امنیتی است.

۴. پیشروی با گام‌های محکم‌تر و پیشگامی «جوانان دلیر»

پیام نقش محوری جوانان را در پیشبرد این برنامه‌ها برجسته می‌کند.

نقد امنیتی:

استفاده از جوانان که اغلب فاقد دیدگاه‌های استراتژیک و کلان هستند، می‌تواند منجر به بهره‌برداری ابزاری از شور و انرژی آنان برای مقاصد سازمانی شود. جوانان در این نقش بیشتر به عنوان نیروهای عملیاتی و انتقال‌دهنده اطلاعات عمل می‌کنند که این موضوع، به خصوص در صورت عدم آگاهی کامل آنان، می‌تواند آسیب‌پذیری‌هایی در برابر سوء استفاده‌های احتمالی ایجاد نماید.

۵. آشکار شدن روش‌هایی که «قدرت اجتماع‌سازی» را در محیط‌های مختلف نمایان می‌کند

پیام از ظهور «روش‌هایی» خبر می‌دهد که بسط و تحکیم اجتماع را امکان‌پذیر ساخته است.

نقد امنیتی:

این روش‌ها که از بالا طراحی و هدایت می‌شوند، ممکن است بدون توجه کافی به شرایط خاص محلی، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایجاد کنند. فشار برای تحمیل یک الگو و روش مشخص، می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی، مقاومت و حتی سرکوب‌های اجتماعی منجر شود که تهدیدی برای امنیت پایدار هر جامعه است.

۶. ظهور ویژگی‌هایی که «بسط فرایند رشد در یک محدوده جغرافیایی» را نشان می‌دهد

پیام به ویژگی‌هایی اشاره دارد که نشان‌دهنده گسترش تدریجی و قابل مشاهده فرایند رشد است.

نقد امنیتی:

این ویژگی‌ها معمولاً نشانه‌هایی از کنترل و تسلط بیشتر بر جامعه هستند که می‌تواند زمینه را برای محدودیت آزادی‌های فردی فراهم آورد. از سوی دیگر، بسط تدریجی با عدم شفافیت در فرایندها و تصمیم‌گیری‌ها، نگرانی‌های امنیتی درباره هدف نهایی این توسعه را افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی

پیام بیت العدل با تاکید بر رشد سریع، تعمیم فعالیت‌ها در هزاران محدوده جغرافیایی و استفاده محوری از جوانان، تصویری از پیشرفت و تحکیم جامعه بهائی ارائه می‌دهد. اما این رویکرد با چند چالش امنیتی جدی همراه است:

- سرعت بالای توسعه بدون تضمین‌های امنیتی ممکن است منجر به نشت داده‌های حساس شود.
- تعمیم یک الگوی واحد اجتماعی در مناطق مختلف، نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و افزایش ریسک نارضایتی است.
- تمرکز مدیریتی بالا می‌تواند به سیستم کنترل جامع تبدیل شود که آزادی‌های فردی را محدود می‌کند.
- بهره‌گیری از جوانان فاقد دیدگاه استراتژیک می‌تواند منجر به سوء استفاده ابزاری و انتقال ناخواسته اطلاعات حساس شود.
- فشار بر یکپارچگی اجتماعی و گسترش فرایندها بدون شفافیت کافی، نگرانی‌های امنیتی را تشدید می‌کند.

در نتیجه، لازم است که علاوه بر حرکت به سوی اهداف توسعه، به ملاحظات امنیتی، حریم خصوصی، تنوع فرهنگی و آزادی‌های فردی توجه ویژه‌ای شود تا از بروز آسیب‌های جدی به جامعه و امنیت آن جلوگیری گردد.

مقاله ۷۹

نقد امنیتی پیام بیت العدل ۲۱-۰۴-۲۰۱۳ – بررسی متن‌محور محور کلاستر، رشد برنامه‌ها، دوره سه‌ماهه و هدف حکومت دینی

۱. مفهوم «محدوده جغرافیایی» یا «کلاستر» و مهاجرت هدفمند

متن پیام:

«عده‌ای می‌توانند پاسخگوی آمادگی روحانی افراد در دهکده‌ها یا محلّه‌ها باشند و شاید به آن نقاط نقل مکان کنند.»

نقد امنیتی:

اینجا به روشنی از شناسایی افراد و حتی انتقال آنها به کلاسترهای مشخص جغرافیایی سخن گفته شده است. این مکانیزم مهاجرت هدفمند می‌تواند به صورت دقیق برای تمرکز جمعیت‌ها به نفع پروژه حکومت دینی مورد استفاده قرار گیرد.

خطر:

این انتقال‌ها اگر بدون رضایت کامل یا آگاهی دقیق افراد و نهادهای محلی باشد، می‌تواند منجر به تغییرات جمعیتی کنترل‌شده، ایجاد فضاهای بسته اجتماعی و در نهایت تسلط کامل بر ساکنین این کلاسترها شود. همچنین چنین تحرکات انسانی هدفمند، زمینه‌ساز رصد متمرکز و سازماندهی دقیق نیروهای انسانی می‌شود.

۲. رشد «نبض منظّم برنامه رشد» با ادوار سه‌ماهه

متن پیام:

«دو چشم‌انداز مکمل از الگوی عملی: ادوار سه ماههٔ فعالیت یعنی نبض منظّم برنامه رشد»

نقد امنیتی:

برنامه‌ریزی فشرده و منظم به صورت دوره‌های سه ماهه، ابزاری برای رصد و کنترل مداوم فعالیت‌ها، رفتارها و پیشرفت‌های افراد در کلاستر است. این نبض منظم، به شکل‌گیری یک سیستم نظارتی و ارزیابی مستمر تبدیل می‌شود که هرگونه انحراف یا تأخیر در پیشرفت اهداف را می‌تواند به سرعت شناسایی کند. چنین ساختار زمان‌بندی‌شده باعث می‌شود اعضا دائماً تحت فشار و کنترل باشند و امکان هرگونه استقلال عمل یا مقاومت کاهش یابد.

۳. «فرایند آموزش متمایز برای کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان» در محدوده‌ها

متن پیام:

«مراحل متمایز فرایند آموزش برای کودکان، نوجوانان، و جوانان و بزرگسالان»

نقد امنیتی:

طراحی آموزشی با جداسازی گروه‌های سنی مختلف در کلاسترها به منظور شکل‌دهی تفکرات و رفتارها از سنین پایین است که به تدریج فرد را در قالب‌های فکری و اجتماعی تعریف شده قرار می‌دهد. این روش، فرآیند «شستوشوی مغزی» و کنترل ایدئولوژیک را در سطوح مختلف سنی تسهیل می‌کند و امکان شکستن مقاومت‌های فرهنگی و فکری را افزایش می‌دهد. کنترل آموزش باعث تثبیت ساختار قدرت و تعمیق وفاداری به نهاد حاکم خواهد شد.

۴. نقش «خادمان» و «هماهنگ‌سازان» در کلاستر

متن پیام:

«بسیاری برای به عهده گرفتن مسئولیّت‌های مختلف قیام نموده و به صف خادمانی چون راهنمایان حلقه‌های مطالعه، مشوقین گروه‌های نوجوانان، معلّمین کودکان و افرادی که به اداره و هماهنگ‌سازی امور مشغول‌اند می‌پیوندند.»

نقد امنیتی:

تشکیل شبکه‌ای گسترده از خادمان و هماهنگ‌سازان به معنای ایجاد یک سیستم مدیریتی موازی و دقیق است که تسلط بر جمعیت کلاسترها را تسهیل می‌کند. این افراد در نقش ناظران و مدیران خرد قرار دارند که مستقیماً فعالیت‌ها، آموزش‌ها و تعاملات افراد را رصد و کنترل می‌کنند. شبکه‌های مدیریتی محلی در کنار نظارت مرکزی، عملاً موجب حذف هرگونه مقاومت و تضمین پیشرفت سریع اهداف حکومتی می‌شوند.

۵. «تعهّد احبّا به یادگیری و اشتیاق به همراهی دیگران»

متن پیام:

«تعهّد احبّا به یادگیری از طریق تداوم مجهودات خود و اشتیاق به همراهی کردن دیگران ابراز می‌گردد.»

نقد امنیتی:

ایجاد تعهّد شخصی به تداوم فعالیت و جذب فعال دیگران، کلید حفظ نیروی انسانی پایدار و گسترش شبکه‌های اطلاعاتی-اجتماعی است. این اشتیاق و تعهد، در واقع نوعی «همکاری داوطلبانه» در جهت اهداف کلان حاکمیت دینی را نشان می‌دهد که می‌تواند منجر به مشارکت در جمع‌آوری داده‌های حساس و تسهیل کنترل بیشتر شود. بنابراین، این تعهدات فرهنگی و اجتماعی، در بطن خود عاملی برای امنیت سایبری و اطلاعاتی حکومت فراهم می‌آورند.

۶. مشاهده تأثیرات «قوای عظیم روحانی» و تأکید بر پیشرفت کمی

متن پیام:

«تصرّفات قوای عظیم روحانیّه‌ای که اثراتش را هم در آمار کمی پیشرفت جامعه و هم در شرح توفیقات مشاهده می‌کنند.»

نقد امنیتی:

استفاده از عبارت «قوای عظیم روحانی» به شکل مبهم، نشان‌دهنده وجود یک نیروی بالادستی و غیرشفاف است که اهداف و سیاست‌ها را تعیین می‌کند. تمرکز بر «آمار کمی پیشرفت» به معنای توجه صرف به کمیت و رشد کمی کلاسترها، بدون توجه کافی به کیفیت و آزادی‌های فردی است.

این می‌تواند منجر به تمرکز صرف بر گسترش سریع و کنترل تعداد افراد شود، بدون آنکه حقوق فردی یا نگرانی‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی احتمال تبدیل جامعه به یک سیستم کنترل‌شده و شمارش‌پذیر، فاقد تنوع و خلاقیت، را افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی امنیتی

پیام بیت العدل ۲۰۱۳-۰۴-۲۱ به روشنی ساختاری منظم و پیچیده برای ایجاد و گسترش کلاسترهای جغرافیایی با هدف نهایی استقرار حکومت دینی را ترسیم می‌کند. این ساختار شامل:

- مهاجرت هدفمند و تمرکز جمعیتی در کلاسترها
- نبض منظّم برنامه‌های رشد با دوره‌های سه ماهه فشرده
- آموزش کنترل‌شده و تفکیک‌شده بر اساس گروه‌های سنی
- تشکیل شبکه‌ای از خادمان و هماهنگ‌سازان برای مدیریت دقیق جامعه
- تعهد فردی برای استمرار فعالیت و جذب دیگران
- تمرکز بر رشد کمی و قدرت کنترل روحانی نامشخص

از منظر امنیتی، این پیام نشان‌دهنده یک برنامه کنترل گسترده و هوشمند است که می‌تواند به محدودسازی آزادی‌های فردی و جمعی، نظارت متمرکز، جمع‌آوری داده‌های گسترده و تحکیم قدرت حکومتی با روش‌های غیرشفاف بینجامد.

مقاله ۸۰

نقد امنیتی-سیاسی-اجتماعی بر مفهوم محدوده جغرافیایی و کلاستر

بررسی پیام بیت العدل ۲۰۱۳-۰۲-۰۸ و بازتاب‌های آن در پیام ۲۰۱۵

۱. کلاستر و محدوده جغرافیایی: مفهوم و ابعاد امنیتی

پیام به روشنی به «محدوده جغرافیایی» اشاره می‌کند که جایی است «که عناصر نقشه در یک کوشش هماهنگ تلفیق گردد.» این مفهوم، اساس تشکیل کلاسترهاست که جمعیت مؤمنین را به‌صورت متمرکز در یک محدوده جمع‌آوری می‌کند.

«... زمانی ملموس و محسوس میشود که عناصر نقشه در یک کوشش هماهنگ در سطح محدودهٔ جغرافیایی تلفیق گردد.»

نقد امنیتی:

تمرکز افراد در این کلاسترها، ابزاری مؤثر برای کنترل و جمع‌آوری داده‌های دقیق جمعیتی است. با ایجاد این محدوده‌های مشخص، امکان نظارت دقیق‌تر بر رفتار و فعالیت‌های اعضا فراهم می‌شود که می‌تواند به شکل ابزار فشار و کنترل اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. تلفیق عناصر نقشه در سطح کلاستر و محدوده جغرافیایی: زمینه‌ساز کنترل اجتماعی

در پیام، بر «کوشش هماهنگ» در محدوده جغرافیایی تأکید شده است که همه اعضا «دوش به دوش هم کار کنند»

و در «اجرای نقشه مشارکت جویند.»

«... میدانی است که در آن دوش به دوش هم کار کنند، یکدیگر را در خدمات همراهی نمایند و همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.»

نقد امنیتی-سیاسی:

این هماهنگی گسترده در سطح کلاستر، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای همگون‌سازی افکار و رفتار اعضا عمل کند، که منجر به محدود شدن استقلال فکری و اعمال فشار جمعی برای انطباق با اهداف بیت‌العدل می‌شود. چنین ساختاری، زمینه‌ساز ایجاد یک جامعه بسته و کنترل شده است.

۳. محدوده جغرافیایی به‌عنوان میدان فعالیت مشترک: تهدید به همگون‌سازی و از بین رفتن هویت‌های فردی

پیام تاکید دارد که محدوده جغرافیایی «هم برای احبّای مجرّب و هم کسانی که جدیداً آشنا شده‌اند» محلی است برای همکاری مشترک، بی‌توجه به تنوع پیشینه و سن.

«یک چنین محدودهٔ جغرافیایی هم برای احبّای مجرّب و هم برای کسانی که جدیداً با امر مبارک آشنا شده اند، از هر سنّ و هر پیشینه ای، میدانی است...»

نقد اجتماعی-سیاسی:

تمرکز جمعیت از گروه‌های مختلف در کلاستر، اگرچه به ظاهر باعث همبستگی می‌شود، می‌تواند به همگون‌سازی اجباری و کاهش تنوع فرهنگی و فکری منجر شود. فشارهای اجتماعی برای تبعیت از یک چارچوب واحد، زمینه را برای حذف دگراندیشی و استقلال فردی فراهم می‌کند.

۴. ارتباطات قلبی و آشنایی با کلام الهی در محدوده: پوششی برای کنترل ایدئولوژیک

پیام بر «ایجاد ارتباطات قلبی» و «آشنا ساختن نفوس با کلام الهی» تأکید دارد که به نوعی پایه‌های ایدئولوژیک جامعه را شکل می‌دهد.

«هر روز نمونه های مشهود حاکی از آن است که چطور ایجاد ارتباطات قلبی، آشنا ساختن نفوس با کلام الهی...»

نقد امنیتی:

این ارتباطات به ظاهر صمیمانه، پوششی است برای تقویت انسجام ایدئولوژیک و تحکیم مرزبندی‌های فکری. به جای تبادل آزادانه اطلاعات و نظرات، ساختارهای بسته‌ای ایجاد می‌شود که جریان آزاد اندیشه را محدود و کنترل می‌کند.

۵. مشارکت جمعی در اجرای نقشه در کلاسترها: ابزاری برای هم‌افزایی و نظارت گسترده

پیام تصریح می‌کند که «همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.»

«همگان را قادر سازند تا در اجرای نقشه مشارکت جویند.»

نقد امنیتی-سیاسی:

این مشارکت جمعی، اگرچه به ظاهر داوطلبانه است، می‌تواند به نوعی فشار اجتماعی و کنترلی تبدیل شود که افراد را به ایفای نقش‌های از پیش تعیین شده وادار می‌کند. از منظر امنیتی، این مشارکت به بیت‌العدل امکان می‌دهد تا داده‌ها و فعالیت‌های افراد را با دقت بیشتری رصد و مدیریت نماید.

۶. محدوده جغرافیایی و کلاستر به‌عنوان بستر تحقق روح خدمت: تحلیل امنیتی-سیاسی اهداف ظاهری و واقعی

پیام از «اشتیاق به اقدامات هدفمند» و «روح خدمت» سخن می‌گوید که در محدوده جغرافیایی شکل می‌گیرد.

«چگونه فرایندهای نقشهٔ پنجساله در جوامع مختلف بهائی روح خدمت را برمیافروزند و اشتیاق به اقدامات هدفمند را سبب می گردند.»

نقد امنیتی-سیاسی:

این شعارهای انسانی و مثبت، می‌توانند به ابزاری برای استحکام کنترل و مشروعیت‌بخشی به نظام مدیریت بیت‌العدل تبدیل شوند. در واقع، «روح خدمت» بهانه‌ای برای افزایش نظارت و کنترل دقیق بر جامعه مؤمنین است که در نهایت به تثبیت حاکمیت غیرمنتخب و تقویت ساختارهای قدرت در کلاسترها و محدوده‌های جغرافیایی منجر می‌شود.

مقاله ۸۱

مکانیزم تغییر عناصر فرهنگی در کلاسترها در پوشش دعا و عبادت

عین متن پیام بیت‌العدل – ۲۱ آوریل ۲۰۱۲:

«پیوند خدمت و عبادت در انسجام موجود بین فعّالیّتهای جامعه‌سازی نقشه نیز منعکس است، به خصوص بین شکوفایی روح نیایش که در جلسات دعا متجلّی است و فرایند آموزشی که توانمندی برای خدمت به نوع بشر ایجاد مینماید. ارتباط بین عبادت و خدمت مخصوصاً در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان آشکار است که جوامع بهائی از نظر تعداد عضو به نحو قابل ملاحظه‌ای رشد کرده‌اند و تحرّک و اشتغال به فعّالیّتهای اجتماعی چشمگیر می‌باشد.»

نقد امنیتی، فرهنگی و اجتماعی

این بخش از پیام، یکی از محوری‌ترین مکانیزم‌های تغییر بافت فرهنگی در محدوده‌های جغرافیایی (کلاسترها) را افشا می‌کند: عبادت و نیایش به‌عنوان پوشش، و سازماندهی ایدئولوژیک به‌عنوان هدف.

۱. پوشش معنوی برای عملیات فرهنگی

آنچه «شکوفایی روح نیایش» نامیده می‌شود، در ظاهر امری معنوی است اما در عمل ابزار آغاز تغییرات زیرساختی در فرهنگ دینی و اجتماعی مناطق هدف است. جلسات دعا و نیایش در الگوی تشکیلاتی بهایی، کاملاً هدایت‌شده بوده و هدفمند طراحی شده‌اند تا افراد را از هویت‌های دینی بومی جدا کرده و به هویت بهایی سوق دهند.

۲. برنامه‌ریزی جمعیتی از طریق رشد هدفمند

در بخش پیام آمده:

«در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که جوامع بهائی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند...»

این دقیقاً همان جایی است که پروژه تغییر ترکیب جمعیتی درون کلاسترها رخ می‌دهد؛ مناطقی که ابتدا از طریق مهاجرت هدفمند، جذب نوجوانان و جوانان، و راه‌اندازی جلسات مداوم، زمینه‌ی استقرار فرهنگی خاص فراهم

می‌شود. این فرآیند، ضمن حذف تدریجی هویت دینی و بومی، جای آن را با "شبکه‌های وفادار به بیت‌العدل" پر می‌کند.

۳. شبکه‌سازی در لایه‌های زیرین جامعه

با استفاده از جلسات نیایش، کلاس‌های کودکان و نوجوانان، و فعالیت‌های به‌اصطلاح آموزشی، عملاً ساختارهای اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد که در آن تشکیلات بهایی، نقش مرجع تربیتی، فرهنگی و اخلاقی را برعهده می‌گیرد. این ساختار، آهسته اما قاطعانه، هنجارها و ارزش‌های موجود را بی‌اعتبار می‌کند.

جمع‌بندی

پیوند «عبادت» و «خدمت» در پیام بیت‌العدل، نه فقط یک آموزه دینی بلکه یک مکانیزم تغییر فرهنگی برنامه‌ریزی‌شده است که از محدوده‌های جغرافیایی هدف (کلاسترها) آغاز می‌شود.
در واقع، جلسات دعا و عبادت به ابزار بی‌سر و صدای نفوذ فرهنگی، حذف ارزش‌های محلی، و ساختن جامعه‌ای همسو با نظم اداری بهایی مستقر در اسرائیل بدل می‌شود.
در مقالات قبلی نیز دیده بودیم که این روند با جمع‌آوری داده، استفاده از نیروی جوان، و ایجاد جایگاه‌های یادگیری (Training Sites) تقویت می‌شود تا پروژه کلاستر به ثمر برسد و به‌تدریج اقتدار موازی محلی شکل بگیرد.

مقاله ۸۲

کلاستر، یادگیری و سرسپردگی به بیت‌العدل: از مغزشویی تا وفاداری تشکیلاتی

شاهد مستند از پیام بیت‌العدل – ۲۱ آوریل ۲۰۱۲:
«بعضی از این محدوده‌ها به عنوان جایگاه‌های نشر یادگیری تعیین شده‌اند تا توانایی دوستان را برای پیشبرد برنامهٔ نوجوانان در مناطق مربوطه پرورش دهند... جایگاه یادگیری علاوه بر هدف اولیه‌اش، تمامی طرح ترویج و تحکیم را تقویت می‌نماید.»

تحلیل امنیتی و ایدئولوژیک – آموزش یا سربازگیری؟
آنچه در ظاهر تحت عنوان یادگیری و پرورش نوجوانان عرضه می‌شود، در باطن، فرآیند گام‌به‌گامِ مهندسی تشکیلاتی نیروی انسانی است.
این سیستم نه یک نهاد آموزشی عمومی، بلکه ماشین وفاداری‌سازی به بیت‌العدل حیفا است که از طریق حلقه‌های فرهنگی در قالب آموزش غیررسمی و مشارکت اجتماعی عمل می‌کند.
یادگیری در این نظام، مفهومی متعالی ندارد؛ بلکه:

- نوعی انضباط سازمانی است که فرد را به‌صورت تدریجی از بافت بومی و فرهنگی خود جدا کرده،
- او را در درون ساختاری با مرکزیت اسرائیل ادغام می‌کند که پاسخگویی به نهادهای ملی ندارد.

جلد هشتم روحی – برنامه آموزشی اطاعت تشکیلاتی
در «جلد هشتم» دوره‌های موسوم به روحی که تحت نظارت مؤسسه روحی کلمبیا طراحی شده، موارد زیر با صراحت کامل آموزش داده می‌شود:

آموزه‌های کلیدی:

- «سعادت فردی و اجتماعی، تنها در اطاعت کامل از مؤسسات بهایی و بیت‌العدل است»
- «شک، پرسشگری و حتی تأمل انتقادی، نشانه ضعف ایمان یا خروج از امرالله محسوب می‌شود»
- «تشکیلات بهایی، برترین نظم اجتماعی جهان است؛ اطاعت از آن، عبادت تلقی می‌شود»

این محتوا برای نوجوانان و تازه‌واردان در حلقه‌های یادگیری کلاسترها تدریس می‌شود. به زبان ساده، این مغزشویی سازمانی در پوشش آموزش معنوی و اخلاقی انجام می‌گیرد.

یادگیری = سربازگیری فرهنگی و ساختاری
در پیام‌های رسمی بیت‌العدل بارها از واژه‌های «توانمندسازی»، «خدمت»، «یادگیری»، و «تحکیم اجتماع» استفاده شده است. اما تحلیل لایه‌های پنهان نشان می‌دهد که:

در عمل:

- حلقه‌های مطالعه = پایگاه‌های انسجام فکری تحت نظارت تشکیلات
- جلسات دعا = بستری برای القای یکدستی فرهنگی و دینی
- کلاس نوجوانان = ابزار وفادارسازی نسل بعدی

این مکانیزم‌ها، ساختارهای قدرت نرم را بدون اعلام رسمی و شفاف به مردم، در دل جوامع ملی مستقر می‌کنند.

کلاسترها؛ شبکه‌های محلی ولی فراملی
واژه «کلاستر» در متون تشکیلات بهایی، صرفاً یک اصطلاح جغرافیایی نیست. این مفهوم به‌طور ساختاری به معنای:

- منطقه‌ای است که در آن اجزای نقشه تشکیلاتی بیت‌العدل به شکل میدانی پیاده‌سازی شده‌اند.
- ترکیبی از نهادسازی، نفوذ فرهنگی، آموزش تشکیلاتی، و تقویت همبستگی درونی اعضا در مقابل فرهنگ‌های بومی.

مهم‌ترین نکته امنیتی:
کلاستر، یک پایگاه تمرین حکومت‌پذیری فراملی است.
نوجوانان و خانواده‌هایی که در این چرخه وارد می‌شوند، به تدریج بافت وابسته و مطیعی نسبت به نهادهای غیرملی و حتی غیرمردمی پیدا می‌کنند.

از حلقه مطالعه تا اتصال به حیفا ــ مسیر مغفول داده‌ها

آنچه در ساختار حلقه‌ها جمع‌آوری می‌شود:

- اطلاعات فردی و خانوادگی
- سطح مشارکت، تمایل، و پایداری
- میزان اطاعت و ظرفیت توسعه

این اطلاعات، نه در یک نهاد ملی، بلکه در قالب گزارش‌هایی به مرکز فرماندهی در حیفا ارسال می‌شود.
بنابراین، هر نوجوان یا خانواده‌ای که وارد «سیستم یادگیری» می‌شود، در واقع وارد یک زنجیره وفاداری و گزارش‌دهی تشکیلاتی می‌شود.

جمع‌بندی امنیتی: از یادگیری تا وفاداری تشکیلاتی

- آنچه به‌نام ‘‘یادگیری’’ در محدوده‌های جغرافیایی اجرا می‌شود، فرآیند طراحی‌شده‌ای برای سربازگیری آرام، القای وفاداری، و نهادینه‌سازی نظم جایگزین در دل جامعه است.
- کلاسترها، نه صرفاً محل زندگی، بلکه پایگاه‌های فرهنگی ـ سازمانی برای تربیت نسل جدیدِ مطیع تشکیلات بیت‌العدل هستند.
- آموزش در این چارچوب، به‌معنای آشنایی با دین نیست؛ بلکه نوعی سرسپردگی تشکیلاتی با هدف استقرار قدرت در بافت اجتماع است.

جمع‌بندی تحلیلی ـ پروژه سرزمینی بیت‌العدل

از ایدئولوژی سلطه تا تقسیم‌بندی جغرافیایی جهان

چشم‌انداز کلان

بررسی اسناد بالادستی و پیام‌های رسمی بیت‌العدل نشان می‌دهد که این تشکیلات در ذات خود یک **سازمان فراملی قدرت‌طلب** است. پشت شعارهای وحدت و صلح، واقعیتی نهفته است: **طرحی نظام‌مند برای استقرار حکومتی جهانی با مرکزیت حیفا**.

پایه‌های فکری

بیت‌العدل با طرح مفاهیمی چون «نسخ ادیان»، «اطاعت مطلق از مؤسسات امری» و «ولایت مطلقه تشکیلات» مسیر را برای تثبیت یک ساختار سیاسی ـ مذهبی هموار کرده است. این پایه‌های فکری، زیربنای تمام نقشه‌ها و اقدامات عملی قرار گرفته‌اند.

اشغال تدریجی اراضی

فرایند تصرف زمین‌ها، از ایران و فلسطین تا سایر کشورها، بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبرد بیت‌العدل بوده است. هر ساختمان، مشرق‌الاذکار یا مرکز آموزشی، نه‌تنها یک پایگاه مذهبی بلکه **سنگری برای تثبیت حضور سیاسی و سرزمینی** محسوب می‌شود.

نقشه‌های مرحله‌ای

برنامه‌های پنج‌ساله و ده‌ساله بیت‌العدل تنها «برنامه‌های تبلیغی» نیستند؛ این‌ها **نقشه‌های عملیاتی دقیق** با شاخص‌های کمی، اهداف جغرافیایی و زمان‌بندی معین‌اند. از ۱۹۹۶ به این‌سو، این نقشه‌ها آشکارا به سمت **مهندسی جمعیت** و ایجاد **هسته‌های نفوذ میدانی** حرکت کرده‌اند.

پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱

این سند رسمی، نقطه عطفی در افشای مقاصد واقعی تشکیلات است. در آن:

- تثبیت «هسته‌های مرکزی» در محدوده‌های جغرافیایی تکلیف شده است.
- مقابله با «نیروهای خنثی‌کننده» به‌عنوان یک وظیفه امنیتی تعریف شده است.
- و مسئولیت اجرایی به شوراهای منطقه‌ای و نهادهای آموزشی سپرده شده است.

به‌وضوح، این پیام **یک فرمان سازمانی ـ امنیتی** برای گسترش نفوذ سرزمینی است.

تقسیم‌بندی جغرافیایی (کلاسترینگ)

مرحله نهایی این پروژه، تقسیم جهان به هزاران محدوده کوچک یا **کلاستر** است.

- هر کلاستر یک هسته مرکزی دارد.
- منابع انسانی بهایی در آن پرورش داده می‌شوند.
- سپس تغییر بافت جمعیتی از همان نقطه آغاز می‌شود.

این مدل در ظاهر آموزشی و جامعه‌سازی معرفی می‌شود، اما در واقع چیزی جز **استعمار نرم و تدریجی سرزمین‌ها** نیست.

نتیجه‌گیری

مجموعه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده تصویری یکپارچه به دست می‌دهد:

- یک ایدئولوژی سلطه‌جو،
- یک راهبرد مبتنی بر اشغال و تثبیت اراضی،

- نقشه‌هایی که از سطح آرمان به سطح عملیات تبدیل شده‌اند،
- پیام‌هایی با ماهیت امنیتی،
- و در نهایت، تقسیم‌بندی جغرافیایی برای اشغال نرم جهان.

این روند اگر به‌روشنی افشا و نقد نشود، می‌تواند به **مهندسی خزنده جغرافیای انسانی و فرهنگی کشورها** منجر گردد.

منبع: https://www.hassanershad.com/13366

تسجیل چیست؟

لینک های مرتبت با تسجیل

کل فرایند تسجیل مختصر در کلیپ شش دقیقه ای :

بررسی فرآیند پیچیدهٔ تسجیل (ثبت نام متقاضیانی که قصد بهائی شدن دارند)و کنکاش محافل در زندگی شخصی این افراد در جهت اجرای دستور شوقی افندی برای تشخیص افراد مومن از غیر مومن بر خلاف ادعای بهائیان

لینک اول :

موسسه آموزش ملی فصل سوم : – تسجیل – عامل اصلی توسعه منابع انسانی

لینک دوم :

۴ – موسسه آموزش ملی – تسجیل – عامل اصلی توسعه منابع انسانی

فیلم :

بررسی اسناد ممانعت از فعالیتهای عمومی تشکیلات بهایی در آلمان بعد از کتاب فیچیکیا در سال ۱۹۸۶ توسط یکی از نهاد های آلمانی به دلیل عدم ذکر عواقب طرد در فرم تسجیل و ثبت نام و استخدام بهائیان برای جوانان

قسمت اول :

قسمت دوم :

نشست ۷۹۵

- عدم وجاهت قانونی طرح دعوای حقوق بشری در شورای حقوق بشر سازمان ملل توسط جامعه جهانی بهایی علیه ایران

پاسخ به بیانیه قرائت شده توسط سیمین فهندژ در شورای حقوق بشر سازمان ملل

دلیل عدم استماع :

بهائیت ماهیتش حقوقی و سازمانی است نه حقیقی بحث تسجیل

تالار گفتگو ایران سربلند RIRIRIRIRI

فیلم :

پوستر های مربوط به دلائل عدم تسجیل اسرائیلی ها

دانلود کنید :

چرا اسرائیلی تسجیل نمی شود

ممنوعیت در شامات

در واقع بهائیان حتی به بچه‌های خود نیز اعتماد ندارند و معتقدند پس از رسیدن به پانزده سالگی بایستی مانند بقیه بهائیان ثبت نام کنند و به شکل قطعی در بیست و یک سالگی تسجیل شوند. تا کسی تسجیل نشده باشد، بهائی به حساب نمی‌آید.

اگر کمی تأمل کنیم و به اسناد بهائی مراجعه کنیم در می یابیم که صرف عقیده بهائی امری عقیم و پوچ است،چرا که برای بهائی گشتن هر فرد باید تسجیل شود و فرضی که فرد تسجیل نشود و بگوید من بهایی هستم اصلاً متصور نمی باشد.

حال به این میپردازیم که تسجیل نامه چیست و چه مشکلی دارد؟
تسجیل نامه سند هویتی هر فرد بهائی است که بند های مختلفی دارد مثلا بند دوم تسجیل نامه بیان می دارد :«متعهد هستم به هر آنچه سازمان معصوم بیت العدل تصمیم بگیرد.»
این بدین معناست که فرد بهایی تسجیل شده کاملاً تابع بیت العدل که دارای قوای سه گانه خود است می باشد.
پس ما با حاکمیت موازی مواجهیم که حتی در حقوق بین الملل مقوله ای نکوهیده شده است.
بنابراین فرد بهائی و هر چند ایرانی فردی است که در واقع تابعیتی به قوانین جمهوری اسلامی نداشته و باید تابع سازمان بیت العدل که سازمان حاکمیتی و دارای ویژگی هایی از جمله ایدئولوژیک و در پی تصاحب حکومت بودن، دارا بودن حاکمیت موازی (وضع قوانین می کند و اعضای خود را از مراجعه به قوانین ملی منع و دعوت به نافرمانی قانونی می کند) می باشد.
پس ما با سازمان بهایی مواجه هستیم و نه باور بهایی!
پس:
فرد + وصف بهائی = عضویت در یک سازمان غیر قانونی ،حرفه ای ،برانداز ، حاکمیت موازی و ...
پس اتصاف به بهائیت جرم است و نه صرف باور
پس با مقدمات فوق و مطابق قانون اساسی سه حالت جرم انگارانه نسبت به فعالیت بهائیت قابل تصور است:
۱. جرم امنیتی (قابل تطبیق بر فعالیت بهائیت است)
۲. جرم سیاسی (قابل تطبیق بر فعالیت بهائیت نیست)
۳. جرم سازمان یافته (قابل تطبیق بر فعالیت بهائیت است)

تسجیل شدن یعنی دریافت شناسنامه حکومت جهانی بهائی.

همان گونه که می‌دانید مرکز اداری و سازمانی تشکیلات بهائی در حیفای اسرائیل قرار دارد. تشکیلات بهائی در واقع حکومتی است که دارای قوای سه‌گانه‌ی مقننه (قانون‌گذاری)، مجریه و قضائیه است. از آن جا که خودش را حکومتی واجد این سه قوه می‌داند، لذا تا زمانی که اهداف ذکر شده در پروتکل شوقی یعنی مراحل هفت گانه رسیدن به حکومت جهانی طی نشده باشد، این سه قوه را به محافل ملی واگذار می‌کند.
به بیان روشن‌تر، محفل‌های ملی بهائی در هر کشور بر اساس حکمی که از سوی بیت العدل دریافت می‌کنند، حکومت محلی بهائی در آن کشور را شکل می‌دهند. در واقع بیت العدل اعظم در اسرائیل با صدور حکم، مسئولیت هر سه قوه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه را به محفل ملی آن کشور واگذار می‌نماید و این موضوع نه تنها خلاف مقررات کشورهاست، نهایت استبداد و دیکتاتوری را در این تشکیلات نشان می‌دهد. بهائیان باز هم هیچ نقشی در انتخاب این سه قوه ندارند و از آن بدتر این که هر سه قوه نیز در یک نقطه به نام محفل ملی، تمرکز می‌یابد. خودش قانون وضع می‌کند، خودش اجرا می‌کند و خودش نیز با متخلفین برخورد می‌کند!
با این توضیح، چند نمونه از مدارکی که نشان می‌دهد محفل‌های ملی، واجد سه قوه‌ی مذکور هستند تقدیم حضور می‌گردد.
در مقدمه سند تهیه شده از سوی بیت العدل اعظم برای موسسه مشاورین، ضمن تبیین نظم اداری تشکیلات بهائیت اعتراف می‌کند: تحت هدایت معهد (بیت العدل اعظم) است که اعمال اختیارات تقنینی، اجرایی و قضایی به محافل

روحانی ملی و محلی تفویض شده است (شکل ۶).

در صفحه ۳۴ کتاب نظم اداری بهائی، تالیف هوشنگ محمودی در بیان وظایف حقوقی تصریح می‌نماید: با توجه به آثار مبارکه حضرت ولی امر الله، محفل روحانی دارای قوای سه گانه تقنینه، قضائیه، اجرائیه است ... طبق نظامات بهائی، این سه اختیار فعلا به محفل روحانی داده شده است. تصویر این بخش در شکل ۷ ارائه شده است.

به راستی قوای سه گانه‌ی حکومت چه ربطی با محل روحانی دارد؟! این از همان نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد دین و دیانت و دعا و روحانیت، تنها و تنها یک پوشش برای حکومت بهائی است.

مقدّمه

بیش از سی سال از تأسیس هیأت‌های مشاورین قارّه‌ای در سال ۱۹۶۸ می‌گذرد. طیّ این دوره، این مؤسّسه تجربه‌های ارزشمندی یافته است و تأثیر آن با قوّت هر چه بیشتر در سراسر عالم بهائی احساس می‌شود. استقرار دارالتّبلیغ بین‌المللی در کوه کرمل فرصتی مقتضی برای صدور سندی را فراهم آورد که وظائف مؤسّسهٔ مشاورین را توصیف می‌نماید. به این ترتیب خلاصه‌ای از هدایات گذشته راجع به این موضوع را فراهم آورده‌ایم که امیدواریم درک دوستان را نه تنها نسبت به مسئولیت‌های مشاورین و معاونین آنها، بلکه در خصوص نحوهٔ عمل نظم اداری نیز به طور کلّی تزاید بخشد.

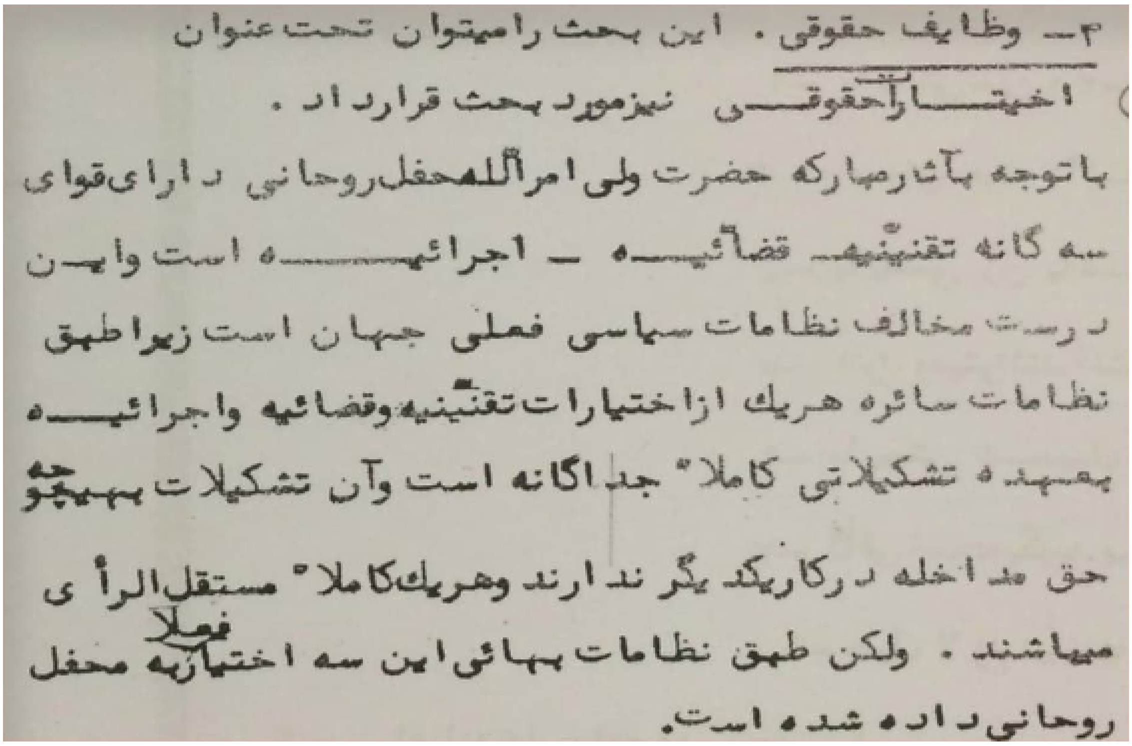
این سند شامل دو بخش می‌باشد. بخش اوّل حاوی نظری اجمالی بر اجزاء گوناگون مؤسّسه و وظائف آنها و بخش دوم فهرستی از نکاتی است که به جنبه‌های خاصّ وظائف آن می‌پردازد.

نظم اداری مطروحهٔ حضرت بهاءالله از طریق مجموعه‌ای از مؤسّسات، مقاصد الهی خویش را تحقّق می‌بخشد که هر یک دامنهٔ مشخّصی در وظائف محوّلهٔ خود دارند. هیأت مرکزی حاکم بر این نظم بیت‌العدل اعظم است که حدود اختیارات و منشأ قدرت آن کلام مقدّس حضرت بهاءالله توأم با تبیینات و توضیحات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله می‌باشد. تحت هدایت معهد است که إعمالِ اختیارات تقنینی، اجرایی و قضایی به محافل روحانی ملّی و محلّی تفویض شده است. این اختیارات توسّط شوراهای منطقه‌ای، لجنه‌ها و سایر هیات‌هایی که توسّط این مؤسّسات تأسیس گشته نیز در حیطهٔ تعیین شده إعمال می‌گردد.

نظم اداری توأم با اقتداری که به هیأت‌های انتخابی جمعی جهت اتّخاذ تصمیم‌های الزام‌آور برای جامعه اعطاء شده، بر حیات آحاد مؤمنین و مجهودات مؤسّسات امریه تأثیر روحانی، اخلاقی و عقلانی دارد. این تأثیر از طریق خدمات نفوسی که به مقام رفیع مشاورین ارتقاء می‌یابند و نیز معاونین آنها، خصلت ویژه‌ای می‌یابد. به عبارت دقیق‌تر، مشاورین قارّه‌ای و اعضاء هیأت معاونت و مساعدین آنها دارای وظائف صیانت و ترویج امرالله هستند. مشاورین قارّه‌ای در اجرای وظائف خویش در ظلّ هدایات دارالتّبلیغ بین‌المللی هستند که سیطره‌ای جهانی دارد و وظائف آن در ارتباط نزدیک با بیت‌العدل اعظم است.

دو مؤسّسهٔ مشاورین و محافل روحانیه در ایفای وظائف خاصّ خود در مسئولیت صیانت و ترویج امرالله سهیم هستند. روابط متقابل هم‌آهنگ بین این دو مؤسّسه، جریان مداومِ هدایت، محبّت و تشویق آحاد احبّاء را تأمین نموده مجهودات فردی و جمعی آنان را در

شکل ۶: مقدمه سند موسسه مشاورین (تهیه شده توسط بیت العدل اعظم)



۴- وظایف حقوقی. این بحث را میتوان تحت عنوان
اختیارات حقوقی نیز مورد بحث قرار داد.
با توجه به آثار مبارکه حضرت ولی امرالله محفل روحانی دارای قوای
سه گانه تقنینیه ـ قضائیه ـ اجرائیه است و این
درست مخالف نظامات سیاسی فعلی جهان است زیرا طبق
نظامات سائره هریک از اختیارات تقنینیه وقضائیه واجرائیه
بعهده تشکیلاتی کاملاً جداگانه است وآن تشکیلات بهیچوجه
حق مداخله درکار یکدیگر ندارند وهریک کاملاً مستقل الرأی
میباشند. ولکن طبق نظامات بهائی این سه اختیار فعلاً به محفل
روحانی داده شده است.

شکل ۷: محفل روحانی دارای قوای سه‌گانه

بر اساس مدارک ارائه شده، ثابت شد محفل روحانی در حقیقت یک حکومت بهائی در داخل هر کشور است، آن هم حکومتی در نهایت استبداد.برای بهائی شدن و پیوستن به جامعه‌ی بهائی، افراد بایستی طی مراسم خاصی تسجیل شوند، یعنی افراد یک تعهد محضری گونه به حکومت بهائی می‌سپارند. یعنی به هیچ وجه سخن از باورمندی به یک باور و عقیده نیست بلکه عضویت در یک سازمان و حکومت دینی مستقل است که دارای قوای سه‌گانه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه بوده و بر خلاف تمام نظامات حکومتی جهان، هر سه قوه منحصرا به دست محفل روحانی است. افراد برای بهائی شدن، باید تعهداتی را که در متن تسجیل آمده به صورت رسمی مکتوب نمایند. برای روشن شدن موضوع، کافیست به برخی مدارک مربوط به تسجیل که همان فرآیند ثبت نام در تشکیلات بهائیت است مراجعه گردد. برخی از اسناد و مدارک مورد نیاز برای تسجیل، از جمله فرم تسجیل (شکل ۸)، اظهارنامه‌ی رسمی تسجیل (شکل ۹) و پرسشنامه‌ی فردی (شکل ۱۰) تقدیم حضور گردیده است.

[پیوست ۶: فرم تسجیل

عکس صاحب ورقه

«بنگاه احصائیه» «ورقه تسجیلیه» قسمت ....

نمره ورقه ....
نمره خانوادگی ....

سال تولد
بهائی ....
شمسی ....

تاریخ ثبت ورقه .... شهر .... سنه .... بدیع
مطابق .... ماه .... سنه .... شمسی

تاریخ تولد .... شهر .... سنه .... بدیع
مطابق .... ماه .... سنه .... شمسی
محل تولد. شهر .... قریه ....

ملاحظات

مشخصات صاحب ورقه و همسر

اسم		نام خانواده	پدر	مادر	شناسنامه	محل صدور	محل تصدیق
صاحب ورقه							
همسر							

سواد و معلومات و شغل و سوابق امری صاحب ورقه

سال تصدیق بامر مبارک	
سواد و معلومات	
شغل	

خلاصه ثبت ازدواج

نکاح خانم/آقای .... در تاریخ .... با خانم/آقای ....
بشرح عقدنامه نمره .... در شهر .... بعقد بهائی .... ازدواج نمود

محل امضاء منشی

خلاصه طلاق

در تاریخ .... شهر .... سنه .... بدیع مطابق .... ماه .... سنه
در شهر .... برحسب امر [illegible] .... محفل مقدس روحانی واقع گردید

محل امضاء منشی

شکل ۸: فرم تسجیل

اظهارنامه رسمی بهائی

تاریخ شهر سنه بدیع
مطابق ماه سنه ۱۳۵ شمسی

مطالب	ملاحظات
اینجانب که هویتم در ظهر این ورقه ثبت است بموجب این اظهارنامه ایمان و اعتقاد کامل خود را به دیانت مقدس بهائی اساساً و [illegible] بشرح ذیل اقرار و اعتراف می‌نمایم: اعتقاد به وحدانیت و فردانیت الهیه و اعتراف تام به مقام حضرت نقطه اولی که مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم بوده‌اند و به مقام حضرت بهاءالله مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و به مقام حضرت عبدالبهاء که مبیّن تعالیم بهائی و مثل اعلای دیانت بهائی بوده‌اند و اطاعت و قبول بلاشرط کلیه آثار و احکام نازله از قلم مبارکه ایشان و تمسک تام به مفاد تمام جمل الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء و مقام ولایت امر حضرت شوقی ربانی و اطاعت و انقیاد نسبت به مرکز منصوص و مرجع مصون بیت العدل اعظم الهی و مودت و ارتباط کامل با روح و شکل نظم اداری کنونی بهائی در سراسر عالم. و از محفل مقدس روحانی استدعا دارم اجازه فرمایند نام مرا در دفتر سجلات بهائی ثبت نمایند. امضاء	
این ورقه در محفل روحانی بدقت ملاحظه و تصویب گردید. امضاء منشی محفل — محل مهر	
این اظهارنامه در تاریخ فوق در شهر امضاء شده و در نسخه [illegible] آن که ممهور [illegible] در دبیرخانه مربوطه شهر ضبط است. منشی احصائیه	

وفات

در تاریخ شهر سنه بدیع مطابق ماه سنه
در شهر وفات نمود. محل امضاء منشی

شکل ۹: اظهارنامه‌ی رسمی بهائی مربوط به تسجیل

محله ______ سرشماری ملی بهائیان ایران استان ______ شهرستان ______

قسمت ______ لجنه ملی احصائیه ناحیه ______ خیابان ______ کوچه ______ نمره پلاک

شماره پرسشنامه ______ پرسشنامه فردی میدان ______

شماره مامور سرشماری ______ ماه ______ سال ۱۳۲ دهستان ______

بخش ______

نام ۱	نام خانوادگی ۲	شهرت ۳	جنس ۴		نام پدر ۵	نام مادر ۶	شناسنامه ۷		تاریخ تولد ۸			محل تولد ۹		وضعیت تأهل ۱۰		وضعیت تسجیلی ۱۱	
			مرد	زن			شماره	محل صدور	روز	ماه	سال	شهر	ده	مجرد	متأهل	شماره	محل تسجیل

میزان تحصیلات ۱۲						زبان خارجی ۱۳	تخصص ۱۴	شغل ۱۵										
بیسواد	باسواد	اطلاعات تجربی	ابتدائی	متوسطه	عالی			اهل کسب	کارمند		کارگر		کارفرما		محصل	خانه‌دار	متفرقه
									دولتی	ملی	صنعتی	کشاورزی	صنعتی	کشاورزی			

وضعیت امری ۱۶				مشخصات زوج یا زوجه ۱۷	
بهائی زاده	مصدق	سال تصدیق	معتقدات قبلی	نام	نام خانوادگی

محل امضاء صاحب ورقه یا ولی

نام و نام خانوادگی مامور سرشمار

محل امضاء

توضیحات:

۱ـ مشخصات افراد بایستی عیناً طبق مندرجات شناسنامه نوشته شود.

۲ـ درستون (۱۱) محل تسجیل را مرقوم دارید اگر شماره تسجیل در دسترس نبود بعداً تکمیل خواهد شد.

۳ـ درستون (۱۵) متفرقه بایستی اشخاصی که شغل آنها با ستونهای مندرجه مناسب نیستند درج شود نظیر: ملاک، دلال، مبلغ، کودک ونظایر آن.

شکل ۱۰: پرسشنامه فردی (در فرآیند تسجیل)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، برای بهائی شدن بایستی همانند مراسم حضور در محضر، تعهداتی نسبت به باب، بهاءالله، عبدالبهاء، شوقی بیت ال عدل داده شود.

در برخی از قسمت‌های این اظهار، این گونه آمده است: به موجب این اظهارنامه ایمان و اعتقاد کامل خود را به دیانت مقدس بهائی لسانا و قلبا به شرح زیر اقرار و اعتراف می نمایم ... و اطاعت و انقیاد نسبت به مرکز منصوص المرجع[۱] معصوم بیت العدل اعظم الهی و موافقت و ارتباط کامل با روح و شکل نظم اداری کنونی بهائی در سراسر عالم.

بسیار جالب است که فرد متقاضی عضویت در تشکیلات بهائی در انتها از حکومت بهائی یا همان محفل روحانی خواهش می‌کند اجازه دهید من تسجیل شوم: استدعا دارم اجازه فرمایند نام مرا در دفتر تسجیلات بهائی ثبت نمایند.

اگر محفل روحانی یا همان حکومت بهائی در هر کشور، اجازه ثبت نام فرد در دفتر تسجیلات را ندهد، این شخص نمی‌تواند بهائی شود! این چه باوری است که برای ایمان به فرستاده‌ی الهی بایستی دست به دامن حکومت محلی شد؟! و تا زمانی که افراد، تسجیل نشده باشند، بهائی به حساب نمی‌آیند.

بسیار جالب است که بعد از امضاء، این اظهار نامه بایستی به تصویب محفل روحانی یا همان حکومت بهائی برسد و منشی محفل روحانی آن را امضا نماید.

اگر سرکار خانم فریبا کمال آبادی که ادعا نموده به خاطر باور و عقیده‌ی بهائی زندانی شده، حقیقت را مخفی نمی‌کرد و به سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی می‌گفت ایشان عضو چنین سازمان و تشکیلاتی است، شاید هیچ گاه سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی دچار این اشتباه نمی‌شدند. آیا ایشان به شما گفته است تحت حکومت بهائی در اسرائیل قرار داشته و چنین تعهداتی را به این سازمان سپرده؟ !آیا ایشان به شما گفته است که اطاعت کامل و بی‌چون چرا از فرمان‌ها و دستورات بیت العدل اعظم را بر خود واجب می‌داند و خود را موظف به انجام دستورات این مرکز می‌داند؟! آیا سرکار خانم فریبا کمال آبادی به شما گفته است که خودش به عنوان یکی از اعضای حکومت بهائی، مسئول ثبت نام و صدور شناسنامه بهائی است؟! آیا گفته است کفر و ایمان افراد را من تعیین می‌کنم؟!

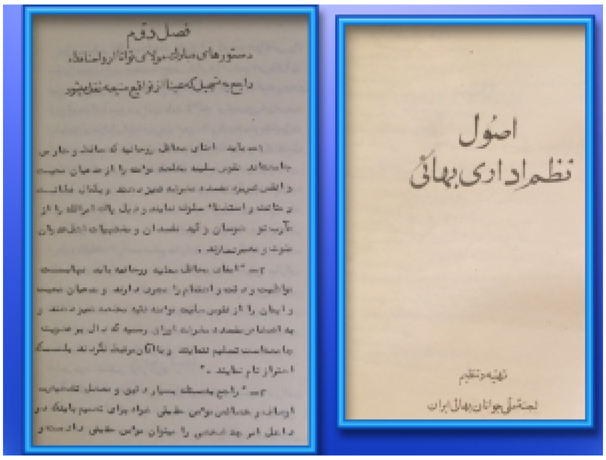
در بخش انتهایی این مقاله، بر اساس مستندات متعددی که ارائه شده، از چند زاویه‌ی دیگر نیز دین و عقیده نبودن تشکیلات بهائی به اثبات رسیده است. به عنوان مثال ثابت شده است بیت العدل و بهائیان هیچ ارزشی برای دستورات بسیار مهم جناب بهاءالله و عبدالبهاء قائل نیستند. بلکه آن چه مهم است، پیروی از دستورات مرکز تشکیلات در اسرائیل است.

البته این وظیفه سرکار خانم فائزه هاشمی رفسنجانی و هر انسان آزاداندیشی است که در خصوص ادعاهایی که می‌شنوند، تحقیقات علمی انجام دهند. انسان نباید یقین را فدای جهل و نادانی کند. ای کاش ایشان اندکی در مورد ادعاهای سرکار خانم فریبا کمال آبادی تحقیق می‌کردند.

بر اساس آن چه تقدیم حضور گردید، ثابت شد بهائیان از طریق ایمان و باور و عقیده، بهائی نمی‌شوند. بلکه با عضویت در چنین تشکیلاتی است که یک نفر را می‌توان بهائی نامید. یعنی بایستی ثبت نام کنند و در صورت تایید حکومت بهائی (هیئت یاران در ایران)، به عضویت تشکیلات در می‌آیند. کدام تشکیلات؟ تشکیلاتی که مرکز آن در اسرائیل است و فرد، روح و جسمش را در اختیار این سازمان قرار می‌دهد.

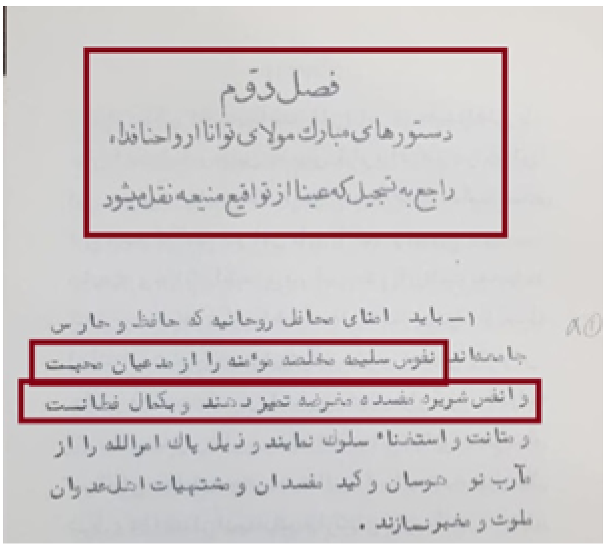
یعنی بر اساس مکتوبات و نصوص بهائی، بیت العدل اعظم مرجع تمام بهائیان است. در حالی که مشروعیت بیت العدل اعظم به وجود ولی امرالله است که در حال حاضر چنین شخصی وجود ندارد.

سخنان شوقی پیرامون تسجیل

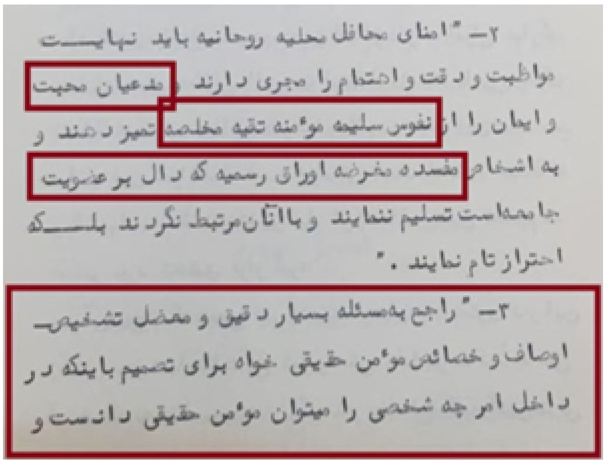

فصل دوّم
دستورهای مبارک مولای توانا ارواحنا فداه
راجع به تسجیل که عیناً از تواقیع منیعه نقل میشود

اصول
نظم اداری بهائی

تهیه و تنظیم
لجنه ملی جوانان بهائی ایران


فصل دوّم
دستورهای مبارک مولای توانا ارواحنا فداه
راجع به تسجیل که عیناً از تواقیع منیعه نقل میشود

۱ـ باید امنای محافل روحانیه که حافظ و حارس جامعه‌اند نفوس سلیمه مخلصه مؤمنه را از مدعیان محبت و انفس شریره مفسده مغرضه تمیز دهند و بکمال فطانت و متانت و استغناء سلوک نمایند و ذیل پاک امرالله را از مآرب نو هوسان و کید مفسدان و مشتهیات اهل عدوان ملوث و مکدر نسازند.



۲ــ "امنای محافل محلیه روحانیه باید نهایت
مواظبت و دقت و اهتمام را مجری دارند و مدعیان محبت
و ایمان را از نفوس سلیمه مؤمنه تقیه مخلصه تمیز دهند و
به اشخاص مفسده مغرضه اوراق رسمیه که دال بر عضویت
جامعه است تسلیم ننمایند و با آنان مرتبط نگردند بلکه
احتراز تام نمایند."

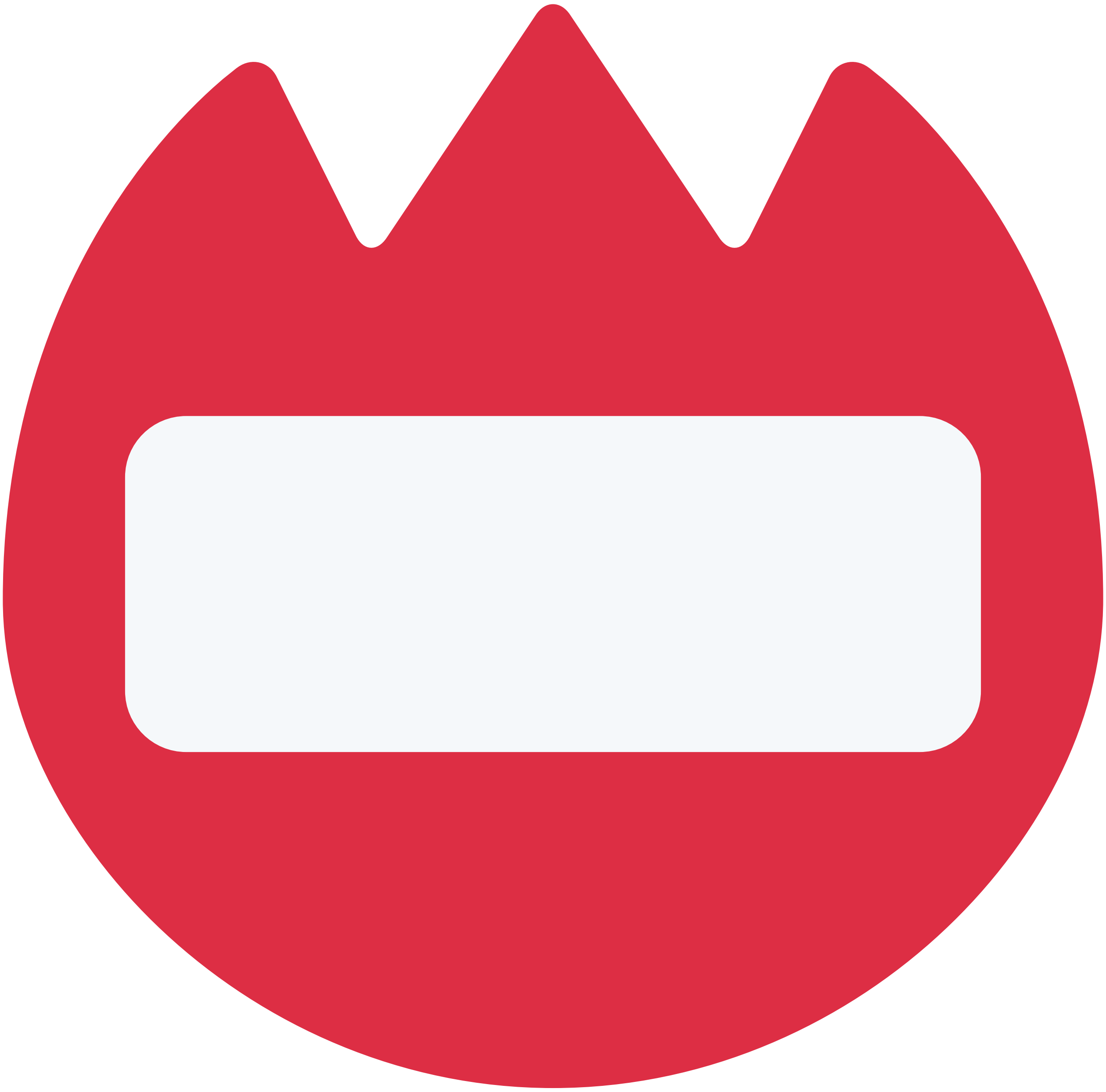
۳ــ "راجع به مسئله بسیار دقیق و مشکل تشخیص
اوصاف و خصائص مؤمن حقیقی خواه برای تصمیم باینکه در
داخل امر چه شخصی را میتوان مؤمن حقیقی دانست و

سند بعدی :

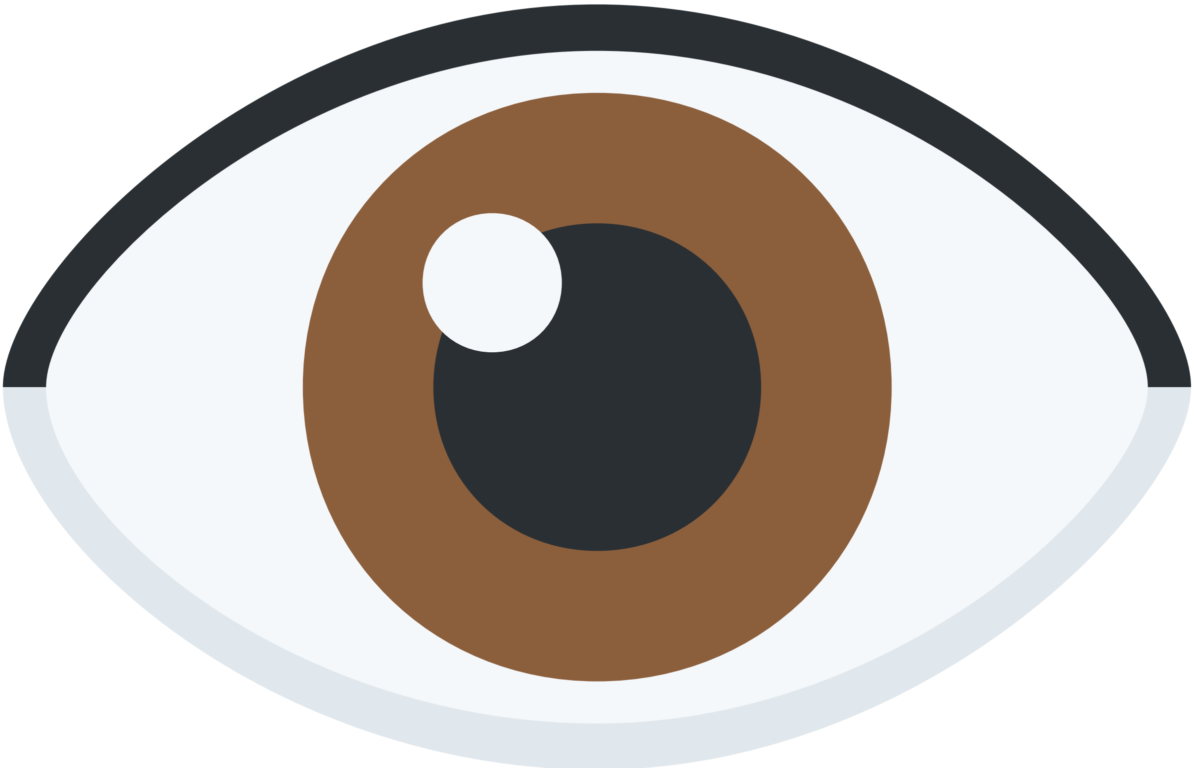


◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆

#علی_نخجوانی_چه_میگوید



شخص #تسجیل نشده، بهائی محسوب نمی‌شود!



گاهی از مبلغان بهایی شنیده می شود که ورقه تسجیل(ثبت نام)، صرفا برای سرشماری است و مصداق بهایی بودن، محسوب نمی شود!

در حالی که، جناب علی نخجوانی یکی از بزرگان و رهبران جامعه بهایی امضا ورقه تسجیل را نشان ایمان شخص می داند:

«پس از شناسایی جمال قِدَم شما ذیل ورقه اظهار نامه ای را امضاء می نمایید که متضمن اعتراف شما به حضرت بهاالله و حضرت رب اعلی و حضرت عبدالبهاست (ورقه تسجیل) ! این را ایمان می نامند !»

شخص تسجیل نشده بهایی محسوب نمی شود!

حال یا مبلغان بهایی دروغ می گویند یا جناب نخجوانی؟





سند بعدی :

در پیام زیر بیت العدل جواز تقیه در تسجیل شدن را نیز صادر می کند :

۳ جولای ۱۹۶۶ – ۴ شهر الکلمات ۱۲۳

محفل مقدس ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

اخیرا از این هیات استفسار شده که آیا امکان دارد که نفسی از مومنان به امر اعظم در وقت تسجیل نام خود تقاضا کند که به عللی نامش بین یاران و دیگران مشهور نگردد و فقط در سجل محفل مذکور ماند مقرر گردید که به اطلاع آن محفل برسد که در موارد مخصوصه به اقتضا حکمت عدم

تشهیر نام مصدقین مسجل حتی در جامعه یاران جائز ولیکن بدیهی است نفوس مذکوره ولو معروف نباشند مشمول

حدود و احکام امر اعظمند.

با تقدیم تحیات بهائی

بیت العدل اعظم

سند بعدی :

در این پیام بیت العدل بصراحت اعلام می کند که لازمه بهایی بودن در تشکیلات و سازمان تحت اشراف بیت العدل بودن است و اگر کسی از تشکیلات خارج شود و لو اظهار کند باورمند به بهائیت است بهایی نیست و به عبارتی مفهوم مخالف آن این است و لو فردی معتقد به بهائیت باشد بر مبنای اسناد متعددی که تا الان مشاهده گردید وی بهایی محسوب نمی شود :

ترجمه ی پیام بیت العدل اعظم الهی

خطاب به جمیع محافل روحانی ملی

یاران عزیز محبوب،

مورخ : ۰۴-۰۴-۲۰۰۱

عضویت در امر بهائی با اعتراف به این اعتقاد اساسی و عمل به موجب آن تعیین میگردد. **حضرت شوقی افندی که از قلم حضرت عبدالبها به عنوان ولی امرالله و مبین منصوص آیات الهیه تعیین شدند، در عین حال که تصدیق میفرمایند اتخاذ تصمیم نسبت به این که آیا شخصی مؤمن حقیقی است یا خیر، مسألهای ظریف و بغرنج میباشد، عوامل مهمه ای را که قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به اینکه آیا میتوان شخصی را مؤمن حقیقی دانست یا خیر، باید مد نظر قرار داد، برای محافل روحانیّه تعیین فرمودند که عبارت است از اعتراف تام به مقام مبشر و شارع و مَثَل اعلای امر بهائی به نحوی که در الواح وصایای حضرت عبدالبها بیان شده، قبول بلاشرط و اطاعت از آنچه به قلم مبارکشان نازل گشته، انقیاد صادقانه و راسخ نسبت به هر یک از فقرات الواح مبارکهی وصایای حضرت مولی الوری و ارتباط نزدیک با روح و شکل تشکیلات کنونی بهائی در تمام عالم.(نظامات بهائی، ترجمه ی لجنهی ملی ترجمهی آثار امری، ص ۵)**

با توجّه به فقراتی که از آثار مبارکه نقل گردید، **خروج از جامعه ی بهائی، بدون خروج از ظل امر بهائی، فی نفسه امری متناقض میباشد**. جامعه ی بهائی را باید در پرتو وجود واقعیش مشاهده نمود. ضرورت وجودی آن به صورت یک عنصر تفکیک ناپذیر از نفس امر مبارک در هدف از ظهور

حضرت بهاالله، که ایجاد مدنیت روحانیّه میباشد، بیان گردیده است. تحقق این هدف و روحی که حضرت بهاالله به عالم عنایت فرمودهاند، عبارت

از نظمی است که آن حضرت مقدر فرموده و در کتاب مستطاب اقدس با این بیان به آن اشاره فرمودهاند: قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و

اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه.(کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۱)

به طور معمول، در این قبیل موارد محفل روحانی فقط در نتیجه‌ی اقدام یک فرد، یا با اعلام ایمان او به حضرت بهاالله، با بیان تمایلش به خروج از ظل

امر مبارک، یا در موارد بسیار نادر، در ترویج مصرانه‌ی مفاهیمی که به وضوح با اصول و مبانی عضویت که فوقاً ذکر شد، مباینت دارد، اتخاذ تصمیم

مینمایند.

اقبال به امرالله یک اقدام اختیاری از طرف فرد است و تسجیل توسط مؤسّسه‌ی مربوطه‌ی بهائی صورت میگیرد، مگر آنکه دلیلی موجه برای

خودداری از تسجیل وجود داشته باشد. همچنین یک فرد بهائی مختار است که داوطلبانه از ظل امرالهی خارج شود. وقتی که یک عضو جامعه به

محفل روحانی اطلاع میدهد که مایل به حذف نام میباشد، محفل سعی خواهد کرد به وی مساعدت نماید تا بر مسائلی که به نظر میرسد علت تمایل وی به چنین اقدامی است، غلبه نماید. اگر فرد در نیت خود مُصِرّ باشد، معمولاً محفل روحانی با حذف نام وی موافقت میکند، مگر آنکه زمینه‌ی سو ظنی دال بر عدم صداقت وی و وجود انگیزه‌ی نهانی، مانند عدول از احکام امریه با مصونیت از مجازات، موجود باشد.

علیرغم تشویق محبتآمیزی که از طرف محافل روحانیّه ابراز میگردد، تمام افراد بهائی در امور جامعه فعال نیستند. البته این امر ضروره‌ی بر حذف

نام و کناره‌گیری از جامعه دلالت ندارد. یک محفل روحانی باید به دقت بین نفوسی که فعال نیستند، اما در عین حال خود را در ظل امر مبارک

میدانند و کسانی که عدم فعالیت آنها نشانه‌ی بیعلاقه‌گی کامل و تمایل به عدم ارتباط با امر مبارک میباشد، تمایز قائل گردند.

وقتی که تقاضای خروج فرد از ظل امرالله پذیرفته شده باشد، وضع وی مانند یک فرد غیربهائی است و (به غیر از مواردی که ذیلاً ذکر میگردد)

رابطه‌ی وی با تشکیلات بهائی و آحاد احبا همانند هر یک از افراد غیربهائی دیگر میباشد. مانند هر رابطه‌ی انسانی دیگر، نزدیکی این ارتباط و گرمی

روابط دوستانه به عوامل شخصی بستگی دارد.

گاهی اوقات، بعد از پذیرش تقاضای حذف نام یک فرد، معلوم میشود که اظهارات وی غیرصادقانه و صرفاً برای فرار از اجرای احکام امری بوده

است. ضرورتی ندارد که محفل روحانی در چنین موردی، اقدامی علنی انجام دهد، بلکه موضوع را در سوابق موجود وارد میکند. به عبارت دیگر،

در خصوص پذیرش اقدام بعدی این فرد در اعلام ایمان به امر مبارک، تا زمانی که محفل روحانی قانع نشده که اظهارات وی با ایمان کامل بیان

گردیده است، باید محتاطانه رفتار کند. همچنین با توجّه به مقتضیات و شرایط موجود، محفل روحانی ممکن است او را ملزم سازد نسبت به جبر کسر

حدود، که انگیزهی وی در خروج از ظل امرالهی بوده است، قیام نماید.
وضعیت مشابه زمانی رخ میدهد که شخصی مرتکب عملی میگرددکه حدس میزند ممکن است به اعلام نام وی به عنوان ناقض میثاق منجر شود، و
لذا با این تصور که ممکن است با خروج از جامعه از چنین نتیجهای جلوگیرین کند، تقاضای حذف نام مینماید. استنتاج بیتالعدل اعظم ممکن است
چنین باشد که حذف نام موجد حمایت کافی جامعه از شخص مورد بحث گردد. معهذا، اگر او، بعد از حذف نام، در تلاش برای تضعیف عهد و
پیمان الهی اصرار ورزد یا با ناقضین میثاق مرتبط شود، ممکن است به عنوان ناقض میثاق اعلام گردد و به احبا گفته شود که از هر گونه تماس و
معاشرت با وی اجتناب نمایند. هر مورد را باید با توجّه به شرایط و اوضاع و احوال خاص خود مورد بررسی و مطالعه قرار داد

سند بعدی :

متاسفانه علی رغم اعلان تعطیل بودن تشکیلات در ایران بسال ۱۳۶۲ از طرف محفل ملی ایران در سند زیر بصراحت مکانیزم وجود تشکیلات و نظام تسجیل مورد اعتراف قرار می گیرد :

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۹۹۶-۰۴-۰۲ "

احبّای یزد چنان تحت فشار مقامات رسمی بودهاند که یکی از همکاران غیر بهائی جناب محرمی، برای جلوگیری از اخراج وی از کار، عکس او را
همراه با شرحی دائر بر اینکه از امر بهائی تبرّی جسته است در روزنامه درج میکند. چون متأسّفانه جناب محرمی در همان موقع برای تکذیب این
مطلب اقدامی نمیکند جامعهی یاران در ایران به این نتیجه میرسد که مشارٌالیه نباید بهائی شناخته شود. هنگامی که پس از چند سال جریان آنچه روی داده بود روشن و مشخّص میگردد، تجدید عضویت جناب محرمی در جامعهی بهائی پذیرفته میشود. "

سندی بعدی :

با توجه به اقرار رسمی بیت العدل مبتنی بر یک دهه فعالیت موسسه آموزش ملی در ایران در سند زیر اقرار می کند که در ایران حاصل فعالیتهای این موسسه منجر به تسجیل شدن می باشد :

پیام بیت العدل تاریخ ۶۱۷ ۲۰۰۰-۰۴-۲۱

مؤسّسات آموزشی به منزله ی قوّه ی محرّکه ی جریان تبلیغ جمهور به ثبوت رسیده است. بسیاری از مؤسّسات آموزشی با تشکیل دادن گروههای کوچک محلّی برای مطالعات بهائی دامنه ی عملیّات خود را توسعه داده و بدین

ترتیب بر امکانات خود جهت بهره مند ساختن نواحی وسیعتری از برنامه های مطالعاتی افزودهاند. مثلاً در مغولستان یکصد و شش گروه مطالعاتی تشکیل شد و در نتیجه **تعداد مصدّقین** جدید افزایش شایانی داشت

سند بعدی :

پیام بیت العدل تاریخ ۶۴۹ ۲۰۰۲-۰۴-۲۱ ۳

با توجه به اقرار رسمی بیت العدل مبتنی بر یک دهه فعالیت موسسه آموزش ملی در ایران در سند زیر اقرار می کند که در ایران حاصل فعالیتهای این موسسه منجر به تسجیل شدن می باشد :

ملاحظه پیشرفت این امر در اثر **فعّالیّت مؤسّسات کارآموزی**، که در سال گذشته در نتیجه اقدامات جدّی و وسیعی که در بسیاری از کشورها به منظور افزایش تعداد مدرّسان این مؤسّسات انجام گرفت تقویّت شدهاند، امیدوار کننده و مایه تشویق است. در هر کجا که مؤسّسه کارآموزی بخوبی پایه گذاری شده و پیوسته فعّالیّت داشته سه جز اصلی یعنی گروههای مطالعاتی () و جلسات دعا و مناجات و کلاسهای تربیت امری به آسانی رو بتزاید است. شرکت متحرّیان حقیقت به دعوت دوستان بهائیشان در این فعّالیتها بعد جدیدی به اهداف و مقاصد این مؤسّسات افزوده که **منتجّ به تسجیل** مؤمنین جدید شده است. این تحوّل مطمئناً راهی را میگشاید که نوید بخش امکانات عظیمی برای اقدامات تبلیغی است. فعّالیّتهای مؤسّسات کارآموزی که در ابتدا به منظور استفاده احبّای الهی ترتیب داده شده بود به طور طبیعی ابوابی را برای ورود افواج مقبلین مفتوح میسازد. ترکیب شدن گروههای مطالعاتی با جلسات دعا و مناجات و کلاسهای تربیت امری در محدوده مجموعه های نقاط امری همجوار الگو و نمونه ای از همبستگی در اقدامات بدست میدهد که تشکّل یافته و نتایج مطلوب را نیز به بار آورده است. اطمینان داریم که بکار بستن این الگوها در سراسر جهان امکانات فراوانی برای پیشرفت امرالهی در سالهای آینده فراهم خواهد آورد.'' نیروی عظیمی که دارالتّبلیغ بین المللی صرف افزایش فهم و درک جامعه جهانی از رشد و توسعه منظم نموده، این چشم اندازهای هیجان انگیز را حیات و قوّتی افزونتر بخشیده است

سند بعدی

این سند بسیار مهم است زیرا بیت العدل خطاب به هیئت یاران ایران اذعان به وجود سیستم تسحیل می نماید این در حالی است که در سال ۱۳۶۲ رسما تشکیلات بهایی اعلان کرد تعطیل است

پیام بیت العدل تاریخ ۷۳۶ ۲۰۰۸-۰۲-۲۵

هیئت مجلله یاران ایران،
عطف به رقیمه مورخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۷ آن هیئت محترم در مورد عفو احبایی که به دلیل عقد غیر امری حق رأی خود را از دست داده اند، بیت العدل
اعظم مقرر فرمودند به شرح زیر مرقوم گردد.
همه افرادی که قبل از آگست سال ۲۰۰۵ به این دلیل حق رأی خود را از دست داده اند، به شرطی که والدین

ارجمندشان حاضر هستند آنها را به خاطر این تخلف ببخشند و هیئت یاران نیز در خصوص نیت ایشان در مورد تقاضای عفو شبهه ای نداشته باشند، می توانند مورد عفو قرار گرفته و **مجددا به عضویت جامعه بهائی** مفتخر گردند."

سند بعدی :

در این بصراحت پیرامون تسجیل در ایران بیت العدل تقیه می فرماید و به مشورت خصوصی با مسئولین تشکیلات احاله می دهد :

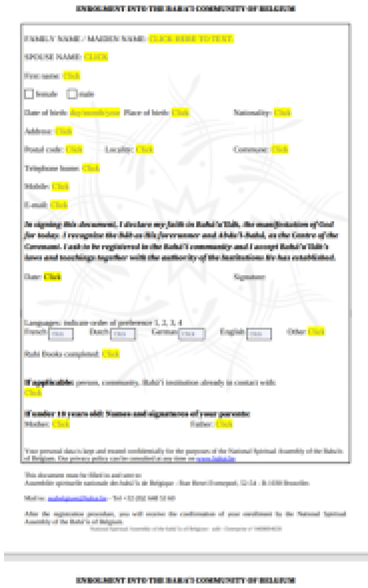
تاریخ پیام ۸۷۳ ۲۰۱۵-۱۲-۰۷ ۲

"از تسجیل سوال می کند جواب سر بالا می دهد رعایت حکمت می کند :::

راجع به سؤالات شما در بارهٔ تبلیغ ، **نحوهٔ تسجیلی هموطنان** ، شرکت محبّین در ضیافات و امثالهم به استحضار می رساند که جواب مناسب برای این قبیل سؤالات را می توان در **جلسات شور و مشورت با دوستانی که در این زمینه فعالیّت دارند یافت**. هدف احبّای جانفشان ایران در این دوران پر بحران تقویّت یک جامعه پویا و ایجاد انسجام بین تمامی فعالیّت های جامعه چه در زمینه تمشیت امور چه در انجام فرائض روحانی فردی و چه در دیگر میادین خدمت میباشد. این کار همانا از طریق مشورت بهائی و اطمینان تام به اینکه این شرایط سخت ، سرانجام به پایان خواهد رسید قابل حصول است ."

نمونه ای از فرمها و اوراق رسمیه و عضویت در تشکیلات بهایی





ENROLMENT INTO THE BAHA'I COMMUNITY OF BELGIUM

FAMILY NAME / MAIDEN NAME: CLICK HERE TO TEXT.

SPOUSE NAME: CLICK

First name: Click

☐ female ☐ male

Date of birth: day/month/year Place of birth: Click Nationality: Click

Address: Click

Postal code: Click Locality: Click Commune: Click

Telephone home: Click

Mobile: Click

E-mail: Click

In signing this document, I declare my faith in Bahá'u'lláh, the manifestation of God for today. I recognise the Báb as His forerunner and Abdu'l-Bahá, as the Centre of the Covenant. I ask to be registered in the Bahá'í community and I accept Bahá'u'lláh's laws and teachings together with the authority of the Institutions He has established.

Date: Click Signature:

Languages: indicate order of preference 1, 2, 3, 4
French: Click Dutch: Click German: Click English: Click Other: Click

Ruhi Books completed: Click

If applicable: person, community, Bahá'í institution already in contact with:
Click

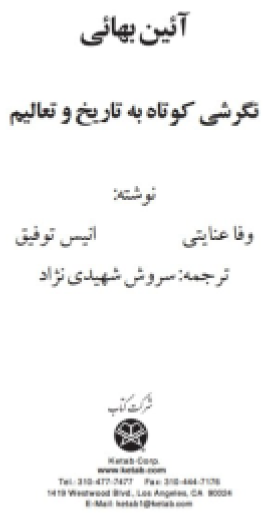
If under 18 years old: Names and signatures of your parents:
Mother: Click Father: Click

ENROLMENT INTO THE BAHA'I COMMUNITY OF BELGIUM

سند بعدی :

شرایط بهایی شدن تصدیق و تسجیل

در این سند به صراحت اعتراف می شود دین دار شدن در بهائیت در گرو وارد سازمان شدن است آن هم با فرایند تسجیل :



آئین بهائی

نگرشی کوتاه به تاریخ و تعالیم

نوشته:

وفا عنایتی   انیس توفیق

ترجمه: سروش شهیدی نژاد

شرکت کتاب

Ketab Corp.
www.ketab.com
Tel: 310-477-7477 Fax: 310-444-7176
1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024
E-Mail ketab1@ketab.com



نحوهٔ گسترش دیانت بهائی در عالم

از آنجا که دین امری شخصی است و ایمان و اعتقاد هر کسی به خودش مربوط است لذا بهائیان از امر به معروف و تحمیل عقاید خود به دیگران دوری می جویند. آنها تنها به معرّفی دیانت خود اکتفا می نمایند تا دیگران با تعالیم این دیانت آشنا گردند و دعوی مؤسّس آئین بهائی را مورد سنجش قرار دهند. هر کس این دعوی را بپذیرد همان کس بهائی است و عضو این جامعه به حساب می آید.

عضویّت در جامعهٔ بهائی

تشرّف به آئین بهائی، یعنی تصدیق و تسجیل، تابع رسوم و آداب خاصّی نیست. شرط اصلی عبارت از این است که شخص متقاضی حضرت بهاءالله را به عنوان پیامبر مبعوث برای این زمان تصدیق نماید. در این صورت آن شخص را می توان بهائی نامید. بدیهی است که در این مرحله از زمان نه ممکن است و نه اینکه می توان توقّع داشت که شخص تازه تصدیق به همهٔ تعالیم دیانت بهائی در زندگی روزمرّه خود عمل نماید (نگاه کنید به بخش: «راه هدف است»). واکنش ایمان به حضرت بهاءالله عبارت از تلاش مستمر و جدّی در کسب و عمل به تعالیم این دیانت خواهد بود.

روش ثبت نام و عضویّت در جامعهٔ بهائی ممکن است در کشورهای مختلف متفاوت باشد. معمولاً در بسیاری از کشورها تسجیل و عضویّت شخص تازه تصدیق در جامعهٔ بهائی کتباً به وی ابلاغ می گردد. عضو جدید از آن پس بطور جدّی در همهٔ بخش های حیات جامعهٔ بهائی مشارکت خواهد نمود (نگاه کنید به بخش: «انواع فعالیّت های یک جامعهٔ محلّی بهائی»).

۱۱۳

نکته بعدی :

پیام بیت العدل تاریخ پیام : ۲۰۰۷-۰۳-۰۵

تشکیلات بهایی تعطیل نبود چون هم کلی طرد اداری (مگر اداره تعطیل نشده بود) کرده بود و کلی هم بعدا مجددا تسجیل نموده بود با کدام تشکیلات – اعتراف به وجود نهاد اطلاعاتی کمیته صیانت و حکومت موازی و وزارت اطلاعات در ایران :::

صیانت جامعه ای پویا در شرایط آن چنان سخت و دشوار کار آسانی نیست و جز با درایت کامل و توکل به جمال اقدس ابهی و جذب تأییدات غیبیه الهیّه غیر ممکن بود. شرح مندرج در نامه مورّخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۷ آن هیئت مبنی بر اینکه ۹۷۰ نفر از ۲۸۰۸ احبایی که در این مدت از حقوق اداری خود محروم شده بودند، با عشق و محبت جامعه و تدبیر و بصیرت یاران و سعی و کوشش افراد بخشیده شده و به جامعه باز گشته اند نشانی از این کفایت است و موجب خرسندی بیت العدل اعظم گردید

نکته بعدی :

«...اگر شرایط و ضوابط تسجیل را بیش از حد مشکل کنیم، شور و نشور اولیه مبتدیان را از میان برده، قلوبشان را افسرده نموده، از گسترش سریع امرالله ممانعت بعمل خواهیم آورد. برای متقاضی

تسجیل، چه بی‌سواد چه باسواد، شرط لازم اینست که قلبا به حضرت بهاءالله ایمان داشته باشد. اینکه او از تمامی تعالیم مبارکه اطلاع حاصل کرده است یا خیر، به هیچ وجه مطرح نیست. هنگامی که اخگر ایمان موجود باشد؛ پیام ضروری دریافت شده است و بعد از آن به تدریج هر چیز دیگری را می‌توان بر آن افزود...»

(توقیع منیع صادره از جانب حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آفریقای جنوبی و غربی مورخ ۹ جولای ۱۹۵۷ ـ جزوه تبلیغ افواج صفحه ۱۲)

انوار هدایت

نکته بعد :

(مکتوب مرقوم از جانب معهد اعلی خطاب به یکی از احباء ۱۸ جون ۱۹۸۵)

۲۶۲ : کودکان بدون توجه به سن و سالشان، بعنوان بهایی پذیرفته می‌شوند

«...اگر والدین غیربهایی نوجوانی زیر ۱۵ سال، اجازه دهند که فرزندشان بهایی باشد، از نقطه‌نظر تعالیم الهی، هیچگونه ایرادی متوجه اعطای اجازه به چنین فردی مبنی بر اینکه بدون توجه به سن و سال، خود را بهایی تلقی کند، نخواهد بود. هنگامی که وی ایمانش را به حضرت بهاءالله اعلان کرد، در جامعه پذیرفته شده، و با وی به مانند سایر کودکان بهایی رفتار خواهد شد.»

(مکتوب معهد اعلی خطاب به محفل روحانی السالوادور ۱۴ دسامبر ۱۹۷۰)

۲۶۳

انوار هدایت

مورد بعدی :

تسجیل در کودکی

۵ مارچ ۲۰۰۷

اطفال بهائی، بر خلاف اطفال در بعضی ادیان دیگر، خود به خود دین والدینشان را ارث نمی برند. ولی والدین مسئول پرورش و ترقی روحانی فرزندان
خود می باشند و محافل روحانیه وظیفه دارند در صورت لزوم، در انجام این مسئولیت به والدین کمک نمایند تا در نتیجه اطفال در پرتو انوار امر
مبارک نشو و نما نمایند، از سنین اولیه عشق به خداوند متعال و مظاهر مقدسه الهیه را بیاموزند و در سبیل اطاعت

از احکام او سلوک نمایند. بنا بر این، اطفال والدین بهائی را میتوان بهائی دانست مگر اینکه دلیلی بر خلاف این مطلب موجود باشد. این فکر که اطفال بهائی در نوعی بلاتکلیفی روحانی بزرگ میشوند و در سن پانزده سالگی «بهائی میشوند» کاملا اشتباه است. بر اساس این مطالب میتوان نکات ذیل را نتیجه گیری نمود:

– اطفال یک زوج بهائی از هنگام تولد بهائی محسوب شده و تولدشان باید توسط محفل روحانی ثبت گردد.

– تولد طفلی که یکی از والدینش بهائی است نیز باید ثبت گردد مگر آنکه طرف غیر بهائی اعتراض نماید

– محفل روحانی میتواند اظهار ایمان فرزند یک پدر و مادر غیر بهائی را قبول و او را به عنوان بهائی تسجیل و ثبت نماید مشروط بر اینکه والدینش با
این موضوع موافق باشند.

تسجیل فرزندانی که والدینشان بعد از تولد آنها تصدیق امر مبارک را مینمایند، تا حد زیادی به سن و عکس العمل آنها بستگی دارد. این قبیل فرزندان
به محبت اطرافیان و درکی از احساساتشان نیاز دارند و هر موردی را باید بر اساس ویژگی های آن سنجید. البته در شرایطی که فقط یکی از والدین به موهبت ایمان فائز شده باشد این نیاز شدیدتر خواهد بود چه که عکس العمل پدر و یا مادر غیر بائی عامل مهمی محسوب می گردد و هدف فرد بهائی باید ترویج وحدت خانواده باشد. مسئله مهم این است که باید نوعی رفتار کرد که این فرزندان، چه تسجیل شده باشند و چه نشده باشند، در کلاسهای اطفال و دیگر گردهمایی های جامعه احساس محبت و صمیمیت نمایند.

با تحیات بهائی
دارالانشا بیت العدل اعظم

مورد بعدی :

نحوه تسجیل بهائیان در ایران بعد از انقلاب :

۷ دسامبر ۲۰۱۵

مکتوب آن برادر گرامی حاوی سؤالاتی پیرامون تمشیت امور جامعه بهائی در ایران در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۵ و پیرو آن مکتوبی دیگر در تاریخ ۱۴
مارس ۲۰۱۵ به بیت العدل اعظم الهی واصل گشت مقرر فرمودند به قرار ذیل مرقوم گردد

دلسوزی و توجه آن برادر گرامی به مصالح امر مبارک در کشور مقدّس ایران موجب تقدیر معهد اعلی قرار گرفت. در مورد تمشیت امور و تبلیغ
امرالله در آن سرزمین به استحضار می رساند که البته باید به این مطلب واقف بود که عدم وجود تشکیلات اداری بهائی در ایران انجام امور را بسیار

مشکل ساخته است. ولی احبّا هم باید به ادارهٔ امور جامعه خود بپردازنند، هم وظایف روحانی انفرادی خود را انجام دهند و هم در کمال محبت و

مهربانی یکدیگر را حمایت و تشویق نمایند. لازمه موفقیّت در این راه اینست که با ایمان به قدرت میثاق و قوهٔ کلمه الله بیش از پیش مطمئن باشند که موانع موجود از بین خواهد رفت و امور جامعه اسم اعظم مجددا" به نظم وترتیب دلخواه تمشیت خواهد یافت. آنچه باید مورد توجه خاص قرار گیرد

آنست که با وجود روشن نبودن جزئیات در بسیاری از امور برای آحاد احبّا در این ایام یکی از اساسی ترین مسئولیّت های دوستان حضرت رحمان

آنست که از انتقاد و یا تجزیه و تحلیل رفتار همدیگر بپرهیزنند، به حسن نیّت یکدیگر اطمینان داشته باشند و علی رغم فشارها و تضیقات وارده ،

وحدت جامعه را حفظ نمایند .

راجع به سؤالات شما در بارهٔ تبلیغ ، نحوهٔ تسجیلی هموطنان ، شرکت محبّین در ضیافات و امثالهم به استحضار می رساند که جواب مناسب برای این قبیل سؤالات را می توان در جلسات شور و مشورت با دوستانی که در این زمینه فعالیّت دارند یافت. هدف احبّای جانفشان ایران در این دوران پر

بحران تقویّت یک جامعه پویا و ایجاد انسجام بین تمامی فعالیّت های جامعه چه در زمینه تمشیت امور چه در انجام فرائض روحانی فردی و چه در

دیگر میادین خدمت میباشد. این کار همانا از طریق مشورت بهائی و اطمینان تام به اینکه این شرایط سخت ، سرانجام به پایان خواهد رسید قابل

حصول است .

معهد اعلی به مشکلات دیگری که در نامه خود به آن اشاره فرموده اید واقف هستند و معتقدند که این مسائل اکثرا" ناشی از آنست که جامعه اسم

اعظم در ایران در حال عبور از یک دورهٔ انتقالی خاص می باشد و پاسخ برخی دیگر نیز بهتر است به آینده موکول شود. تأییدات الهی و کوشش

همگانی احبّا موجب خواهد شد که این دشواری ها به مرور ایّام برطرف شوند بیت العدل اعظم در اعتاب مقدسه علیا برای موفقیّت آن برادر گرامی در خدمت به آستان الهی دعا خواهند فرمود

با تقدیم تحیّات

دارالانشا بیت العدل اعظم

مورد بعدی :

مهم تسجیل : تقیه : می توانند تسجیل را و بهایی شدنشان را حتی به بهائیان دیگر نگویند

۳ جولای ۱۹۶۶ – ۴ شهر الکلمات ۱۲۳
محفل مقدس ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه
اخیرا از این هیات استفسار شده که آیا امکان دارد که نفسی از مومنان به امر اعظم در وقت تسجیل نام خود تقاضا کند که به عللی نامش بین یاران و دیگران مشهور نگردد و فقط در سجل محفل مذکور ماند مقرر گردید که به اطلاع آن محفل برسد که در موارد مخصوصه به اقتضا حکمت عدم
تشهیر نام مصدقین مسجل حتی در جامعه یاران جائز ولیکن بدیهی است نفوس مذکوره ولو معروف نباشند مشمول حدود و احکام امر اعظمند.
با تقدیم تحیات بهائی
بیت العدل اعظم

مورد بعدی :

۱۱۲ ۰۹-۰۸-۱۹۶۶ مهم تسجیل : تسجیل ایرانیان غیر بهایی خارج از ایران – جاسوسی – نقض حاکمیت ملی – انتقال اطلاعات شخصی افراد و شهروندان ایرانی به خارج از ایران –

۹ آگست ۱۹۶۶ – ۹ شهر الکمال ۱۲۳
محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه
در جواب مکتوب ۱۴ شهرالرحمه آن محفل مرقوم می گردد که نسبت به تسجیل ایرانیان غیربهائی که در ممالک خارجه به تصدیق امر مبارک فائز
می گردند آن محفل در موارد لازمه باید چنین عمل فرمایند:
چنانچه شخص مصدق از عائله دشمنان امرالله در ایران نباشد و شخصا نیز سابقه، مخاصمتی نداشته باشد به محافل مربوطه اطلاع دهند که در تسجیل او مانعی نیست والا باید سفارش فرمایند که در تسجیل وی تامل فرمایند تا حسن نیت شخص جدیدالاقبال به ثبوت رسد.
با تقدیم تحیات بهیه
بیت العدل اعظم

مورد بعدی :

۱۵۷ ۱۹-۱۱-۱۹۶۷ مراقبت در تسجیل ایرانیان خارج از کشور تا مبادا از اقوامشان جزء ناقضین باشند – جاسوسی

۹ نوامبر ۱۹۶۷ – ۱۶ شهر القدره ۱۲۴

پیام بیت العدل أعظم الهی خطاب به محفل مقدس روحانی ملی ایران

چنانچه مستحضرند محافل ملیه در بلاد غربیه به دستور مطاع حضرت ولی امرالله در تسجیل نفوس از ایران و بعضی از ممالک شرقیه جنبه احتیاط را

مراعات نمایند جهت رعایت احتیاط این هیات از محافل ملیه غربیه تقاضا کرده که اگر ایرانیانی در خارج از کشور اظهار ایمان بکنند و بمرحله تسجیل

برسند محافل ملیه قبلا از آن محفل تحقیق نمایند... علیهذا محفل روحانی بهائیان آلمان مرقوم داشته اند که در چنین موارد مخابرات با آن محفل بلا

جواب مانده است متمنی است طوری مقرر دارید که فورا جواب محافل ملیه ارسال گردد و راجع به نفوسی که برای تسجیل استفسار می نمایند در

صورتیکه اطلاعی راجع به پیوستگی ایشان با معاندین و اعدا امرالله در دست نیست و دلیلی جهت منع تسجیل ایشان نداشته باشند فورا اطلاع دهند تا تاخیر و اشکالی پیش نیاید.

با تقدیم تکبیرات منیعه

بیت العدل اعظم

مورد بعدی :

شرایط تسحیل :

۲۴۱ : قبول بعضی جنبه‌های تعالیم و رد سایر آنها، جایز نیست

«... مومنان و بخصوص آن گروه از آنان که فاقد تجربه و آگاهی کافی در زمینه، تعالیم الهی می‌باشند؛ باید نسبت به نحوه و طریقی که تعالیم الهی را عرضه می‌دارند، دقت و توجه بسیار مبذول نمایند. شرایط و عوامل موثر در تبلیغ موفقیت آمیز، فقط خلوص و تقوی و ایمان نیست؛ بلکه مهارت و کاردانی، احتیاط کافی و حکمت و خردمندی نیز به همان اندازه حائز اهمیتند. هنگامی که پیام الهی را به مردم عامی ابلاغ می کنیم، نبایستی شتابزده عمل نمائیم و لازم است مراقب باشیم که تعالیم مبارکه را بطور جامع و کامل عرضه کنیم و نه اینکه آنها را به جهت جلب نظر دیگران، تغییر و تبدیل دهیم. اطاعت و انقیاد نسبت به امرالله نمی‌تواند ناتمام و نیمه‌باورانه باشد. یا باید امر الهی را بدون هیچ قید و شرطی بپذیریم و یا دیگر خود را بهایی به‌حساب نیاوریم. بایستی غیر مومنین را بر آن داشت که دریابند این کافی نیست که آنان بعضی جنبه‌های تعالیم مبارکه را پذیرفته، برخی دیگر را که با ذهنیتشان توافق ندارد کنار بگذارند تا اینکه پیروان قابل قبول و فعال امرالله بحساب آیند. باین ترتیب انواع سوء تفاهمات زائل شده، وحدت ارگانیک امرالله محفوظ خواهد ماند...»

(توقیع منیع صادره از جانب حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از مومنین مورخ ۱۲ جون ۱۹۳۳ـ

مورد بعدی :

۵۵۸ ـ۲ ۲ ـ۰۲ـ۰۴ـ۱۹۹۶ "وجود سیستم تسجیل در ایران پس از تعطیلی – ارتباط ارگانیک با راس سازمان – تاثیر فشارهای بین المللی بر آراء و تصمیمات محاکم ایران ::

احبّای یزد چنان تحت فشار مقامات رسمی بودهاند که یکی از همکاران غیر بهائی جناب محرمی، برای جلوگیری از اخراج وی از کار، عکس او را
همراه با شرحی دائر بر اینکه از امر بهائی تبرّی جسته است در روزنامه درج میکند. چون متأسّفانه جناب محرمی در همان موقع برای تکذیب این
مطلب اقدامی نمیکند جامعهی یاران در ایران به این نتیجه میرسد که مشارٌالیه نباید بهائی شناخته شود. هنگامی که پس از چند سال جریان آنچه روی داده بود روشن و مشخّص میگردد، تجدید عضویت جناب محرمی در جامعهی بهائی پذیرفته میشود. "

مورد بعدی :

۶۰۲ ۱۸ـ۰۶ـ۱۹۹۹ "به طمع پناهندگی بهایی نشوید اول باید پناهنده شوید و اقامت دائم بگیرید بعد آیا تسجیل بکنند یا نکنند ::

اگر مبتدیان ایرانی صادقانه علاقهمند به اقبال به امر و داوطلب ورود به جامعهی بهائی شوند محفل روحانی ملّی ممکن است تصمیم بگیرد که تقاضای آنان را بپذیرد مشروط بر آنکه مقیم دائمی کشوری باشند که در آن تقاضای عضویّت در جامعه را مینمایند و پس از آن باشد که مؤسّسات امری در محلّ و احبّای ایرانی مورد ثقه و اطمینان با داوطلبان مزبور ملاقات نمایند و اطمینان حاصل کنند که تسجیلِ امریِ آنان موافق با مصلحت است. در جمیع این قبیل موارد، قبل از تسجیلِ فردِ داوطلب، باید کاملاً دقّت شود و اطمینان حاصل گردد که شخصِ متقاضی کاملاً از تعالیم بهائی اطّلاع یافته و به شرایط عضویّت در جامعه وقوف کامل دارد."

مورد بعدی :

۶۱۷ ۲۱ـ۰۴ـ۲۰۰۰ موسسه آموزشی ::

منتهی به تسجیل و عضو گیری برای سازمان می شود – منطقه قرنطینه برای جذب به سازمان :: (سیستم) مؤسّسات آموزشی به منزلهی قوّهی محرّکهی جریان تبلیغ جمهور به ثبوت رسیده است. بسیاری از مؤسّسات آموزشی با تشکیل دادن گروههای کوچک محلّی برای مطالعات بهائی دامنهی عملیّات خود را توسعه داده و بدین ترتیب بر امکانات خود جهت بهرهمند ساختن نواحی وسیعتری از برنامههای مطالعاتی افزودهاند. مثلاً در مغولستان یکصد و شش گروه مطالعاتی تشکیل شد و در نتیجه تعداد مصدّقین جدید افزایش شایانی داشت

مورد بعدی :

۶۳۶ ۲۰۰۱-۰۴-۰۴ "تسجیل :: سازمانی بودن :: بهائیت باور شخصی نیست ::

در متن زیر می گوید لازمه عضویت در بهائیت معتقد بودن به بهاء الله است – مهم – هلو – :: حضرت عبدالبها که از قلم حضرت بهاالله به عنوان مبین آیات آن حضرت منصوب گردیدند، این اصول اعتقادی بهائی را مجدداً مورد تأکید قرار
میدهند. آن حضرت در الواح وصایای خود میفرمایند: اساس عقائد اهل بها روحی لهم الفدا، حضرت رب اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و
مبشر جمال قدم. حضرت جمال ابهی روحی لاحبائه الثابتین الفدا مظهر کلیهی الهیه و مطلع حقیقت مقدسهی ربانیه و ما دون کل عباد له و کل بامره یعملون.(الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۲۷۶) عضویت در امر بهائی با اعتراف به این اعتقاد اساسی و عمل به موجب آن تعیین میگردد. حضرت شوقی افندی که از قلم حضرت عبدالبها به عنوان ولی امرالله و مبین منصوص آیات الهیه تعیین شدند، در عین حال که تصدیق میفرمایند اتخاذ تصمیم نسبت به این که آیا شخصی مؤمن حقیقی است یا خیر، مسألهای ظریف و بغرنج میباشد، عوامل مهمهای را که قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به اینکه آیا میتوان شخصی را مؤمن حقیقی دانست یا خیر، باید مد نظر قرار داد، برای محافل روحانیّه تعیین فرمودند که عبارت است از اعتراف تام به مقام مبشر و شارع و مَثَل اعلای امر بهائی به نحوی که در الواح وصایای حضرت عبدالبها بیان شده، قبول بلاشرط و اطاعت از آنچه به قلم مبارکشان نازل گشته، انقیاد صادقانه و راسخ نسبت به هر یک از فقرات الواح مبارکهی وصایای حضرت مولیالوری و ارتباط نزدیک با روح و شکل تشکیلات کنونی بهائی در تمام عالم.(نظامات بهائی، ترجمهی لجنهی ملی ترجمهی آثار امری، ص ۵)"

مورد بعدی :

۶۳۶ ۲۰۰۱-۰۴-۰۴ "تسجیل – مکانیزم سلب نسبت ::

اقبال به امرالله یک اقدام اختیاری از طرف فرد است و تسجیل توسط مؤسّسهی مربوطهی بهائی صورت میگیرد، مگر آنکه دلیلی موجه برای

خودداری از تسجیل وجود داشته باشد. همچنین یک فرد بهائی مختار است که داوطلبانه از ظل امرالهی خارج شود. وقتی که یک عضو جامعه به

محفل روحانی اطلاع میدهد که مایل به حذف نام میباشد، محفل سعی خواهد کرد به وی مساعدت نماید تا بر مسائلی که به نظر میرسد علت تمایل وی به چنین اقدامی است، غلبه نماید. اگر فرد در نیت خود مُصِرّ باشد، معمولاً محفل روحانی با حذف نام وی موافقت میکند، مگر آنکه زمینهی سو ظنی دال بر عدم صداقت وی و وجود انگیزهی نهانی، مانند عدول از احکام امریه با مصونیت از مجازات، موجود باشد."

مورد بعدی :

۶۴۹ ۲۱-۰۴-۲۰۰۲ ۳ "موسسه آموزشی ::

فعالیتهایش منتهی به تسجیل می شود – بستری برای ایجاد سازمان و عضو گیری است :: ملاحظه پیشرفت این امر در اثر فعّالیّت مؤسّسات کارآموزی، که در سال گذشته در نتیجه اقدامات جدّی و وسیعی که در بسیاری از کشورها به منظور افزایش تعداد مدرّسان این مؤسّسات انجام گرفت تقویّت شدهاند، امیدوار کننده و مایه تشویق است. در هر کجا که مؤسّسه کارآموزی بخوبی پایه گذاری شده و پیوسته فعّالیّت داشته سه جز اصلی یعنی گروههای مطالعاتی () و جلسات دعا و مناجات و کلاسهای تربیت امری به آسانی رو بتزاید است. شرکت متحرّیان حقیقت به دعوت دوستان بهائیشان در این فعّالیتها بعد جدیدی به اهداف و مقاصد این مؤسّسات افزوده که منتجّ به تسجیل مؤمنین جدید شده است. این تحوّل مطمئناً راهی را میگشاید که نوید بخش امکانات عظیمی برای اقدامات تبلیغی است. فعّالیّتهای مؤسّسات کارآموزی که در ابتدا به منظور استفاده احبّای الهی ترتیب داده شده بود به طور طبیعی ابوابی را برای ورود افواج مقبلین مفتوح میسازد. ترکیب شدن گروههای مطالعاتی با جلسات دعا و مناجات و کلاسهای تربیت امری در محدوده مجموعه های نقاط امری همجوار الگو و نمونهای از همبستگی در اقدامات بدست میدهد که تشکّل یافته و نتایج مطلوب را نیز به بار آورده است. اطمینان داریم که بکار بستن این الگوها در سراسر جهان امکانات فراوانی برای پیشرفت امرالهی در سالهای آینده فراهم خواهد آورد." نیروی عظیمی که دارالتّبلیغ بینالمللی صرف افزایش فهم و درک جامعه جهانی از رشد و توسعه منظم نموده، این چشم اندازهای هیجان انگیز را حیات و قوّتی افزونتر بخشیده است

مورد بعدی :

649 2002-04-21	3	موسسه آموزشی :: فعالیتهایش منتهی به تسجیل می شود - بستری برای ایجاد سازمان و عضو گیری است :: ملاحظه پیشرفت این امر در اثر فعّالیّت مؤسّسات کارآموزی، که در سال گذشته در نتیجه اقدامات جدّی و پیگیر که در بسیاری از کشورها به منظور افزایش تعداد مدرّسان این مؤسّسات انجام گرفت تقویّت شده‌اند، امیدوار کننده و مایه تشویق است. در هر کجا که مؤسّسه کارآموزی بخوبی پایه گذاری شده و پیوسته فعّالیّت داشته سه جز اصلی یعنی گروههای مطالعاتی () و جلسات دعا و مناجات و کلاسهای تربیت امری به آسانی رو بفزاید است. شرکت متحرّیان حقیقت به دعوت دوستان بهائیشان در این فعّالیتها بعد جدیدی به اهداف و مقاصد این مؤسّسات افزوده که منتج به تسجیل مؤمنین جدید شده است. این تحوّل مطمئناً راهی را میگشاید که نوید بخش امکانات عظیمی برای اقدامات تبلیغی است. فعّالیتهای مؤسّسات کارآموزی که در ابتدا به منظور استفاده احبّای الهی ترتیب داده شده بود به طور طبیعی ابوابی را برای ورود افواج مقبلین مفتوح میسازد. ترکیب شدن گروههای مطالعاتی با جلسات دعا و مناجات و کلاسهای تربیت امری در مجموعه مجموعه های نقاط امری همجوار الگو و نمونهای از هماهنگی در اقدامات بدست میدهد که تشکّل یافته و نتایج مطلوب را نیز به بار آورده است. اطمینان داریم که بکار بستن این الگوها در سراسر جهان امکانات فراوانی برای پیشرفت امرالهی در سالهای آینده فراهم خواهد آورد.

اول تسجیل می کنند بعد مومن ☜ مهم توسعه تعداد اعضاست

688 2005-12-27	11	ترویج و تحکیم هدفش تسجیل شدن و عضو گیری برای سازمان است اول تسجیل می کنند بعد می روند سراغ مومن کردن وی :: در محدوده های دیگر، تعداد مسجلین در مرحله ی ترویج، به خصوص در چند دور اول، ممکن است زیاد نباشد و هدف افزودن شمار نفوسی است که مایل به شرکت در فعالیت های اساسی می باشند. این روند، ماهیت مرحله ی تحکیم را روشن می کند که عمدتا شامل پرورش علاقه ی محبان و همراهی و حمایت آنان در مسیر تحری حقیقت است تا زمانی که به ایمان نایل آیند. بسته به میزان جدیتی که صرف دنبال کردن این تمهیدات می شود، تعداد مسجلین در این مرحله می تواند قابل توجه باشد. اما باید در مد نظر داشت که با ازدیاد یادگیری و کسب تجربه ی بیشتر، نه تنها توانایی تبلیغ نفوس علاقه مند، بلکه قدرت شناسایی گروههایی از جمعیت که از استعداد روحانی زیادی برخوردارند بیشتر شده، شمار کل تازه تصدیقان از یک دوره به دوره ی دیگر افزایش می یابد.

مورد بعدی :

۶۸۸ ۲۷-۱۲-۲۰۰۵ ۱۱ "ترویج و تحکیم هدفش تسجیل شدن و عضو گیری برای سازمان است اول تسجیل می کنند بعد می روند سراغ مومن کردن وی :: در محدوده های دیگر، تعداد مسجلین در مرحله ی ترویج، به خصوص در چند دور اول، ممکن است زیاد نباشد و هدف افزودن شمار نفوسی است

که مایل به شرکت در فعالیت های اساسی می باشند. این روند، ماهیت مرحله ی تحکیم را روشن می کند که عمدتا شامل پرورش علاقه ی محبان و

همراهی و حمایت آنان در مسیر تحری حقیقت است تا زمانی که به ایمان نایل آیند. بسته به میزان جدیتی که صرف دنبال کردن این تمهیدات می

شود، تعداد مسجلین در این مرحله می تواند قابل توجه باشد. اما باید در مد نظر داشت که با ازدیاد یادگیری و کسب تجربه ی بیشتر، نه تنها توانایی

تبلیغ نفوس علاقه مند، بلکه قدرت شناسایی گروههایی از جمعیت که از استعداد روحانی زیادی برخوردارند بیشتر شده، شمار کل تازه تصدیقان از
یک دوره به دوره ی دیگر افزایش می یابد."

مورد بعدی :

۷۳۶ ۲۵-۰۲-۲۰۰۸ " پیام بیت العدل خطاب به هیئت یاران – حق تسجیل – حق رای مگر تشکیلات است که بحث حق رای هست ؟؟ طرد – عقد و تسجیل مجدد :: هیئت مجلله یاران ایران،
عطف به رقیمه مورخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۷ آن هیئت محترم در مورد عفو احبایی که به دلیل عقد غیر امری حق رأی خود را از دست داده اند، بیت العدل
اعظم مقرر فرمودند به شرح زیر مرقوم گردد.
همه افرادی که قبل از آگست سال ۲۰۰۵ به این دلیل حق رأی خود را از دست داده اند، به شرطی که والدین ارجمندشان حاضر هستند آنها را به خاطر
این تخلف ببخشند و هیئت یاران نیز در خصوص نیت ایشان در مورد تقاضای عفو شبهه ای نداشته باشند، می توانند مورد عفو قرار گرفته و مجددا به
عضویت جامعه بهائی مفتخر گردند."

مورد بعدی :

۸۷۳ ۰۷-۱۲-۲۰۱۵ ۲ "از تسجیل سوال می کند جواب سر بالا می دهد رعایت حکمت می کند ::: راجع به سؤالات شما در بارهٔ تبلیغ ، نحوهٔ تسجیلی هموطنان ، شرکت محبّین در ضیافات و امثالهم به استحضار می رساند که جواب مناسب برای این
قبیل سؤالات را می توان در جلسات شور و مشورت با دوستانی که در این زمینه فعالیّت دارند یافت. هدف احبّای جانفشان ایران در این دوران پر
بحران تقویّت یک جامعه پویا و ایجاد انسجام بین تمامی فعالیّت های جامعه چه در زمینه تمشیت امور چه در انجام فرائض روحانی فردی و چه در
دیگر میادین خدمت میباشد. این کار همانا از طریق مشورت بهائی و اطمینان تام به اینکه این شرایط سخت ، سرانجام به پایان خواهد رسید قابل
حصول است ."

مورد بعدی :

نمونه کارت تسجیل

مورد بعدی :

د ـ تسجیل اطفال

۵۱۲ : اطفال بهائی بخودی خود دین والدین را به ارث نمی‌برند

بدر مرقومات بیت العدل اعظم که در پاسخ سوءالات مربوط به تسجیل اطفال و جوانان مرقوم گشته از وضع قانونی که در سطح بین المللی عملی گردد خودداری شده معهذا برای مساعدت به اعضاء محافل روحانی ملی خلاصه‌ای بشرح ذیل تهیه و توضیح داده می‌شود:

ما تاکید می کنیم که در این خصوص خط مشی خیلی مشکل و استثناناپذیری نباید اتخاذ گردد. روش کار نباید حقیقت روحانی ایمان را تحت الشعاع قرار دهد که دقیقا یک نوع ارتباط شخصی بین روح و خالق روح است.

اطفال بهائی برعکس اطفال مذاهب دیگر بطور اتوماتیک دین والدین خود را به ارث نمی‌برند.

معهذا والدین مسئول پرورش و سعادت روحانی اطفال خود می‌باشند و محافل روحانی موظفند در صورت ضرورت والدین را در اجرای این وظیفه یاری دهند تا اطفال در پرتو ظهور حضرت بهاءالله و از بدو حیاتشان محبت الهی و مظهر ظهورش را در قلب خود جا داده و در تحت شریعت الهی سالک

۱۹۷

شوند. لذا طبیعی است که اطفال بهائی را بهائی بحساب آورد مگر اینکه دلیلی خلاف آن را ثابت نماید. کاملا اشتباه است که فکر کنیم طفل بهائی باید تا سن پانزده سالگی در یک نوع غفلت یا بلاتکلیفی روحانی بماند و در آن سن بهائی بشود. از این لحاظ مطالب ذیل مذکور می گردد:

اطفال یک زوج بهائی از بدو تولد بهائی محسوب می‌شوند و تولد آنها باید توسط محفل روحانی ثبت گردد. تولد اطفال زوجینی که یکی از آنها بهائی می‌باشد همچنین باید ثبت گردد مگر اینکه زوج غیر بهائی مخالفت ورزد.

یک محفل روحانی ممکن است اظهار ایمان یک طفل را که والدین او غیر بهائی است قبول بکند و او را بعنوان یک طفل بهائی تسجیل نماید به شرط اینکه والدین رضایت خود را اعلام دارند.

بلاتکلیفی روحانی بماند و در آن سن بهائی بشود. از این لحاظ مطالب ذیل مذکور می گردد:

اطفال یک زوج بهائی از بدو تولد بهائی محسوب می‌شوند و تولد آنها باید توسط محفل روحانی ثبت گردد. تولد اطفال زوجینی که یکی از آنها بهائی می‌باشد همچنین باید ثبت گردد مگر اینکه زوج غیر بهائی مخالفت ورزد.

یک محفل روحانی ممکن است اظهار ایمان یک طفل را که والدین او غیر بهائی است قبول بکند و او را بعنوان یک طفل بهائی تسجیل نماید به شرط اینکه والدین رضایت خود را اعلام دارند.

(ترجمه)

(استخراج از نامه‌ای که از طرف بیت العدل اعظم به محفل روحانی ملی انگلستان نوشته شده. ۱۹ جولای ۱۹۸۲)

۵۱۳ : اطفالی که والدین آنها بهائی می‌شوند

بدر مورد اطفالی که والدین آنها بهائی می‌شوند سن و عکس العمل اطفال مربوطه بیشتر مورد نظر است. آنها به محبت بیشتر و تفاهم احتیاج دارند و هر موردی باید نسبت به موقعیت قضاوت شود البته این شامل حالتی است که یکی از والدین آئین جدید را قبول نموده باشد و در اینصورت رفتار طرف دیگر حائز اهمیت است. مقصد و مرام بهائی باید تحکیم و تقویت اتحاد فامیل باشد. مطلب مهم این است که اطفال چه تسجیل شوند چه نه باید احساس خوبی برای شرکت در کلاسها و جلسات دیگر در آنها ایجاد شود. (ترجمه)

(در همان نامه. ۱۹ جولای ۱۹۸۲ Ibid)

۵۱۴ : وضع اطفال کمتر از پانزده سال

بنامه مورخه ۱۸ آگست ۱۹۷۱ شما در رابطه با اطفال کمتر از پانزده سال که مایلند بهائی بشوند دریافت شد. ما خلاصه‌ای از مرقومه‌ای که از طرف حضرت ولی امرالله بوسیله منشی ایشان در این رابطه نوشته شده با شما در میان می گذاریم:

اطفال تا سن پانزده سال در تحت اشراف والدین هستند. در سن پانزده می توانند اظهار ایمان نموده و بعنوان جوان بهائی تسجیل شوند چه والدین آنها بهائی باشند چه نباشند. اطفال کمتر از پانزده سال والدین بهائی که مایل باشند در جلسات و اجتماعات دوستان بهائی شرکت نمایند می توانند چنین کنند. اگر والدین غیر بهائی اجازه دهند طفل کمتر از پانزده سال آنها در جلسات بهائی شرکت کند و در حقیقت بهائی بشود اینهم همچنین جایز است. (ترجمه)

(خطاب به محفل روحانی ملی آلمان ۲۳ جولای ۱۹۵۳)

(استخراج از نامه بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی استرالیا ۲۹ آگست ۱۹۷۱)

مورد بعدی :

◈ اعتراف به وجود نهاد امنیتی در تشکیلات بهایی

بر مبنای این سند تشکیلات بهایی باید نفوذی های داخل سازمان را شناسائی سپس برخورد نماید آیا برای حصول به این نتیجه وجود نهاد امنیتی ضروری به نظر نمی رسد ؟

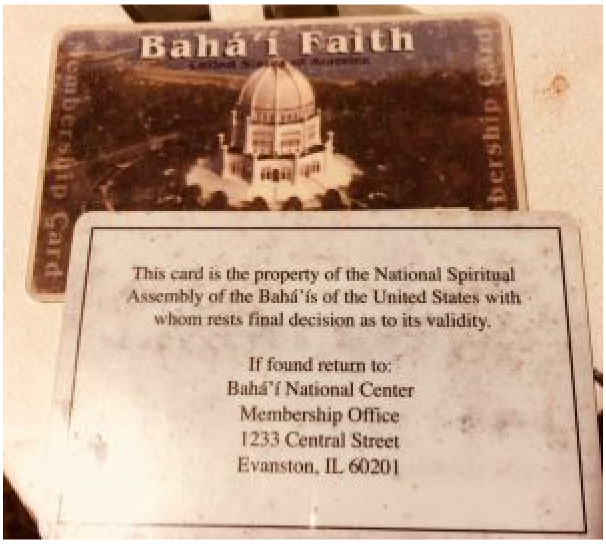
ضمنا آیا اقدامات اطلاعاتی شهروندان یک کشور در کشور ثالث بدون مجوز های قانونی از نهادهای اطلاعاتی ذی صلاح آن کشور جرم محسوب نمی شود ؟

آیا تجسس و تفتیش عقاید افراد در کشور دیگر دخالت در امور شخصی و خصوصی محسوب نمی شود و نباید با سازمان غیر قانونی که این اقدام را انجام می دهد به شدت برخورد کرد ؟

پیام بیت العدل تاریخ : ۱۵۷ ۱۹۶۷-۱۱-۱۹

مورد بعدی :

پشت کارت تسجیله نوشته است در صورت یافته شدن به اداره عضویت اعضا (تسجیل) مرکز ملی بهائیان به آدرس خیابان سنترال شماره ۱۲۳۳ اوانستون ایالت ایلینویز برگردانید....



مورد بعدی :

بهاییت عقیده نیست سازمان است اگر فرد در خواستش مورد تایید قرار بگیرد و در این لجنه ثبت نام شود بهایی است و الا بهایی نمی باشد

اعضای یکی از اولین لجنه های احصائیه و تسجیل در مشهد.



اعضای یکی از اولین لجنه‌های احصائیه و تسجیل در مشهد
ایستاده از راست به چپ: آقایان هادیان، احمد قدیمی، رضوانی، قدرت الله کاشی‌زادهٔ شهیدی؛
نشسته از راست به چپ: شناخته نشد، خانم اختر اعتباری، خانم فروز اللّهوردی‌زاده

مورد بعدی

طی چتی که در یکی از گروهای تلگرامی داشتم فرد بهایی که ظاهرا بابت تحرکات سازمانی محاکمه و محکوم شده بود ضمن فرا فکنی اعمال خود برای مخدوش کردن شخصیت بنده و اتهام این نکته که من باعث مشکل برای وی شدم در حالی که قبلا وی توسط ضابطین قضائی مورد تفقد قرار گرفته بود رسما اعلام می کند که وی ناظم یکی از ضیافت ها در شهر یزد بوده

سند اول اعتراف به ناظم بودن :



سند دوم :



سیما بهروزی، شهروند بهایی به دادگاه انقلاب یزد احضار شد/ سند

خبرگزاری هرانا – سیما بهروزی مهدی آبادی، شهروند بهایی ساکن یزد طی ابلاغیه ای به دادگاه انقلاب این شهر احضار شد. وی پیشتر به دلیل فعالیت در فضای مجازی تحت عناوین مختلف در دادسرای یزد تفهیم اتهام شده بود. این شهروند بهایی پس از تفهیم اتهام به زندان یزد منتقل شده و پس از دو روز با تودیع قرار وثیقه آزاد شده بود.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، امروز چهارشنبه ۱۱ تیرماه ۹۸، سیما بهروزی مهدی آبادی، شهروند بهایی ساکن یزد به دادگاه انقلاب این شهر احضار شد.

طی این ابلاغیه که روز جاری و به صورت الکترونیکی به دست وی رسیده است از این شهروند بهایی خواسته شده ساعت ۱۲ ظهر روز ۲۶ مردادماه سال جاری، در خصوص شکایت مبنی بر عضویت در جمعیت های معارض کشور (بهاییت) و تبلیغ به نفع گروه ها یا سازمان های مخالف نظام (بهاییت) در شعبه اول دادگاه انقلاب یزد حاضر شود.
این شهروند بهایی در تاریخ ۲۹ اسفندماه سال گذشته توسط پلیس امنیت احضار و در خصوص فعالیت در فضای مجازی طی رو مرحله مورد بازجویی قرار گرفت.

پس از مدتی طی ابلاغیه ای از سوی شعبه ۴ دادسرای یزد به این شعبه احضار و از بابت اتهامات "تبلیغ آیین بهایی و عضویت در گروه های معاند نظام" تفهیم اتهام شد. این شهروند بهایی پس از تفهیم اتهام به دلیل عدم توانایی در تامین وثیقه بازداشت و به زندان یزد منتقل شد و پس از دو روز با تامین وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی تا پایان مراحل دادرسی از این زندان آزاد شد.

سیما بهروزی، هموطن بهایی به زندان محکوم شد!

سیما بهروزی مهدی آبادی، شهروند بهایی ساکن یزد توسط دادگاه انقلاب این شهر به تحمل ۳ ماه حبس تعزیری محکوم شد. جلسه دادگاه این شهروند بهایی در تاریخ ۲۷ مردادماه برگزار شده بود. این شهروند بهایی پیشتر به دلیل فعالیت در فضای مجازی تحت عناوین مختلف در دادسرای یزد تفهیم اتهام و به زندان یزد منتقل شده و پس از دو روز با تودیع قرار وثیقه آزاد شده بود.

بر اساس اعلام دادگاه انقلاب یزد، سیما بهروزی از اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام تبرئه و از بابت اتهام "عضویت در یکی از گروه های معارض نظام" به ۳ ماه حبس محکوم شد.

#به_آزار_بهاییان_پایان_دهید

#زندگی_در_تبعیض

#بهایی

لینک :

https://t.me/hranews/35060

سند سوم :



سند سوم :



سند چهارم :

منبع: https://www.hassanershad.com/832

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

نشست ۱۹۶۹ جلسه ۱

مقدمه :

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۱ – هدف : کل جهان در یک نسل تحت سلطه بیت العدل بهاییان در آید
۲ – وابستگی بنیادی به تشکیلات (عضو موثر تشکیلات)
۳ – ادعای مستقل بودن
۴ – اعتراف به تبلیغ سازمانی
۵ – اعتراف به ممنوعیت
۶ – مشکوک به اخراج از چین
۷ – ارتباط با سرویس های امنیتی و بالا دستی و تربیت شده ایشان
۸ – کار بر روی اتباع کشورها خارج از کشور و تربیت آنها جهت نفوذ در کشور خود
۹ – حضور مخفیانه روحیه ماکسول در چین و سرویس های امنیتی ایادیان و مشاورین قاره ای
۱۰ – نمونه ای از مزدوری برای اسرائیل

نشست ۱۹۷۰ جلسه ۲

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۱ – هدف : کل جهان در یک نسل تحت سلطه بیت العدل بهاییان در آید

نشست ۱۹۷۱ جلسه ۳

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۱ – هدف : کل جهان در یک نسل تحت سلطه بیت العدل بهاییان در آید

نشست ۱۹۷۲ جلسه ۴

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۲ – وابستگی بنیادی به تشکیلات (عضو موثر تشکیلات) ☞ ☞

نشست ۱۹۷۷ جلسه ۵

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – حضور مخفیانه روحیه ماکسول در چین و سرویس های امنیتی ایادیان و مشاورین قاره ای ☞ ☞ ۱

نشست ۱۹۷۸ جلسه ۶

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – حضور مخفیانه روحیه ماکسول در چین و سرویس های امنیتی ایادیان و مشاورین قاره ای ☞ ☞ ۲

نشست ۱۹۷۹ جلسه ۷

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – حضور مخفیانه روحیه ماکسول در چین و سرویس های امنیتی ایادیان و مشاورین قاره ای ☞ ☞ ۳

نشست ۱۹۸۰ جلسه ۸

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – حضور مخفیانه روحیه ماکسول در چین و سرویس های امنیتی ایادیان و مشاورین قاره ای ☞ ☞ ۴

نشست ۱۹۸۱ جلسه ۹

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – حضور مخفیانه روحیه ماکسول در چین و سرویس های امنیتی ایادیان و مشاورین قاره ای ☞ ☞ ۵

نشست ۱۹۸۲ جلسه ۱۰

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – حضور مخفیانه روحیه ماکسول در چین و سرویس های امنیتی ایادیان و مشاورین قاره ای ☞ ☞ ۶

نشست ۱۹۸۳ جلسه ۱۱

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – کار بر روی اتباع کشورها خارج از کشور و تربیت آنها جهت نفوذ در کشور خود 👍 👍 ۱

نشست ۱۹۸۴ جلسه ۱۲

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۹ – کار بر روی اتباع کشورها خارج از کشور و تربیت آنها جهت نفوذ در کشور خود 👍 👍 ۲

نشست ۱۹۸۵ جلسه ۱۳

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۷ – ارتباط با سرویس های امنیتی و بالا دستی 👍 👍 ۱

نشست ۱۹۸۶ جلسه ۱۴

تشریح ابر پروژه تجاوز به کشوها توسط بیت العدل
بررسی نقش کمال آبادی کارگزار بیت العدل
و اقدامات نیابتی وی در راستای اعمال حاکمیت گلوبالیستهای جهانی

۷ – ارتباط با سرویس های امنیتی و بالا دستی 👍 👍 ۲

===







بازوی بیت العدل در چین
محل زندگی شانگهای، ۱۰ سال
مورد اعتماد رسانه ها و دولت چین
ارتباط با وزرا و ۱۰۰ نفر از رهبران دولت چین

فرزام کمال آبادی



شرکت دکتر کمال آبادی از طرف دولت چین در کنفرانسی به میزبانی دوحه بانک در کویت در باره ی همکاری "کشور های شورای همکاری خلیج فارس" با چین و هند

فرزام کمال آبادی

زمینه ی کاری: نفت، گاز ، فلزات، سرمایه گذاری مالی و خدمات مهندسی، لابی بین دولتی
خدمات شرکت بیش از ۹۰۰ شهردار را در بیش از ۲۵۰ شهر چین در برمیگیرد.
نقطه ی اتصال بین بازار مصرف چین و تولید انبوه خاورمیانه
حضور در ۱۰۰ کشور دنیا و انجام پروژه های بزرگ
ارتباط با افراد کلیدی در حوزه ی نفت و گاز دنیا، افراد با نفوذ در وزارت خانه های نفت کشور های حوزه ی خلیج فارس
دفاتر این شرکت در کشور هایی نظیر چین، امریکا، کانادا، دوبی،هند، اسپانیا، استرالیا و ایران

مدیران ارشد این مجموعه



هوتن مستقیم
مدیر دفتر
واشنگتن- آمریکا



بهرام (بری) سلطانی
متخصص سرمایه گذاری
آمریکا در چین



ورقا طائفی
(خواهر زاده کمال آبادی)
دیر- کار در بخش نفت و گاز

مدیران ارشد این مجموعه



مسعود خواجه شرف آبادی(سم شارپ)
نماینده ی کانادا



Jimmy Huang
معاون- مدیر کل شورای تجارت و صنعت تایوان



عبدالرحمن حسن
معاونت کشور های حوزه ی خلیج فارس

شرکت روند بین المللی برای آینده



تأسیس در سال (۱۳۷۲) - توسط فرزام کمال آبادی
متخصص در امور چین

فعال در زمینه های:
نفت و گاز
امور سرمایه گذاری و مالی
بخش معادن و فلزات
تجارت بین الملل ----خدمات مهندسی

به عنوان پیشگام در دولت مردمی چین، ارتباط با رسانه ها، و شبکه سازی در چین شناخته شده است. خدمات شرکت بیش از ۹۰۰ شهردار را در بیش از ۲۵۰ شهر چین در برمیگیرد.

در رده دولتی، این شرکت با بسیاری از وزراء و اشخاص مهم و بیش از 100 نفر از رهبران در دولت مرکزی ارتباط دارد.
مقالات، گزارشات، پیشنهادات و کنفرانسها و سخنرانی های متعددی از این شرکت به عنوان وسیله ای برای تغییر در سیاست ها، و یا تدوین سیاست های جدید در رده ی ملّی بوده است.
این شرکت، سالها قبل از بحران انرژی، نگاه خود را از غرب به خاور میانه معطوف نمود و صنعت نفت و گاز و انرژی را به عنوان نقطه ی اتصال بین بازار عظیم چین و تولید انبوه خاور میانه قرار داد. این نبود مگر به مدد ارتباطات سیستماتیک دولتی ، و روابط رسانه ای، و تجارت صنعتی در کشورهای عضو همکاری کشورهای خلیج فارس

روابط خارج از چین

برقراری ارتباطی پایدار، مستقیم و شخصی با:
تأثیر گذاران در صنعت جهانی نفت، گاز و انرژی.
رهبران کشورها، افراد کلیدی وزرای نفت.
روسای شرکت های دولتی نفت در کشورهای خلیج فارس (GCC)، افریقا، آسیای مرکزی و آمریکای لاتین.

شرکت بین المللی روند بین المللی برای آینده یک شرکت جهانی با عملیات، تیم ها، شبکه گسترده در بیش از 100 کشور، با ایجاد چند صد پروژه، معاملات، و برنامه های موفق را در کارنامه خود دارا است. همچنین تعدادی ازپروژهای آنها نیزثبت جهانی شده است.

دفاتر شرکت در کشورها :

چین

Future Trends International (Group) Corporation
Central Plaza, Suite 801?
227 North Huangpi Road
Shanghai 200003, China
Tel: +8621 6375-8886
Fax: +8621 6375-8887
Email:farzam@future -trends.org

امریکا

Future Trends International (Group) Corporation
43766 Trade Center Place #105
Dulles, VA. 20166 USA
Tel: +1-703-471-1984
Fax: +1-703-471-1909

اسپانیا

Future Trends International (Group) Corporation
Pl. Doctor Laguna
8 - 6 B - 28009 Ma drid, Spain
Tel: +34-1 409 1462
Fax: +34-1 409 1462

استرالیا

Future Tr ends International (Group) Corporation
10 Wondalea Crescent
Wantirna Vic, 3152 Aus tralia
Tel: +61 3 9887 3478

ایران

Future Trends International (Group) Corporation
Unit 2, No. 33 Taghdiri Street
Second Sadeghiyeh Square
Tehran, Iran
Tel: +98 912 2268766
Fax: +98 21 4405984 5

هندوستان

Madame Rita Sen
The Ship House
10/1, Elgin Road
Calcutta – 70020, India
Tel: +91-33-2287-7573
Fax: +91-33-2282-2088

دوبی

Future Trends International (Group) Corporation
Mr. Rashid Alkamali
PO Box 13132
Dubai, UAE.
Tel: +971-50-285-5535

کانادا

Future Trends International (Group) Corporation
Mr. Sam Sharp
Tel: +1(403)6141032
+86 13521802901
+86 18320818010,(886) 966417991,(852) 9418 6807
Email : sam.sharp@future-trends.org









دیدار کمال آبادی با پسر رئیس جمهور جدید زیمباووه در دوبی

عکس های بالا را منتشر کرده، نقش خود را در انتقال قدرت در زیمباووه در سال ۰۱۷
ندرت را برای دیگر کشور های آفریقا پیشنهاد می دهد.

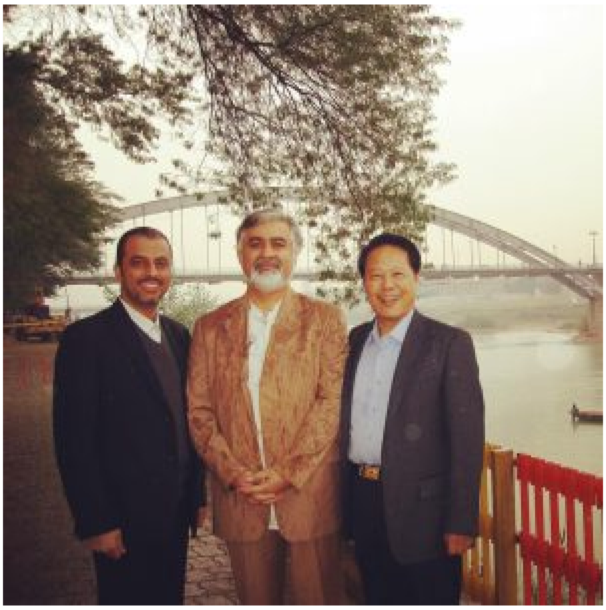





Posts
essidashtdar
85 likes
graduationday
#chinese language #Y2K
daneshpourparvar@







منبع: https://www.hassanershad.com/12290